تسنیم
خبرگزاری
Tasnim
News Agency
ویژه‌نامه «نور اربعین» | ۱۳ مهر ۱۳۹۹
شامل گفت‌وگو با اندیشمندان داخلی
و تازه‌مسلمانان خارجی و یادداشت‌ها
گفت و گو با:
حسن خاکرند
رایزن سابق ایران در کویت
محمدحسین رجبی‌دوانی
محقق تاریخ اسلام
حجت‌الاسلام شیخ مازن
استاد حوزه نجف و عضو اتحادیه اربعین عراق
مجتبی فراورده
کارگردان فیلم تارانه
علی رجبی
مدیر انجمن اربعین اروپا
آیت‌الله حسینی بوشهری
عضو مجلس خبرگان رهبری
آیت‌الله کعبی
عضو مجلس خبرگان رهبری
نور اربعین
جامع‌ترین محتوای رسانه‌ای اربعین
همراه با جدیدترین آثار نقاشی
عبدالحمید قدیریان با موضوع
اربعین (هم‌پای نور)
دیوید فیلیپ از خیابان‌های
نیویورک تا حس حضور در
پیاده‌روی اربعین می‌گوید

بسم الله الرحمن الرحیم

يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرُون
(الصَّف:۸)
می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا -گر چه کافران را ناخوش اُفتد- نور خود را کامل خواهد کرد.

این اثر را در وهلهٔ اول پیشکش سیدمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و عترت مطهر ایشان به ویژه مولای‌مان امام عصر عجل الله تعالی فرجه می‌کنیم، امید که این اندک تلاش را با محبت و رحمت خویش بپذیرند. در وهلهٔ بعد این اثر را تقدیم به تمام محبان و شیعیان اهل بیت وحی علیهم السلام به ویژه علماء ، اندیشمندان و دغدغه‌مندان حریم وحی می‌کنیم تا از این گذرگاه با انواع دیدگاه‌ها در زمینه معارف اربعین حسینی آشنا شوند.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

ویژه‌نامه نور اربعین

جامع‌ترین محتوای رسانه‌ای اربعین

گفت‌وگو با اندیشمندان داخلی و تازه مسلمانان خارجی و یادداشت‌ها

تدوین و تألیف: امیرمحسن شیخان، سعید شیری
تهیه شده در: اداره کل فرهنگی خبرگزاری تسنیم
با همکاری کمیته فرهنگی و آموزشی ستاد مرکزی اربعین حسینی
موضوع: ویژه‌نامه نور اربعین
مدیر هنری و طرح گرافیک: امید بهزادی
عکاس: محمد ملکی
ویراستار: محمدعلی سرخه‌ای
صفحه‌آرا: حسن عموعبداللهی
تعداد صفحات: ۲۲۶ صفحه

مقدمه

اربعین، طلوع شورانگیز انوار فاطمی از اوج آسمان‌ها بسوی عمق این عالم و به پهنای قلوب تمام پاک‌طینتان عالم، برای حرکت آنها بسوی بسترسازی تمدن الهی به امامت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) است. وقتی از اربعین سخن می‌گوییم، نه تنها دربارهٔ حماسه‌ای جهانی بلکه دربارهٔ جریانی از انوار الهی سخن می‌گوییم که به حق، پیوندی بین شور و شعور حسینی برقرار کرد؛ انواری که به تدریج پاک‌طینتانِ از امت‌ها را در مکتب حسینی، بسوی مکتب حیات‌بخش تشیع سوق داده، تا ضمن نهادینه‌سازی عالی‌ترین ارزش‌ها و تربیت‌ها در قلب و جانشان، آنان را آمادهٔ ورود به مقطع سخت آخرالزمان، رویایی با دشمنانِ سوگندخوردهٔ بشریت و در مرحلهٔ بعد آمادهٔ پذیرشِ منجی عالم بشریت یعنی مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه) کند؛ حضور گستردهٔ ملت‌ها از بیش از ۸۰ کشور دنیا گواهی بر این حقیقت شیرین است.

از این روست که شاهدیم زائران در زیارت اربعین متأثر از انوار الهی، جامعه‌ای شکل می‌دهند که عالی‌ترین نوع از معارف و ایمانیات و نیز عالی‌ترین نوع از تعاملات انسانی در آن جریان دارد؛ شاخصه‌هایی مثل محبت، مودت، اخلاق‌مداری، ایثار، از خودگذشتگی، مواسات، همدلی، تکریم و همبستگی تنها گوشه‌ای از ویژگی‌های جامعه اربعینی است که هر کدام از آنها در حد اعلا جلوه‌گر است. تمام این گزاره‌های ایمانی و اخلاقی، آن هم به این گستردگی، فکر انسانِ عاقل را به این سمت هدایت می‌کند که این جریان، رویدادی صرفاً بشری نیست بلکه تنها خدا می‌توانست این جریان نورانی را از مجرای خلیفهٔ بر حق خود رقم بزند.

با این توضیحات، محتوای این ویژه‌نامه بر اساس این رویکرد در سه بخش شامل گفت‌وگو با علما اندیشمندان، گفت‌وگو با تازه‌مسلمانان، یادداشتها تدوین شد. این محتواها حاصل ۳ سال فعالیت رسانه‌ای است که هر سال در ایام نزدیک به اربعین

صورت می‌گرفت. بخشی هم در انتهای ویژه‌نامه اختصاص به تصاویر مربوط به آخرین مجموعه آثار نقاشی عبدالحمید قدیریان در زمینهٔ اربعین با عنوان «هم‌پای» نور اختصاص داده شد.

در پایان از تمام عزیزانی که در تهیه و تنظیم این اثر همکاری داشتند تشکر می کنیم، به ویژه حسین جودوی مدیر و مهدی خدایی دبیر سرویس فرهنگی خبرگزاری تسنیم که در ویرایش و تأیید محتوای متن سایت اقدام شایسته به عمل آوردند.

و منه الله توفیق

فهرست

الف) گفت‌وگو با علما و اندیشمندان ۱۳

مصاحبه اول. آیت‌الله سیدمختار میرعظیمی..... ۱٤
مصاحبه دوم. حجت‌الاسلام سعید طالبی‌نیا ۲۱
مصاحبه سوم. حسن خاکرند رایزن ۲۷
مصاحبه چهارم. عبدالحمید قدیریان ۳۳
مصاحبه پنجم. حجت‌الاسلام سعید طالبی‌نیا ٤۰
مصاحبه ششم. محمدمهدی ذوالفقارزاده..... ٤٥
مصاحبه هفتم. حجت‌الاسلام مصطفی الهیاری ٥٤
مصاحبه هشتم. حجت‌الاسلام ناصر خلج ٦۲
مصاحبه نهم. حجت‌الاسلام ملک‌محمدی ٦٤
مصاحبه دهم. حجت‌الاسلام محمدعلی معینیان ٦٦
مصاحبه یازدهم. علی‌اکبر رائفی‌پور..... ۷۲
مصاحبه دوازدهم. علی رجبی ۸۰
مصاحبه سیزدهم. حجت‌الاسلام مجیدرضا فولادی ۸٥
مصاحبه چهاردهم. حجت‌الاسلام محمد دغانلو ۸۷
مصاحبه پانزدهم. حجت‌الاسلام علی چراغی‌پور..... ۸۹
مصاحبه شانزدهم. حجت‌الاسلام محمدعلی معینیان ۹۱
مصاحبه هفدهم. حجت‌الاسلام محمدمهدی محمدی ۹۲
مصاحبه هجدهم. حجت‌الاسلام سید عباس موسوی‌مطلق ۹۳
مصاحبه نوزدهم. کامران گوهری ۹٥
مصاحبه بیستم. روح‌الله رفیعی ۹۷
مصاحبه بیست و یکم. حجت‌الاسلام محمود ابوالقاسمی ۱۰۱
مصاحبه بیست و دوم. محمدحسین رجبی‌دوانی..... ۱۰٤
مصاحبه بیست و سوم. حجت‌الاسلام علی سعیدیان ۱۰٥

برای مشاهده محتوای مورد نظر بر روی تیتر آن کلیک کنید!

مصاحبه بیست و چهارم. حامد ضیافر ۱۰۷
مصاحبه بیست و پنجم. غلامرضا سازگار..... ۱۱۳
مصاحبه بیست و ششم. غلامعلی رنجبر ۱۱٤
مصاحبه بیست و هفتم. حجت‌الاسلام شیخ مازن..... ۱۱۹
مصاحبه بیست و هشتم. مجتبی فراورده ۱۲۱
مصاحبه بیست و نهم. حجت‌الاسلام حمید احمدی ۱۲۵
مصاحبه سی‌ام. حجت‌الاسلام حبیب‌رضا ارزانی ۱۳۰
مصاحبه سی‌ویکم. حجت‌الاسلام احمد پناهیان ۱۳۵
مصاحبه سی‌و دوم. محمدهادی همایون ۱۳۷
مصاحبه سی‌و سوم. غلامعلی دولابی و عبدالله فرّهی ۱٤۲
مصاحبه سی‌و چهارم. سعید اوحدی ۱۵۰
مصاحبه سی‌و پنجم. حجت‌الاسلام سید جواد بهشتی ۱۵۲
مصاحبه سی و ششم. حجت‌الاسلام مصطفی کرمی ۱۵۷
مصاحبه سی و هفتم. آیت‌الله کعبی..... ۱٦۱
مصاحبه سی و هشتم. آیت‌الله حسینی بوشهری ۱٦۳
مصاحبه سی و نهم. آیت‌الله سید محمد قائم‌مقامی..... ۱٦۵

ب) گفت‌وگو با تازه‌مسلمانان ۱٦۷

مصاحبه چهلم. دیوید فیلیپ آمریکایی..... ۱٦۹
مصاحبه چهل و یکم. زهرا سلطانی ۱۷٤
مصاحبه چهل و دوم. زینب ثانی ۱۷۸
مصاحبه چهل و سوم. حسن رضا ۱۸٤
مصاحبه چهل و چهارم. عفت زهرا ۱۸۹

ج) یادداشت‌ها ۱۹۲

یادداشت (۱) حجت‌الاسلام حسین انصاریان..... ۱۹۳
یادداشت (۲) «وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» در اربعین در حال وقوع است..... ۱۹۷
یادداشت (۳) تجلّی «مارأیتُ إلا جَمیلاً» در جریان اربعین حسینی علیه‌السلام . ۲۰۱
یادداشت (٤) الگوبرداری از جامعه اربعین در اصلاح سبک زندگی..... ۲۰۳

برای مشاهده محتوای مورد نظر بر روی تیتر آن کلیک کنید!

یادداشت (۵) جریان اربعین؛ ظرفیتی برای تحقق آرمان‌های انقلاب ۲۰۵
یادداشت (٦) جستاری در حدیث انَّ الْحُسین مِصباحُ الْهُدی وَ سَفینَهُ ۲۰۹
یادداشت (۷) خون حسین می‌جوشد؛ نورِحسین می‌تابد ۲۱۳
یادداشت (۸) سبک زندگی اربعینی: جاذبه تکریم در افق پیش..... ۲۱٦
یادداشت(۹) سبک زندگی اربعینی: منش «زهراوار» میزبانان و ۲۱۸
د)تصاویر..... ۲۲۰
در قدر ۲۲۲
والفجر ۲۲۳
در محضر..... ۲۲۳
صبح ظهور ۲۲٤
به سوی فرات ۲۲٤
پر کن پیاله را ۲۲۵
انتخاب حر ۲۲٦

برای مشاهده محتوای مورد نظر بر روی تیتر آن کلیک کنید!

مقدمه

ایام پیاده‌روی اربعین حسینی مقطعی است که می‌توان از آن به‌عنوان فرصتی برای رشد و ارتقای صفات اخلاقی و رفتاری در ابعاد فردی و اجتماعی، در پرتو انوار مقدس امام حسین علیه‌السلام یاد کرد. پاک‌طینتان عالم در این همایش جهانی، کنار یکدیگر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند که ارزش‌های ایمانی و اخلاقی از جلوه‌های بی بدیل آن است؛ افرادی که تجربه حضور در سفر زیارت اربعین را دارند، معترفند که در این سفر، سبک جدیدی از زندگی را تجربه می‌کنند که عناصر آن، متشکل از عالی ترین ارزش‌های انسانی همچون محبت، ایثار، تکریم، قناعت، مواسات، عفو و گذشت، حیا و سایر ارزش‌های متعال است؛ همچنان که ظرفیت همایش اربعینی، بهترین بستر برای شکل‌گیری وحدت امت اسلامی و مفاهمات بین‌الادیانی شمرده می‌شود، زیرا هر ساله بیش از ۹۰ کشور دنیا با هر دین و آیینی در راهپیمایی اربعین حضور می‌یابند و ما شاهد بودیم دشمنان هراس فراوانی از این ظرفیت معجزه‌گونه از خود بروز دادند.

بنابراین می‌توان اذعان داشت خداوند در ایام پیاده‌روی اربعین فرصتی ایجاد کرده است که می‌توان از آن با عنوان الگوی تمدن عظیم الهی یاد کرد، همان تمدنی که از اهداف اصلیِ پیامبران الهی و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام و نیز مقصد پایانیِ انقلاب اسلامی ایران است؛ هرچند این بار در اقدامی مشکوک و در مقام تروری بیولوژیک، بیماری کرونا را در جهان فراگیر کردند تا از این رهگذر سبب تضعیف تجمعات دینی همچون همایش جهانی اربعین شوند، اما به طور حتم خداوند همچون گذشته مکرشان را به خودشان باز خواهد گرداند و جبهه‌ی مقاومت را نه تنها از ایران تا عراق بلکه این بار به پهنای جهان اسلام و در گام بعدی در سرتاسر دنیا و با ظرفیت پاک‌طینتان و حق‌طلبان عالم گسترش خواهد داد تا زمانی که حاکمیت دنیا و امامت عالم به ید قدرت موعود دلها و منجی عالم یعنی امام عصر (عج) در آید تا دین اسلام را بر تمام ادیان عالم پیروزی دهد و این وعده‌ی خداوند است که فرمود «**هُوَ الَّذي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدى وَ دينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُون**؛ اوست کسی که رسول خود را با هدایت و دین حق ارسال کرد تا آن را بر هر چه دین است پیروز کند، هر چند مشرکان را ناخوش آید.»

حال در شرایط فعلی که بیماری کرونا سبب شد از لطف حضور در سرزمین مقدس کربلا برای پیاده‌روی اربعین باز مانیم، به طور قطع از انوار همیشه جاریِ امام حسین علیه‌السلام بی‌بهره نخواهیم ماند چرا که نور ایشان از ازل بوده و تا ابد خواهد بود؛ با این حال تولید چنین محتواهایی می‌تواند بر تحکیم و تقویت شعور حسینی در مخاطبان بیفزاید و آنان را هرچه بیشتر در حال و هوای ایام اربعینی قرار دهد؛ امید که بتوانیم با مطالعه این محتوای ارزشمند، خود را با سبک زندگی اربعینی برای حسینی‌تر شدن تطبیق دهیم و با همین روحیهٔ حسینیت گام‌های بسوی مهدویت را استوارتر از گذشته برداریم.

مهندس جعفر درونه

قائم مقام خبرگزاری تسنیم

الف) گفت و گو با علما و اندیشمندان

مصاحبه اول ـ آیت‌الله سیدمختار میرعظیمی، استاد حوزه علمیه قم:
طلوع فجر به‌طور معجزه‌آسا از افق اربعین می‌تابد/ اربعین صاحبی جز امام عصر(عجل الله تعالی فرجه) ندارد

*** اگر بخواهید جریان اربعین حسینی علیه‌السلام را با آیه‌ای از قرآن معرفی کنید، چه آیه‌ای را متناسب با این فضا می‌دانید؟**

پاسخ این سؤال به یک مقدمه نیاز دارد، خداوند در قرآن بر اساس مصالح و حکمت خود سه روش برای معرفی اولیای الهی دارد؛ معرفی برخی انبیا به‌صورت مستقیم و نام بردن آشکار از آنان است؛ مثل حضرت یوسف علیه‌السلام و حضرت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همچنین خداوند برخی را با خصوصیات و ویژگی‌های آنان معرفی می‌کند؛ مثل نقبای دوازده‌گانه بنی‌اسرائیل و نیز برخی را بر اساس صفات و ویژگی‌های منحصر به فردشان معرفی می‌کند که تطبیق آنها با شخصیت‌های آنان کاملاً واضح و همراه با تأیید پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام است؛ مثل معرفی حضرات امام امیرالمؤمنین و امام حسین و حضرت حجت.

قرآن ائمه علیهم‌السلام را با صفت معرفی کرده است

در قرآن معرفی ائمه علیهم‌السلام در امامت خاصه‌شان بر اساس صفات و شرایط مخصوص آنها مثل آیه تبلیغ، ولایت و اولی‌الأمر گاهی به‌صورت مستقیم و در آیات تطهیر و مباهله به‌صورت غیرمستقیم است؛ برای مثال صفت علم لدنّی و عصمت که در قرآن ذکر شده است به‌اعتراف بزرگان شیعه و سنی مخصوص اولاد امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهاالسلام است. در قرآن به‌صورت مستقیم از امام حسین علیه‌السلام نام برده نشده است و از ۱۲۸ تا ۲۵۰ آیه از قرآن در مقام تفسیر و تأویل با استناد به کتب روایی معتبر به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به امام حسین دلالت داده شده است که انطباق

آنها با شخصیت و مقام ایشان کاملاً واضح بوده و دلایل آن توسط ائمه و مفسران و بزرگان بیان شده است.

این روش حکمت‌آمیز بهترین راهکار برای حفظ قرآن از تحریف توسط معاندان بود. آنها با ناامیدی در دست بردن در آیات قرآن بر اساس وعده خداوند در آیه «**إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ**؛ ما قرآن را نازل کردیم و ما حافظ آن هستیم»، به جعل احادیث و جریان‌های انحرافی و فرقه‌سازی روی آوردند. مهم‌ترین اسناد آن، حوادث تلخی بود که تاریخ اسلام را از برنامه پیامبر برای تشکیل حکومت اسلامی بر پایه امامت منحرف کرد و زندگی ائمه علیهم‌السلام را حتی خارج از دایره سیاسی با مشکلات بسیاری همراه کرد که نمونه آن در این مورد قیام خونین امام حسین علیه‌السلام با همه ابعاد استثنایی و منحصربه‌فرد آن است. تلاش‌های بی‌وقفه امامان بعد، برای غربالگری خرافه‌ها و جعل‌ها در شرایط بسیار سخت ادامه داشت تا جایی که مصلحت الهی بر غیبت آخرین ولی الهی عملی و تثبیت و دوران غیبت آغاز شد.

با این مقدمه بسیار مهم در پاسخ سؤال طرح‌شده می‌توان گفت همه آیات قرآن از خطاب‌های «یا أیها المؤمنون»، «**وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ؛ أُوْلَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ**»، «**مُهَاجِراً إِلَى اللَّهِ**»، جهاد در سبیل الله تا آیه «**وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لاتَكُونَ فِتْنَةٌ**»؛ مشرکان را بکشید تا فتنه‌ای باقی نماند»، «**تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ**»، «**لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ**؛ تا بین مردم بر اساس آنچه خدا به تو نشان داده حکم کنی»، «**وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ**؛ تا به آنها برتر از آن چیزی که عمل می‌کنند پاداش می‌دهیم»، همگی مصداق واقعی و أتمّ حضرت اباعبدالله علیه‌السلام هستند. در نهایت باید گفت که همه قرآن آدرس امام حسین و هر آنچه را مربوط به ولیّ الهی است، به ما می‌دهد و شاه‌کلید همه چیز حسین است که حتی در کارزار نبرد و با سر بریده قرآن می‌خواند.

آفتاب اسلام در جریان اربعین طلوع می‌کند

وقتی صحبت از زیارت اربعین به منظور تجدید میثاق با امام حسین به میان می‌آید که برای اولین بار توسط جابربن عبدالله انصاری انجام شد و توسط بزرگان زیادی به‌صورت مخصوص ادامه یافت، نام رهبری آزاده برده می‌شود که قرنهاست پیام (قُتل الحسین بِکربلا عطشاناً و مظلوماً) او در جهان شنیده می‌شود. سؤال درباره علت شهادت امام حسین طبق این آیه که می‌فرماید: «**بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ**؛ به کدامین

گناه کشته شده است؟» سالهاست که جمعیتی را در یافتن پاسخ آن به مسیری سوق می‌دهد که دین و مذهب در آن، در طبقات پایین‌تر قرار دارد. وقتی خیل جمعیت فارغ از عقایدشان در یک همایش پرشور به‌دنبال پاسخ (به کدامین گناه کشته شدی؟) با احترام و اخلاص به حرکت درمی‌آیند و این که چرا این فدا شدن در میان همه کشتارها و قیامهای دنیا ماندگار شده و سرخی خون صاحبان آن با سیاهی و مصیبت آن در قالب یک نیروی مغناطیسی خارق‌العاده در جهانی خارج از محاسبات بشری در قَلَیان و خروش بوده است و هیچ خطر و مانعی حتی مرگ جلودار آن نیست، انسان‌های فهیم را به جست‌وجو وامی‌دارد. شاهد هستیم که آفتاب اسلام در وعدهٔ خداوند در سوره فجر دوباره در میان همه جاهلیتِ دوران و ظلم و ستم مستکبران که در حال مانور و قدرت‌نمایی هستند، بسیار زیبا طلوع کرده و به‌طرز معجزه‌آسایی بر قلوب ستمدیدگان دنیا تابیده است و خودنمایی می‌کند. آیاتی از سوره فجر که به امام حسین علیه‌السلام منتسب است، مانند قطعنامه‌ای تجلی‌گر همه آن چیزی است که امروز در حال اتفاق افتادن است. وعده خداوند در مورد عاد و ثمود که با همه عظمتشان جز نامی از یک قوم سرکش از آنان باقی نمانده است، تداعی‌گر همه اقوام مدعی است که مقابل انسانیت ایستاده‌اند و این سنت الهی است که ماندگار و جاوید است.

شاهد هستیم که آفتاب اسلام در وعدهٔ خداوند در سوره فجر دوباره در میان همه جاهلیتِ دوران و ظلم و ستم مستکبران که در حال مانور و قدرت‌نمایی هستند، بسیار زیبا طلوع کرده و به‌طرز معجزه‌آسایی بر قلوب ستمدیدگان دنیا می‌تابیده و خودنمایی می‌کند. امام حسین علیه‌السلام بر اساس آیات انتهایی سوره فجر نفس مطمئنه و متّصف به صفت راضیهٔ مرضیهٔ هستند؛ آنجا که خداوند فرمود «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» و «رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» است که قرن‌هاست نامش بر سر زبانهاست و زیارت ایشان طی این سالیان دراز همراه با خطرات بسیار جانی اما همراه با تجدید میثاقی وثیق بوده است.

اربعین خنثی‌کننده توطئه دشمنان است

امام حسین علیه‌السلام در آغاز قیام خود فرمود: «من برای اصلاح دین جدم قیام می‌کنم». انحراف عظیمی که با عمل نکردن به بیعت غدیر پایه‌گذاری شد و با غصب حق اولاد امیرالمؤمنین ریشه دواند و با شهادت مظلومانه حضرت علی و حضرت زهرا و با تحمیل صلح بر امام حسن به خیال ابوسفیانیان قوت گرفت، در روز عاشوراء به همه مسلمانان معرفی و خنثی شد و راه از بیراهه به قیمت گزافی جدا شد. امام حسین

در آن روز فرمود: «یا شِیعَةَ آلِ‌اَبِی‌سُفْیانَ اِنْ لَمْ یَکُنْ لَکُمْ دِیْنٌ وَکُنْتُمْ لاتَخافُونَ الْمَعادَ فَکُونُوا اَحْراراً فِی دُنْیاکُمْ؛ ای شیعیان آل‌ابی‌سفیان، اگر دین ندارید و از معاد ترسی ندارید، در دنیایتان آزاده باشید». عبارت "شیعیان ابوسفیان" به این معناست که قابلیت تطبیق با زمان دارد، دشمنانی قسم‌خورده‌ای که از دودمان ابوسفیان هستند؛ اما اینک زمان عمل ما است تا این بار امانت را به نسل‌های آینده برسانیم. شرایط فعلی اسلام و به‌ویژه شیعه این چنین است که نه‌فقط همه دشمنان اسلام بلکه همه کسانی که دشمن عزت و آزادگی انسانها هستند، با ایجاد رعب و وحشت و اسلام‌گریزی با عَلَم کردن تفکرات منحرفانه و ایجاد شبهه در اعتقادات جوانان قصدشان مبارزه با توحید و اسلامی است که روزی مردی آزاده برای اصلاح آن با همه دار و ندارش به‌پا خاست، اما به‌تعبیر قرآن، همه تلاش‌های آنها که برخاسته از تمام قوای آنها و حیله و نهایتِ دسیسه‌های آنهاست، به وِردی از ناحیهٔ دشمنان در توصیف شده است، آنجا که فرمود: « یُرِیدُونَ لِیُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ؛ (سوره مبارکه صف، آیه ۸) می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گر چه کافران را ناخوش آید، نور خود را کامل می‌کند» لذا خداوند در قبال دشمنی دشمنان مدام به سپاه حق قوت می‌دهد. آنجا که فرمود: « وَمَکَرُواْ وَمَکَرَ اللّهُ وَاللّهُ خَیْرُ الْمَاکِرِینَ».

اربعین صاحبی جز امام عصر ندارد

شاهدیم که بعد از مراسم جهانی حج با همه شکوه و عظمت آن، مدتی است که باب هزار سوی زیارت اربعین رونق گرفته است که همه در آن رفتار خاصی از خود بروز می‌دهند؛ یعنی بهتر است بگوییم همان هستند که باید باشند؛ یعنی بر اساس فطرت خود عمل می‌کنند. حج ابراهیمی اگر اجتماعی صرفاً اسلامی برای حفظ شعائر اسلامی است، جنبش اربعین همایشی جهانی برای بیعت و تجلیل از احیاءگر اسلام و مفسر آزادی و عزت است که صاحبی غیر از امام عصر ندارد؛ لذا زیارت اربعین وظیفه‌ای مسلم برای منتظران واقعی در قالبی انحصاری و با تمنایی عمومی است که بی‌شک مقدمهٔ قیام بزرگ منجی و عدالت‌گستر جهانی است.

حرارت شور حسینی فطرت‌های پاک را بسوی خود می‌کشاند

جریان اربعین همان جمال و جلالی است که حضرت زینب از کاخ یزید در میان همه رنجها آن را به وضوح مشاهده کرد. جریان اربعین راهی است از آسمان که

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره رهبر آن فرموده است: «**إِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عَنْ يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِصْبَاحُ هُدًى وَ سَفِينَةُ نَجَاةٍ**؛ همانا در سمت راست عرش خدا نوشته شده است حسین علیه‌السلام نور هدایت و کشتی نجات است» «**و امامٌ غیر وهن و عزّ و فخر و عَلم و ذخر**؛ امامی سستی‌ناپذیر، باعزت، افتخارآفرین، راهنما و ذخیره الهی است». اسلام دین جهانی و قیام امام حسین علیه‌السلام متعلق به همه انسانهای آزاده جهان است. آنچه که جنبش‌های حسینی را راهبری می‌کند، عشق و حرارتی است که پیامبر در مورد آن فرموده است: «**إنّ لِقَتلِ الحُسینِ حَرارَةً فی قُلوبِ المُؤمِنینَ لاتَبرُدُ اَبَداً**؛ همانا در کشته شدن حسین حرارتی در قلب مؤمنین است که هرگز سرد نمی‌شود»؛ در نتیجهٔ همین حرارت است که همه فطرت‌های حق‌طلب ناخودآگاه بسوی آن جذب می‌شوند و پاسخ همه سؤالهای خود را که سالها درگیر آن بوده‌اند، در سفره محرم و صفر دریافت می‌کنند و نمک‌گیر مرام مولا و مقتدایشان ماندگار می‌شوند.

*** کارکرد اربعین در جریان‌سازی منفی علیه استکبار جهانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

وسعت توطئه‌ها و تلاش‌های بی‌وقفه و همه‌جانبه استکبار برای مبارزه ناجوانمردانه با ملتی که شعارش حسین و طالب عزت است و بزرگ‌نمایی جریانهای افراطی برای تضعیف قدرت شیعه و ایجاد رعب و وحشت در سطح جهانی برای منفور کردن اسلام و ایجاد تفرقه‌ای که امروز نه‌تنها شیعه و سنی بلکه همه ملتها را شامل می‌شود، همه نشان از اهمیت این موضوع دارد. وقتی ابعاد برنامه‌های گوناگون و حساب‌شده دشمن برای ایجاد تفرقه بین امتها را می‌بینیم، باید به عمق ترس و وحشت دشمن از این باب ماورایی آگاه شویم. **دشمن مدتهاست که به مبارزه وسیع با عقاید ما پرداخته و امروز نقطه حساسی را شناسایی کرده است که اهمیت آن را در بیداری ملتها خوب می‌داند که مقابله با آن فراتر از یک وظیفه بوده است و نیاز به فراخوانی بزرگ و بسیج عمومی دارد.** دست رد زدن بر خواسته‌های مستکبران و حفظ عزت و کرامت انسانی همان تحفهٔ با ارزش و هدیه‌ای است که رهبر انقلاب با اشاره به بیداری اسلامی درباره‌اش می‌فرماید «**ملتهای مظلوم دنبال کرامت خودشان هستند؛ همان عزت و کرامتی که یکی از پایه‌های دعوت پیامبر بود. در طول سالهای متمادی، دشمنان و مستکبران و اشغالگران و مداخله‌گران، ملتهای ما را استثمار کرده‌اند؛ در عین حال آنها را تحقیر و ذلیل**

کردند. ملتها وقتی که از اسلام بهره‌مند باشند، عزت‌طلبند، کرامت‌طلبند؛ این همان حرکت اسلامی است و حرکت اسلامی معنایش این است».

کوتاهی در تسهیل اربعین در اوج عداوت دشمنان گناهی نابخشودنی است

*** با توجه به فرصت زیارت اربعین در فرهنگ‌سازی عمومی تسامح مسئولان در عدم تسهیل‌سازی پیاده‌روی اربعین چه وجهی دارد؟**

وقتی شاهدِ سرمایه‌گذاری‌های کلان ادیان برای تسخیر جهان و برای اثبات وجودشان هستیم، باید بدانیم که کوتاهی در امر ترویج آموزه‌های دینی، گناهی نابخشودنی برای سران کشور و همه کسانی است که دستی بر این امر دارند. این حرکت و پویش ملی و فرا قومی که راهی هموار برای معرفی حقانیت اسلام و ارتباط با ملل دنیاست، به‌عنوان بستری خودجوش و مؤثر باید با تمام قوا تقویت و پاس داشته شود. تسامح و کوتاهی جای خود دارد، هرگونه عدم تسهیل و ارتقای شرایط، مسئله‌ای غیر قابل جبران و گذشت است. اصل، خود مردم هستند که بانی این حرکت عظیم الهی شده‌اند و مسئولان وظیفه دارند به‌عنوان سران حکومت اسلامی و با توجه به همه ابعاد این امر مهم را به بهترین شکل هدایت کنند و مسلم است که نقش علما و مراجع در این مورد بسیار ارزنده و حیاتی است. بحث ما تشکیل کنگره و مجامع و مقاله نیست، دغدغهٔ ما در این امر اجرا و به ظهور رساندن ثمرات این حرکت انقلابی و مهیا کردن بهترین شرایط و امکانات است؛ بقیه‌اش معجزه‌ای است که با امر خدا و توجه حضرت ولی عصر و عشق حسینی به وقوع می‌پیوندد. **این جریان نمودی جدید از بیداری جهانی بعد از بیداری کشورهای اسلامی است که ابعاد آن نیز باید در سطح جهانی و کلان بررسی و مورد توجه باید واقع شود.**

معنویت زیارت اربعین، توشهٔ معنوی یک سال مؤمنان است

*** اربعین چه تأثیری در اصلاح مناسبات اخلاقی در جامعه و خانواده دارد؟**

جواب این سؤال را در همراه شدن با زائران حسینی به‌صورت عملی می‌توان گرفت. هرکه قدم در این مسیر می‌گذارد، با کوله‌باری از درس‌های ماندگار بازمی‌گردد و همین ماندگاری، علت تأثیر ارزندهٔ آن است؛ لذا الگویی تمام‌عیار و خارج از نظریه‌های دست‌نوشته و کلیشه‌ای می‌شود. گذشت، ایثار، مودّت، برادری، برابری و مهر بی‌منت در این مجموعه عظیم است. مردم عراق بدون آنکه دربارهٔ شخصیت شما و نژادتان چیزی بدانند، به شما خدمات می‌دهند. فقط این مهم است که تو محب امام

حسین هستی. **توشه‌هایی که باید در جمع خانواده‌ها و جامعه یک سوغاتی ماندگار از این زیارت باشد، معنویات و عشق بی‌پایان به امام حسین**علیه‌السلام **است**، چرا که امام حسین مرد عمل است و شیعهٔ او نیز باید چنین باشد. شیعه باید با ادب، با مرام، با معرفت و نیز صاحب صداقت، حس شهادت‌طلبی، ایمان، درایت، ذکاوت و در کل، الگویی برای جهانیان باشد؛ لذا می‌توان گفت معنویتِ زیارت اربعین توشهٔ معنوی یک سال مؤمنان است.

مصاحبه: سعید شیری

مصاحبه دوم ـ حجت‌الاسلام سعید طالبی‌نیا، مدیرکل اروپا و آمریکای مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام: ایام اربعین موسم اثرگذاری نور خداوند در دل‌های مردم است

*** عده‌ای از روشنفکران قائلند ماجرای انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و اخیراً این همایش بزرگ اربعین حسینی رفتارهای خودجوشی است که مردم از خود بروز می‌دهند. اما برخی دیگر معتقدند این دست وقایع، جریاناتی الهی هستند که خداوند فاعل اصلی آن است؛ یعنی خداوند است که نوری در دل‌ها ایجاد می‌کند و پاک‌طینتان را حرکت می‌دهد، اگر این‌طور است نقطه اتصال این قیام‌ها را در چه موضوعی می‌بینید؟**

ما باید به‌دنبال فصل مشترکی در بین این قیام‌های الهی باشیم که نمونه کامل و شاخص این قیام‌ها، قیام اباعبدالله علیه‌السلام در کربلاست؛ از این منظر قیام ملت ایران، قیام سردار جنگل در شمال، ستارخان در تبریز، رئیس‌علی دلواری در بوشهر یک جهت پیدا می‌کنند که همان انگیزه‌های الهی است. در این قیام‌ها انگیزه‌ای جز رضایت خدا نیست.

حیات طیبه، حلقه وصل قیام‌ها و جریانات الهی

حلقهٔ اتصال عاشورا، انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، اربعین حسینی و مهدویت، رسیدن به حیات طیبه است؛ یعنی اگر ما «حیات طیبه» را محور قرار بدهیم، آن وقت می‌بینیم که همه این قیام‌ها به هم مرتبط هستند و اصلاً نمی‌توانند از یکدیگر جدا باشند.

قیام امام حسین علیه‌السلام برای رساندن عالم و آدم به حیات طیبه بود

برخی سؤال می‌کنند "امام حسین علیه‌السلام که می‌دانست کشته می‌شود، چرا قیام کرد؟"، پاسخش همان است که عرض کردم؛ امام حسین علیه‌السلام برای رساندن عالم و آدم به حیات طیبه قیام کرد و شهید شد. یک عده مثل ابن‌خلدون و امثال ایشان می‌گویند "امام حسین از مرگ خود خبر نداشت و اگر خبر داشت خودکشی محسوب می‌شد"؛ لذا فعل امام را زیر سؤال می‌برند، اما عده‌ای از جمله علمای شیعه می‌گویند امام حسین علیه‌السلام عالم به غیب است، قطعاً از مرگ خودش خبر داشت و می‌دانست چه

کار می‌کند و دانسته به آغوش مرگ رفت، زیرا **حضرت دنبال لقای الهی و حیات طیبه بود.** خود آن حضرت بارها اشاره داشتند "برای احیای دین پیامبرﷺ قیام کردم"؛ این‌گونه هم شد، یعنی هرچند ایشان به‌ظاهر از دشمن شکست خورد، اما خداوند اثرات خون‌شان را تاکنون باقی نگه داشته است و تا ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه و بعد از آن ادامه دارد.

انقلاب اسلامی و اربعین حسینی در راستای تمدن اسلامی است

از این منظر وقوع قیام‌های متعدد پس از شهادت ایشان، وقوع انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و پیاده‌روی اربعین حسینی علیه‌السلام از ثمرات جانفشانی‌های امام حسین در کربلاست. بنابراین عاشورا هدف را برایمان مشخص کرد که همان رسیدن به حیات طیبه در پرتو تمدن بزرگ اسلامی است، این همان چیزی است که تمام انبیای الهی به آن گوشزد کردند.

پیامبران راه بهشت را به مردم نشان دادند

حال اینکه برخی می‌گویند "**ما نمی‌خواهیم مردم را به‌زور به بهشت ببریم**"، پاسخش این است که ارسال رسولان و پیامبران برای این است که راه بهشت و حیات طیبه را به مردم نشان دهند و اگر مردم غیر از این مسیر می‌رفتند، پیامبران آنها را انذار می‌دادند؛ بنابراین معلوم است برخی یا مطالعات عمیقی از مباحث معرفت‌شناسی و دینی ندارند یا به‌دلایلی حقیقت تاریخ اسلام را مکتوم نگه‌می‌دارند. خلاصه اینکه این قیام‌ها همگی جریانات الهی هستند که به یکدیگر متصلند و در آخرالزمان امام زمان عجّل الله تعالی فرجه دست مردم را می‌گیرد و از منجلاب خطا و اشتباه درمی‌آورد و به راه راست هدایت می‌کند و ما را به حیات طیبه و رفعت رهنمون می‌شود.

* **موضوعی که نیاز است طرح بحث شود، مطالعه جریانات الهی از منظر آیات قرآن است؛ خداوند در آیه‌ای از قرآن می‌فرماید** «یُریدُونَ لِیُطْفِئُوا نُورَ اللَّه بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُون؛ **می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا ـ گرچه کافران را ناخوش اُفتد ـ نور خود را کامل خواهد کرد.»، می‌توان نتیجه گرفت خداوند با نور خود جریاناتی را ایجاد می‌کند و کافران سعی در خاموش کردن این انوار دارند ولی خداوند وعده داده است این نور را کامل خواهد کرد. متأسفانه برخی اندیشمندان این صراحت‌های**

قرآنی را موضوعاتی ذوقی می‌دانند و قرآن را در حد یک امر مقدس بها می‌دهند؛ آیا می‌توان از آن منظری که عرض کردم به قیام‌های الهی نگاه کرد؟

در روایات داریم در آخرالزمان مصیبتی که امام زمان عجّل الله تعالی فرجه از امت دوران خودش می‌کشد، پیغمبر ما از امت خودش نکشیده است و مصیبتی که پیغمبر ما از امت خودش کشیده است هیچ یک از پیامبران قبل از پیغمبر ما از امت خودشان نکشیده‌اند، این یعنی عقول بشر در حال پیشرفت و تکامل است. خب، در این بین عده‌ای از نور عقل کمتر بهره می‌برند و با نگاه تک‌بُعدی خود همواره سنگ‌اندازی می‌کنند و همین مسئله است که مصیبت ایجاد می‌کند؛ لذا توجیه کردن این افراد به‌خصوص اینکه حجاب علم هم به آن اضافه شود، کار راحتی نیست. حال شما حساب کنید که امام زمان با چنین افرادی مواجه خواهند شد.

انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و اربعین حسینی برنامه‌های الهی هستند

اما دربارهٔ موضوعی که اشاره کردید، بسیار بجا بود، یعنی تمام جریانات الهی را در یک خط و یک راستا ببینیم، ما قبلاً اشاره داشتیم که همگی به‌دنبال حیات طیبه یا تمدن عظیم اسلامی بودند و هر کدام مکمل قبلی بودند. انقلاب اسلامی ایران، بیداری اسلامی و اربعین حسینی در واقع حاصل آن برنامه‌ای است که خدای متعال در خلقت قرار داده است. **اگر این جریانات را متصل به یکدیگر ندانیم، نمی‌توانیم نگاه توحیدی داشته باشیم**، اما ملت‌ها در ادامه، تمام مکاتب را که تجربه می‌کنند و از آنها ناامید می‌شوند، به‌دنبال یک منجی می‌گردند که از آن منجی تعبیر به نور می‌کنیم؛ لذا در زیارت آل‌یس می‌خوانیم: « **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ وَ يُفَرَّجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ**؛ سلام بر نور خدا که هدایت‌شدگان به‌وسیله آن هدایت می‌شوند و توسط آن نور مؤمنین گشایش می‌یابند».

پیاده‌روی اربعین، کاروان نور است

اما در مورد ثواب زیارت امام حسین علیه‌السلام در روایتی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم «**کسی که دوست دارد بر سفره‌های نور بنشیند در روز قیامت، پس باید از زوّار حسین‌بن علی علیه‌السلام باشد**»، لذا این کاروان اربعین که حرکت می‌کند، کاروان نور است که بناست تمام ملت‌ها را به‌سمت محبت و مودت اهل‌بیت علیهم‌السلام بکشاند.

*** این‌که اشاره داشتید انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و اربعین حسینی در یک راستا و جزو برنامه‌های خداوند هستند، به چه معناست؟ بیشتر توضیح می‌دهید؟**

افزایش اثرگذاری‌های نور خداوند در دل‌های مردم

ظهور و بروز این جریانات الهی و متصل به هم با یکدیگر متفاوت است و بستگی به میزان و کشش نور الهی داشت. در جریان انقلاب اسلامی عده‌ای از ملت‌ها با اسلام و تشیع آشنا شدند، در بیداری اسلامی این نور وسعت بیشتری داشت و در اربعین حسینی علیه‌السلام این نور، عالم‌گیر شد؛ لذا در هر برنامه شدت اثرگذاری‌ها و وسعت اثرگذاری‌ها در قلوب مردم بیشتر شد، از این جهت می‌توان گفت **جنس اربعینی که در این سه چهار سال اخیر شکل گرفته، با اربعین‌های گذشته متفاوت است.**

پس از پیروزی انقلاب مردم با جریان نور همراهی کردند

اما در قضایای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌بینید دسته‌جات و احزاب مختلف از جمله نهضت آزادی، مجاهدین خلق، ملی‌گراها و گروه فرقان شکل گرفتند که هر کدام مدعا بودند. مجاهدین انقلاب اسلامی از جمله این دسته‌جات بودند که بعدها انحراف یافتند و تبدیل به منافقین شدند. ولی عموم مردم ما با چه جریانی همراهی کردند؟ با جریانی که نور ائمه علیهم‌السلام در آن بیشتر متجلی بود که همان خط امام راحل(ره) است. ببینید، افراد قهاری در این احزاب وجود داشتند، همین مسعود رجوی سخنران قهاری بود که توانست بسیاری از جوانان مؤمن را فریب دهد، یا بخش عمده‌ای از گروه فرقان را طلبه‌ها شکل می‌دادند که از همین طلبه‌ها شهید مطهری را به شهادت رساندند؛ لذا این قسمت از آیه ۱۵۷ اعراف جلب توجه می‌کند: «**فَالَّذینَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذی أُنْزِلَ مَعَهُ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُون**؛ کسانی که ایمان آوردند به پیامبر و بزرگش داشتند و یاری‌اش کردند و از نوری که همراه او نازل شده است پیروی کردند، آنها رستگار هستند»، عموم مردم ما از نور تبعیت کردند نه تاریکی. مردم نور اهل‌بیت علیهم‌السلام را در امام خمینی(ره) دیدند که ایشان را همراهی کردند.

طیّب متصل به منبع نور شد / اربعین، جریانی در امتداد نور انقلاب اسلامی

شخصی مثل طیب که همیشه با خاندان پهلوی نشست و برخاست داشت، یعنی متصل به منبع ظلمت بود، اما چه مسئله‌ای باعث شد که او سعادتمند شود؟ یک لحظه توجه به منبع نور کرد و رستگار شد. خاندان پهلوی که از او خواستند علیه امام خمینی(ره) شعار دهد قبول نکرد و گفت "من به اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌توانم اهانت کنم". فقط آخرین پیامش به امام(ره) این بود که گفت «روز قیامت من را شفاعت کن».

مسئله را ساده فرض نکنیم. او کسی بود که دائم‌الخمر بود، اهل نماز نبود و گناهان فراوانی داشت؛ او با چه فرمولی در مسیر حق قرار گرفت؟ شاید حضور وی در هیئت‌های مذهبی باعث شده بود نوری از امام حسین علیه السلام در وجودش تجلی کند و همان نور منجی او شد. جالب است که بعد از اعدام طیب، طلبه‌ها و فضلای قم قضای شصت سال نماز او را خواندند؛ بنابراین حرکت امام درست در امتداد حرکت نورانی ائمه علیهم السلام بود.

حقیقت انقلاب اسلامی نوری بود که جریان یافت و اثرگذاریِ عجیبی در دل‌های ملت‌ها ایجاد کرد و این جریان همین طور ادامه دارد و اکنون بیداری اسلامی و اربعین حسینی در امتداد این خط نورانی قرار دارند.

*** با توجه به اینکه شما در حوزه آمریکا و اروپا فعالیت می‌کنید، انقلاب اسلامی چه اثراتی تاکنون در این کشورها داشته است؟**

ما که در حوزه بین‌الملل فعالیت می‌کنیم، اثرات نور انقلاب اسلامی را به‌وضوح در کشورها می‌بینیم. به‌عنوان مثال، تا قبل از انقلاب اسلامی در ترکیه یک مسجد وجود داشت، اما از انقلاب اسلامی به این سمت حدود سیصد مسجد در استانبول توسط شیعیان ایجاد شد. در زمان حاضر در آنکارا که پایتخت سیاسی ترکیه است، چهار تا مسجد شیعه وجود دارد. در بورسا سه چهار تا مسجد شیعه است. در آنجا شیعیان همزیستی مسالمت‌آمیزی با برادران اهل‌سنت دارند، هرچند برادران اهل‌سنتی که ساکن ترکیه‌اند از علاقه‌مندان به اهل‌بیت علیهم السلام هستند تا جایی که در حوایج خود متوسل به این بزرگواران می‌شوند. الحمدلله ناصبی یا وهابی در بین آنها نیست.

تجمع هزاران‌نفری هلندی‌ها در تاسوعا و عاشورا

موج انقلاب اسلامی حتی در اروپای شرقی و غربی اثرگذاری کرده است. اکنون در هلند چندین شهر اصلی از جمله لاهه و روتردام و آمستردام و نیز در شمال هلند،

مراکز و مساجد شیعیان برقرار است. امسال شاهد یکی از بزرگ‌ترین تجمعات شیعی در هلند بودیم. در این کشور در روز تاسوعا راهپیمایی بزرگ چهار ـ پنج هزارنفری در پایتخت هلند برگزار شد و در شب عاشورا و ظهر عاشورا و شام عاشورا چندین مراسم چند هزارنفری در آن کشور برگزار شد.

همچنین در بسیاری از کشورها که اصلاً نامی از اسلام و تشیع نبود، به‌برکت انقلاب اسلامی اکنون پیروان زیادی در آنجا یافت می‌شود. ما نمی‌توانیم بگوییم که اینها ربطی به انقلاب اسلامی ندارد و همگی به‌یک‌باره به وجود آمدند. اگر انقلاب نبود، اکنون اثری از حوزه‌های علمیه نبود. حوزه علمیه قم توسط شاه خائن و حوزه نجف نیز توسط صدام ملعون در حال انهدام بود. مگر یادمان رفته است که رضاخان منع لباس کرد و طلبه‌ها مجبور بودند صبح زود لباسشان را به تن کنند و از شهر خارج شوند، از همین رو مجبور بودند در تاریکی به خانه بازگردند.

اکنون به‌برکت انقلاب اسلامی نه‌تنها در کشورمان بلکه در بسیاری از کشورها هزاران مرکز اسلامی شکل گرفت. در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی حتی آمریکای لاتین شعبه‌ها و نمایندگی‌های جامعهٔ المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داریم. حدود ۵۰هزار فارغ‌التحصیل جامعهٔ المصطفی در سراسر کشورهای دنیا داریم که اکنون همه اینها مبلغان مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام هستند.

قبل از انقلاب اسلامی مرحوم آیت‌الله بروجردی در هامبورگ آلمان یک حرکتی آغاز کرده بود که نتیجه آن ایجاد یک مسجد و یک مرکز اسلامی بود. همچنین مرحوم آیت‌الله خویی در بعضی از شهرهای بزرگ مثل لندن و نیز برخی شهرهای آمریکا حرکتی انجام داد. اکنون اگر اراده کنیم از آرژانتین صدهزار نفر را پای یک راهپیمایی می‌آوریم.

مصاحبه: سعید شیری

مصاحبه سوم ـ حسن خاکرند رایزن سابق ایران در کویت:
صهیونیست‌ها در عراق به‌دنبال ترویج فساد اخلاقی هستند/ تسهیل زیارت اربعین تقویت جبهه مقاومت است

رشد و گسترش رویکرد افکار عمومی جهان به دین اسلام انکارناپذیر است همچنان که برخی از اندیشکده‌های آمریکایی ـ غربی اذعان دارند که دین اسلام در دهه‌های آینده دین اول مردم جهان خواهد بود. حضور گسترده مردم سراسر دنیا از هر دین و آیینی در ایام منتهی به پیاده‌روی اربعین حسینی مصداقی بر این واقعیت است. از دیگر سو، این همایش عظیم مردمی ظرفیت بسیار عظیمی را برای ترویج فرهنگ معرفتی اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام فراروی جهان اسلام قرار می‌دهد؛ بنابراین همایش بزرگ پیاده‌روی اربعین حسینی فرصتی را فراروی مسئولان و متولیان امور فرهنگی و سیاسی قرار داده است تا در پرتو آن بتوانند از فرصت‌های نهفته در آن در راستای تحقق آرمان‌های تشیع و اهداف انقلاب اسلامی استفاده کنند.

از دیگر سو اکنون که شاهدیم به‌دلیل توطئه‌های دشمنان اسلام خون هزاران هزار مسلمان به‌دلیل اختلافات فرقه‌ای روی زمین ریخته می‌شود، اربعین فرصتی برای ایجاد وحدت مسلمین جهان است؛ لذا باید به‌قدری هزینه و بودجه برای تسهیل زیارت امام حسین علیه‌السلام تدارک دید که مردم با کمترین هزینه برای این زیارت معنوی سفر کنند تا از این طریق توطئه‌های دشمنان خنثی شود.

*** اهمیت قیام امام حسین علیه‌السلام و ماجرای اربعین حسینی را با توجه به شرایط فعلی جهان اسلام چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

واقعه کربلا و شهادت امام حسین علیه‌السلام و یارانش در طول بیش از ۱۴ قرن همانند شعله‌ای فروزان پیشِ‌روی آزادمردان و حق‌طلبان می‌درخشد. این واقعه جانگداز موجب شده است مظلومین و محرومین و مستضعفین با الگوگیری از این حماسه بتوانند در برابر ظالمین ایستادگی و مقاومت کنند و بهترین داشته‌های خود را فدای مسیر حق کنند. در دوران رژیم دیکتاتوری صدام محدودیت‌های زیادی برای زائران اباعبدالله علیه‌السلام ایجاد شده بود و حتی بسیاری از دلدادگان از طریق باغ‌های اطراف و به‌صورت مخفیانه در اربعین به‌سمت کربلا پیاده‌روی می‌کردند و جان و مال خود را در مسیر انجام این اقدام پربرکت به خطر می‌انداختند.

نکته دیگر اینکه از آنجایی که دولت عراق را شیعیان اداره می‌کنند، دشمنان با برانگیختن اختلافات فرقه‌ای و قومیتی تلاش کرده‌اند حکومت‌های مردمی را از بین ببرند تا به این وسیله از روی کار آمدن دولتی شیعی جلوگیری کنند.

داعش از بین رفت اما خطر فکری‌اش وجود دارد

پس از فروپاشی رژیم صدام، جریان تکفیری‌ها و داعش و سایر گروه‌های تروریستی با همدستی عوامل رژیم بعث تلاش در بر هم زدن اوضاع عراق کردند، از این جهت تعدادی از استان‌های عراق تحت اشغال این نیروها در آمد. با همت و مقاومت رزمندگان اسلام در کشورهای منطقه و پیروزی خط مقاومت، خطر داعش از جهت نظامی فروریخت هرچند هنوز خطر جریانات فکری آنها پابرجا مانده است، در واقع هرچند تروریست‌ها از جهت نظامی شکست خوردند، اما فعالیت‌های فکری و فرهنگی خود را ادامه می‌دهند و با ایجاد اندیشه‌های التقاطی و جریانات انحرافی مثل جریان مدعیان دروغین مهدویت تلاش دارند جوانان این کشور را به انحراف بکشانند.

راهپیمایی اربعین فرصتی برای شکستن معادلات دشمن در منطقه است

از دیگر سو شاهد گسترش فرهنگ نادرستی در برخی نقاط کشور عراق هستیم. آنها تلاش می‌کنند جوانان نسل جدید را از مبانی دینی جدا کنند، حتی جریانات الحادی در دانشگاه‌ها و برخی استان‌ها پدید آمده است. متأسفانه در رویارویی با این جریانات انحرافی تلاش کمی صورت گرفته است؛ بنابراین واقعه کربلا و راهپیمایی پربرکت اربعین فرصت بسیار مناسبی برای برهم زدن معادلات دشمنان در منطقه است. بر اساس آمارهایی که داریم سال گذشته بیش از ۲۳ میلیون نفر در راهپیمایی

شرکت کردند که تقریباً بسیاری از آنها از کشور عراق بودند. اغلب آنان نیز از جوانان بودند.

باید اقدامات فکری و معرفتی در ایام اربعین را گسترش دهیم

مسئله پیاده‌روی اربعین این نوید را می‌دهد که از این فرصت طلایی در راستای فرهنگ‌سازی عمومی استفاده کنیم. نهادهای داخلی عراق در ایام پیاده‌روی اربعین اکثراً به اطعام و پذیرایی می‌پردازند، اما کمتر توجهی به مسائل فرهنگی راهپیمایی اربعین می‌شود. اقدامات فرهنگی و معرفتی که در ایام اربعین صورت می‌گیرد، در حد و قواره این همایش بین‌المللی نیست.

اکنون استکبار جهانی و دشمنان اسلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام از جمله جریان ضالّه وهابیت تلاش‌های زیادی هم در ایران و هم در عراق برای انحراف جوانان از مسیر آموزه‌های دین صورت می‌دهند. آنها با چاپ کتاب و تقویت شخصیت‌های تکفیری هزینه‌های زیادی در مقابله با جریان اهل‌بیت علیهم‌السلام و در عین حال جریان مقاومت ایجاد می‌کنند؛ بنابراین اربعین فرصتی مغتنم است که نهادهای جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه مؤسسات فرهنگی در این همایش بین‌المللی اقدامات مناسبی در جهت تولید محتوا و تولید اندیشه دینی و نیز صدور آموزه‌های انقلاب انجام دهند.

نیاز به ایجاد جبهه معرفتی مقابل تهاجم فکری دشمن داریم

*** بین صحبت‌ها اشاره داشتید هرچند داعش و تکفیری‌ها در منطقه ضربه خوردند، اما خطر فکری آنان همواره وجود دارد، دراین‌باره بیشتر توضیح می‌دهید؟**

طبق اطلاعات و نشانه‌های موجود، جریان تکفیری با ابعاد مختلفش مثل وهابیت و داعش فعالیت‌های فکری و فرهنگی مخرب علیه مسلمانان به‌ویژه شیعیان انجام می‌دهند، در این زمینه کتب آموزشی تدوین می‌کنند تا از این طریق مبانی فکری خود را به جوانان و نوجوانان القا کنند. شاهدیم عناوین مختلفی از کتب جدید آنها در آمده است. متأسفانه در این عرصه به‌طرز شایسته اقداماتی انجام ندادیم و از جهت کمّیت نسبت به دشمنان میانگین ضعیفی داریم. ما باید مقابل این جریان‌سازی فکری جبهه فرهنگی و معرفتی ایجاد کنیم؛ جریانی که موافق جریان اهل‌بیت علیهم‌السلام باشد؛ بنابراین فرهنگ‌سازی باید یکی از اقدامات ضروری تمام نهادهای فکری جمهوری اسلامی و حتی عراق و نیز سایر کشورهایی که نهادهای فرهنگی آنان منتسب به

اهل‌بیت علیهم‌السلام است، باشد. باید با نشر مقالات، چاپ کتاب، با برپایی همایش‌ها و نشست‌های مختلف با حضور نخبگان و نیز با حضور فعال در فضای مجازی بتوانیم وارد عرصه مبارزات فکری شویم.

دشمن سالهاست به‌صورت گسترده شبهات فکری علیه مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام و مکتب تشیع ایجاد کرده و از دیگر سو موجی از اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی را در جامعه جهانی به‌راه انداخته است؛ بنابراین از اولین اقدامات ما باید انتقال پیام انقلاب و پیام آموزه‌های اصیل اهل‌بیت علیهم‌السلام به دنیا باشد. مراسم اربعین فرصتی است برای توجیه و تربیت جوانان و زائرانی که در همایش اربعینی شرکت می‌کنند.

مصون‌سازی مسلمانان از شبهات فکری مایه ثبات نظام اسلامی است

در واقع مصون‌سازی جامعه مسلمانان از شبهات فکری و انحرافات عقیدتی می‌تواند حاکمیت، تمامیت ارضی و موجودیت نظام را تضمین کند. یکی از دلایلی که دشمن سعی می‌کند جوانان را از انقلاب اسلامی و ارزش‌های دینی رویگردان کند، زمینه‌سازی برای فروپاشی نظام اسلامی است؛ بنابراین زمانی که جوانان را طوری تربیت کردیم که ایمانشان تقویت شد، در اصل کمک به تقویت نظام اسلامی کردیم. این الگو را ما در ماجرای مدافعان حرم مشاهده کردیم. ایمان مدافعان حرم آنان را به سرزمین سوریه کشاند، لذا می‌بینیم داعش تقریباً به‌طور کامل منحل شد و سوریه از لوث وجود آنها پاک شد. هرچند اکنون نیز بقایای آنان به‌مدد حضور غیرقانونی آمریکا در منطقه وجود دارد، اما به‌زودی شاهد انحلال کامل آنها خواهیم بود. حضور آمریکایی‌ها در سوریه غیرقانونی و بدون مجوز بین‌المللی است در حالی که حضور مستشاران ایرانی در این کشور با درخواست دولت قانونیِ سوریه انجام شده است. آمریکایی‌ها به‌خلاف شعار خود مبنی بر مبارزه با تروریسم، اتفاقاً همواره به‌دنبال تقویت نیروهای تروریستی بوده‌اند و این مسئله بارها ثابت شده است. پس از ماجرای تروریستی رژه نیروهای مسلح در اهواز وقتی سپاه با موشک مقرّ داعشیان در «الهجین» را مورد هدف قرار داد، متوجه شدیم نیروهای آمریکایی در فاصله کمی از مقرّ این تروریست‌ها پایگاه زده‌اند و نشان می‌داد حضور تکفیری‌ها با حمایت کامل آمریکای جنایتکار بوده است.

مصون‌سازی جامعه مسلمانان از شبهات فکری و انحرافات عقیدتی می‌تواند حاکمیت، تمامیت ارضی و موجودیت نظام را تضمین کند. یکی از دلایلی که دشمن

سعی می‌کند جوانان را از انقلاب اسلامی و ارزش‌های دینی رویگردان کند، زمینه‌سازی برای فروپاشی نظام اسلامی است. تدارک یک جبهه فکری و فرهنگی مقابل آنها از ضروریات مسئولان و اندیشمندان جهان اسلام است.

اربعین فرصتی برای تقابل با جبهه فرهنگی دشمن

بنابراین در چنین شرایطی که جوامع اسلامی با کمک انگلیس و آمریکا دچار فتنه فکریِ تکفیری‌ها شده است، تدارک یک جبهه فکری و فرهنگی مقابل آنها از ضروریات مسئولان و اندیشمندان جهان اسلام است و اربعین این فرصت را ایجاد کرده است. ما باید به‌اندازه‌ای که صرف هزینه‌های نظامی در نابودی تکفیری‌ها و تروریست‌ها می‌کنیم، هزینه فعالیت‌های فکری و فرهنگی کنیم و جبهه فکری خود را تقویت کنیم. این جبهه باید مبتنی بر مبانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل‌بیت علیهم السلام و اعتقادات راسخ باشد؛ زیرا فرهنگ ایثار، مقاومت، شهادت در راه اعتلای دین، عمل همراه با ایمان راسخ و... از تعالیم اولیه اهل‌بیت وحی است.

*** با توجه به اهمیتی که از زیارت اربعین بیان فرمودید، چرا به‌طور شایسته امر تسهیل از سوی مسئولان صورت نمی‌گیرد؟**

شما به‌عنوان رسانه و ما به‌عنوان نهاد اهل‌بیتی باید اهمیت زیارت اربعین را که به بخشی از آنها اشاره شد، به دولتمردان و مجلس و نیز نهادهایی که در سیاست‌گذاری فرهنگی نقش دارند یادآوری کنیم تا بودجه‌ها و یا یارانه‌هایی را برای تسهیل زیارت اربعین تخصیص دهند. هرچند در زمان حاضر با چالش‌های اقتصادی مواجه هستیم، اما با توجه به اهمیت اربعین در بسترسازی فرهنگی و دینی می‌توان فکری برای آن کرد.

صهونیست‌ها در عراق به‌دنبال ترویج فساد اخلاقی هستند

*** به تهاجمات فکری و فرهنگی دشمنان در عراق اشاره داشتید، چه اقداماتی انجام می‌دهند و به‌نظر شما هدف اصلی‌شان چیست؟**

در عراق کتب و جریانات انحرافی به‌شدت گسترش یافته است، حتی گزارشاتی از جریانات شیطان‌پرستی و مکاتب الحادی وجود دارد، همچنین جریانات انحرافی ضد جریان تشیع و مرجعیت شیعی در عراق گسترش می‌یابد. افرادی هستند که به‌دروغ ادعای اتصال به امام زمان، عجّل الله تعالی فرجه الشریف می‌کنند، از دیگر سو فرهنگ مبتذل غرب و فسادهای اخلاقی در برخی نواحی عراق رسوخ کرده است، این

اقدامات از طریق اتاق‌های فکری که به‌کمک آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها شکل گرفته، صورت می‌گیرد. یکی از این اتاق‌های فکر در کردستان عراق است. در این منطقه صهیونیست‌ها به‌صورت رسمی دفتر دارند و کارشناسان موساد در آنجا فعالیت می‌کنند. در بغداد سفارت آمریکا بیش از هزار کارمند دارد و یکی از بزرگ‌ترین سفارت‌خانه‌های جهان است. این تعداد کارشناس و جاسوس در عراق به‌معنای چیست؟ به‌معنای این است که عامل اشاعه مکاتب انحرافی و فرهنگ‌های مبتذل غربی عوامل آمریکایی و صهیونیستی هستند؛ آنها هستند که نه‌تنها در عراق بلکه در سایر کشورهای اسلامی سعی در گسترش فساد دارند؛ «**وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا**؛ سعی دارند در زمین فساد کنند».

فرهنگ مبتذل غرب و فسادهای اخلاقی در برخی نواحی عراق رسوخ کرده است. این اقدامات از طریق اتاق‌های فکری که به‌کمک آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها شکل گرفته است، صورت می‌گیرد. یکی از این اتاق‌های فکر در کردستان عراق است. در این منطقه صهیونیست‌ها به‌صورت رسمی دفتر دارند و کارشناسان موساد در آنجا فعالیت می‌کنند.

هدف دشمنان در عراق و ایران مرجعیت شیعه است

این اتاق‌های فکر همواره سعی داشته‌اند مردم را نسبت به باورهای اعتقادی‌شان سست کنند. در زمان حاضر مهم‌ترین برنامه آنها تضعیف مرجعیت است؛ چرا که از این جبهه بارها ضربه خورده‌اند. تشکیل جبهه مردمی و دستور جهاد آیت‌الله سیستانی مقابل داعشی‌ها یکی از ضرب‌شست‌های مرجعیت علیه سپاه کفر بوده است، نشان به اینکه همین تحرکات در داخل ایران وجود دارد، تضعیف جایگاه ولایت فقیه و نیز مرجعیت شیعه و سعی در گسترش فساد بین جوانان ایرانی از طریق فضای مجازی و... با کمک برخی عوامل داخلی از برنامه‌های دشمن است. این تشابه رفتاری دشمنان در جوامع مسلمان به‌خصوص جوامع شیعی باید برای ما نشانه‌ای آشکار از یک دشمنی مشترک باشد، دشمنی که هرگاه فرصتی یافته، دشمنی خود را در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ابراز داشته است. تأکید ما بر این است که کار فرهنگی تنها ضمانتی است که توانایی تقابل با دشمنان در جهت صیانت مردم به‌خصوص جوانان را دارد.

مصاحبه: سعید شیری

مصاحبه چهارم ـ عبدالحمید قدیریان، هنرمند عرصه انقلاب: علت ترسیم جدیدترین اثر قدیریان درباره حضرت زهرا در راهپیمایی اربعین

برای معرفی عبدالحمید قدیریان سراغ هرکدام از آثارش که برویم یک عنوان را به او اختصاص می‌دهد؛ دکورهای سینمایی طراحی‌شده توسط او، قدیریان را طراح دکور و مدیر هنری فیلم‌های سینمایی معرفی می‌کند، تابلوهای نقاشی‌اش نشان از نقاش بودنش دارد و تجربه کنجکاوی سال‌های جوانی او در سایر رشته‌های هنری، تأییدی است بر این‌که او را یک هنرمند فعال و دغدغه‌مند دینی معرفی کنیم. این هنرمند متعهد امسال نیز همچون سال‌های گذشته در همایش بین‌المللی «عهد مع الحسین علیه‌السلام» و «لقاء الحسین علیه‌السلام» در نجف اشرف و کربلا در ایام اربعین حسینی حضور داشت و حتی تابلویی را درباره حضرت زهرا نقاشی کرد. به همین مناسبت به سراغ وی رفتیم تا درباره راهپیمایی اربعین و حضور او در این همایش‌ها گفت‌وگو کنیم.

*** آن‌طور که در خبرها بود، امسال هم سمیناری با موضوع اربعین حسینی در نجف و کربلا برپا شد و شما هم یکی از هنرمندانی بودید که به این سمینار دعوت شده بودید. لطفاً از تجربیات و اتفاقات این سمینار برایمان بگویید.**

بله، بنده امسال هم این توفیق را داشتم، الحمدلله سفر بسیار خوبی بود، خدا را شکر می‌کنم که توفیقم داد که در این برهه از زمان بتوانم برای چهارمین سال در راهپیمایی اربعین شرکت کنم و از عجائب و نعمات آن در حد فهمم استفاده کنم، علاوه بر راهپیمایی، امسال توفیق این را داشتم که برای چهارمین بار، همراه اساتید و روحانیونی از چند کشور جهان، در کنفرانسی که به‌بهانه اربعین تشکیل شد، شرکت

کنم و به‌بهانه برگزاری یک «کارگاه عملی» با تعدادی از محققان وهنرمندان همنشین شوم. به‌طور کلی ما همیشه نیاز به جلسات بحث و گفت‌وگو داشته‌ایم و داریم. هرچند که بعد از گذشت سالیان بسیار از انقلاب، هنوز نتوانستیم خود را از قید و بند قواعد تحقیقاتی که برگرفته از فرهنگ وارداتی و یا نگرش‌های شخصی بوده و با گذشت زمان برای ما حکم یک تابو را پیدا کرده است، خارج کنیم. این ضعف ما در نگرش تحقیقاتی، زمانی خود را نشان می‌دهد که محقق درصدد کالبدشکافی پدیده‌ای خاص و الهی قرار می‌گیرد، پدیده‌ای مانند اربعین حسینی که رهبر انقلاب اسلامی و بسیاری از متفکران این پدیده را آیه الهی می‌خوانند. به‌قول یکی از محققان «ما نسبت به فهم این پدیده، دستمان خالی است، باید پایه‌های فهم معرفتیِ چنین پدیده‌ای ایجاد شود تا هرچه بیشتر خود را به فهم آن نزدیک کنیم».

*** شما و دیگر هنرمندان در ورک‌شاپ به چه مضامینی پرداختید؟ آیا همگی به موضوع اربعین پرداختید؟**

اگر اربعین برای یک محقق، موضوعی برای تحقیق است، برای یک هنرمند، حکم فضایی برای حرکت روح را دارد. یک هنرمند نسبت به فهم و مطالعه و درکی که دارد، می‌تواند وارد این فضا شود و در این فضای عظیم سیر کند و از آن بهره ببرد، مخصوصاً فضایی همچون اربعین که فضایی لطیف و سیال است، بسیار مستعدّ این حرکت و پرواز روح است. خیلی از اوقات خدا را بسیار شکر می‌کنم که ابزار درک هنرمند برای فهم چنین پدیده‌هایی بسیار بیشتر و فضای پروازش بسیار وسیع‌تر از محققان است، چراکه هنرمند خود را درگیر قواعد خشک کلامی و استدلالی نمی‌کند و با تکیه بر فطرت، پدیده پیش‌ِروی خود را بررسی و تحلیل می‌کند، برای همین در این کارگاه عملی هریک از هنرمندان به‌فراخور حال خود موضوعی را بهانه قرار دادند و سعی کردند با پرداختن به آن ارادت خود را به امام علیه‌السلام نشان دهند.

زمان اجرای این ورک‌شاپ دو روز لحاظ شده بود. روز اول، هنرمندان کار تابلوهای خود را در دانشگاه نجف شروع کردند و قرار بر این بود که روز دوم اتمام کار را در مجاورت مسجد کوفه انجام دهند. از آنجایی که من یک روز با تأخیر به مجموعه پیوستم، کار تابلوی خویش را در مجاورت مسجد کوفه شروع کرده در همان‌جا به اتمام رساندم. در این تابلو که آن را «کارنامه» نام‌گذاری کردم، **صحنه‌ای ترسیم کردم که در آن شهدای بی‌سر عاشورا در صف‌های مرتب، همچون نظامیان، کنار هم ایستاده‌اند و مقابل آنها حضرت زهرا بر فراز بالکنی نشسته-**

اند. سربازان امام بسیار خاضعانه و در سکوتی خاص در انتظار این هستند تا نمره عملکرد خود را از جانب حضرت زهرا دریافت کنند و ببینند که آیا ایشان از آنها راضی است یا...

گویا احساس‌نکردن درد شمشیر و زخم‌های آن از سوی یاران امام علیه‌السلام به این خاطر بود که قرار بود آنها به پیشگاه حضرت زهرا برسند و محضریت ایشان را درک کنند. دلیلم برای ترسیم این تابلو در اربعین این بود که احساس می‌کنم نوری پشت این ماجراست و آن نور این صحنه را برپا و ولایت می‌کند و اثرات آن نور را می‌توان در رفتار مردم مشاهده کرد. اثرات نور تماماً دلالت بر رفتارهای مادرانه و پر از مهر و

محبت دارد و شاید این بزرگترین دلیل بر این باشد که این نور، نور حضرت زهرا است که از ضریح مطهر فرزندشان بسوی قلوب پاک‌طینتان ساطع می‌شود و ایشان را بسوی فرزندشان می‌کشاند. به‌قول رهبر معظم انقلاب که می‌فرماید: «راه‌پیمایی عظیم و باشکوه اربعین حقیقتاً یک پدیده عظیم تاریخی است، این یک حادثه و پدیده الهی است. این نشان‌دهنده این است که این راه، راه عشق است، منتها نه عشق مجنونانه، عشق همراه بصیرت؛ مثل عشق اولیاء به خدا. این عشق همراه با بصیرت است، می‌داند، می‌فهمد و این جاذبه او را می‌کشد». به‌هرحال می‌خواستم در این تابلو این ارتباط را تا حدودی به تصویر بکشانم، امید که ایشان لطفی به ما کنند.

*** آیا امسال اربعین نسبت به سال‌های گذشته عملکرد گروه‌های تبلیغی و فرهنگی بهتر شده بود یا خیر؟**

اگر منظور شما از بهتر شدن کارهای فرهنگی، حجم کار باشد، باید بگویم بله. امسال حجم فعالیت‌های فرهنگی تبلیغی بیشتر از سال گذشته بود، اما نکته اینجاست که وقتی هنوز تحلیلی صحیح و قرآنی و مبتنی بر حقیقت، بین اهل تبلیغ وجود ندارد، طبیعتاً فعالیت‌های آنها نمی‌تواند در جهت احیای انسان و ارزش‌ها باشد. در اربعین تلاش داشتم فعالیت مراکز فرهنگی و تبلیغی و مخصوصاً برنامه‌های تلویزیون را رصد کنم. متأسفانه چیزی که این مراکز در برنامه‌های خود مخابره می‌کردند، بسیار با حقیقت میدانی اربعین متفاوت بود.

*** منظورتان چیست؟ لطفاً کمی توضیح دهید.**

وقتی به برنامه‌های تصویری و برگزاری مجالس در این روزها نگاه می‌کنید، تصور می‌کنید که این مردم برای عزاداری در راهپیمایی اربعین شرکت می‌کنند، در صورتی که در طول سفر، شما کمتر با صحنه‌های عزاداری و مردمِ عزادار مواجه می‌شوید. شما در چهره اربعینیان، شَعَف و وجد عجیبی را مشاهده می‌کنید و به‌وضوح شاهد سروری درونی و عمیق هستید. گویی آنها سالکان کوی حسین هستند و در خلال این حرکت سفری از جنس سلوک آسمانی و ملکوتی را طی می‌کنند تا خود را به پیشگاه امام علیه‌السلام برسانند و در محضر او قرار بگیرند. محضریت امامی که یک شخص نیست، بلکه نوری عظیم و قدرتمند است. راهپیمایی اربعین ماجرایی عجیب است و فقط با حضور در آن صحنه می‌توان این حس را درک کرد، شبیه به درک حسّ بسیجیان در دوران جنگ تحمیلی که فقط با پا گذاشتن در سرزمین نور و جبهه‌ها میسّر بود.

باور مردم این است که خداوند اربعین را با نور برپا کرده است

بگذارید کمی دلی صحبت کنم. خوشا به حال عوام که حجاب علم را ندارند و در مواجهه با این‌گونه پدیده‌های الهی به‌سرعت با آن همراه می‌شوند و گوی سبقت را از عالمان که تکیه بر علمشان دارند و من و امثال من که تکیه بر هنر و تخصصمان داریم، می‌ربایند. باور مردم این است که خداوند اربعین را با نور برپا کرده است، همان‌گونه که انقلاب اسلامی را با نور برپا کرد. مردم عوام که با تکیه بر فطرتشان و نه بر اساس علم و خوانده‌هایشان قدم به راه می‌نهند و بر سر سفره اربعین می‌نشینند، باورشان این است که خدا اربعین را با نور تقویت کرده است و هر سال بر شدّت این نور می‌افزاید.

گویا پس از انقلاب اسلامی که مرحله‌ای از نورافشانی خداوند در راستای تام کردن نورش بود، این بار خداوند با برپا کردن اتفاقات چند سال اخیر و به‌خصوص با برپا کردن سفره اربعین که همان سفره رحمانیت و رحیمیت اوست، مرحله دوم نورافشانی را آغاز کرده است. **همان‌گونه که در دفعه اول کسی نتوانست نور انقلاب اسلامی را خاموش کند، این بار هم با وجود تمام تلاش کافران، این نور خاموش‌شدنی نیست، به‌قول قرآن «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ». اینک پس از مرحله اول نورافشانی خداوند و بعد از یک دوره افول، گویا بار دیگر و قوی‌تر و عظیم‌تر از قبل، خداوند دارد نورافشانی می‌کند و اربعین را بنا گذاشته است و بسیار امید داریم تا زمان تام شدن نور الهی ادامه یابد. ای‌کاش ما نیز این باور مردم را برمی‌تافتیم و از قیل‌وقال مدرسه بیرون می‌آمدیم و با چشمِ دل به این آیه الهی نگاه می‌کردیم و به سرعت فهم خود را اصلاح می‌کردیم تا مجبور نشویم از کنار این آیه عظیم الهی که دشمنان را به وحشت انداخته است، بی‌تفاوت عبور کنیم و خدای ناکرده به‌خاطر بی‌اعتنایی و نسیان این آیه دچار عذاب شویم. ای‌کاش به‌جای تحلیل‌های سطحی و دنیایی نسبت به این امور، تحلیلی قرآنی و مبتنی بر حقیقت پیدا کنیم.**

یادش به خیر، امام خمینی(ره) با این مفاهیم بسیار اُنس داشت و ما بسیجیان را با این مفاهیم آشنا کرد، خدا را بسیار شاکریم که خلف صالح ایشان نیز با این مفاهیم بسیار آشناست. فرمایشات مقام معظم رهبری درباره اربعین حاکی از دید وسیع ایشان و بصیرت الهی ایشان است، فرمایشاتی که شاید نتوان مشابه آن را در کلام دیگر

بزرگان مشاهده کرد، حتماً در کلام رهبر انقلاب اسلامی در ارتباط با اربعین دقت کرده‌اید، ایشان در ارتباط با اربعین می‌فرماید: «این کار، کار بزرگی است. پدیده، پدیده عظیمی است». ایشان با کمال تواضع نسبت به این پدیده و کسانی که توفیق رفتن به راهپیمایی را داشته‌اند، می‌فرماید: «من اولاً به کسانی که موفق شدند و رفتند، خوش‌آمد عرض می‌کنم و قبول الهی را برای کارشان درخواست می‌کنم و غبطه خودم را نسبت به کار آنها که ما محروم بودیم، آنها موفق شدند، عرض می‌کنم». در ادامه، تحلیلشان از این آیه عظیم الهی که دست خدا پشت آن است و رفتار در قبال آن و شباهتش با ماجرای انقلاب را این‌گونه بیان می‌دارند: «می‌خواهم این را عرض کنم که در این جور حوادث، که شما دست قدرت الهی را پشت‌سرش **به‌وضوح** می‌بینید و برکاتش را مشاهده می‌کنید، باید شکر کرد. اگر شکر کردیم می‌ماند و اگر شکر نکردیم، گرفته می‌شود. اگر ملت ایران شکر انقلاب را نکرده بود، انقلاب می‌رفت».

ایشان چند روز قبل در درس خارجشان نیز دیدگاه و منظر خویش نسبت به اربعین را این‌گونه بیان فرمود «الحمدلله جوان‌های ما راه را پیدا کرده‌اند و میلیون‌ها نفر از مردم ما و مردم غیر ما در این راه حرکت می‌کنند. این هم یکی از حوادث بسیار برجسته است که خدای متعال منّت گذاشته بر ما و این حادثه را برای ما خلق کرده است. این شد یک نماد». ایشان با آن بصیرت و نورانیتشان ماجرای اربعین در چهار یا پنج سال اخیر را متفاوت از قبل می‌دانند و آن را یک پدیده جدید الهی برمی‌خوانند و می‌فرمایند: «همیشه اربعین پیاده‌روی بود، اما این حرکت عظیم که یک نماد بسیار زیبا و پرشکوهی از حضور پیروان اهل‌بیت و علاقمندان به اهل‌بیت علیهم‌السلام است، این نبود، ما این را نداشتیم. این را خداوند متعال در اختیار ما گذاشت. خدا را بایستی شاکر باشیم». ای‌کاش بزرگان و مسئولان و خود ما، حقیقتاً پیرو ولایت فقیه بودیم و دیدگاه‌مان نسبت به امور مختلف از جمله اربعین را از ایشان می‌گرفتیم.

هنوز پدیده شهید حججی از خاطرمان محو نشده است، آن پدیده چه بود؟ آیا توانایی‌های آن شهید باعث شد که او این‌قدر تأثیرگذار شود یا اینکه دستی و دقیق‌تر این که نوری پشت این ماجرا بود؟ قطعاً دلیل اصلی، با وجود خصوصیات بسیار زیبای این شهید عزیز، ویژگی‌های فردی شهید حججی نبود و چنین فرضی درست نیست. به‌قول رهبر معظم انقلاب، ما شهدای به‌مراتب مظلوم‌تر از شهید حججی را در راه خدا تقدیم کردیم، اما خدا می‌خواست ماجرای ایشان پررنگ شود. پس آن پدیده تبعه چه بود؟ به‌هرصورت، اگر

اربعین با خواست خدا و به‌وسیله نور برپا شده است و اگر خدا را خدای ساعت-ساز نمی‌بینیم، باید از این پدیده الهی الگو بگیریم. چرا از آن الگو نمی‌گیریم و خود و جامعه را با آن جلا نمی‌دهیم؟!

*** روی سخن شما با مسئولان است؟**

بله؛ امسال به‌لطف خدا تعدادی از مسئولان در راهپیمایی شرکت کردند و ان‌شاءالله تلاش کرده‌اند تا اربعین و این آیه الهی را درک کنند. حال اگر چنین است، باید از این جامعه اربعینی الگو بگیرند و آموزه‌های خود را که عموماً برگرفته از تفکر و منظر غربی است کنار بگذارند و الگوی خود را نه بر اساس مفاهیم غربی، بلکه بر اساس خواست خدا بسازند؛ خدایی که زنده و مالک آسمان‌ها و زمین است. مقام معظم رهبری دراین‌باره این‌گونه سفارش می‌کنند: «از جمله شکر این حادثه راهپیمایی این است که آن روحیات را، آن حالات را که در این دو سه روزی که مشغول راهپیمایی بودید، آن‌جا مشاهده کردید، یا احساس کردید، در خودتان نگه دارید. آن برادری، آن مهربانی را، آن توجه به ولایت را، ... در همه امور زندگی باید این را دنبال کرد، این می‌شود شکر».

*** ممنون از وقتی که در اختیار ما قرار دادید، در پایان اگر نکته‌ای هست بفرمایید.**

حقیقت این است که اگر اربعینیون طالب رفتارهای ارزشی هستند و در آن روزها تلاش می‌کنند به اعمال ارزشی بها دهند، به این دلیل است که طبق آیات نور مشمول رفعت شده‌اند و از زمین کنده شده‌اند «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللّهُ أَنْ تُرْفَعَ». ایشان مصداق بسیار روشنی برای آیات نور شده‌اند. آنها با حرکت بسوی امام به خانه‌ای پا می‌گذارند که خاصیت رفعت دادن دارد. خداوند مردم اربعینی را به‌دلیل قدم گذاشتن در مسیری که به امام ختم می‌شود، به‌وسیله نورش هدایت می‌کند و ایشان را وارد نور آسمان‌ها و زمین می‌کند. ایشان هرچه به امام نزدیک‌تر شوند خداوند بیشتر اوجشان می‌دهد و آسمانی می‌شوند. به‌نظر می‌رسد که چاره‌ای نیست و ما باید به‌سمت فهم نور امام علیه‌السلام حرکت کنیم. آشنایی با نور اهل‌بیت علیهم‌السلام (معرفت بالنورانیة) معرفتی است که علی علیه‌السلام شیعیان و مؤمنان را به آن سفارش کرده‌اند و آن را امری واجب دانسته‌اند. باید برای مسئولان نظام دعا کنیم که بتوانند همچون جامعه اربعینی که بسوی امام حرکت می‌کنند، تصمیمات خود را «بسوی امام» شکل دهند و از این موهبت الهی الگو بگیرند و آن را صرفاً یک رفتار عبادی و در چارچوب عبادت فردی ندانند.

مصاحبه: امیرمحسن شیخان

مصاحبه پنجم ـ حجت‌الاسلام سعید طالبی‌نیا، مدیرکل سابق اروپا و آمریکای مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام:
تحقق وعده‌های الهی در «نور اربعینی» حاصل می‌شود

خداوند با نور انقلاب و اربعین جوامع را از ظلمات بسوی نور می‌کشاند

*** با توجه به تحول قلوبی که در این چند سال اخیر در جریان اربعینی صورت گرفته است، آیا می‌توان گفت این همایش عظیم الهی در امتداد انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی قرار دارد؟**

خداوند در آیاتی از سوره بقره که به آیةالکرسی مشهور است، می‌فرماید «**اللَّهُ وَلِيّ الَّذينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ**؛ خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنان را از تاریکی‌ها بسوی روشنایی به‌در می‌برد.»، خداوند در این آیه می فرماید ولیّ اهل ایمان است؛ بعد چه‌کار می‌کند؟ مؤمنان را از ظلمات بسوی نور ولایت می‌کند، در واقع در این آیه خداوند متعال صراحتاً رفتار خود را نسبت به اهل ایمان اعلام می‌کند؛ اهل ایمانی که در ظلمات جهل و یا ظلمتی که حاکمان ستمکار به‌واسطه اعمالشان ایجاد کرده‌اند، قرار دارند، یعنی صحنه‌ای به‌پا می‌کند تا به این بهانه دست آنها را بگیرد و به نور هدایت کند؛ لذا وقتی وضعیت معنوی افراد در قبل و بعد از انقلاب را بررسی می‌کنید، مشاهده خواهید کرد چه تحول عظیمی در آنها ایجاد شده بود. این وضعیت معنوی در هشت سال دفاع مقدس به اوج خود رسید تا جایی که از سربازان و فرماندهان سپاه اسلام کراماتی می‌شنویم که در تاریخ ۱۴۰۰ساله اسلام کم‌نظیر بود؛ همان سربازان و فرماندهانی که تا قبل از انقلاب اسلامی در کوچه و بازارها پرسه می‌زدند، اما فطرتشان پاک و نورانی بود و فقط نیاز به یک تلنگر

داشت؛ ازاین‌رو به واقع می‌توان گفت نور انقلاب اسلامی افراد را از ظلمات بسوی نور کشاند هرچند دشمن مدام سعی دارد حجاب این نور شود.

جنس اربعین فعلی با اربعین‌های گذشته تفاوت دارد

درباره اربعین حسینی باید عرض کنم در احادیث تشویق به این امر شدیم و هرساله دسته‌جات مختلفی از مردم به زیارت اربعین امام حسین علیه‌السلام می‌رفتند، اما در این سه چهار پنج ساله اخیر شما می‌بینید که یک حرکت عظیم راه افتاده است که آن را از زیارت‌های اربعین گذشته متمایز می‌کند، تا جایی که اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان را به تحلیل این رویداد عظیم الهی واداشته است. سؤال مشترک این اندیشمندان این است: چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ اگر عده‌ای بگویند پیاده‌روی اربعین قبلاً سابقه داشته است، باید گفت نهایت دو سه هزار نفر آن هم از شیعیان و برخی اهل‌سنتی که محب اهل‌بیت علیهم‌السلام بودند، در این مراسم حضور پیدا می‌کردند، اما اکنون شاهدیم ده‌ها میلیون نفر نه‌تنهانه‌تنها از مسلمانان بلکه از غیرمسلمانان در پیاده‌روی اربعینی حضور می‌یابند؛ بنابراین می‌توان گفت جنس اربعین فعلی قطعاً در راستای برنامه دیگری است که ما از آن به‌عنوان انقلاب اسلامی ایران یاد می‌کنیم؛ منتها از جهت کمّی و کیفی بسیار ارتقایافته‌تر از انقلاب اسلامی، بنابراین بین انقلاب اسلامی ایران و حرکت اربعین حتماً یک رابطه تنگاتنگی است.

انقلاب اسلامی و اربعین حسینی از منبع نورانی عترت علیهم‌السلام سرچشمه گرفت

*** درباره روابط تنگاتنگ بین انقلاب اسلامی و اربعین حسینی که به آن اشاره داشتید، مقداری توضیح می‌دهید؟**

در جریان انقلاب اسلامی مؤمنان و برخی ملت‌ها از مجرای امام خمینی(ره) امید گرفتند و احیا شدند. امام(ره) نیز الگوی خود را از ائمه علیهم‌السلام و حرکت امام حسین و کاروان نور گرفتند. در حرکت اربعینی نیز مردم و ملت‌ها امید دوباره گرفتند و احیا شدند، بنابراین انقلاب اسلامی و اربعین حسینی هر دو از منبع نورانی اهل‌بیت علیهم‌السلام سرچشمه گرفتند؛ ازاین‌رو باید مقصد و اهدافشان یکی باشد که همان نابودی کفر و ظلم و نیز تشکیل تمدن وعده داده شده الهی است.

خداوند دست نیرنگ عربستان را برای یمن نشان داد

اکنون اتفاقاتی که در یمن در حال رخ‌دادن است در نهایت به‌نفع سپاه حق و سپاه اسلام است. من از خود شما سؤال می‌کنم؛ آیا واقعاً به مخیله ما می‌آمد که در قضایای یمن ورود کنیم؟ من به ذهنم می‌آمد که شاید تا دویست سیصد سال آینده هم این اتفاق نیفتد، اما «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد»، این همان نورانیتی است که کاروان نور از خود بروز می‌دهد. دشمن قصد می‌کند یمن را از ما بگیرد، عراق را از ما بگیرد، لبنان را از ما بگیرد، اما راه رسیدن به مکه و مدینه را باز می‌کند؛ یعنی کاروان نور حقیقتاً راه خودش را باز می‌کند و برای انقلاب جهانی امام زمان علیه‌السلام پیش می‌رود. شما می‌دانید یمن ده‌ها سال حیاط خلوت عربستان بود و این فرهنگ برایشان جا افتاده بود که "ما حیاط خلوت عربستان هستیم و عربستان برادر بزرگتر ماست." همان احساسی که ارمنی‌های ارمنستان نسبت به ایران دارند، مثل نگاهی که ارمنی‌ها نسبت به ایران دارند و جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان برادر بزرگتر می‌دانند، خیلی به ما علاقه دارند، خیلی ما را قبول دارند و خیلی ما را دوست دارند. یمنی‌ها هم نگاهشان به عربستان همین گونه بود؛ اما خدا راه را باز کرد و دست نیرنگ و شیطانی آنها را رو کرد.

فرمانده کاروان انقلاب و اربعین امام زمان است

لذا قصدم این است که بگویم اینها یک رفتار عادی و طبیعی نیست بلکه کاروان انقلاب و اربعین باید به‌سمت اهداف خود برای جداسازی جریان حق و باطل حرکت کند؛ این جریان حق، طیّ دو ـ سه دهه یک هنجار اجتماعی را در سطح بین‌المللی در راستای اهداف والای نظام بشریت نهادینه کرد و این مسئله جز با هدایتی از عالم غیب حاصل نمی‌شد؛ در هر صورت سربازان این کاروان نورانی پاک‌طینتان عالم هستند و فرمانده اصلی و پشت‌صحنه تمام این قضایا به‌اعتقاد ما شیعیان قطعاً وجود مقدس امام زمان عجّل الله تعالی فرجه است.

*** آیا تاکنون دشمنان در قبال ماجرای اربعین تحرکاتی داشته‌اند؟**

بله، از آغازین روزهای شروع ماجرای اربعینی دشمنان تحرکاتی داشتند که با تدابیر مناسب رهبر معظم انقلاب و آیت‌الله سیستانی این دشمنی‌ها خنثی شد اما به این معنا نیست که دشمنی‌شان تا بدین‌جا ختم شود. اکنون در ایام اربعین جریاناتی در قالب موکب‌ها شروع به فعالیت کرده‌اند که تناسب خود را با اسلام هنوز مشخص نکرده‌اند؛ جریاناتی موسوم به شیعه انگلیسی و احمد الحسن یا یمانی دروغین از این

دست جریانات هستند. برخی جریانات حوزوی که ما آنها را شیعه انگلیسی می‌دانیم، طوری رفتار می‌کنند که بین این‌همه مفاهیم دینی و قرآنی مذاهب اسلامی با قمه‌زنی و توهین به مقدسات شناخته می‌شوند. گویی تمام مشکلات اسلام در قمه‌زنی عاشورا و توهین و لعن خلاصه شده است. اگر هم بفرمایند "ما مطالب و معارف دیگری داریم"؛ باید به ایشان عرض کنیم فعلاً که این جریان دوست دارد این‌گونه شناخته شود و تمام اذهان عمومی نیز آنها را به افراط‌شان بشناسند؛ لذا پشت‌صحنه، یک اتاق فکر قوی است که در نهایت بر طبل دشمنی می‌کوبد.

بنابراین مهم‌ترین رفتاری که دشمنان در قبال جریان اربعینی و سایر مناسک دینی انجام می‌دهند، استفاده از پتانسیل و ظرفیت همین مناسک است. روانشناسان هم معتقدند بدترین رفتار مقابل یک هنجار تقابل با آن است؛ یعنی اگر شما تقابل کنید، جواب نمی‌گیرید. در قضایای فتنه ۸۸ نیز همین دست رفتارها را انجام دادند. با استفاده از دست‌پرورده‌های خود شروع به فتنه‌انگیزی کردند و به‌تعبیر رهبر انقلاب خواستند کاریکاتور انقلاب اسلامی را پیاده کنند. مقام معظم رهبری فرمود پشت بام‌ها الله اکبر می‌گفتند، یکی نبود به این آدم‌ها بگوید خیلی از شما بی‌نماز هستید. البته آن‌قدر هم احمقانه رفتار کردند که در نماز جمعه با کفش نماز خواندند و در ماه مبارک رمضان بطری آب سر کشیدند. اما کسانی که با تمام این مسائل هنوز به دشمنی جریان ۸۸ پی نبردند، باید فکری به عقل و درایت و دین خود کنند.

*** به نکته قابل ملاحظه‌ای اشاره کردید، این‌که دشمنان همواره از ظرفیت جریانات مثبت دینی علیه آنها استفاده می‌کنند، مصادیق متعددی به ذهنمان می‌آید؛ مثل برخی هیئات مذهبی که خواسته یا ناخواسته دچار چنین مسائلی شده‌اند.**

این را که رهبر معظم انقلاب مفهوم «نفوذ دشمن» را مطرح کردند، نباید منحصر به مسائل سیاسی و اقتصادی کنیم بلکه مهم‌ترین اهداف نفوذ آنها مسائل و مفاهیم دینی است. اگر دین را بزنند و جامعه را سکولار کنند، دیگر نیاز نیست توان زیادی روی نفوذ سیاسی بگذارند. اخیراً یک فیلم کوتاه از افسران اطلاعاتی موساد بیرون آمد که متن مداحی و سینه‌زنی شیعیان را به‌زبان فارسی تمرین می‌کردند، حتی با اصطلاحات رایج در هیئت‌ها مثل شور و واحد و... آشنا می‌شدند، بنابراین پروسه نفوذ در هیئت‌های مذهبی سال‌هاست که در دستور کار دشمنان قرار گرفته است. اینها علاوه بر رواج خرافات و دور کردن مردم از اهداف هیئت‌های مذهبی در لایه‌های

بالاتر قصد دارند هیئت‌ها را سکولار کنند؛ زیرا می‌دانند بعد از مساجد یکی از پشتوانه‌های اصلی انقلاب اسلامی ایران هیئت‌ها هستند. ما شاهد بودیم بزرگ‌ترین راهپیمایی‌ها در تاسوعا و عاشورای حسینی شکل می‌گرفت. همچنین دشمنان فهمیدند حس شهادت در هیئت‌های مذهبی تقویت می‌شود، بنابراین طبیعی است که باید با این جریان تقابل کنند.

مسئله بعدی در بحث نفوذ دشمن، ورود به حوزه‌های علمیه است که بخشی از آن را خدمت شما عرض کردم. با جهت دادن به افراد برجسته یک جامعه همواره به‌دنبال فتنه‌انگیزی هستند. اکنون صهیونیست‌ها به‌دنبال تربیت اساتید سکولار هستند؛ به‌چه صورت؟ به این صورت که با استفاده از ابزار رسانه از اساتیدی که خود را از سیاست دوری می‌کنند به‌صورت غیرمستقیم حمایت می‌کنند و اساتیدی را که انقلابی هستند، تضعیف می‌کنند تا جایی که به انزوا کشیده شوند. اما عده‌ای را به‌صورت مستقیم حمایت می‌کنند و در شبکه‌های ماهواره‌ای به آنها تریبون می‌دهند، بنابراین هرگونه بی‌تفاوتی به حوزه‌های علمیه و هیئت‌های مذهبی از سوی علما و اندیشمندان تبعات منفی زیادی به‌دنبال خواهد داشت.

مصاحبه: سعید شیری

مصاحبه ششم ـ محمدمهدی ذوالفقارزاده، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران:
اربعین تراز سنجش کیفیت و قدرت علوم انسانی اسلامی است

*** نظر شما راجع به جریان راهپیمایی اربعین که در سال‌های اخیر شکل خاصی پیدا کرده است و مردم با شور و شوق بسیاری به اربعین می‌روند، چیست؟**

اگر تا ۱۰ سال پیش می‌خواستیم یکی از موضوعات اساسی و اثرگذار شیعه را نام ببریم، نامی از اربعین برده نمی‌شد، این در حالی است که تقریباً از سال ۹۰ـ۹۱ جریان اربعین حسینی علیه‌السلام به پدیده‌ای عظیم تبدیل شد، طوری که در این سال‌ها از راهپیمایی اربعین حسینی به‌عنوان یکی از پدیده‌های بزرگ و نمادی از قدرت مسلمین و شیعیان جهان یاد می‌شود. این جریان هر سال در حال تشدید شدن است و حداقل‌ترین چیزی که می‌توان درباره آن گفت این است که یک ماجرای عجیبی در حال رخ‌دادن است. از طرفی دیگر، وقتی این وسعت و حجم از جمعیت را در اربعین با ویژگی‌هایی که مردم در این سفر دارند، مشاهده می‌کنیم، درمی‌یابیم که این، اتفاقی عادی نیست. دقیقاً زمانی که امنیت منطقه به‌خاطر حضور داعش به خطر افتاد، حضور مردم و اشتیاق آنان برای شرکت در راهپیمایی اربعین مضاعف شده است. در راهپیمایی اربعین شاهد رفتارهای بسیار زیبایی از سوی زوّار و خادمان هستیم؛ فداکاری، ایثار، اخلاق زیبا، محبت، خود را فدای دیگری کردن، احترام و اکرام، بی‌رغبتی به دنیا و ظواهر رنگارنگ آن، احساس حضور و توجه به محضر امام و...، این رفتارها به‌خاطر نوری است که خدا در این ایام قرار داده است و چون مردم خود را بیشتر در محضر اهل‌بیت علیهم‌السلام احساس می‌کنند، به چنین

رفتارهای زیبایی کشیده می‌شوند، اینها و بسیاری دیگر، از ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد جریان اربعینی است، ویژگی‌هایی که چه‌بسا در سایر سفرهای زیارتی به کربلا هم مشاهده نمی‌شود.

این مسائل یک سؤال اساسی برای ما ایجاد می‌کند و آن این است؛ واقعاً در راهپیمایی اربعین چه اتفاقی دارد می‌افتد و چه دستی پشت این ماجراست؟ این افراد چگونه در این اینجا جمع و به این رفتارها و احساسات کشیده می‌شوند؟ این جاذبه و کشش افراد بسوی اربعین در سال‌های اخیر طبیعی به‌نظر نمی‌آید. منظورم از اینکه طبیعی نیست این است که این، یک پدیده عجیب است، طوری که از پس توانِ بشر برنمی‌آید. ما باید از زوایای مختلف و با ابزارهای گوناگون این پدیده را بررسی کنیم، با این کار درمی‌یابیم که نه جمهوری اسلامی توان این را دارد که این همه جمعیت را بسوی مقصدی واحد آن هم با آن سطح از رفتارها و احساسات زیبا و اخلاقی حرکت دهد و نه این کار در توان کشور عراق و یا هر دولت و کشور دیگری است. اگر واقعاً این دو کشور، دولت‌ها و سایر افراد توان برپایی چنین حماسه‌ای را داشتند، خُب، در خیلی از موضوعات دیگر که گریبانگیرشان است، چنین حرکتی را انجام می‌دادند. این پدیده جدید و منحصر به فرد از سال ۹۰ـ۹۱ به‌تدریج رشد کرد و تا امروز که حدود ۶ سال از آن می‌گذرد، شوق مردم برای حضور و یا همراهی با جریان اربعین بیشتر و بیشتر شده است.

برپایی راهپیمایی اربعین با دست غیبی ولیّ خدا

*** پس شما معتقدید راهپیمایی اربعین کار کشورها، دولتها و در یک کلمه کار بشریت نمی‌تواند باشد و باید دستی دیگر در کار باشد، درست است؟**

بله، همین‌طور است. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در ارتباط با مقوله اربعین باید به آن توجه شود، این است که بدانیم فاعلیت این جریان با چه‌کسی است، برای اینکه این موضوع روشن شود باید ببینیم امروز در راهپیمایی اربعین چه اتفاقی دارد رخ می‌دهد تا با بررسی آن به پاسخ مورد نظر برسیم. پدیده اربعین به‌حدّی گسترده است و شواهد عینی آن به‌حدّی وسیع است که دست قدرت بشر از رقم زدن آن به این شکل عجیب ناتوان است؛ هرچند که انسان‌ها هم در آن حضور و نقش دارند. امام خمینی (ره) وجودشان برای ما یک نعمت بزرگ بود، ما باید از ایشان درسهای زیادی بگیریم. وقتی آثار و بیانات ایشان را درباره خاستگاه اصلی شکل‌گیری جریان

انقلاب اسلامی بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم که ایشان پیوسته چشم به محبت‌ها و اراده الهی داشتند و دست غیبی امام علیه‌السلام را نتیجه می‌گرفتند. با وجود اینکه مردم مدام حواسشان به امام(ره) بود تا منویات و اعلامیه‌های ایشان را عملیاتی کنند، ایشان بارها خود را از فاعلیت انقلاب اسلامی تنزیه می‌کردند و می‌فرمود دست بشر چنین قدرتی ندارد، این را تعارف نمی‌کردند یا صرفاً به‌عنوان یک نکته عرفانی و ذوقی بیان نمی‌کردند، بلکه ایشان کُنه و ذات پدیده انقلاب را در قدرت الهی و نورافشانی خدا در زمین می‌دیدند. ایشان به‌درستی تشخیص دادند که جریان انقلاب اسلامی فعل و برنامه الهی است که باید فوراً خود را با آن همراه و منطبق کرد؛ همین همراهی بموقع و زیبا، باعث رقم خوردن آن معجزه در آن زمان در کمال ناباوری بسیاری از افراد و تحلیلگران شد.

چرا برخی گمان می‌کنند که اتفاقات بزرگ صرفاً در سطح مادی و توسط معادلات مادی و زمینی صورت می‌گیرد؟ خدا این عالم را رها نکرده است، بلکه بر عالم و عالمیان احاطه کامل دارد «**إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ** (اسراء، آیه ۳۰)» خدا برای این عالم برنامه دارد، او مدبّر است و این تدبیر در پهنه آسمان‌ها و زمین صورت می‌گیرد «**يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ**»؛ ما باید در این تدبیر الهی بیندیشیم. اگر واقعاً فاعل جریان اربعین خداوند متعال است، وظیفه ما بسیار سنگین است. در قاموس قرآن و معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام به این نوع اثرگذاری‌ها و پیام‌رسانی‌های خداوندی، «آیه» می‌گویند، در حقیقت خداوند با پدیده‌های آیه‌گونه با عموم بندگانش در سطحی وسیع و اثرگذار صحبت می‌کند.

*** آیا شما می‌خواهید بگویید جریان اربعین حسینی در این برهه از زمان آیه‌ای الهی است؟**

بله، اربعین آیه‌ای الهی است. در ابتدا در تعریف مفهوم «آیه» باید بگویم آیه چیزی است که فاعل اصلی‌اش خودِ خداست و کسی نمی‌تواند ادعا کند که آیه را خلق کرده است، به‌عنوان مثال، در قرآن کریم از گردش شب و روز، وزش باد، احیای زمین به‌وسیله نزول باران از آسمان، در ماجراهای گذشتگان مانند خروج از ظلمات بسوی نور در مورد قوم موسی علیه‌السلام، ماجرای حضرت عیسی علیه‌السلام و... با عنوان «آیه» یا «آیات» یاد شده است. «آیه» یعنی مجموعه‌ای از قوانین و روابطی که خداوند در عالم قرار داده و قابلیت تکرارپذیری را در شرایط مختلف زمانی و مکانی توسط خداوند داراست، پس وقتی فاعل جریان اربعین را خدا بدانیم، من و شما نمی‌توانیم به راحتی از کنار آن عبور کنیم.

عواقب بی‌توجهی به آیات الهی

*** حال که راهپیمایی اربعین آیه‌ای الهی است، چه وظیفه‌ای در قبال آن داریم؟**

خداوند بسیار در نحوه رفتار انسانها در قبال آیاتش حسّاس است و غیورانه هم رفتار می‌کند. وقتی این دسته از آیات را بررسی می‌کنیم می‌بینیم که خداوند پاداشی ویژه را برای کسانی که به آیاتش اعتنا کنند قرار داده است و در مقابل برای افرادی که نسبت به آیاتش بی‌توجه هستند و به‌تعبیری آنها را تکذیب می‌کنند، عقوبتی شدید را درنظر گرفته است که این اهمیت توجه به آیات الهی را نشان می‌دهد، به‌عنوان مثال، خداوند می‌فرماید: «**وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ**» (اعراف، آیه ۱۷۶)، خداوند در این آیه، مثال تکذیب کنندگان آیاتش را مثال سگی می‌داند که اگر بر او حمله کنی یا او را به حال خود واگذاری به عوعو زبان کشد. همچنین خداوند در آیه ۱۰۵ سوره یوسف علیه‌السلام پس از آنکه ماجرای یوسف علیه‌السلام را در ابتدای سوره به‌عنوان احسن القصص و نیز آیاتی برای افرادی که در جست‌وجوی حقیقتند (آیات للسائلین) یاد می‌کند، و بعد از آنکه کل داستان را در آیه ۱۰۱ به اتمام می‌رساند، دراین‌باره می‌فرماید: «**وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ**؛ چه بسیار آیات و نشانه‌هایی در آسمانها و زمین می‌گذرند و از آن روی می‌گردانند». نکند ما، جامعه نخبگانی ما به‌خصوص، در دسته اعراض‌کنندگان از آیات قرار بگیرند.

*** بنابراین بر اساس آنچه مطرح شد، آیا می‌توان جریان انقلاب اسلامی را همچون راهپیمایی اربعین آیه‌ای الهی در این عصر دانست؟**

بله، واقعاً باید خدا را شکر کرد که در این عصر دو آیه بزرگ خود را در معرض ما قرار داده است. انقلاب اسلامی هم یکی از آیات الهی بود، اما درسی که باید از آن فعل بزرگ خدا گرفته می‌شد، به‌درستی گرفته نشد، درس حرکت جمعی بسوی امام علیه‌السلام در عین حال، خدا محبت کرد و آیه‌ای دیگر را بعد از انقلاب اسلامی در معرض ما قرار داد، پس بیاییم این بار نسبت به آن کوتاهی نکنیم و خودمان را با راهپیمایی اربعین حسینی همراه کنیم و درسهای آن را فراگیریم و در مسیر حرکت بسوی خدا از آن استفاده کنیم. در اربعین بسیاری از آرمان‌هایی که در انقلاب اسلامی از سوی برخی صاحب‌نظران مدام بر آن تأکید می‌شود، به راحتی و زیبایی به‌تصویر

کشیده می‌شود؛ بدون آنکه ما برای تحقق آن برنامه‌ای از قبل تعیین‌شده یا الگویی آزمایش‌شده یا سندی مصوب و ابلاغی داشته باشیم! حتی فراتر از آن آرمانها را می‌بینیم، آزادی و رهایی انسان‌ها در اربعین بسیار نمایان است طوری که انگار اصلاً در این دنیا نیستند و در آسمانها قرار دارند.

معنویت در اوج خود و در معنای حقیقی (و نه ساختگی آن) در اتصال به ولیّ عالم نمایان است؛ حتی از عدالت نیز فراتر می‌رویم. خدا با زبان آیاتی خود به ما نشان می‌دهد زمانی که محدودیتها، حصارها، تحریمها و بسیاری از غُل و زنجیرهای دیگر از میان شیعه برداشته شود، می‌شود این جامعه اربعینی که می‌بینید، جامعه‌ای رها از دنیا و تعلقات دنیوی، معطوف و متوجه به امام علیه‌السلام و غرق در محبت و کرامت نسبت به یکدیگر و مؤمنان! نه در سطح یک ملت، در سطح ملل گوناگون و حتی مذاهب و ادیان مختلف، این بخشی از همان هدف و آرمان انقلاب اسلامی بود که مجدداً با همان مکانیسم ازدیاد و اتمام نور در زمین دنیا در حال وقوع است. وقتی خدا را فاعل جریان اربعین بدانیم و از آنجایی که خداوند کاری عبث و بیهوده انجام نمی‌دهد، قطعاً از برپا کردن این پدیده هدفی خاص را دنبال می‌کند، همچنان که با برپا کردن انقلاب اسلامی اهدافی داشته است.

اربعین عرصه روآمدن فطرت انسان‌ها در این زمانه است

یکی از تفکرات منفی در این زمینه، تفکری برخاسته از آئین یهود است. آنان دست خدا را بسته می‌دانند، یعنی خدا کاری نمی‌تواند انجام بدهد. متأسفانه این تفکر در جامعه ما و در سطوح علمی ما نیز نفوذ کرده است، اساس این تفکر بر خداناباوری است و هرچه را هست زاییده تفکر و اقدام انسان و معادلات مادی می‌داند، در حقیقت فاعل تمام رویدادها را انسانها می‌داند و گویی خدا، خدای ساعت‌ساز است. پس خدا در حیات و زندگی جمعی ما در این زمانه چگونه حضور دارد؟! اما خدا می‌فرماید دست خودشان بسته است و لعنت بر آنها به‌خاطر این قول و فکرشان، بلکه دست خدا باز است: « **وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ**». علمی که نتواند تبیینی صحیح از ماجرای اربعین ارائه کند، به چه‌کاری می‌آید؟! این علم لاینفع است «**إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لاَيَنْفَعُ**». اربعین عرصه رو آمدن فطرت انسانهاست.

*** به‌نظر شما آیا می‌توان پدیده اربعین را از منظر علمی مورد مطالعه قرار داد؟**

بله، به نکته مهمی اشاره کردید. جامعه نخبگانی ما باید اربعین را در ابعاد مختلف مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. وقتی افراد در این نور قرار می‌گیرند بروزاتی از فطرتشان نمایان می‌شود. دانشگاه ام‌آی‌تی به‌عنوان یکی از برترین دانشگاههای دنیا، در سال ۲۰۱۶ طرحی را با عنوان زیرکانه «بسوی کربلا» به‌سرپرستی یکی از اساتید رشته خط‌مشی‌گذاری و دانشجویان دکترای خود انجام داد. جریان از این قرار بود که پژوهشگران این دانشگاه با حدود چهار هزار شیعهٔ عراقی و ایرانی در مسیر راهپیمایی اربعین مصاحبه کردند، این پژوهشگران به‌همراه مترجم‌های عربی و فارسی در موکب‌های اربعین مستقر شدند، نکته جالب اینجاست که آن پژوهشگران در مصاحبه‌ها سؤالاتی غیرمرتبط با راهپیمایی اربعین با محوریت مسائل سیاسی و اجتماعی نظیر برجام، پوشش چادر، رابطه دین و سیاست، اشتغال زنان، تحریم و مانند آن می‌پرسیدند، جالب این است که آنان هیچ‌گونه سؤالی دربارهٔ اینکه "اصلاً چرا به این سفر آمدید؟ در این مسیر چه حسی دارید؟ چرا دست به این همه رفتارهای عجیب می‌زنید و...؟" نمی‌پرسیدند! قصد آنان این بود که روابط ملت ایران و عراق را مطالعه کنند، آنها نمی‌توانستند چنین برنامه‌ای را در ایران و حتی عراق به این صورت انجام دهند، وقتی متوجه جریان اربعین شدند آن را بهترین فرصت برای دستیابی به اهداف خود دانستند و البته طرح به‌لحاظ تحلیلهای آماری و جمعیت‌شناختی و روش شناختی در سطح خودش قوی است، اما چه ارتباطی به ماهیت و جریان اربعین دارد؟! عنوانی را هم برای پژوهش خود انتخاب کردند که "اگر ما به‌روی کارهای علمی‌مان در این خصوص در داخل بگذاریم، به‌سرعت متهم به سوگیری و دخالت عُلقه‌های دینی و مذهبی در یافته‌های پژوهشی خود می‌شویم."

حرفم این نیست که محقق باید این کار را بکند، خیر، باید از آن بپرهیزد، حرفم این است که نمی‌توان در روشهای علمی از مثلاً فهم همدلانه و کشف حقیقت دم زد اما در نتایج کار، هیچ اثر و بویی از کشش و جاذبه نورانی امام حسین علیه‌السلام که در زبان و دل افراد حاضر در میدان اربعین کاملاً بروز و ظهور دارد، نرساند و آن را در نتایج کار نشان نداد! از سوی دیگر، این را هم عرض کنم که امروز، تراز و میزان علوم انسانی اسلامی ما اربعین است، در واقع پدیده و جریان الهی اربعین، علم اسلامی ما را هم به چالش کشیده است! باید دید آیا علوم انسانی اسلامی ما در تمام شاخه‌های

آن اعم از علوم اجتماعی، روانشناسی، مدیریت، اقتصاد و... توان تبیین و فهم این پدیده در لایه‌های پنهان و «حقیقی و اصیل آن» را دارد؟ اگر از پس این فهم برنمی‌آید، چرا؟ اشکال کار کجاست؟ این همه زحمت و تلاش در علوم انسانی اسلامی چرا نتواند حقیقت این پدیده را تبیین کند؟! اگر بله، چقدر و تا چه‌سطحی؟ عرصه اربعین، عرصه نابی است برای تولید علم بدین معنا، به‌عنوان مثال، واقعاً الگوی اقتصادی ماجرای اربعین چیست؟ چه‌نوع مدیریتی در آن جاری است؟ جریان اربعین از حیث جمعیتی که در آن ایام به سرزمین کربلا می‌آیند قابل مطالعه با روشهای گوناگون ریاضیاتی و آماری و اجتماعی و حتی ثبت رسمی در تاریخ است، همچنین بررسی گردش مالی و اقتصادی در این ایام نیز عجیب است، از حیث رفتارها و تعاملات زیبای انسانی و اجتماعی و بسیاری موارد دیگر، از طریق این موارد و مانند آن می‌توان جریان اربعین حسینی را در لایه‌های پایینی و زمینی آن مورد مطالعه قرار داد؛ اما ضعیف‌ترین منظرها در همین لایه‌های عمقی و نه ارتفاعی برای نگریستن به راهپیمایی اربعین، منظر تاریخی است! چراکه راهپیمایی اربعین یک اتفاق جدید و بی سابقه در عالم است! درست است که در طول تاریخ به‌شکلی دیگر وجود داشته، اما هیچ وقت به این شکل نبوده است، عرض شد که حاکی از فاعلیت خدای حیّ و زنده است؛ خدایی که در اداره عالم، نه‌تنها دست‌بسته نیست که دستانش باز است! پس باید آن را یک جریان جدید الهی دانست.

رهبر انقلاب اسلامی در همین خصوص نظرشان این است: «خدای متعال منت گذاشته بر ما و این حادثه را برای ما خلق کرده است، این شد یک نماد. همیشه اربعین پیاده‌روی بود اما این حرکت عظیم که یک نماد بسیار زیبا و پرشکوهی از حضور پیروان اهل‌بیت و علاقه‌مندان به اهل‌بیت علیهم‌السلام است؛ این نبود، ما این را نداشتیم، این را خدای متعال در اختیار ما گذاشت، خدا را بایستی شاکر باشیم». جالب است که با نگرش تاریخی و یا رجوع به برخی روایات، عده‌ای درست مقابل امام خمینی ایستادند و حرکت ایشان را در انقلاب اسلامی منحرف خواندند. آنان از قصد و برنامه الهی غافل بودند درست از همان چیز که امام خمینی متوجه آن شد. در این برهه زمانی نیز باید به‌سرعت متوجه قصد و برنامه الهی در خلال آیه اربعین شد و در سطحی عمومی و جمعی خود را همراه جریان الهی کرد. اساساً این نیاز، مطالبه و سؤال باید در ما به‌طور جدّی شکل بگیرد که خدا از طریق آیه اربعین چه پیام و برنامه‌ای دارد و ما باید چه رفتاری نشان دهیم و چگونه برای آینده آن آماده شویم؟

امیدواریم که دست‌کم جامعه نخبگانی ما بتواند قدمی درخور در یافتن پاسخ این سؤال مهم و راهبردی بردارد و این‌بار در آزمونی دیگر پس از انقلاب اسلامی از آن سربلند بیرون آید.

شگردی قرآنی برای شناخت پدیده اربعین و آینده آن

*** بر این اساس، به‌نظر شما جریان راهپیمایی اربعین را چطور می‌شود مطالعه کرد و از ظرفیتها و امکانهای آینده آن مطلع شد؟**

البته پاسخ به این سؤال خود مجال دیگری را می‌طلبد، ما تا اینجا به‌روی نوع نگاه و منظر دقیق و صحیح و مرتفع به اربعین و جنبه‌های الهی بودن و فاعلیت خدا در آن تأکید داشتیم، جنبه‌ای که اگر از آن غافل شویم، توان تبیین این پدیده را در لایه‌های بالاتر و اصیل آن نخواهیم داشت و در نتیجه فهم ما نیز از این پدیده ناقص خواهد بود، اما کشف ظرفیتها و امکانهای آینده این پدیده از پیچیده‌ترین ابعاد آن است؛ چراکه فاعل جریان اربعین، خودِ خداست، لذا باید در کتاب خدا و با هدایت معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌سراغ پاسخ این سؤال آمد. مسیری که خداوند برای کشف و فهم بهتر این قبیل پدیده‌های آیاتی و شناخت آینده از طریق آن در قرآن معرفی می‌کند، مسیر و شگرد اختصاصی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یعنی «بصیرت» است. خداوند در جمع‌بندی ماجرای یوسف علیه‌السلام که خود ماهیتی آیاتی دارد (یوسف، آیه ۷) در اواخر سوره در سیاق آیات ۱۰۵ تا ۱۰۸ سبیل یا شگرد اختصاصی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای حرکت بسوی خدا و تابعان و پیروان ایشان را در این مسیر معرفی می‌کند: «**قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ**؛ بگو: این راه من است من و پیروانم، همگان را در عین بصیرت بسوی خدا می‌خوانیم، منزه است خدا و من از مشرکان نیستم». در آیات ۱۰۵ تا ۱۰۸، بصیرت، رفتاری است که درست مقابل اعراض از آیات قرار می‌گیرد و در واقع بصیرت یعنی «نوعی شناخت و اشراف از درون بر صحنه» است، تا چه‌حدی؟ تا جایی که در آیه دیگر داریم: «**بَلِ الإِنسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ**»! یعنی همان اشرافی که انسان به خود دارد باید تلاش کند تا به آیات الهی نیز پیدا کند.

تلاش انسان برای قدم گذاشتن در این مسیر و توجه پیوسته و بصیرتمند نسبت به آیات الهی، سبیل اختصاصی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و این راهی است که به‌برکت وجود ایشان بسوی آسمان باز شده است و در دیگر ادیان آسمانی رسولان اولواالعزم

نیز مطرح نیست. بیاییم در این زمان در سبیل ایشان قرار بگیریم و جزو پیروان ایشان باشیم و برای بصیرت نسبت به اربعین تلاش کنیم تا شاید خداوند نیز ظرفیتها و بشارتهای آینده و پیش‌روی آن را نیز به ما نشان دهد و هرچه سریعتر بتوانیم خود و جامعه را برای بهره بردن از آن بشارتهای آینده اربعینی آماده کنیم. بیاییم بپذیریم که راه نجات امروز جامعه ما از این همه گرفتاری و فشار توجه کامل دقیق و بصیرتمند نسبت به آیه اربعین است و گرنه عذاب فراگیر در پیش است؛ خدا پیش از آن، نسخه نجات را به ما نشان داده و ما را بسوی آن فراخوانده است.

مصاحبه: امیرمحسن شیخان

مصاحبه هفتم ـ حجت‌الاسلام مصطفی الهیاری، مدیر بنیاد بین‌المللی تمدن ولایی:
نور اربعین طلیعه نابودی اسرائیل و برپایی آرمان‌شهر ظهور است/ نخبگان دینی باید مردم را با هدف اربعین آشنا کنند

دست ولایت خداوند در جریان اربعینی

*** آیا می‌توان جریاناتی مثل انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و اربعین حسینی را در اندیشه قرآنی حرکت بسوی نور مورد مطالعه قرار داد؟**

معنای ولایت قرآنی صف‌بندی مقابل جبهه مقابل است؛ هرچند ممکن است گروهی تصور کند مسیر اشتباهی که می‌پیمایند صحیح باشد. مثل داعشی‌ها که با فریب عده‌ای از مسلمانان آنان را برای مبارزه با همنوعان‌شان به جبهه نبرد می‌فرستند؛ به‌تعبیر قرآن اینها کسانی هستند که طاغوت ولیّ آنهاست که آنان را از نور بسوی ظلمات سوق می‌دهد « **الَّذينَ كَفَرُوا أَوْلِياؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُماتِ**؛ کسانی که کفر ورزیدند، اولیای آنها طاغوت است که آنها را از نور بسوی ظلمات می‌کشاند».

ولایت الهی در جبهه حق به گونه‌ای دیگر است. همان طور که در سؤال خود هم اشاره‌ای دارید، به‌تعبیر خداوند در قرآن، ولایت الهی، اهل ایمان را از ظلمات جهل و ظلمات نفس بسوی نور سوق می‌دهد؛ «**اللَّهُ وَلِيّ الَّذينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ**» نمود عینی اِعمال این ولایت را در دوران پیروزی انقلاب اسلامی، سپس در جریان بیداری اسلامی و اکنون در حد وسیع‌تر در جریان اربعین حسینی مشاهده می‌کنیم. جالب است امام خمینی(ره) انقلاب را انفجار نور معرفی کردند که دقیقاً منطبق بر همین آیاتی است که عرض کردیم. همچنین رهبر انقلاب بارها انقلاب را یک جریان نورانی معرفی کردند که دشمنان می‌خواهند با فوت‌شان آن را خاموش کنند؛ همان آیه‌ای که خداوند می‌فرماید «**يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ**؛ کافران می‌خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل (و طعن و مسخره) خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند کامل خواهد کرد».

شما وقتی جامعه قبل از انقلاب اسلامی با پس از آن را در خاطرات تاریخی و مصور نگاه می‌کنید، شاهد این تحول نورانی هستید. جوانانی که در ظلمت دوران طاغوت ستمشاهی بودند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی تبدیل به افرادی نورانی و در عین حال برجسته شدند. همان‌ها فرماندهان اصلی دفاع مقدس شدند. این نور عظیم الهی در دفاع مقدس به اوج خود رسید و در رزمندگان چنان اثر گذاشت که هیچ ظلمتی یارای تقابل با آنان را نداشت. رزمندگان در نور انقلاب اسلامی سپاه کفر را درو کردند؛ این نور به جز از مجرای ولیّ زمانه یعنی امام خمینی(ره) قابلیت ورود به جامعه را نداشت.

دلیل عدم تسهیل زیارت اربعین، عدم نگرش عالمانه به اربعین است

*** با این تعریف، جریان انقلاب و اربعین حسینی یک جریان نورانی است؛ به نظر شما چه رفتاری در قبال این حرکت پدید آمده باید صورت گیرد؟**

مطالعه جریان اربعینی از منظر جریان «نور الهی» در پهنه عالم، نقطهٔ قوتی است که باید مورد مطالعه قرار گیرد و دیده شود، اما متأسفانه از این جنبه به‌طور شایسته مورد توجه واقع نمی‌شود؛ لذا بزرگ‌ترین آفت جامعه ما در قبال اربعین، عدم نگرش عالمانه و عارفانه به جریان نورانی اربعین حسینی است؛ به‌عنوان نمونه وقتی این خلأ معرفتی بین برخی خواص جامعه وجود داشته باشد، نمی‌توانند به‌طرز شایسته

زمینه‌های تسهیل زائران اربعینی را فراهم کنند، چرا که صرفاً با نگاهی مادی به این جریان الهی و مردمی نگاه می‌کنند، بنابراین باید رسالت اصلی این نور مورد مطالعه قرار گیرد؛ همچنان که از همین منظر، مقداری از انقلاب و دفاع مقدس را مورد تحلیل قرار دادیم.

رهبر انقلاب اربعین را در پازل تمدن نوین اسلامی می‌داند

*** شما به‌عنوان یک پژوهشگر دینی رسالت اصلی و مقصد نهایی جریان اربعین را در چه مواردی می‌دانید؟**

رسالت اصلی جریان اربعین را در نابودی اسکتبار جهانی و اسرائیل و نیز تشکیل تمدن نوین اسلامی می‌دانم. مسئله‌ای که هر فردی اکنون می‌تواند به آن شهادت دهد. جالب است که رهبر معظم انقلاب سال‌ها قبل این نگرش را برای جامعه تبیین کردند. در این‌باره توجه شما را به این فراز از سخنان رهبری در خطبه‌های نماز جمعه سال ۶۶ ارجاع می‌دهم.

رهبر معظم انقلاب فلسفه بازگشت امام سجاد و حضرت زینب در روز اربعین به کربلا را در یک پازل تمدنی مورد توجه قرار می‌دهند و معتقدند اهداف انسان‌هایی به این عظمت را باید در رازهای بزرگ‌تر جست‌وجو کرد. معظم‌له دراین‌باره می‌فرماید: **«آمدن اهل‌بیت حسین‌بن علی علیهما‌السلام به سرزمین کربلا، که اصل این آمدن مورد قبول است، اما سال اول یا دوم بودن آن معلوم نیست، فقط برای این نبود که دلی خالی کنند یا تجدید عهدی بکنند؛ آنچنان که گاهی بر زبان‌ها جاری می‌شود. مسئله از این بسیار بالاتر بود، نمی‌شود کارهای شخصیتی مثل امام سجاد علیه‌السلام یا زینب کبری را بر همین مسائل عادی رایج ظاهری حمل کرد، باید در کارها و تصمیمات شخصیت‌هایی به این عظمت، در جست‌وجوی رازهای بزرگتر بود.»**

رهبر انقلاب در ادامه توضیح می‌دهند «مسئله آمدن بر سر مزار سیدالشّهدا علیه‌السلام، در حقیقت امتداد حرکت عاشورا بود، با این کار خواستند به پیروان حسین‌بن علی علیه‌السلام و دوستان خاندان پیغمبر و مسلمانانی که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته بودند تفهیم کنند، این حادثه تمام نشد؛ مسئله با کشته شدن، دفن کردن و اسارت گرفتن و بعد رها کردن اسیران خاتمه پیدا نکرد؛ مسئله ادامه دارد؛ به شیعیان یاد دادند اینجا محل اجتماع شماست؛ اینجا میعاد بزرگی است که با جمع شدن در این میعاد،

هدف جامعه شیعی و هدف بزرگ اسلامی جامعه مسلمین را باید به یاد هم بیاورید، تشکیل نظام اسلامی و تلاش در راه آن حتی در حد شهادت، آن هم با آن وضع! این چیزی است که باید از یاد مسلمانان نمی‌رفت و خاطره آن برای همیشه زنده می‌ماند، آمدن خاندان پیغمبر، امام سجاد علیهما السلام و زینب کبری به کربلا در اربعین به این مقصود بود.»

این نگاه عالمانه و فقیهانه‌ای که رهبر انقلاب از سیره عترت علیهم السلام دارند، حاوی نگاهی بلند و تمدنی است. در واقع علت بازگشت امام سجاد علیه السلام به کربلا در روز اربعین را یادآوری هدف قیام امام حسین علیه السلام در راستای تشکیل تمدن نوین اسلامی معرفی می‌کنند؛ می‌فرمایند امام سجاد علیه السلام به شیعیان آموختند در جریان اربعین حسینی شیعیان باید هدف جامعه شیعی و هدف بزرگ اسلامی جامعه مسلمین را به یاد هم بیاورند که همان تشکیل نظام اسلامی و تلاش در راه آن، حتی در حد شهادت، آن هم با آن وضع است.

اربعین نشان از یک اعجاز خداوندی دارد که از ابتدای تاریخ بشریت تاکنون به این گستردگی سابقه نداشته است، یعنی در ماجرای اربعینی شاهد تشکیل یک جبهه عظیم و صف‌بندی آنان برای مبارزه و حذف ظلم و استبداد و بعد زمینه‌سازی برای آن تمدن وعده‌داده شده خداوندی در آخرالزمان هستیم. همان تمدنی که با ظهور منجی بشریت امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه) تحقق می‌یابد. روشنایی اصلی و نور اصلی جریان اربعینی همین مسئله است.

هدف اربعین با تشکیل تمدن نوین اسلامی تحقق می‌یابد

البته تشکیل نظام اسلامی که رهبری به آن اشاره دارند، مسلماً نظام جمهوری اسلامی نیست زیرا این کار در سال ۵۷ صورت گرفت. در ادبیات سخنان سال ۶۶ رهبر انقلاب، تشکیل نظام اسلامی همان تشکیل نظام جهانی اسلام است که امروزه با عنوان «تمدن نوین اسلامی» مورد گفتمان قرار می‌گیرد. طلیعه‌های تشکیل این نظام جهانی را امروز در قالب ماجرای اربعین حسینی مشاهده می‌کنیم؛ لذا اربعین به‌دنبال این هدف است. اکنون که بیش از ۳۵ سال از سخنان رهبر انقلاب می‌گذرد، مشاهده می‌کنیم مردم دنیا از بیش از ۹۰ کشور با ادیان و مذاهب مختلف، اما در عین حال با یک هدف و مقصد واحد در این راهپیمایی عظیم شرکت می‌کنند. این مسئله نشان از یک اعجاز خداوندی دارد که از ابتدای تاریخ بشریت تاکنون به این

گستردگی سابقه نداشته است، یعنی در ماجرای اربعینی شاهد تشکیل یک جبهه عظیم و صف‌بندی آنان برای درو کردن ظلم و استبداد و بعد زمینه‌سازی برای آن تمدن وعده‌داده شدهٔ خداوندی در آخرالزمان هستیم، همان تمدنی که با ظهور منجی بشریت امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه) تحقق می‌یابد. روشنایی اصلی و نور اصلی جریان اربعینی همین مسئله است.

نخبگان دینی باید مردم را با هدف اربعین آشنا کنند

تمام مردمی که در جامعهٔ اربعینی حضور می‌یابند، خواه‌ناخواه در مسیر تحقق هدف اهل‌بیت علیهم‌السلام که همان تحقق برنامه‌های الهی در راستای تشکیل آن جامعه آرمانی است، دور هم جمع می‌شوند، لذا دست خداوند قلوب پاک‌طینتان عالم را بسوی این هدف سوق می‌دهد. اگر مردم در ماجرای اربعین با این معرفت آشنا نشوند، هرچند در پیاده‌روی اربعین حضور یابند و جبهه‌ای متحد شکل دهند، اما نمی‌توانند تشخیص دهند از کجا باید هدف را بزنند؛ لذا نیاز است جایگاه اربعین در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی و یا کارکرد تمدن‌ساز اربعین برای جامعه تبیین شود.

تلاش دشمن جهت انحراف جریان اربعین

*** به نظر شما عدم تبیین مناسب هدف اربعین که همان تحقق تمدن نوین اسلامی است، چه پیامدهایی منفی در پی خواهد داشت؟**

اگر هدف اصلی اربعین برای جامعه تبیین نشود، این جریان را با خطراتی مواجه می‌کند؛ چرا که عنوان کردیم هدف اربعین، نابودی کفر و استکبار و تحقق تمدن نوین اسلامی است؛ از این جهت خلأ معرفتی نسبت به ماجرای اربعینی باعث نفوذ دشمن می‌شود؛ دشمنی که مطمئناً می‌داند این جریان به قیمت نابودی‌شان تمام خواهد شد. به‌عنوان نمونه، دشمنان سعی دارند با معطوف کردن توجهات مردم به یکسری اعمال و آداب ظاهری اربعین، آنها را از اصل قضیه دور کنند، چرا که آنها همواره سعی کرده‌اند ظواهر واقعه عاشورا آن هم به‌صورت کاملاً تحریف‌شده را بین شیعیان مرسوم کنند و در این راستا به موفقیت‌هایی دست یافتند.

خداوند با ولایت قائم نور خود را تام می‌کند

هرچند ما معتقدیم نور اربعینی راه خودش را ادامه می‌دهد و به اهدافش دست می‌یابد. به‌تعبیر قرآن کافران می‌خواهند با فوتشان نور خدا را خاموش کنند، اما خداوند

نورش را کامل می‌کند، می‌فرماید: « **يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ**؛ (سوره صف، آیه ۸) می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا ـ گر چه کافران را ناخوش اُفتد ـ نور خود را کامل خواهد کرد»، یعنی با یک‌سری ابزارها و حیله‌های بشری قصد دارند جلوی جریان آن نور عظیم الهی را که در اربعین جلوه‌گر است، بگیرند. جالب است که در روایتی از امام کاظم علیه‌السلام آمده است خداوند با ولایت قائم (عجل الله تعالی فرجه)، نور خود را تام می‌کند. «**وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ بِوَلَايَةِ الْقَائِمِ**». این مطلب همان هدف غایی نور اربعینی است که عرض کردیم تشکیل جامعه آرمانی و یا تمدن نوین اسلامی است.

تقلای دشمن برای بایکوت رسانه‌ای پیاده‌روی اربعین

*** با این دیدگاه، علت بایکوت خبری پیاده‌روی اربعین مشخص می‌شود.**

همین طور است؛ رسانه‌های جهانی که عمدتاً دست لابی‌های صهیونیستی است، با توجه به روشنگری‌های اربعین و البته خطراتی که اربعین برایشان دارد، این شور جهانی را مورد بایکوت خبری قرار می‌دهند. اگر اربعین در دنیا صدا کند، ترس آن به جان دشمنان می‌افتد و پایه‌های سلطنت آنان را متزلزل می‌کند؛ لذا قصد دارند جایگاه اربعین و نور اربعین را مردم دنیا متوجه نشوند؛ اما مطمئناً برنامه خداوند محقق خواهد شد و بسیاری از مردم دنیا دیر یا زود به این کاروان عظیم می‌پیوندند.

جامعه در جریان انقلاب دعوت فطری خداوند را پذیرفت

*** جریان سکولار همواره سعی دارد نقش مردم را بر اینگونه جنبش‌های مردمی پررنگ کند؛ همچنان که همین دیدگاه را درباره انقلاب اسلامی دارند، به عنوان نمونه، ساموئل هانتینگتون و برنارد لوئیس دو شرق‌شناس مشهور غربی معتقدند اسلام‌گرایی مردم غرب آسیا و شمال آفریقا واکنشی در برابر تهاجم همه جانبه غرب به این منطقه بوده است. به نظر می‌رسد تنها چیزی که در این نوع تفکر دیده نمی‌شود، عدم تداخل فعل خدایی خداوند در جریانات جاری بر عالم و آدم است. این تفکر را اکنون شبه‌روشنفکران ما دنبال می‌کنند. نظر شما دراین‌باره چیست؟**

نقش مردم در تحقق آنچه اراده الهی استوار است، غیر قابل انکار است. خداوند از ابتدا انسان را مختار آفرید و تمام تغییرات دنیا را به اراده مردم پیوند داد. در جایی که حرف گوش دادند، خداوند به آنها محبت کرد و در جایی که کج‌رفتاری کردند، آنان را

محروم و مورد عذاب قرار داد، لذا ارادهٔ خداوند بر این است که تا مردم تغییر نکنند، اتفاقی در پهنهٔ عالم نیفتد، همچنان که شاهدیم غیبت امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه) تاکنون تداوم داشته است. دلیلی ندارد ظهور تا این حد عقب بیفتد، جز اینکه بگوییم مردم آمادگی مواجه با آن را ندارند. البته پیروزی انقلاب اسلامی نقطه عطف آمادگی شیعیان برای استقبال از ظهور امام عصر(عجل الله تعالی فرجه) بود؛ مردم در آنجا حرف‌شنوی و همراهی کردند. دعوت فطری خداوند را پذیرفتند و با ولیّ خدا همراهی کردند؛ بنابراین آمادگی مردم در پذیرش آنچه خداوند اراده کرده، بسیار ضروری است. اما معتقدیم این جریانات عالم را باید دو سویه دید: از یک سو ارادهٔ خداوند و از سوی دیگر خواست مردم به تغییر. خداوند می‌فرماید: «**إِنَّ اللَّهَ لایُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِم**؛ (انفال، بخشی از آیه ۵۳) در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.» نمونه‌های این مسئله را در طول تاریخ می‌توان مشاهده کرد.

*** دراین‌باره مثالی می‌زنید؟**

همان طور که می‌دانیم، پس از وفات شهادت‌گونه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله امت اسلام ولایت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام را انکار کردند، لذا حکومت اسلامی تشکیل نشد. البته خداوند هم به مرور زمان آنان را به فتنهٔ بنی‌امیه دچار کرد. با این حال پس از ۲۵ سال که جامعه اسلامی با انواع فتنه‌ها مواجه شد، به ناچار رو به امیرالمؤمنین علیه السلام آورد. نکته عبرت‌آموز اینجاست که جامعه اسلامی با اینکه با امام علی علیه السلام بیعت کردند، اما باز هم حضرت را به‌عنوان امام برحق قبول نداشت و با ایشان در حد یک حاکم اسلامی و یک رهبر سیاسی برخورد کرد؛ رهبری که ممکن است خطایی هم بکند، لذا هیچ وقت نگفتند ما غلط کردیم که ولیّ خدا را تشخیص ندادیم و حال که متوجه شدیم، تو بیا بر ما حکومت ولایی کن. از این جهت وقتی برای بیعت مقابل درب منزل حضرت آمدند، امیرالمؤمنین علیه السلام با اکراه قبول کردند و فرمود این حکومت از آب بینی بزغاله برایم اهمیتش کمتر است. دیگر این حکومت، حکومت ولایی نبود.

برای فهم این استدلال کافی است نوع برخورد مسلمانان در دوران خلافت علی علیه السلام را مطالعه کنید. کسانی جلوی امیرالمؤمنین علیه السلام صف‌بندی کردند که جلوداران سپاه پیامبر صلی الله علیه و آله بودند؛ چرا که منافع خودشان را در خطر دیدند. خواصی که به‌دنبال سهم‌خواهی از اسلام بودند و در زمان خلفای پیشین به نان و نوایی رسیده

بودند، وقتی با عدالت علوی مواجه شدند، به گونه‌ای منحرف شدند که مقابل ولیّ خدا صف دشمنی بستند؛ هرچند عرض کردیم از ابتدا هم تقدسی برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام قائل نبودند و در حد یک رهبر سیاسی قبول داشتند. جالب است بدانیم جنگ‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام با خود مسلمانان بود نه خارجی‌ها. قاسطین و خوارج و ناکثین سه دشمن اصلی حضرت بودند که از دل مسلمانان برخاستند، بنابراین حتماً باید ولایتمدارانی باشند تا امر ولیّ خدا تحقق یابد و جامعه آرمانی شکل بگیرد. لازمه شکل‌گیری تمدن اسلامی، حضور و پذیرش مردم و تسلیم آنها در قبال اراده خداست.

مصاحبه: سعید شیری

مصاحبه هشتم ـ حجت‌الاسلام ناصر خلج، استاد سطح عالی حوزه علمیه:
نور اربعینی ملت‌ها را به‌سمت اسلام می‌کشاند

حجت‌الاسلام ناصر خلج با اشاره به اینکه تمام اهل‌بیت علیهم‌السلام به تعبیر روایات نور واحدی هستند، افزود: طبق برنامه‌های الهی هر کدام از اهل‌بیت علیهم‌السلام در این دنیا با صفات خاص خودشان حضور پیدا می‌کنند و با همان صفات اثرگذاری می‌کنند.

کشتی حسین علیه‌السلام جادار و وسیع است

وی وجود مقدس امام حسین علیه‌السلام را مظهر عزت و هدایت و نور ویژهٔ خدای متعال معرفی کرد و گفت: در حدیثی از رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است «**إنّ الحسین مصباح الهدی و سفینة النجاة**؛ حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است». اما این کشتی ویژگی خاصی دارد که امام صادق علیه‌السلام به آن اشاره کردند. شخصی به حضرت عرض کرد مگر تمام شما کشتی نجات نیستید؟ امام علیه‌السلام فرمود بله. آن مرد گفت پس چرا به امام حسین علیه‌السلام کشتی نجات گفته می‌شود. حضرت در پاسخ فرمود: «**نحن سُفَن النّجاة ولکن سَفینةُ الحسین أوسعَ و أسرعَ**؛ ما همگی کشتی نجاتیم، اما کشتی حسین، جادارتر و سریع‌تر است»؛ ازاین‌رو کلبی دو روز قبل از عاشورا به کاروان ملحق می‌شود و به مقامات عالی می‌رسد.

حرارت و نور امام حسین علیه‌السلام حرکت‌زاست

حجت‌الاسلام خلج با اشاره به دیگر ویژگی امام حسین علیه‌السلام گفت: امام صادق علیه‌السلام در روایتی دیگر می‌فرماید « **إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حرَارت فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ**» حرارتی در کشته شدن و قیام سیدالشهدا است که هرگز سرد نمی‌شود. حرارت در دنیا چند کار انجام می‌دهد: اولین کارش تولید نور است؛ هر چه حرارت بیشتر باشد، نور بیشتر خواهد شد. کسی که نور داشت، مسیر را می‌بیند و هدایت می‌یابد.

وی افزود: اثر دیگری که حرارت دارد، باعث سرعت می‌شود. هر اندازه حرارت بیشتر شود، سرعت هم بیشتر خواهد شد؛ به این جهت است که می‌بینید زیارت اربعینِ حسینی در این سالیان اخیر به اوج خودش رسیده است و بیشتر هم خواهد شد.

نور اربعینی ملت‌ها را به اسلام می‌کشاند

حجت‌الاسلام خلج با اشاره به اینکه این حرارت همواره وجود دارد و باید از آن بهره ببریم، افزود: حرارت و نور حسینی باعث شد افراد زیادی با اسلام آشنا شوند؛ غربی‌ها نیز ممکن است امام حسین علیه‌السلام را نشناسند، اما وقتی با نور اربعینی مواجه می‌شوند، ناخودآگاه به‌سمت حق که همان اسلام است کشیده می‌شوند، یعنی نور که بیشتر شود، به‌سمت اسلام حرکت می‌کنند، حرکت که بیشتر شد، نهضت ایجاد می‌کند.

وی با ذکر نمونه‌ای از اثرگذاری نور امام حسین علیه‌السلام بر مردم و اندیشمندان دنیا گفت: دکتر تیجانی یکی از مدرسین دانشگاه الازهر مصر بود. وی زمانی که با تشیع آشنا می‌شود، کتاب می‌نویسد «**لماذا اهتديت**؛ برای چه هدایت شدم؟» این کتاب باعث شد در کشور تونس ۳ میلیون نفر شیعه شوند. کسی که به امام حسین علیه‌السلام متصل شود، حرارت و بعد سرعتش بیشتر و یک گلوله نور و اثرگذار می‌شود.

مصاحبه نهم ـ حجت‌الاسلام ملک‌محمدی، مدیرکل سابق آسیا و اقیانوسیه مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام:
اربعین حسینی ظرفیتی برای زمینه‌سازی ظهور است

حجت‌الاسلام ملک محمدی با بیان اینکه اربعین به ما می‌آموزد باید یاد و خاطره شهدا را گرامی بداریم، افزود: اربعین حسینی از یک جهت انسان را یاد مصائب بعد از عاشورا و اسرای کربلا و نیز فرهنگ شهادت و شهادت‌طلبی و ارزش والای جهاد در راه خدا می‌اندازد.

پیوند عمیقی بین حسینیت و مهدویت برقرار است

وی با اشاره به نقش جریان پیاده‌روی اربعین حسینی در بیداری ملت‌ها اظهار کرد: حرکت اربعینی ذهن‌ها را روشن، فکرها را پویا، قلب‌ها را جلا، دل‌ها را صفا و در نهایت همه جامعهٔ بشری را برای ظهور بقیةالله آماده می‌کند؛ از سوی دیگر نقطه اوج قیام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) در همان حوالی جغرافیایی یعنی شهر کوفه قرار دارد. ازاین‌رو نمی‌توان پیوند حسینت با مهدویت را نادیده گرفت. باید گفت اربعین حسینی قطعاً زمینه‌ساز ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) خواهد بود.

حجت‌الاسلام ملک‌محمدی زیارت اربعین امام حسین علیه‌السلام را ظرفیت مناسبی برای دریافت آموزه‌های دینی معرفی کرد و افزود: آنچه باعث تداوم قیام امام حسین علیه‌السلام شد، وجود اخلاص و صفات پسندیده در امام حسین علیه‌السلام و یاران با وفایشان شد. ازاین‌رو در زیارت اربعین می‌خوانیم: «**و بَذَلَ مُهجَتَهُ فيكَ لِيَستَنقِذَ عِبادَكَ مِنَ الجَهالَةِ**؛ خدایا ایشان در راه تو بذل جان کردند تا بندگانت را از جهالت بیدار کنند.»

نماینده اسبق دامغان در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه معتقدم از یک میلیاردم سرمایه‌گذاری امام حسین علیه‌السلام درکربلا استفاده نکردیم، گفت: میلیاردها برابرِ ارزش افزودهٔ این سرمایه‌گذاری اباعبدالله علیه‌السلام ، در عصر ظهور بقیةالله بهره‌برداری خواهد شد.

حجت‌الاسلام ملک‌محمدی با اشاره به اینکه اگر تمام رسانه‌های جهان بخواهند حقیقت اربعین را به تصویر بکشند، توانایی آن را ندارند، گفت: در ایام پیاده‌روی اربعین شاهدیم مردم از سراسر دنیا با یک هدف و مقصد مسیر محدودی را با شور و شوق طی می‌کنند؛ حقیقتاً واقعیت این امر قابل وصف نیست؛ بنابراین باید خدا را شکر کنیم که عاشق امام حسین علیه‌السلام و اربعین هستیم و ان شالله امیدواریم به زودی شاهد ظهور منتقم خون شهدای کربلا حضرت بقیةالله باشیم.

مصاحبه دهم ـ حجت‌الاسلام محمدعلی معینیان، معاون امور بین‌الملل مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام:
اربعین بهترین فرصت برای سلوک معنوی بسوی خداست/ دلایل عداوت دشمنان مقابل جریان اربعین

*** نظر شما علت اینکه پیاده‌روی اربعین جایگاه خود را در دنیا تثبیت کرد چیست؟**

ابتدا مقدمه‌ای درباره خود عدد ۴۰ عرض کنم. عدد چهل در فرهنگ اسلامی یک عدد بسیار مقدس است. این واژه در قرآن کریم استفاده شده است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در چهل سالگی به رسالت مبعوث شد. موسی علیه‌السلام سی روز به وعده‌گاه خداوند رفت، اما به تعبیر قرآن ۱۰ شب اضافه شد و چهل شب شد؛ «وَ واعَدْنا مُوسی ثَلاثینَ لَیْلَةً وَ أَتْمَمْناها بِعَشْرٍ فَتَمَّ میقاتُ رَبِّهِ أَرْبَعینَ لَیْلَةً...؛ و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم. تا آنکه وقت معینِ پروردگارش در چهل شب به سر آمد..»؛ لذا قطعاً اسراری در عدد ۴۰ نهفته است که از آن ناآگاهیم.، اما واژه اربعین به‌طور اختصاصی برای وجود نورانی سیدالشهدا علیه‌السلام در نظر گرفته شده است تا جایی که امام حسن عسکری علیه‌السلام یکی از نشانه‌های مؤمن را این مسئله برشمردند.

پرچمدار جریان اربعین امام عصر(عجل الله تعالی فرجه) است

اکنون شاهد موج دیگری از جریان پیاده‌روی اربعین حسینی هستیم که خود را از سایر اربعین‌ها از جهت کمّی و کیفی مجزا کرده است. اربعین در زمان حاضر تبدیل به یک نشانه و علامت بزرگ بین مسلمانان بلکه تمام مردم دنیا شده است. علامت یعنی نشانه و پرچم. در جنگ‌های دنیا مرسوم بود عَلَم یا علامتی به‌عنوان نماد آن

سپاه توسط قوی‌ترین فرد برافراشته می‌شد. به محض اینکه این عَلم می‌افتاد، شخص دیگری وظیفه داشت آن را بلند کند. در نهایت وقتی عَلم به زمین می‌افتاد و کسی آن را بر نمی‌داشت، علامت شکست آن سپاه بود؛ درباره زیارت اربعین باید گفت این یک نشانه بزرگ محسوب می‌شود که عَلم آن دست امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) است.

عین اتحاد بین عراق و ایران مقابل دشمنان را مستحکم‌تر کرد

همچنین از این جهت می‌توان پیاده‌روی اربعین را نشانه‌ای الهی دانست که بین دو ملتی رخ می دهد که به مدت هشت سال درگیری‌های خونین داشتند. از آن زمان به بعد هرگاه از عراقی‌ها یاد می‌شد، گویی آنها را دشمن درجه یک خود می‌دانستیم؛ پس از سرنگونی رژیم صدام و پس از تغییر و تحولات جریانات سیاسی عراق، ارتباط آنان با جمهوری اسلامی ایران نزدیک‌تر شد و این امر بین مردم دو کشور رسوخ کرد؛ با آغاز موج جدیدی از جریان پیاده‌روی اربعین، این ارتباط محکم‌تر و همدلی‌ها بیش از گذشته شد. مردم ایران از ابتدای ورود به عراق با پذیرایی مردم آنجا روبرو می‌شوند. این پذیرایی با محبت و تواضع و خلوص نیت و نیز با عشق و ارادت به سیدالشهدا علیه‌السلام همراه است. ملت‌ها در پیاده‌روی اربعین فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی و مرزبندی‌های جغرافیایی یا یک هدف واحد که همان عشق به زیارت اباعبدالله علیه‌السلام است، حضور می‌یابند. در این مراسم هیچ چیز جز زائر امام بودن برای مردم اهمیت ندارد و این همان آرمان اسلام است.

این تعامل بین قلوب باعث کشش می‌شود، زیرا خود اباعبدالله مرکز جاذبه قلوب است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در روایتی فرمود «إنّ لِقَتلِ الحُسینِ حَرارَةً فی قُلوبِ المُؤمِنینَ لاتَبرُدُ اَبَداً؛ در زیارت حسین حرارتی در قلوب مؤمنین است که هرگز سرد نمی‌شود». پس این جاذبه و عشق به مولایمان حسین روز به روز بیشتر و گسترده‌تر می‌شود به گونه‌ای که از سراسر دنیا در راهپیمایی اربعین شرکت می‌کنند. سال به سال بر تعداد کسانی که با مکتب امام حسین علیه‌السلام آشنا می‌شوند، افزوده می‌شود و اربعین نمود این حقیقت است.

جریان اربعین ابزاری پرقدرت در انتقال پیام سیدالشهداء

لذا می‌توان نتیجه گرفت ماجرای اربعین نوری از جانب خدا از پنجره وجود امام حسین علیه‌السلام است. کسی که بر اساس فطرت خود عمل می‌کند به‌طور قطع در این

جریان عظیم قرار می‌گیرد و ناخداگاه خودش را در مسیر سیل خروشان محبان و شیعیان امام حسین علیه‌السلام مشاهده می‌کند تا اینکه به مرقد مطهر اباعبدالله علیه‌السلام می‌رسد. جالب است وقتی در زیارت اربعین شرکت می‌کردم، گاهی اوقات افراد می‌گفتند ما هیچ برنامه‌ای برای زیارت نداشتیم و ناخداگاه به این سرزمین کشیده شدیم. شاید یکی از دلایل حضور زیاد مردم در راهپیمایی اربعین در این چند سال اخیر، تبلیغات مفید از سوی رسانه‌ها و تأکیدات مقام معظم رهبری و سایر مراجع عظام تقلید بوده است. این نکته اهمیت و جایگاه رسانه را مشخص می‌کند؛ می‌توان گفت رسانه‌های ما رسالت اصلی خود را در ماجرای پیاده‌روی اربعین انجام می‌دهند. نمایش شکوه و جلوه‌های زیبای دین بدون در نظر گرفتن مواضع سیاسی همان چیزی است که رسانه‌ها باید به آن دست یابند. امروز حرکت پیاده‌روی اربعین یک نشانه و شاخص است. شاید امروز هیچ ابزار و قدرتی به زیبایی و پویایی پیاده‌روی اربعین توانایی انتقال پیام سیدالشهدا علیه‌السلام به عالمیان را نداشته باشد.

*** وقتی خارج از دایره اسلام به این ماجرا نگاه می‌شود، سؤال پیش می‌آید که چه اتفاقی افتاده که مردم از سراسر عالم به‌سمت بارگاه کسی حرکت می‌کنند که حدود ۱۴۰۰ سال گذشته از دنیا رفته است. نظر شما چیست؟**

اربعین به همان دلایلی که عرض کردم باعث جذب ملت‌ها می‌شود؛ زیرا در این ایام نوری به قلوب پاک‌طینتان عالم می‌تابد. اربعین به خودی خود باعث می‌شود مردم درباره شخصیت امام حسین علیه‌السلام و ماجرای عاشورا مطالعه کنند؛ این امر زمینه گرایش حداکثری بسوی اسلام را فراهم می‌کند.

*** چه نسبتی میان قیام اباعبدالله علیه‌السلام با ماجرای پیاده‌روی اربعین حسینی برقرار است؟**

امام حسین علیه‌السلام راهی که برای حفاظت و صیانت از دین جدش رسول‌الله (صلی الله علیه و آله و سلم) پیمود، استفاده از ابزار امر به معروف و نهی از منکر بود و قبل از حرکتشان از مکه بسوی کوفه به صراحت در وصیت‌نامه خویش به حنفیه نوشت «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِی أُمَّةِ جَدِّی ص أُرِیدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَی عَنِ الْمُنْکَرِ وَ أَسِیرَ بِسِیرَةِ جَدِّی وَ أَبِی؛ من برای طلب اصلاح امت جدم خروج کردم و قصد دارم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدم و پدرم عمل کنم.» حرکت امام حسین علیه‌السلام در حالی صورت گرفت که از اسلام جز پوسته‌ای باقی نمانده بود و غبار

فساد بر جامعه اسلامی سایه افکنده بود. امام علیه‌السلام در چنین شرایطی قصد داشتند این گرد و غبار منکرات و تفکرات منفی را کنار بزنند تا حقیقت برای مردم آشکار شود.

یکی از استدلالات قرآنیِ حرکت امام حسین علیه‌السلام این آیه است: «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَالَّذِینَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللّهِ أُولَئِکَ یَرْجُونَ رَحْمَةَاللّهِ وَ اللّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ؛ آنان که ایمان آورده، و کسانی که هجرت کرده و راه خدا جهاد کرده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، خداوند آمرزنده مهربان است». بر اساس این آیه می‌فهمیم که ایمان آوردن کافی نیست بلکه باید در مسیر خداوند هجرت و جهاد کنیم.

دو نوع هجرت داریم: هجرت کبری و هجرت صغری. هجرت صغری یعنی سفر از یک نقطه به نقطه دیگر. امام حسین علیه‌السلام هر دو نوع هجرت را انجام دادند. حرکت ایشان از مکه بسوی کوفه و بعد کربلا، هجرت کوچک است. این حرکت امام، رفتار نفیی بود. ایشان پذیرش حکومت جور و بیعت با حاکمی فاسق را نپذیرفت؛ لذا فرمود «**ألا إنّ الدّعیِ‌بن الدّعیِ قَدْ رَکَزَ بَیْنَ اثْنَتَیْنِ بَیْنَ السِّلّةِ وَ الذِّلّةِ وَ هَیْهاتَ مِنّا الذِّلّةُ**؛ آگاه باشید که فرومایه، فرزند فرومایه، مرا بین دو راهی شمشیر و ذلّت قرار داده است و هیهات که ما زیر بار ذلّت برویم». حرکت دوم امام حسین علیه‌السلام از مکه بسوی کوفه جنبه نهیی داشت؛ یعنی ایشان برای نهی از منکر حرکت کرد.

جنبهٔ دوم حرکت امام حسین علیه‌السلام، مجاهدت بود. مجاهدت امام، هجرت از نفس به‌سمت خداوند متعال بود. در این نوع رفتار، حضرت جان خودش را با رضایت تسلیم خداوند کرد و با شهادت در راه او به لقاءالله پیوست. پیام امام علیه‌السلام این بود که با ظلم نباید بیعت کرد، با ظلم نمی‌توان زیر یک بیرق رفت. امروز جا دارد سیاستمداران ما از امام حسین علیه‌السلام درس بگیرند و فرهنگ ایشان را بشناسند. امروز ما نباید زیر یوق استعمار برویم. نصّ صریح قرآن است که یهود و نصاری را ولیّ و سرپرست خود انتخاب نکنید. یا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود «**الإسلامُ یَعلُوا و لا یُعلی عَلیه**؛ اسلام برتر است و هیچ چیز بر آن برتری ندارد.» هیچ دینی نباید بر اسلام مسلط شود.

اربعین بهترین فرصت برای هجرت بسوی خداست

امام حسین علیه‌السلام با حداقل اصحابی که داشت، هراس نداشت؛ امام فرمود این راهی که می‌رویم حق است و همه شما سعادتمند می‌شوید و قطعاً در این مسیر شهید می‌شویم. سپس جایگاه تک تک یارانشان را در بهشت نشان دادند؛ لذا امام علیه‌السلام هم

هجرت و هم جهاد فی سبیل الله کرد. امروز شاید نتوانیم آن مجاهدتی را که امام حسین علیه‌السلام و یارانشان آفریدند انجام دهیم، اما برای همرنگ شدن با اماممان و برای درک مسیر ایشان، می‌توانیم دست به هجرت بزنیم؛ می‌توان گفت اربعین بهترین فرصت برای هجرت بسوی خداست. هرچند به‌صورت فیزیکی از نجف تا کربلا حرکت می‌کنیم، اما جلوتر از آن، از لحاظ روحی و معنوی نیز هجرت انجام می‌دهیم. در روایاتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است به ازای هر گام برای زیارت امام حسین علیه‌السلام یک حسنه نوشته و یک گناه و خطا از زائر برداشته می‌شود و یک درجه از مرتبه‌اش ارتقا می‌یابد. یادر روایت دیگری داریم مردم در روز قیامت به زوار امام حسین علیه‌السلام به دلیل توجهی که خداوند متعال به آنها دارند، غبطه می‌خورند.

"امروز شاید نتوانیم آن مجاهدتی را که امام حسین علیه‌السلام و یارانشان آفریدند انجام ندهیم، اما برای همرنگ شدن با اماممان و برای درک مسیر ایشان، می‌توانیم دست به هجرت بزنیم؛ می‌توان گفت اربعین بهترین فرصت برای هجرت بسوی خداست. هرچند به‌صورت فیزیکی از نجف تا کربلا حرکت می‌کنیم، اما جلوتر از آن، از لحاظ روحی و معنوی نیز هجرت انجام می‌دهیم."

امروز حضور در پیاده‌روی اربعین را بر خود واجب بدانیم

امروز که به محبت خدا فضای زیارت اربعین در نهایت امنیت فراهم است، اگر کسی عذری ندارد و توانایی شرکت دارد، باید شرکت کند. همچنان که روایاتی در باب وجوب زیارت اباعبدالله علیه‌السلام وجود دارد. امام باقر علیه‌السلام فرمود شیعیان ما را به زیارت امام حسین علیه‌السلام امر کنید؛ چرا که زیارتش روزی را افزون و عمر را طولانی می‌کند و بلاها و بدی‌ها را دفع می‌کند و زیارت حسین بر هر مؤمنی که اقرار به امامتش از جانب خدا داشته باشد، واجب است. آن قدر در روایات به به زیارت آن حضرت تأکید شده که فرموده‌اند حتی اگر پول نداشتید، غرض بگیرید. حتی اگر به کسی غرض داشتید، می‌توانید به زیارت امام حسین علیه‌السلام بروید. در حالی که در سایر مستحبات حق مسافرتی ندارید مگر اینکه بدهی خود را پس دهید، بنابراین یک سری مسائل فقط مختص اباعبدالله علیه‌السلام است؛ مثل خوردن مقداری از تربیت کربلا، استجابت دعا زیر قبه حضرت از جمله این موارد است.

دشمن از این سیل خروشان ترسیده لذا به شیوه‌های مختلف به‌دنبال تخریب حرکت اربعین است. دشمن می‌خواهد با ابزارهای مختلف با مطالب کذب و

شایعه‌پراکنی‌ها انگیزه مردم و رغبت و تمایل آنان را کم‌رنگ کند غافل از اینکه مغناطیسی عجیب از سوی امام حسین علیه‌السلام قلوب را به‌سمت خود جذب می‌کند و این دشمنی‌ها هیچ مانعی برای قطع ارتباط این کشش حسینی نیست.

*** چه دلایل دیگری را می‌توانید برای علت عداوت دشمنان درباره زیارت اربعین بشمارید؟**

دشمنان، اسلام را مانع حرکت خودشان می‌بینند و در این مسیر جمهوری اسلامی ایران را دشمن ویژه خود می‌دانند. دشمن همواره از اتحاد بین مسلمانان وحشت داشته و با توطئه‌های مختلف تلاش کرده بین جامعه اسلامی اختلاف و نزاع ایجاد کند. با ورود در اهل‌سنت و ایجاد وهابیت، با ورود در تشیع و ایجاد بهاییت نتیجه‌ای نگرفت هرچند به‌صورت مقطعی لطماتی وارد کرد. اخیراً با شیعه انگلیسی و مرجع‌تراشی دشمنی دیگری را آغاز کرد.لذا مشاهده می‌کنید مدام دنبال ایجاد تفرقه و نزاع است.

دشمن می‌داند اگر اسلام یک مشت گره‌کرده شود همانا و نابودی آنان همانا، لذا از طریق رسانه‌هایی که در اختیار دارد، تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا بین مذاهب اسلامی و حتی فرقه‌های درون مذاهب اختلاف ایجاد کند تا آنان را از مسائل مهم اسلام که نابودی دشمنان و ایجاد امت واحده اسلامی است باز دارد، لذا تفکیری‌ها را مجدداً احیا کردند و در قالب گروهک‌های تروریستی مثل داعش قصد نابودی اسلام ناب محمدی را کردند.

دشمن در ماجرای اربعین خود را در آستانه نابودی می‌بیند

حرکت اربعین سبب شده دشمن نسبت به حرکت اربعین وحشت کند، چون از یک سو می‌بیند نه‌تنها مسلمانان بلکه ادیان و غیر ادیان در کنار هم با یک هدف و مقصد واحد حضور دارند و از سوی دیگر محاسبه می‌کند تمام هزینه‌هایی که برای دشمنی خود طی صدها سال در منطقه صرف کرده در حال نابودی است؛ همچنین خود را در آستانه نابودی مشاهده می‌کند. دشمنان که از نهال نوپای انقلاب که بعدها تبدیل به شجره تنومند شد، بر نیامدند، حال در کنار آن شاهد بروز جریان عظیم اربعین هستند، لذا دشمن مستأصل شده و خود می‌داند که به زودی توسط همین ملت‌ها نابود خواهد شد.

مصاحبه: سعید شیری

مصاحبه یازدهم ـ علی‌اکبر رائفی‌پور، مدیر مؤسسه مصاف:
شهادت امام حسین علیه‌السلام بهای بیداری مردم بود / شکل‌گیری همزمان داعش و حرکت گسترده اربعین تقابل خیر و شر در دنیای معاصر

*** خداوند در آیه۲٤ سوره انفال اهل ایمان را دعوت به اجابت دعوت خداوند و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌کند که خب طبیعتاً پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله این دعوت به ائمه علیهم‌السلام تعمیم پیدا می‌کند.**

در انتهای آیه با عتاب می‌فرماید خداوند بین انسان و قلبش حائل می‌شود. به نظر شما آیا می‌توان اصحاب عاشورایی را کسانی دانست که به ندای امام حسین علیه‌السلام لبیک گفتند و دعوتش را اجابت کردند و کسانی که در مقابل حضرت ایستادند همان کسانی دانست که خداوند بین آن‌ها و قلبشان حائل شد؟

ابتدا مقداری درباره جایگاه قلب مطلبی عرض کنم. چون مرکز ایمان در قلب افراد است. این حقیقت را در بخشی از آیه۱۴ سوره حجرات می‌خوانیم: « قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ... ای پیامبر اعراب گفتند ما ایمان آوردیم؛ بگو هرگز ایمان نیاوردید لکن بگویید تسلیم شدیم و ایمان درون قلبتان وارد نشده است».

امت اسلام با نقض عهد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دچار قساوت قلب شد

از این جهت بزرگ‌ترین تنبیه خداوند مهر زدن بر قلب افراد است. وقتی مهر زده شد، دیگر نور ایمان درونش راه نمی‌یابد؛ از این جهت آن افراد منشأ بزرگ‌ترین فتنه‌ها برای جامعه مسلمین می‌شوند. یکی از عواملی که باعث قساوت قلب و مهر

خوردن بر قلب می‌شود نقض پیمان الهی است. خداوند در بخشی از آیه۱۳ مائده درباره نقض عهد امت بنی‌اسرائیل می‌فرماید: «...فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً؛ پس چون پیمان شکستند، آنان را لعنت و دلهایشان سخت کردیم»؛ عهدشکنی پیمان خداوند، لعنت الهی را در پی خواهد داشت. نتیجه‌اش چه می‌شود؟ قساوت قلب؛ قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً وقتی دلشان قساوت گرفت، چکار می‌کنند؟ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَنَسُواْ حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُواْ وَلاَ تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىَ خَآئِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلاَّ قَلِيلاً مِّنْهُمُ؛ ۱ـ سخنان (خدا) را از مورد خود تحریف می کنند و ۲ـ بخشی از آن چه را به آن ها گوشزد شده بود فراموش کردند ۳ـ و هر زمان به خیانتی (تازه) از آنها آگاه می شوی مگر عده کمی از آن‌ها.

کربلا نتیجه نقض عهد امت پیامبر درباره ولایت علی علیه‌السلام بود

این آیه هرچند درباره یهود است، اما درباره جامعه پس از پیامبر(ص) هم مصداق دارد. وقتی جامعه اسلامی عهد غدیر را شکست، مورد لعن واقع شد. اگر می‌بینیم حضرت زهرا علیهاالسلام اعراب را مورد شماتت سخت قرار می‌دهد و آنان را نفرین می‌کند، بر این اساس است. زیرا ایشان مجرای رفتارهای خداوند روی زمین هستند. از این جهت بخش عمده امت رسول‌الله علیه‌السلام دچار قساوت قلب شد تا جایی که به درب خانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام رفتند و درب خانه را شکستند و آن بلا را سر فاطمه زهرا علیهاالسلام آوردند که تا ابد شرمش بر هتاکان حریم اهل عترت علیهم‌السلام باقی خواهند ماند. اگر بنی‌اسرائیل عهد پیامبران خود را نقض کردند و آنان را کشتند، در امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هم عده‌ای مسلمان‌نما نقض عهد کردند و عزیزترین شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را به شهادت رساندند. این مسأله تمامی نداشت بلکه باعث شد امیر مؤمنان علیه‌السلام، امام حسن مجتبی علیه‌السلام و نیز امام حسین علیه‌السلام به آن طرز فجیع کشته شوند. نکته عجیب اینجاست که هیچگاه دشمنان خارجی عاملیت مستقیم در قتل این بزرگواران نداشتند بلکه دشمنان ایشان از دل امت اسلام برخاستند.

این مسأله شوخی‌بردار نیست. اهل سنت بنابر تعریفی که بخاری ارائه می‌دهد قائلند حتی کسی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را ملاقات کرده است، جزو صحابی محسوب می‌شود؛ لذا هر کسی در غدیر بود صحابی است. اگر این نظریه را هم بر فرض محال بپذیریم، باید این حقیقت تلخ را هم بپذیریم که چند هزار نفر پس از نقض میثاق نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله مورد لعن خداوند واقع شدند!

وقتی جامعه اسلامی عهد غدیر را شکست، مورد لعن واقع شد و بخش عمده امت رسول‌الله(ص) دچار قساوت قلب شد تا جایی که به درب خانه امیرالمؤمنین(ع) رفتند و درب خانه را شکستند و آن بلا را سر فاطمه زهرا(س) آوردند. این مسأله تمامی نداشت بلکه باعث شد امیر مؤمنان(ع)، امام حسن مجتبی(ع) و نیز امام حسین(ع) به آن طرز فجیع کشته شوند.

ولایت اهل‌بیت(ع) به انسان مؤمن حیات تازه می‌بخشد

پس از اباعبدالله(ع)، امام سجاد(ع) عَلَم اشک را بر می‌دارد. یعنی اگر می‌خواهیم دوباره به خدا برسیم چاره ای جز این نداریم که بسوی اهل‌بیت پیامبر برویم و عهدمان را با ایشان مستحکم کنیم؛ بنابراین نباید قساوت قلب داشته باشیم؛ از این جهت به شدت نیاز به توبه و بازگشت داریم. اشک چشم، دل را نرم می‌کند، وقتی نرم شد، آماده پیمان مجدد با ولیّ خداست. وقتی انسان وارد ولایت اهل‌بیت(ع) شد، آن وقت خود ولی‌الله او را تزکیه می‌دهد. در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: **وَ مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وِلاَيَتِكُمْ طِيباً لِخَلْقِنَا وَ طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَ تَزْكِيَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا** ... با اشکش از قساوت قلب خارج می‌شوی و گناهانت بخشیده می‌شود.؛ به واسطه آنچه که از ولایت شما به ما رسید، خلقتمان پاکیزه و نفوس‌مان طاهر شد و باعث تزکیه و کفاره گناهانمان شد. در واقع انسان وقتی وارد ولایت اهل‌بیت(ع) شد و با ایشان تجدید پیمان کرد، با طهارت نفس و تزکیه قلب یعنی زدودن قساوت‌های قلبی، تازه احیاء می‌شود.

اصحاب کربلا با اجابت دعوت امام حسین(ع) احیا شدند

در آیه‌ای هم که ابتدا اشاره کردید خداوند در واقع دعوت به اجابت ندای رسول‌الله و یا خلیفه رسول می‌کند و می‌فرماید این موضوع باعث احیای شماست. «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ**؛ ای کسانی که ایمان آورده اید چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد آنان را اجابت کنید و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می‌شود و هم در نزد او محشور خواهید شد». اصحاب امام حسین(ع) وقتی دعوت ایشان را اجابت کردند، در واقع مشمول ولایت امام(ع) شدند و حضرت در مسیر کاروان تا روز عاشورا ایشان را احیا کرد و به عالی‌ترین درجات رساند. در مقابل، دشمن از آنجایی دچار قساوت قلب بود آن فتنه و فجایع را

به بار آورد. أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ. از مهم‌ترین عوامل قساوت قلب هم مال حرام است.

در واقع امام حسین(ع) بر اساس این آیه جماعتی که به خاطر نقض عهد و همچنین تنفس در حکومت کفر دچار قساوت قلب شده بودند، باید مجدد احیا می‌کردند. این احیا گاهی با هدایت و ارشاد معصوم(ع) و گاهی با قیام و جهاد و شهادت رخ می‌دهد. از این جهت می‌بینیم پس از شهادت حضرت، بخشی از امت اسلام بیدار شدند که این مسأله را می‌توانیم در قالب قیام‌های متعدد شیعیان مثل قیام مختار و زید و ... مشاهده کنیم. این حرکت باعث شد در قرن‌های بعد جامعه قَسی القلب و قاتل و یا حداقل ساکت در مقابل اهل بیت(ع) به محبان ایشان تبدیل شوند و فرهنگ عزاداری بر سید و سالار شهیدان(ع) و زیارت قبر مطهر ایشان در بین مردم ریشه بدواند.

امام حسین (ع) با شهادتشان باعث بیداری مجدد امت اسلام شد لذا برای ائمه بعد از خود امنیت اجتماعی فراهم کرد تا بتوانند احادیث نبوی را احیا کنند؛ اوج این تأثیر را می‌توانیم در دوران امام باقر(ع) و امام صادق(ع) مشاهده کنیم به حدی که بنی عباس با ادعای دروغین بازگرداندن حکومت به اهل‌بیت(ع) و با شعار «الرضا من آل الرسول» مردم را دور خود جمع کردند و حکومت را از بنی امیه گرفتند. این مسأله نشان می‌دهد بخش عمده جامعه اُموی تبدل به محبان اهل‌بیت(ع) شده بودند در حالی که تا قبل از امام حسین(ع) برای این انوار مقدس شمشیر از رو می‌بستند.

ولایت امام حسین(ع) باعث تزکیه قلوب است

از دیگر سو امام حسین(ع) یک پناهگاه و کهف مستحکمی درست کردند که شیعیان و محبان آل‌الله(ع) می‌توانند به آنجا پناه ببرند و از گزند شیاطین در امان باشند. شخصی خدمت امام جواد(ع) رسید و گفت اوضاعم خراب است و گناهان مرا احاطه کرده است. حضرت فرمود «فَفِرُّوا إِلَى الحُسَين». اگر گناهی صورت گیرد، بر قلب اثر می‌گذارد. اگر این قلب پاک نشود، قابلیت جذب نور را نخواهد داشت. باید پاک و زلال شود. اگر در یک ظرف پر از آب یک قطره نجاست ریخته شود، نجس می‌شود. لذا در اینجا تزکیه معنا می‌یابد. خداوند در آیات ابتدایی سوره شمس پس از سوگندهای متعددی که انجام می‌دهد، در انتها می‌فرماید «قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا؛ هر کس نفس خود را تزکیه کرده، رستگار شده «وَقَدْ خابَ مَنْ دَسّاها؛ هر کس آن را

آلوده سازد، زیانکار خواهد شد». اگر ظرف روحی انسان ناپاک باشد، قرآن هم اگر ریخته شود، نتیجه معکوس خواهد داشت. «**وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ۙ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا**؛ و ما آنچه از قرآن فرستیم شفا (ی دل) و رحمت (الهی) برای اهل ایمان است و ظالمان را به جز زیان (و شقاوت) چیزی نخواهد افزود.» قرآن ظلمت ظالمان را افزایش می‌دهد.

حال اگر بدون ولایت اهل‌بیت(ع) سراغ قرآن برویم، این قاعده همواره جاری است. نتیجه‌اش می‌شود ظهور داعشیان و تکفیری‌ها. چرا که رسول خدا(ص) فرمودند ماترک من، کتاب الله و عترتم است . در ماجرای غدیر این حکم جاری شد که دین شما با ولایت علی(ع) و اولاد ایشان تکمیل می‌شود.

*** جالب است وقتی از این منظرهای قرآنی و تمدنی به ماجرای امام حسین(ع) نگاه می‌کنیم، بسیاری از شبهات قیام حضرت برایمان حل می‌شود. اینطور نیست؟**

همینطور است. در واقع امام حسین(ع) به اذن الله فدای امت اسلام و آرمان‌های اسلام کرد. از این جهت می‌فهمیم زمانی که امام حسین(ع) در گودال قتلگاه قرار می‌گیرند، حاضر نیست از امدادهای غیبی استفاده کند. امام صادق (ع) فرمودند: "از پدرم شنیدم که می‌فرمود: چون امام حسین(ع) با عمر بن سعد تلاقی کردند و جنگ بر پا شد، خداوند نصرت خود را فرو فرستاد تا آن جا که بر سر حسین سایه گسترد، و آن گاه امام مخیر شد بین پیروزی بر دشمنانش و بین ملاقات و لقای پروردگارش، او لقای پروردگارش را برگزید" ایشان راضی نشد غیر از مشیت خداوند عمل کند؛ زیرا امام(ع) علم داشتند تا خونشان ریخته نشود، حق و باطل از هم جدا نمی‌شوند. ایشان با خونشان در جامعه اسلامی اصلاحات انجام دادند. اطلاح‌طلب حقیقی امام حسین(ع) است که خونش را برای احیای اسلام تقدیم خداوند کرد و این اصلاح نیز همان طور که عرض کردیم به مرور زمان صورت گرفت و اکنون می‌بینیم پس از سال‌ها که از شهادت امام حسین(ع) می‌گذرد، نه تنها از حب امام حسین(ع) در دل‌ها کاسته نشده بلکه این حب مرزها را دریده تا جایی که هشتاد کشور را در مقطع اربعین حسینی به سرزمین خاکی کربلا می‌کشاند و این ادامه خواهد داشت ان‌شاءالله تا متصل به منجی بشریت امام زمان(عج) شود. نتیجه سطحی‌نگری نسبت به ماجرای عاشورابه انسان تصویر دقیقی ارائه نمی‌دهد بلکه او را با چالش‌های عقیدتی مواجه می‌کند.

امام حسین(ع) بهای بیداری مردم بود

*** منظورتان این است که ماجرای امام حسین(ع) و عترت(ع) را صرفاً در بستر تاریخ مطالعه نکنیم؟**

بله؛ یکی از مشکلات جامعه شیعه آن است که نگاهش محدود در تاریخ است؛ وقتی فراتاریخی فکر کردیم، آن زمان عبرت‌ها برایمان جلوه می‌کند. هرچند در یک مقطع شکست ظاهری ایجاد شد، اما وقتی تمدنی نگاه می‌شود، می‌بینیم نمود اصلی قیام امام حسین(ع) در بستر آینده است که بخشی از آن را عرض کردیم. یعنی احیای امت اسلام تا زمان امام صادق(ع) و ماجرای پیاده‌روی اربعین حسینی که در حال انجام است.

به عنوان نمونه ما در مجموع در هشت سال دفاع مقدس پیروز شدیم، اما در برخی عملیات‌ها شکست خوردیم. فقط شکست‌ها را نبینید بلکه شما در مجموع نمودارت رو به بالاست. کسانی که نسبت به قیام اباعبدالله(ع) توجه دارند، نباید مقطعی نگاه کنند بلکه باید بدانند این کاروان همواره در حال حرکت است و هیچ گاه متوقف نشده است. در یک مقطعی به شهادت رسیدند، اما بدان معنا نیست که کارشان هم متوقف شده است. بلکه باید گفت اهل‌بیت(ع) از قبل از خلقت بوده‌اند و تا بعد از ما هم خواهند بود و در پهنه عالم کار انجام می‌دهد «**وَ لا تَحسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلوا فی سَبیلِ اللَّهِ أمواتًا ۚ بَل أحیاءٌ عندَ رَبِّهِم یُرزَقونَ**؛ هرگز گمان نبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

حزب شیطان با تمام قوا در کربلا حضور یافت تا نور خدا را خاموش کند

*** دشمن یعنی همان حزب‌الشیطان در این پازل چه جایگاهی دارد؟**

آن‌ها همواره دنبال سنگ‌اندازی هستند. به تعبیر خداوند با فوت می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند. خداوند برنامه‌ای برای نورافشانی در پهنه عالم دارد که با ظهور امام زمان(عج) تکمیل می‌شود، در این بین دشمنان می‌خواهند این نور را خاموش کنند. آیه‌ای این است: «یُرِیدُونَ لِیُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ؛ می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گر چه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد کرد». (الصف۸)

آنجا که خداوند می‌فرماید کفار قصد دارند با فوتشان نور خدا را خاموش کنند، احمقانه بودن عمل را می‌رساند. یعنی هم نشدنی است و هم احمقانه. اگر هم بپذیریم آن‌ها با علم اینکه این کارشان احمقانه است، به مقابله با نور خدا می‌روند، این دیگر بدتر است. حال دشمنان در یک مقطع تاریخی و در یک محدوده جغرافیایی و در یک سرزمین دور افتاده و یک بیابان بزرگ جمع شدند تا نور خدا را خاموش کنند. ۳۰ هزار نفر برای این کار به کار گرفته شدند، اما امروز یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات تاریخ بشریت به بهانه امام حسین(ع) شکل می‌گیرد. آیا حجتی از این بزرگ‌تر وجود دارد؟ همزمان که داعش ساخته می‌شود، این سمت هم اربعین را خداوند شکل می‌دهد. افراد در نور اربعین که برگرفته از نور اهل عترت(ع) است، کفر و ظلم را بر می‌چیدند و به محبوبشان می‌رسند. مردم در جامعه اربعین در آسمانی از نور از دل آتش دشمنان به سوی عالی‌ترین ارزش‌ها حرکت می‌کنند. جالب است که خداوند در سوره نور یکی از ویژگی‌های آن "نور" حقیقی و غیر مادی را اینطور معرفی می‌کند که «لم تمسسه نارا» آتش بر آن اثر نمی‌کند. امام صادق(ع) هنگامی که منصور منزلش را به آتش کشیدند، عمداً در آتش حرکت می‌کرد و همین آیه را تلاوت می‌کرد.

شهید حججی پس از شهادتش مؤثرتر شد

شما همین شهید بزرگوار شهید هادی را می‌بینید. بنده می‌گویم پس از شهادتش اثرگذاری‌اش بیشتر شد. چه تعداد افراد که به واسطه مطالعه زندگی ایشان و اثرگیری از وی به سوی ارزش‌ها آمدند. این اثر شهید است حال شما ببینید اثر سید الشهدا چیست.

*** فرهنگی که اکنون بر جامعه حاکم است، فرهنگی نیست که مطلوب اهداف قیام حسینی باشد؛ فرهنگی است که مدام توجه به دنیا می‌دهد و برنامه‌های فرهنگی و برنامه‌های تلویزیون و سینما در سطح توجهات دنیایی باقی مانده است.**

اصلاً فرعونیت به این معناست که دو ایراد داشته باشیم: اول اینکه تصور کنیم دنیا باقی است و دوم اینکه تصور کنیم صرفاً همه چیز در این دنیاست. اصلاً امام حسین(ع) قیام کردند تا توجه انسان‌ها را به آخرت توجه دهند بلکه آن‌ها را دعوت کرد به سایر عوالم هستی نظر داشته باشند و نگاه‌ها را آسمانی کنند. از این

جهت مدام کاروانیان را به مقولات آسمانی توجه می‌دادند، یعنی به اعلی علیین توجه می‌دادند، به عوالم غیب توجه می‌دادند، به آینده توجه می‌دادند. هر اندازه به کربلا نزدیک‌تر می‌شدند، این نوع رفتارشان عیان‌تر می‌شد تا جایی که در روز عاشورا از بین دو انگشت خود جایگاه‌های بهشتی یاران را نشان داد.

دشمنان با ۳۰ هزار نفر در یک مقطع تاریخی و در یک محدوده جغرافیایی و در یک سرزمین دور افتاده و یک بیابان بزرگ جمع شدند تا نور خدا را خاموش کنند. اما امروز یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات تاریخ بشریت به بهانه امام حسین(ع) شکل می‌گیرد. آیا حجتی از این بزرگ‌تر وجود دارد؟ همزمان که داعش ساخته می‌شود، این سمت هم اربعین را خداوند شکل می‌دهد. افراد در نور اربعین که برگرفته از نور اهل عترت(ع) است، کفر و ظلم را بر می‌چیدند و به محبوبشان می‌رسند.

این ساختار، مربوط به فرهنگ قرآن و عترت است. مرگ را پایان کار نمی‌بینند بلکه آغازی دیگر می‌دانند. در مقابل این تفکر، تفکر یهودیت صهیونیستی است که از مرگ گریزان است. خداوند خطاب به آن‌ها می‌فرماید: اگر در نزد خدا سرای بازپسین یکسر به شما اختصاص دارد نه دیگر مردم پس اگر راست می‌گویید آرزوی مرگ کنید؛ **قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ**»؛ لذا فرهنگ توجه به مقولات دنیایی را در سراسر جهان این یهودیان صهیونیست رواج دادند. در حالی که همان طور که گفتیم فرهنگ قرآن توجه دادن به ما بعد دنیاست. با این نوع نگاه است که امام حسین(ع) فرمودند: «**الْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ**؛ مرگ بهتر است از مرتکب عار و ننگ شدن؛ و عار بهتر است از دخول در آتش.»

مصاحبه: سعید شیری

مصاحبه دوازدهم ـ علی رجبی، مدیر انجمن اربعین اروپا:
اعزام کاروان اربعین اروپا از ۳۰ کشور جهان/ کوتاهی مسئولان ذرّه‌ای انگیزه‌مان را کم نخواهد کرد

انجمن اربعین اروپا برای هشتمین سال پی‌درپی اقدام به ثبت‌نام و اعزام زائران و عاشقان امام حسین در ایام اربعین به کربلا از سراسر اروپا کرده است. این انجمن که توسط عده‌ای جوان دغدغه‌مند و انقلابی در اروپا شکل گرفته است، بدون هیچ‌گونه توقعی از نهادها و مسئولان در داخل و خارج کشور، با تمام قدرت و با وجود تمام کاستی‌ها وارد میدان شد و هشت سال است که امور اعزام زائران از سراسر کشور را در قالب کاروان‌هایی پیش بردند و طبق گفتهٔ مسئولان این انجمن با توجه به فضایی که در این چند ساله در ایام اربعین شکل گرفته است، پرداختن و توجه به این مهم را وظیفهٔ خود می‌دانند و با افتخار خادمی این خیل زوّار را پذیرفته‌اند و همیشه شکرگزار این موهبت الهی نیز بوده‌اند.

«علی رجبی» مدیر انجمن اربعین اروپا به ارائه توضیحاتی درباره این انجمن و فعالیت‌های آن پرداخت. نکته جالب آن است که این مجاهد گمنام به‌خلاف تصورمان نه روحانی مبلغ بود و نه یک شخصیت آکادمیک که از جایی حمایت بشود بلکه وی یک راننده تریلی مؤمن و متعهدی در هلند است که در راه اهل‌بیت: همت گماشته است.

خداوند با جریان اربعن سبب بیداری ما شد

*** لطفاً درباره زمینه و نحوه شکل‌گیری انجمن اربعین اروپا توضیح دهید.**

انجمن اربعین اروپا هفت سال پیش راه‌اندازی و دو سال بعد رسمی شد. در ابتدا باید به این نکته اشاره کنم که وقتی برای اولین بار با تعداد اندکی از دوستان در ایام

اربعین به کربلا رفتیم و با ماجرای عظیم اربعین آشنا شدیم، حس و حال عجیبی داشتیم و انگار وارد فضا و دنیایی دیگر شده بودیم. خودم بارها در مناسبت‌های مختلف مثل محرم، عرفه و... به کربلا رفته بودم، اما زیارت امام حسین علیه‌السلام در ایام اربعین را تا حالا تجربه نکرده بودم. در این سفر تازه فهمیدیم که باید چگونه زندگی کنیم، انگار خداوند بار دیگر ما را احیا کرده بود، این‌گونه اربعین حسینی به تمام هست و نیست ما تبدیل شد.

به‌نظرم خدا با برپایی جریان عظیم اربعین این پیام را دارد به تمام جهانیان می‌دهد که "ای مردم، شما در طول سال برنامه‌ها و مجالس متعددی را برای امام حسین علیه‌السلام برگزار می‌کنید، سینه می‌زنید، اشک می‌ریزید، دسته عزاداری راه می‌اندازید و...، اما اربعین زمانی است که شما باید از خانه و کاشانه خود جدا شوید و خود را در این مسیر قرار دهید تا بهره‌هایی بسیار فراوان‌تر از آنچه تاکنون می‌چشیدید، دریافت کنید". با مشاهده اربعین دیگر نمی‌توانستیم صرفاً تماشاچی آن فضای معنوی باشیم، لذا تصمیم گرفتیم به‌صورت حداقلی هم که شده کاری انجام دهیم و خودمان را با این محبت الهی در این برهه از زمان همراه کنیم.

راهپیمایی اربعین، آموزشگاهی برای عصر ظهور

بعد از اینکه با جریان اربعین آشنا شدیم این حس در ما به‌وجود آمد که نباید ساکت و بی‌تفاوت باشیم، بلکه باید به تکاپو بیفتیم و فعال باشیم. بی‌تردید با حضور در راهپیمایی اربعین این حس و حال ــ با تمام وجود ــ برای انسان ایجاد می‌شود که خداوند با حضور مردم در این فضای معنوی، انگار برای عالم و عالمیان برنامه‌هایی دارد. وقتی برای اولین بار از راهپیمایی اربعین برگشتیم، تصمیم گرفتیم سبک زندگی‌مان را تغییر دهیم تا پیوسته در حس و حال ایام اربعین باشیم. معنویتی که در ایام اربعین در کربلا وجود دارد انگار در ایام دیگر نیست. وقتی رفتار مردم در راهپیمایی اربعین را دیدم به‌نظرم آمد که شاید این صحنه عظیم الهی آموزشگاهی برای عصر ظهور و مقدمه‌ای برای آن باشد؛ از ایثار و محبت، گشاده‌رویی، حس امنیت، شادی و... همگی بیانگر این موضوع بود.

سال بعد یعنی دومین سال حضور در کربلا در ایام اربعین تعدادمان تقریباً دو برابر شد. در این سفر سعی کردیم از طریق ارتباط با برخی افراد، اطلاعاتمان را نسبت به این ماجرا افزایش دهیم، ببینیم کجاها نیاز به کمک‌های بیشتری دارد و چطور

می‌شود به زوّار امام حسین علیه‌السلام خدمت کرد. سپس اعضایی را مشخص کردیم و فعالیتمان را در حوزه اربعین حسینی به‌طور رسمی و منظم آغاز کردیم. تقریباً چهار سال پیش بود که به‌طور رسمی این انجمن به‌ثبت رسید، البته در ابتدا مخالف این کار بودیم از این جهت که نمی‌خواستیم اسم و رسمی از ما مطرح شود و مهم این بود که کاری برای حریم امام علیه‌السلام انجام دهیم، اما سرانجام با مشورت برخی اندیشمندان قانع شدیم که این انجمن را به‌صورت رسمی به‌ثبت برسانیم تا کارها رسمی‌تر و راحت‌تر پیش برود.

*** آیا در مسیر ثبت این انجمن با مشکلی هم مواجه شدید؟**

برخی مسئولان آنجا سنگ‌اندازی‌هایی می‌کردند، به‌طوری که اگر متوجه می‌شدند اقدامی به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم با نظام جمهوری اسلامی مرتبط است، مخالفت‌شان با فعالیت‌ها بیشتر می‌شد. آنها سؤالاتی داشتند که ما برای پاسخ به آن سؤالات اساسنامه‌ای را تنظیم کردیم و به آنان تحویل دادیم. آنان وقتی توضیحات ما را درباره فضای معنوی اربعین شنیدند کمی آرام شدند و همراهی کردند و به محبت خدا این کار به‌تدریج جلو رفت.

*** رسالت و هدف شما از راه‌اندازی این انجمن در اروپا چه بوده است؟**

فعالیت‌های این انجمن در راستای وحدت بیشتر مسلمانان و همه ادیان و گروه‌های مذهبی در اروپا پیش می‌رود. علاوه بر این، ترویج فرهنگ حسینی و بهره‌مندی مردم اروپا از فضای نورانی اربعین حسینی، قدم برداشتن در راستای ظهور امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) و مفید بودن در این برهه زمانی برای امام علیه‌السلام از دیگر اهداف اصلی و اساسی این انجمن به‌شمار می‌رود. در حقیقت با قدم برداشتن در راستای ظهور امام علیه‌السلام است که فرهنگ و تفکر حسینی رشد می‌کند.

*** قرارگاه اصلی این انجمن اکنون در کدام کشور است؟**

قرارگاه اصلی انجمن اربعین اروپا در هلند است، اما فعالیت‌های این انجمن در ۳۵ کشور جهان برگزار می‌شود.

*** آیا برنامه‌ای برای راه‌اندازی شعبه‌های دیگر این انجمن در سایر کشورها دارید؟**

بله، چنین برنامه‌ای را درنظر داریم، اما این کار نیاز به زمان و نیروی انسانی بیشتری دارد که در حال انجام پیگیری‌های لازم هستیم. اکنون راه‌اندازی قرارگاه

انجمن اربعین اروپا در کشورهایی مانند انگلیس، آلمان و فرانسه برایمان از اهمیت بیشتری برخوردار است.

کوتاهی مسئولان ذرّه‌ای انگیزه‌مان را کم نخواهد کرد

*** قبل از راه‌اندازی این انجمن، چگونه جریان اربعین در اروپا تبلیغ می‌شد؟**

بعد از سفر اول اربعین با یک گروه از دوستان عراقی آشنا شدیم که آنان دغدغه کمک، ارائه تسهیلات و اعزام مردم کشور آلمان به کربلا را در ایام اربعین داشتند، اما سال بعد این برنامه را به‌جهت سختی‌های زیاد و برخی بی‌مهری‌ها کنسل کردند. در آن دوران غیر از این مجموعه که ذکر شد، دیگر نهادی یا گروهی برای تبلیغ و ترویج اربعین حسینی وجود نداشت. اجازه دهید در اینجا به نکته‌ای مهم از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی اشاره کنم. مقام معظم رهبری در اهمیت توجه به مجموعه‌های خودجوش فرهنگی در سراسر کشور می‌فرمایند: «مسائل فرهنگی بسیار مهم است و اهمیت بسیار زیادی می‌دهم، مجموعه‌های خودجوش مردمی که کار فرهنگی می‌کنند و در سراسر کشور هزاران مجموعه خودجوش مردمی هست که دارند فکر و کار فرهنگی می‌کنند، باید روز به روز توسعه پیدا کنند و دستگاه‌های دولتی به اینها کمک کنند و به‌جای اینکه آغوش خود را به‌روی کسانی که نظام و ارزشهای اسلامی را قبول ندارند باز کنند، به‌روی بچه‌های حزب‌اللهی و انقلابی باز کنند، کارهای فرهنگی باارزش دارد انجام می‌گیرد و در تمام زمینه‌ها می‌توانند جوانان انقلابی کار کنند، امروز و فردا برای جوانان است». (بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی ۹۵/۰۱/۰۱)

این در حالی است که هرساله با رایزنی‌هایی که با برخی نهادها و مراکز فرهنگی و مذهبی صورت می‌گرفت، عده‌ای مسئولان داخل و خارج کشور وقتی متوجه چنین حرکتی در قلب اروپا آن هم بسوی حرم امام حسین۷ شدند، بسیار استقبال می‌کردند و وعده‌هایی نیز برای حمایت‌های مادی و معنوی به این انجمن می‌دادند، اما کمی جلوتر یعنی وقتی زمان تحقق وعده‌های آنان سر رسید، حمایتی از آنان دیده نشد، با این حال و با وجود کم‌توجهی‌ها و کم‌لطفی‌های برخی مسئولان، ذره‌ای از انگیزه ما در این انجمن کاسته نخواهد شد و با توکل به خدا به کارمان ادامه خواهیم داد.

*** شما در انجمن چگونه برنامه‌هایتان را اطلاع‌رسانی می‌کردید؟**

یکی از شیوه‌های تبلیغی ما، پخش مستندهای مختلف و تصاویر زیبا از حال‌وهوای راهپیمایی اربعین بود. ما با خودروی خودمان به مراکز اسلامی و به مساجد مختلف سطح شهر می‌رفتیم و فراخوان‌ها، تصاویر و مستندهای تهیه‌شده از راهپیمایی اربعین را پخش می‌کردیم. با وجود برخی سختگیری‌ها، بی‌مهری‌ها و هزینه‌های اندک، اما بارها و بارها شاهد معجزاتی بودیم، از نوع ویزا گرفتن بگیرید تا تهیه محل اسکان و بلیت هواپیما و...، ما می‌خواستیم صفر تا صد کار اعزام زوّار را خودمان انجام بدهیم تا آنان اصلاً دچار سختی و زحمت نشوند. باید به این نکته تأکید کنم که اگر برای اربعین درست کار بشود خودش بهترین شیوه برای مقابله با دشمنان است. متأسفانه هنوز برای اربعین درست کار نکرده‌ایم، حالا هرقدر رسانه‌های غربی بیایند و در قبال اربعین سکوت کنند راه به جایی نخواهند برد.

*** هزینه‌های این سفر را چگونه تهیه می‌کردید؟**

هزینه‌ها را خود افراد متقبل می‌شوند البته برای این‌که فشار مالی کمتری ایجاد بشود و همه علاقه‌مندان بتوانند به کاروان اربعین بیایند و امکان ثبت‌نام داشته باشند، اما چون همه در یک سطح مالی نیستند در طول سال بچه‌های انجمن تمام شرکت‌های هواپیمایی را رصد می‌کنند تا بتوانند با کمترین هزینه زائران را اعزام کنیم و مشکلات مالی زیادی برایشان نباشد. گاهی پیش می‌آمد که هزینه‌ها بیشتر می‌شد، خودمان دست به کار می‌شدیم و هر کسی از دوستان در حد توانش هر قدر که می‌توانست کمک می‌کرد تا کار پیش برود.

*** بیشتر از چه کشورهایی برای اعزام به کربلا از طریق این انجمن ثبت‌نام کردند؟**

امسال هشتمین دوره فراخوان اربعین است. تاکنون از حدود ۳۰ کشور برای راهپیمایی اربعین حضور داشته‌اند. تاکنون از کشورهای اروپایی مختلف اعم از آمریکا، نیوزیلند، استرالیا، کانادا، آلمان، هلند، بلژیک، فرانسه، اسکاندیناوی، ایسلند و همچنین کشورهای آمریکایی و آفریقایی ثبت‌نام داشته‌ایم.

مصاحبه: امیرمحسن شیخان

مصاحبه سیزدهم ـ حجت‌الاسلام مجیدرضا فولادی، مدیرکل انتشارات و امور هنری مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:
پدیده اربعین نتیجه اراده دولت‌ها نیست

حجت‌الاسلام مجیدرضا فولادی مدیرکل انتشارات و امور هنری مجمع جهانی تقریب مذاهب با اشاره به جریان راهپیمایی اربعین حسینی گفت: پدیدهٔ اربعین در سال‌های اخیر حاصل برنامه‌ریزی یک کشور یا چند کشور و دولت‌ها نیست، یعنی کشورها و دولت‌ها در برپایی آن نقشی ندارد، بلکه به نظر می‌رسد این جریان که در ایامی خاص میلیون‌ها نفر را بسوی خود می‌کشاند، برگرفته از آرمانی ارزشمند است که از فطرت انسان‌ها می‌جوشد.

وی افزود: در راهپیمایی اربعین شاهد حضور مردمان بسیاری از پیر و جوان، زن و مرد، کوچک و بزرگ هستیم، جالب است حتی افرادی که توان چندانی برای طی کردن مسافت‌های کوتاه در شهر و دیار خودشان را نداشتند، در مسیر اربعین حاضر می‌شوند و کیلیومترها راه را با پای پیاده بسوی حرم امام علیه‌السلام طی می‌کنند. آنان نه‌تنها احساس خستگی و پشیمانی نمی‌کنند، بلکه احساس شادی، خرسندی و سبکی نیز می‌کنند.

حجت‌الاسلام فولادی با تأکید بر اینکه موضوعات مختلف اربعین اعم از حجم جمعیت و هزینه‌های صورت گرفته با معادلات مادی قابل بررسی نیست، خاطرنشان کرد: وقتی انسان‌ها این زیبایی‌ها و شگفتی‌ها را مشاهده می‌کنند، در می‌یابد که دستِ

قدرت و اراده‌ای ما فوق توان بشریت بالای سر جریان اربعین است و آن دست قدرتی است که این پدیده را بسوی جلو حرکت می‌دهد.

به گفتهٔ وی، برپایی امر ظهور امام علیه‌السلام نیاز به یکدلی، یکرنگی و مقصدی واحد دارد، اینها و بسیاری ارزشهای دیگر همان چیزهایی است که در این سالها در جریان راهپیمایی اربعین **به‌وضوح** مشاهده می‌کنیم.

حجت‌الاسلام فولادی با بیان اینکه باید درصدد کشف حقیقت و باطن این جریان عظیم در این برهه از زمان باشیم، بیان کرد: باید سعی کنیم این پدیده را به خودمان و سایر دولتها و کشورها نسبت ندهیم، بلکه آن را جریانی خودجوش و مردمی با ارده‌ای ما فوق اراده‌ها بدانیم.

مدیر امور هنری مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ادامه داد: بر اساس آنچه در این سال‌ها در اربعین دیده‌ایم و همچنین افزایش هر سالهٔ شوق مردم گوشه گوشه دنیا برای حضور در راهپیمایی اربعین، باید گفت این جریان در آینده پرفروغ‌تر خواهد شد.

وی گفت: همگان اعتراف می‌کنند که در چند سال اخیر جریان راهپیمایی اربعین حسینی رنگ و بوی دیگری به خود گرفته است. در همین راستا برخی اندیشمندان و متفکران معتقدند که آیندهٔ این جریان نورانی بسوی برپایی امر ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) پیش خواهد رفت.

حجت‌الاسلام فولادی یادآور شد: در طول سال بسیاری از مردم عراق طبق گفتهٔ خودشان، دارایی خود را جمع می‌کنند تا در ایام اربعین با استفاده از آنها، به زوّار امام حسین علیه‌السلام خدمت کنند و این یعنی نوعی همراهی با جریانی ظهور.

مدیر امور هنری مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی افزود: وظیفه مسئولان در این عرصه این است که بسترها و شرایط را تا می‌توانند فراهم و سهل کنند تا همگان بتوانند با حضور در راهپیمایی اربعین بیشترین و بهترین بهره‌ها را ببرند که این اقدام آنان نیز نوعی همراهی با جریان اربعین و به تیع ماجرای ظهور می‌تواند باشد.

مصاحبه چهاردهم ـ حجت‌الاسلام محمد دغانلو، کارشناس مذهبی:
جریان اربعین حسینی ماکتی از برپایی حکومتی مهدوی است

حجت‌الاسلام محمد دغانلو، از وعاظ و سخنرانان کشور با بیان اینکه راهپیمایی اربعین حسینی چند سالی است شور و شوق و حرارت بیشتری پیدا کرده است، گفت: راهپیمایی اربعین در گذشته‌ها نیز وجود داشته است، حتی اهالی عراق نقل می‌کنند که در زمان حزب بعث اگر کسی می‌خواست در اربعین به زیارت امام حسین علیه‌السلام برود ـ آن هم با پای پیاده ـ اجازه این کار را نمی‌دادند و مجازات‌های سختی نیز درنظر می‌گرفتند، اما مردم دست از این زیارت برنمی‌داشتند و باز هم به زیارت امام حسین علیه‌السلام می‌رفتند.

وی با بیان اینکه به لطف الهی در چند سال اخیر این جریان نورانی شدت بیشتری پیدا کرده و آن موانع کنار رفته است، اظهار کرد: در این سال‌ها مردم خیلی راحت‌تر از گذشته می‌توانند به زیارت امام حسین علیه‌السلام بروند، این در حالی است که در گذشته چنین نبوده است.

حجت‌الاسلام دغانلو افزود: افزایش حبّ و عشق مردم به امام حسین علیه‌السلام علت دیگری است که می‌توان از آن به‌عنوان یکی از دلایل رونق و وسعت راهپیمایی اربعین حسینی باشد.

وی با اشاره به نحوه رفتار مردم عراق در میزبانی از زائران امام حسین علیه‌السلام در ایام اربعین اظهار کرد: بی‌تردید این رفتار زیبای مردم عراق در ایام اربعین فقط و فقط به‌خاطر عشق به امام حسین علیه‌السلام است، آنان یک سال دارایی خود را جمع می‌کنند و

در موسم اربعین با جان و دل تقدیم زائران می‌کنند. توصیه می‌کنم زوّار ایرانی در کمال ادب این میزبانی را قدردان باشند و در حد امکان اگر مهمان خانه عراقی‌ها می‌شوند، هدایایی برای کودکان آنان درنظر بگیرند.

حجت‌الاسلام دغانلو با تأکید بر اینکه جریان اربعین حسینی یک جامعه کوچک از حکومتی مهدوی است، یادآور شد: اینکه مردم در ایام اربعین اینقدر نسبت به یکدیگر مهربان هستند، ایثار و از خودگذشتگی، امنیت، حس رسیدگی به احتیاجات برادر دینی و ... از جمله موضوعاتی است که می‌توان در راهپیمایی اربعین حسینی مشاهده کرد، این در حالی است که این موضوعات و بسیاری مسائل دیگر در دروان حکومت امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) به‌صورت تمام‌تر و کامل‌تر نمایان می‌شود.

وی خاطرنشان کرد: شایسته است که انسان از خداوند بخواهد تا توفیق این سفر را بدست آورد، باید وارد این صحنه بزرگ الهی و نورانی شویم، زیبایی‌های آن را ببینیم و درباره آنها تفکر کنیم. این حال و هوا باعث رشد و ارتقای انسان می‌شود، پس باید به اربعین بهای بیشتری دهیم.

مصاحبه پانزدهم ـ حجت‌الاسلام علی چراغی‌پور، مسئول دبیرخانه کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان ایلام: نور اربعینی، عامل حضور انسانها از سراسر جهان در کربلاست

حجت‌الاسلام علی چراغی‌پور، مسئول دبیرخانه کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان ایلام و سرپرست شورای هماهنگی و تبلیغات اسلامی استان ایلام با اشاره به جریان راهپیمایی اربعین حسینی گفت: پیاده‌روی عظیم اربعین از سال پیش وجود داشته است، اما فضایی که در سال‌های اخیر در این مسیر شکل گرفته، متفاوت از سال‌های قبل است. امروزه شاهد حضور صدها نفر از مردم از نژادها و سلیقه‌های مختلف در راهپیمایی اربعین حسینی هستیم.

سرپرست شورای هماهنگی و تبلیغات اسلامی استان ایلام افزود: بزرگ‌ترین همایش بین‌المللی و مذهبی جهان امروز در جریان اربعین در حال شکل‌گیری است و وحدت، انسجام، برادری، برابری، محبت، ایثار و ... از جمله رفتارهای زیبایی است که در مسیر به چشم می‌خورد.

مسئول دبیرخانه کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان ایلام با بیان اینکه در راهپیمایی اربعین در سایر فرق و ادیان نیز بسیاری در راهپیمایی اربعین شرکت می‌کنند، گفت: ما خود شاهد این بودیم که در طول سال‌های گذشته مسلمانانی از کشور پاکستان به مرز مهران می‌آمدند و چندین روز را به انتظار تهیه ویزای و مجوز خروج می‌گذراندند. قطعاً این امر، ناشی از عشق به مولا امام حسین علیه‌السلام است.

به گفته وی، در آن فضای نورانی دیگر قوم و قبیله و طایفه معنایی ندارد و همه در زیر یک بیرق آن هم بیرق امام حسین علیه‌السلام قرار گرفته‌اند و وحدتی که در این جریان به نمایش در آمده، افتخاری بزرگ برای مسلمین جهان در برابر دشمنان است.

حجت‌الاسلام والمسلمین چراغی‌پور تأکید کرد: نورانیت اربعین آنقدر زیاد است که مردم از پیر و جوان و کودک را سوی خود می‌کشاند و اثرگذاری این معنویت تا مدت‌ها بعد نیز زوّار را فرا خواهد گرفت.

مصاحبه شانزدهم ـ حجت‌الاسلام محمدعلی معینیان، استاد حوزه و دانشگاه:
پیاده‌روی اربعین را باید معجزه الهی در عصر حاضر دانست

حجت‌الاسلام معینیان با اشاره به جایگاه اربعین در تعاملات بین دو کشور ایران و عراق گفت: با توجه به تغییراتی که در بُعد سیاسی کشور عراق و کشته شدن صدام رخ داد، تعاملات بین شیعیان دو کشور بیشتر شد و جریان اربعین این مراودات را تقویت کرد. جریان اربعینی باعث شد مبارزه‌ای که با مردم عراق داشتیم، به باد فراموشی سپرده شود و این جز عنایات خداوند و محبت امام حسین علیه‌السلام حاصل نمی‌شد.

وی با بیان اینکه امروز شاهدیم وقتی مردم ایران وارد خاک عراق می‌شوند، از ابتدای ورودشان با پذیرایی گرم مردم عراق مواجه می‌شوند، افزود: این مردم با خلوص نیت و با عشق و ارادتی که به ساحت مقدس سیدالشهدا علیه‌السلام دارند، با زائران برخورد می‌کنند؛ لذا در مقطع زمانی پیاده‌روی اربعین هرگونه مسائل سیاسی موضوعیت پیدا نمی‌کند و همه با یک مقصد و مقصود واحد به‌سمت حرم اباعبدالله علیه‌السلام حرکت می‌کنند. این حرکت به قدری گسترده و در عین حال دلنشین است که نمی‌توان جز معجزه از آن یاد کرد.

این پژوهشگر علوم قرآنی و حدیث با بیان اینکه تعامل بین قلوب زائران اربعین باعث تعاملات گسترده‌تر ایرانیان با عراقی‌ها می‌شود، افزود: هر ساله جمعیت زائران رو به فزونی است. این مسئله نشان‌دهنده جذبه و کشش نوری الهی و از مجرای امام حسین علیه‌السلام بسوی جویندگان حق و حقیقت است.

مصاحبه هفدهم ـ حجت‌الاسلام محمدمهدی محمدی، کارشناس مسائل دینی:
«حرکت اربعینی امتداد ایثار حسینی برای بیداری پاک‌طینتان عالم استَ»

حجت‌الاسلام محمدمهدی محمدی، کارشناس مسائل دینی با اشاره به عظمت ماجرای اربعین حسینی گفت: امام حسین علیه‌السلام در زمان زندگانی خویش به‌خصوص در مقطع حرکتشان از مکه بسوی کربلا به مثابه یک معلم دلسوز در بیدارگری مردمان از خواب غفلت تلاش فراوان کردند؛ هرچند در آن بازه زمانی عمدتاً حضرت را یاری نکردند، اما شهادتشان باعث احیای مجدد امت اسلام شد، بنابراین حرکت اربعینی نیز امتداد ایثار حسینی برای بیداری پاک‌طینتان عالم است و خواهیم دید که این روند روز به روز گسترده‌تر و با کیفیت‌تر می‌شود؛ نشان به اینکه هر سال پرشورتر از سال قبل برگزار می‌شود.

وی با اشاره به اینکه هرچه به امام حسین علیه‌السلام انتساب یابد، بر عظمتش افزوده می‌شود، گفت: اربعین نمونه بارز این عظمت است و به‌طور حتم در بیداری اسلامی و بلکه بیداری دنیا از خواب غفلت و شهوات نقش مؤثری دارد؛ این مسئله‌ای که عرض می‌کنم نه در کتاب‌ها و داستان‌هاست بلکه به‌صورت عینی مشاهده می‌کنیم. اربعین حسینی به زبان عمل این پیام را به دنیا مخابره می‌کند که حسینیت پلی برای رسیدن به مهدویت یعنی دستیابی به عصر ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) عج است.

مصاحبه هجدهم ـ حجت‌الاسلام سید عباس موسوی‌مطلق، استاد حوزه:
حضور میلیونی زوّار اربعین نشانه بیداری عقل‌ها و دل‌هاست

حجت‌الاسلام سید عباس موسوی‌مطلق استاد حوزه با اشاره به حدیثی از امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ جایگاه والای زیارت امام حسین علیه‌السلام گفت: امام صادق علیه‌السلام در حدیثی نورانی می‌فرماید: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِی زِيَارَةِ قَبْرِالْحُسَيْنِ علیه‌السلام مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقاً وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسَرَات»؛ اگر مردم می‌دانستند که در زیارت قبر حضرت حسین‌بن علی علیهما‌السلام چه فضل و ثوابی است حتماً از شوق و ذوق قالب تهی می‌کردند و به‌خاطر حسرت‌ها نفس‌هایشان به شماره افتاده و قطع خواهد شد.

این استاد حوزه افزود: روایات فراوانی دربارهٔ آثار دنیوی و اخروی زیارت امام حسین علیه‌السلام وجود دارد، به‌عنوان مثال، بیش از صد اثر و فایدهٔ دنیوی زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام صرفاً در کتاب «کامل الزیارت» ذکر شده است. اهل‌بیت علیهم‌السلام نه‌تنها در سیرهٔ گفتاری، بلکه در سیرهٔ عملی نیز خودشان به امر زیارت امام حسین علیه‌السلام اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند.

موسوی‌مطلق با بیان اینکه دین اسلام حسینی البقاء است، گفت: وقتی بقای دین اسلام بر اساس حرکت و شهادت امام حسین علیه‌السلام است، پس بی‌جهت نیست که ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام این‌قدر ما را به زیارت آن حضرت توصیه و تشویق کرده‌اند. این موضوع به‌قدری نزد اهل‌بیت: از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که اگر فردی در رفتن به زیارت امام حسین علیه‌السلام کوتاهی کند، حقی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را ضایع کرده و حتی ممکن است مورد عاق ایشان نیز قرار می‌گیرند.

وی افزود: امام صادق علیه‌السلام دراین‌باره می‌فرماید: (يَا عَلِيّ! بَلَغَنِي أَنَّ قَوْماً مِنْ شِيعَتِنَا يَمُرُّ بِأَحَدِهِمُ السَّنَةُ وَ السَّنَتَانِ لَا يَزُورُونَ الْحُسَيْنَ؟ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَعْرِفُ أَنَاساً كَثِيرَةً بِهَذِهِ الصِّفَةِ، قَالَ، اما وَ اللَّهِ لَحَظِّهِمْ أَخْطَئُوا وَ عَنْ ثَوَابِ اللَّهِ زَاغُوا وَ عَنْ جِوَارِ مُحَمَّدٍ ص تَبَاعَدُوا...، اما إِنَّهُ مَا لَهُ عِنْدَاللَّهِ مِنْ عُذْرٍ وَ لَا عِنْدَ رَسُولِهِ مِنْ عُذْرٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ (أَمَّا الْقَرِيبُ فَلَا أَقَلَ مِنْ شَهْرٍ وَ، اما بَعِيدُ الدَّارِ فَفِي كُلِّ ثَلَاثِ سِنِينَ فَمَا جَازَ الثَّلَاثَ سِنِينَ فَقَدْ عَقَّ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ قَطَعَ رَحِمَهُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ)؛ امام صادق علیه‌السلام به یکی از دوستانشان فرمود: شنیده‌ام برخی از شیعیان ما هستند که دو سه سال بر آنها گذشته، اما به زیارت مرقد حسین علیه‌السلام نرفته‌اند. آن شخص پاسخ داد: آقاجان، خیلی‌ها هستند که اینگونه‌اند. حضرت با تعجب فرمود: مگر می‌شود؟ این افراد در روز قیامت چگونه می‌خواهند جواب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را بدهند؟ از حضرت پرسیدند که حداکثر چند مدت یکبار باید به زیارت امام حسین علیه‌السلام برویم؟ حضرت فرمود: نباید بیشتر از سه سال غیبت کسی ـ یا نرفتنش به کربلا ـ طول بکشد و در غیر اینصورت مورد عاق رسول خدا علیه‌السلام قرار می‌گیرد. (کامل الزیارت، ص۲۹۶)

این استاد حوزه با اشاره به نقش زیارت امام حسین علیه‌السلام در راستای تقویت امر وحدت میان مسلمانان جهان گفت: هیچ توجیهی برای عدم زیارت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام وجود ندارد؛ حتی گفته شده ثروتمندان سالی دو بار و فقرا سالی یک بار به زیارت آن حضرت مشرّف شوند. دستیابی به وحدت زیر بیرق امام حسین علیه‌السلام و تبدیل شدن به یک دست واحده مقابل دشمنان بسیار سهل‌تر است.

حضور میلیونی زوّار اربعین نشان از بیداری عقل‌ها و قلب‌هاست

موسوی‌مطلق یادآور شد: آیت‌الله جوادی آملی می‌فرمود: «زیارت اربعین و حادثهٔ کربلا ستون ولایت است». پر رونق شدن زیارت امام حسین و زیارت اربعین دلیلی بر رشد عقلی و بیداری مردم است. در احادیث آمده وقتی امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) تشریف می‌آورند، خودشان را با عنوان خون‌خواه امام حسین علیه‌السلام معرفی می‌کنند، پس مردم در وسعت جهانی باید امام حسین علیه‌السلام را بشناسند تا کسی را که به خون‌خواهی او قیام می‌کند یاری کنند. امروز جریان اربعین حسینی صحنه‌ای الهی برای معرفی امام حسین علیه‌السلام به جهانیان است.

وی خاطرنشان کرد: زیارت امام حسین علیه‌السلام سبب بیداری فردی و اجتماعی امت‌ها و خروج آنان از جهل و ظلمت بسوی نور می‌شود. زیارت اربعین تبدیل به یک نمایش قدرت شده است، به نظر می‌رسد این حرکت جهانی در روز اربعین یکی از بهترین زمینه‌ها برای ظهور مولایمان امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) است.

مصاحبه نوزدهم ـ کامران گوهری، پژوهشگر علوم قرآن و حدیث:
شهادت شهید حججی ماجرایی از جنس اربعین حسینی/ لشگر شهدا در حال اثرگذاری‌اند

کامران گوهری پژوهشگر علوم قرآن و حدیث و مدیر کاروان عتبات با اشاره به تصویر اولی که از شهادت شهید حججی منتشر شد، گفت: ابتدا خدا را شکر می‌کنم که با یک آغازی دیگر در جبههٔ الهی مواجه هستیم. حال باید به این نکته اشاره کنم که کدامکارگردان می‌تواندچنینتصویریخلق کند؛ نزدیک غروب، نوری که از پشت سر شهید به لنز دوربین می‌خورد، ترس در وجود دشمن، صلابت و شجاعت در عمق نگاه شهید و...، جالب است که این تصویر به‌دست دشمن ثبت شده، اما به‌راستی چه‌کسی کارگردانی این صحنه را به‌عهده داشته است؟

وی خاطرنشان کرد: اگر شهید حججی، حجت شد، به‌خاطر این است که خدا خواست اینطور شود. در فرمایشات مقام معظم رهبری نیز این مطلب تصریح شد که «**خداوند او را همچون حجتی مقابل چشم همگان قرار داد**». خداوند با نورش او را در قله‌ای قرار داد و معرفی کرد تا همه او را بشناسند و امروز لشگر شهدا به‌شکل‌های مختلف در اتفاقات گوناگون در حال اثرگذاری هستند، اگر در گذشته معدود شهدایی بودند، امروزه صدها هزار شهید وجود دارد.

گوهری افزود: شهید حججی در وصیت‌نامه‌اش گفت: "پسرم، اگر شهید شوم باز هم پیش تو و مراقب تو هستم"، این یعنی شهید حججی اهل معرفت است، او معرفت پیدا کرده به اینکه بعد از شهادت هم می‌تواند کار کند و اثرگذار باشد.

این پژوهشگر علوم قرآن و حدیث با بیان اینکه خدا با همان تصویر ابتدایی که از شهید حججی منتشر شد، نشان داد که هر وقت بخواهد می‌تواند حال انسان‌ها را

تغییر دهد، گفت: شهادت شهید حججی یک ماجرای خدایی بود، ماجرایی از جنس اربعین حسینی علیه‌السلام. امیدواریم ماجرای شهید حججی، آغاز یک رشد و اصلاح فرهنگی در جامعه اسلامی باشد و از نشانه‌های این موضوع این است که خدا با همان یک تصویر حال و هوای جامعه از جوان و نوجوان و کهنسال را تغییر داد، به‌عبارت دیگر، با نگاه به همان یک تصویر بدون اینکه چیز دیگری از این شهید دیده یا شنیده باشیم، متوجه می‌شویم که او یک انسان معرفتی بوده است و خداوند ماجرای ایشان را یک آغاز و نشانی از وجود لشگر شهدا و تأثیرگذاری ایشان قرار داد.

وی با تأکید بر اینکه عمق نگاه و ژست باصلابت و شجاعانه شهید حججی در شرایط اسارت در همان یک تصویر نشان داد که خدا به او معرفت‌ها عطا کرد، یادآور شد: حال که خدا خواسته این شهید در این حد وسیع معرفی شود، بیاییم حوزه‌های معرفتی شهید حججی را پررنگ کنیم، چراکه همین معرفت‌هاست که این شهید را حجت قرار داد.

گوهری با بیان این مطلب که شهید حججی صرفاً شعاردهنده نبود، گفت: ایشان جزو مؤمنینی بود که به‌تعبیر قرآن به پیمان‌شان به‌خاطر خدا صادقانه عمل کردند «مِنَ الْمُؤْمِنینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ»، شهید حججی با حرکت خود امر به معروف کرد و خودش نیز وارد میدان شد، این همان کاری بود که از مولایش امام حسین علیه‌السلام آموخته بود؛ امام حسین علیه‌السلام با ترک حج و حرکت به‌سمت کربلا مردم را امر به معروف کردند، عده‌ای همراه شدند و عده بسیاری نیز همراهی نکردند، امام حسین علیه‌السلام نه‌تنها معروفی را مطرح کرد، بلکه خودش در قلب این ماجرا قرار گرفت.

مصاحبه بیستم ـ روح‌الله رفیعی، کارگردان و مستندساز اربعینی:
ظرفیتی که ۲۰ میلیون زائر را به کربلا می‌برد می‌تواند آنها را راهی قدس کند/ ترس از داعش هم مردم را متوقف نکرد

روح‌الله رفیعی، کارگردان و مستندساز اربعینی درباره تجربه مستندسازی اربعین اینچنین سخن گفت: خاطرم هست چند سال پیش همراه با کاروانی در دهه اول ماه محرم به غزه سفر کردیم. کاروان‌مان از پاکستان، هند، ترکیه، سوریه، لبنان و ... عبور کرد و در نهایت به غزه رسیدیم. در طی مسیر، شیعیان بسیاری همراه ما بودند و از آنجا که ایام دهه اول محرم نیز بود، دور هم جمع شدیم تا ذکر مصیبت و روضه‌ای داشته باشیم. بعد از پایان روضه، آقایی که اهل انگلستان بود، پیش من آمد و گفت «شما بعد از گریه‌ای که می‌کنید، خوش‌حالی در صورت دارید که جنسش با بقیه خوش‌حالی‌ها فرق دارد»؛ یکی از دوستان‌مان برایش توضیح داد که این خوش‌حالی از جنس شعف است. همین صحبت‌ها، بهانه‌ای شد تا به معرفی امام حسین علیه‌السلام و توضیح ماجرای کربلا برای این آقا پرداختیم. جالب است که آن آقای انگلیسی که اتفاقاً سنی مذهب نیز بود، تا به حال داستان امام حسین علیه‌السلام را نشنیده بود. چون خودمان در دریای محتوا هستیم احساس می‌کنیم که همه‌جای عالم از عاشورا باخبر هستند و فکر می‌کنیم که تمام عالم در معرفت امام حسین علیه‌السلام قرار دارد این در حالی است که اگر با دید واقعی‌تری نسبت به امام حسین علیه‌السلام نگاه کنیم، می‌بینیم که هنوز هیچ کاری برای معرفی امام حسین علیه‌السلام و معرفت ایشان انجام نداده‌ایم.

هنوز خیلی از مردم ترکیه از ماجرای عاشورا و امام حسین علیه‌السلام بی‌خبرند

او به راهپیمایی «مارش‌میرا» و اتفاقاتی که در جریان آن برایش رخ داده بود، اشاره کرد و گفت: داستانی شبیه به این ماجرا برای راه‌پیمایی مارش‌میرا در بوسنی نیز رخ داد. خاطرم هست که دو سه سال پیش به راه‌پیمایی مارش میرا رفته بودم. راه‌پیمایی در آن‌جا چنین است که همه با هم در یک زمان مشخص از یک مبدا مشخص حرکت می‌کنند و به مقصد مشخص می‌رسند. در حقیقت اگر یک ساعت بعدتر از عبور کاروان وارد مسیر شوید، هیچ خبری نیست. در این راه‌پیمایی افرادی را می‌دیدم که با افتخار می‌آمدند و می‌گفتند ببینید این‌جا چه قدر خوب است، ۱۲۰ کیلومتر مسیر را می‌روید و همه به‌صورت رایگان آب و غذا به شما می‌دهند. در جواب به آنان گفتم که شما تاکنون در ایام اربعین به عراق نرفته‌اید؟ گفتند «خیر. مگر چه خبر است؟» گفتم که ما در یک بازه‌ی ۲۰ روزه راه‌پیمایی داریم و حدود ۲۰ میلیون آدم می‌آیند و در مسیر گاهی بغل به بغل و گاهی دو سه لاین ایستگاه صلواتی وجود دارد و از شما التماس می‌کنند که غذا و آب رایگان بردارید. آن مسلمان ترک سنی غافل‌گیر شده بود و می‌گفت مگر چنین چیزی می‌شود؟ دقت کنید که راجع به ترکیه حرف می‌زنم که همسایه شمالی عراق است و راجع به آفریقا و آسیای شرقی حرف نمی‌زنم. ما هنوز نتوانستیم مردم ترکیه را از این محتوا و معرفت راجع به امام حسین علیه‌السلام به خوبی مطالعه کنیم.

شناخت امام حسین زمینه‌ساز معرفی حضرت حجت است

دقت کنید که ما در موضوع ظهور می‌گوییم که حضرت حجت تکیه بر کعبه می‌زنند و خود را با سیدالشهدا معرفی می‌کنند خب پس مردم دنیا اول از همه باید امام حسین علیه‌السلام را بشناسند که وقتی ایشان خود را معرفی کردند، متوجه باشند. با این حال هنوز افراد بسیار زیادی هستند که امام حسین علیه‌السلام را نمی‌شناسند. اگر جامعه شیعیان را کنار بگذارید متوجه می‌شوید که چه خبر است. گاهی شده است که در یک گوشه‌ای از جهان اسم امام حسین علیه‌السلام را آوردند و ما ذوق‌زده شده ایم که امام حسین علیه‌السلام در همه‌جا رفته است در حالی که واقعاً همه جهانیان ایشان را نشناختند. آیا ما توانستیم در جمعیت میلیاردی چین چنین کاری کنیم؟

اربعین بستری فوق‌العاده عالی برای معرفی سیدالشهدا و قدرت نرم شیعه است. حال چند موضوع در این بین مطرح می‌شود. تا چند سال قبل عده‌ای می‌گفتند که

داعش در اربعین حمله می‌کند و می‌کشد، اما با این حال جمعیت بیش‌تری حضور پیدا کرد، عجیب غریب است! از طرف دیگر من فکر می‌کنم ما ایرانی‌ها در حال تخریب فرهنگ عراقی‌ها هستیم. ما آمدیم و با برخی موکب‌های پر زرق و برق خود که عمدتاً با بودجه بیت‌المال مدیریت می‌شود به فرهنگ عراقی‌ها آسیب زدیم؛ مثلاً فلان بانک هم رفته و موکب زده است. در تمام این ۱۴۰۰ سال، این‌گونه بوده است که بیرق امام حسین علیه‌السلام به‌صورت مردمی جلو رفته است. جالب است بدانید که موکب‌های عراقی، فرهنگ و جامعه‌شناسی مردم عراق را نشان می‌دهد. استاد معتبر دانشگاه در موکب اربعین راه می‌رود و به مردم التماس می‌کند تا از پذیرایی‌های مهیا شده مصرف کنند؛ حالا همین استاد را اگر بخواهید در دانشگاه ملاقات کنید باید از ۱۰ روز قبل وقت بگیرید. چهره‌های مهم علمی هم در مسیر کربلا ساده و خاضعند.

در اینجا تقابل مدرنیته و سنت مشهود است. در مدرنیته اصلاً معنی ندارد که شما به‌صورت رایگان به همه غذا بدهید و فقط به درماندگان می‌توانید غذای رایگان بدهید، اما در عراق، روحیه کریمانه مردم عراق را می‌بینید. آن شخص یک سال کار می‌کند و پول جمع می‌کند تا ۱۰ـ۲۰ روز اربعین برای سیدالشهدا خرج کند. آخر هم گریه و التماس می‌کند و می‌گوید خدایا مرا ببخش که نتوانستم حق مطلب را ادا کنم. گاهی می‌بینید که فرد هیچ چیز ندارد، اما فقط به اندازه یک پارچ آب می‌آورد و به زائران امام حسین تعارف می‌کند. من خیلی وقت‌ها به دوستانم می‌گویم که در خرید کالا در عراق چونه نزنید، چرا که آنان هر قدر در بیاورند، آخر سال خرج امام حسین علیه‌السلام می‌کنند. در اربعین یک نمونه آزمایشی از اقتصاد صلواتی و مردمی را می‌بینیم که در زمان ظهور اتفاق می‌افتد.

دشمن به‌دنبال فتنه‌سازی با جمعیت میلیونی اربعین است

با تمام این خوبی‌هایی که بیان کردم، باید به یک موضوع هم توجه ویژه داشت. دقت کنید که دشمن در برابر این خوبی‌ها بیکار ننشسته است و به‌دنبال ایجاد یک سری فتنه است. هر سال جمعیت بسیار زیادی می‌آید و همین جمعیت فراوان،یک بستر برای ایجاد فتنه‌های جدید است. برای مثال فتنه یمانی را می‌بینید که در بصره آغاز شده است. صابئی‌ها و آنان آمده‌اند و می‌خواهند از این ظرفیت استفاده کنند تا پروژه اربعین‌هراسی را به راه بیندازند که سیدالشهدا شناخته نشود. فرض کنید که این گروه‌ها با هم درگیر شوند، عده‌ای کشته شوند و اربعین هراسی صورت بگیرد و در نهایت ورود مردم به عراق را ممنوع اعلام کنند و در نهایت امام حسین علیه‌السلام شناخته

نشود. آنان چنین کاری را در عاشورا انجام دادند و سعی کردند فاصله ایجاد کنند، اما هنوز اربعین جلوه رحمانی و اسلام ناب خود را حفظ کرده است.

در این راهپیمایی، مبنا بر مودت بین شیعه، سنی، مسیحی و پیروان ادیان الهی است. در کجای دنیا چنین راه‌پیمایی کریمانه‌ای با این جمعیت وجود دارد؟ راه پیمایی که همه بتوانند به راحتی در آن حضور پیدا کنند و هیچ محدودیتی وجود نداشته باشد. البته باید گفت که تمیزی و پاکی که ایرانی‌ها با خود به عراق برده‌اند بسیار خوب بوده است، اما مقابل، چشم و هم چشمی‌ها و یک سری رفتارها آسیب زده است که باید با فرهنگ‌سازی روی آن کار کرد. موضوع دیگر بحث اقتصاد این راهپیمایی در ایران است. از ایران کاروان‌های زیادی به عراق می‌روند و این جمعیت زیاد ظرفیت مالی بسیار خوبی را برای حمل‌ونقل، پذیرایی و فروش لوازم مورد نیاز در ایران و عراق فراهم می‌کند. من چند روز پیش نمایشگاهی را در عراق دیدم که تجهیزات سفر اربعین می‌فروخت و درآمد کسب می‌کرد، بنابراین این پیاده روی خود یک نوع توریسم است با همه مفاهیم اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی‌اش.

در مورد قدرت راه‌پیمایی اربعین باید به چند نکته بسیار مهم توجه کرد. ما یک زمان می‌گفتیم جنگ جنگ تا پیروزی و کمی بعدتر می‌گفتیم که راه قدس از کربلا می‌گذرد، اما هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که در یک روزی ما در خاک عراق برویم و عکس آیت الله خامنه‌ای و امام خمینی را ببینیم. فکر نمی‌کردیم روابط تا این اندازه گسترده شود. اکنون ما تا کربلا رفته‌ایم و اگر یک تلاش مضاعفی صورت بگیرد همین جمعیت تا قدس هم می‌تواند برود چرا که ظرفیت آن وجود دارد. ظرفیتی که براساس مهر و محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام ایجاد شده است و می‌تواند خیلی خوب باشد. در اربعین هنوز نتوانستیم به خوبی حق مطلب را ادا کنیم. اربعین و راهپیمایی میلیونی آن، ظرفیت بسیار عظیمی دارد که می‌تواند امام حسین علیه‌السلام را معرفی کند پس باید بنشینیم و فکر کنیم و آن را به رخ دنیا بکشیم.

می‌خواهم برایتان یک مثال خیلی ساده و پیش پا افتاده بزنم که بتوانید ظرفیت مستندسازی اربعین را درک کنید. مسیر ۸۰ کیلومتری نجف تا کربلا خود یک جذابیت است و ظرفیت دارد و آن هم این است که شما می‌توانید در یک مسیر ۸۰ کیلومتری رایگان بخورید و بنوشید و هرچه دلتان خواست بخورید. از این نظر شاید بتوان گفت که بزرگ‌ترین فودکورت دنیا در همین مسیر شکل گرفته است و کافی است شما هر چه دلتان خواست را اراده کنید تا برایتان پیدا شود. ما این ظرفیت بسیار ساده را هنوز بیان نکرده‌ایم. به نظرم اربعین سوژه‌های عالی برای کار دارد که تکرار نشدنی است و می‌تواند به خیلی از کارگردانان برای ساخت فیلم ایده بدهد.

مصاحبه بیست و یکم ـ حجت‌الاسلام محمود ابوالقاسمی، کارشناس مسائل دینی:
زیارت اربعین، زینتی برای جلب توجه جهانیان به امام حسین علیه‌السلام است

در جهان معاصر و در هجمه جریان‌ها و تفکرهای غیر دینی تمرکز بر زنده نگه‌داشتن اصیل‌ترین حرکتهای دینی و آیین‌های نگه‌دارنده آن اهمیت زیادی دارد. بخشی از این آیین‌های دینی و در واقع مهم ترین آنها آیین عزاداری امام حسین علیه‌السلام در ماه محرم است.محرّم مکان و زمانی است که باید مورد احترام قرار گیرد و کسی که این احترام را اعمال می‌کند؛ حکم محرِم را پیدا می‌کند. شور و رغبت مردم نسبت به امام حسین علیه‌السلام به‌ویژه در چند ساله اخیر به شدت افزایش یافته است.

حجت‌الاسلام محمود ابوالقاسمی کارشناس مسائل دینی را بسیاری از جوانان می‌شناسند. او شیخ محبوب و پرطرفداری است که منابرش همیشه پر از مستمع است. در میانه بحث با مخاطبانش به شوخی می‌نشیند و در خلال همین سخنوری جوان‌پسند حرف‌های معهمی را برای مخاطبش بیان می‌کند. او می‌گوید: واژه‌های محرّم، محرِم و حرام از یک ریشه است. وقتی کسی واژهٔ حرم را می‌گوید، یعنی مکانی که در آن احترام لازم است، در عین حال کسی که به این مکان احترام می‌گذارد، مُحرِم به شمار می‌رود. کسی که مُحرِم هست، باید این مهم را با ترک حرام نشان دهد و این حرام آن چیزی است که صاحب حرم یعنی امام حسین علیه‌السلام را محزون می‌کند، در واقع مُحرِم کسی است که به‌دنبال احترام به صاحب حرم است.

حجت‌الاسلام ابوالقاسمی به شور و حضور عزاداران در مراسم اربعین اشاره می‌کند و می‌گوید: این حرارت و شوق نسبت به امام حسین علیه‌السلام یک منبعی دارد و آن منبع، وجود مقدس خود امام حسین علیه‌السلام است. امام حسین از جانب خدا حیّ و اثرگذار است

و کاری که انجام می‌دهد این است که انسانها را به‌سمت خود می‌کشاند. نور اهل‌بیت علیهم‌السلام هر کدام از اثری خاص و ویژه برخوردار است، اما این اثر نور امام حسین علیه‌السلام است که انسان‌ها را می‌کشاند و به حرکت در می‌آورد. دشمنان در پی این بودند تا نور امام حسین علیه‌السلام را خاموش کنند، اما خدا برنامه‌ای داشت و طی آن، این نور را کامل کرد و هر چه پیش می‌رویم، این نور کامل‌تر می‌شود. علت اصلی اینکه در ۱۴۰۰ سال گذشته هر چه جلوتر می‌رویم، کشش به‌سمت امام حسین علیه‌السلام بیشتر می‌شود، این است که نور امام علیه‌السلام پیوسته در حال تمامیت و کامل شدن است.

پرداخت به جنبهٔ حماسی ماجرای کربلا لازم و موثر است، اما کافی نیست

وی معتقد است اینکه صرفاً به جنبهٔ حماسی ماجرای کربلا پرداخته شود، مؤثر است، اما کافی نیست. یکی از راهکارهای مهم و اثرگذار این است که اطرافیان را به وسیلهٔ حماسه یا اخلاقیات به‌سمت امام حسین علیه‌السلام بیاوریم و از آن به بعد آنان را به امام علیه‌السلام متصل کنیم. اصل، خود امام حسین علیه‌السلام است و این اخلاق یک به‌انه‌ای برای مجذوب امام حسین علیه‌السلام شدن است. اگر کسی حتی با یک ظرف غذا می‌تواند جذب امام حسین علیه‌السلام شود، او را جذب کنیم، اما این ظرف غذا هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای اتصال او به امام حسین علیه‌السلام است. باید به اهل‌بیت علیهم‌السلام به هیئت یک نور بنگریم که این نور در کالبد جسم مادی قرار گرفته است. باید به اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌عنوان کسی که لباس تقوا، لباس اخلاق، افکار و امیال بر تن دارند، بنگریم، لذا هر کدام از این لباس‌ها که بتواند ما را به امام علیه‌السلام نزدیک کند، یک امتیاز است.

او می‌گوید میزان استفاده از مزایای عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام به معرفت افراد وابسته است و اشک را از منظر معرفتی و احساسی مورد مداقه قرار می‌دهد و می‌گوید: «همان طوری که عبادت دو نفر مثل هم نیست، اشک دو نفر در مصائب اهل‌بیت علیهم‌السلام هم مثل هم نیست و تفاوت این دو در معرفت آنان است. این بدین معنا نیست انسان‌هایی که معرفت بیشتری نسبت به اهل‌بیت علیهم‌السلام دارند را پررنگ‌تر و در مقابل کسانی که معرفت کمتری دارند را کمرنگ نشان دهیم، لذا باید هر دو را اثرگذار بدانیم، اما هر چه معرفت بیشتر باشد، اثری که بر جای خواهد گذاشت، بیشتر خواهد بود، بنابراین برای بهره بردن از نور امام علیه‌السلام لازم است معرفتمان را نسبت به این انوار بالا ببریم.

جنس کلام یک روحانی باید آسمانی باشد

حجت‌الاسلام ابوالقاسمی ادامه می‌دهد: یکی از عوامل بسیار مهم در امر معرفت‌افزایی که در کلام مقام معظم رهبری هم بسیار پررنگ است، جایگاه و وظیفهٔ روحانیت در جامعه است و به عبارت دیگر روحانیون باید بیشترین نقش را میان کسانی در دستگاه امام حسین علیه‌السلام فعالیت دارند، دارا باشند. یک روحانی باید مطلبی را که در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد حقیقتاً روحانی باشد، یعنی جنس مطلب باید فرای این عالم باشد. آسمانی باشد. روحانی باشد. از جنس زمین نباشد تا در مخاطبان اثرگذار باشد و آنان را بالا ببرد. قشر روحانیت باید جایگاه و قدر خودشان را بدانند و از این فرصت الهی نهایت بهره را ببرند.

میان چهارده معصوم علیهم‌السلام یک نفر در این عالم جایگاه ویژه‌ای دارد و آن امام حسین علیه‌السلام است. ایشان به این دلیل جایگاه پیدا کردند که مظلومانه به شهادت رسیدند. تفاوت امام حسین علیه‌السلام با سایر ائمه در این بوده که امام حسین علیه‌السلام تعدادی یار و همراه با وفا پیدا کردند که حاضر شدند تا پای جان در رکاب امام زمانشان بایستند. ضمن اینکه خود ائمه علیهم‌السلام از جمله امام صادق علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام توجهات را به امام حسین علیه‌السلام جلب می‌کردند. الان امام ما، امام مهدی علیه‌السلام است، ما باید از ماجرای کربلا این درس را بگیریم که عده‌ای حاضر به جان‌نثاری در راه امام زمانشان شدند، بنابراین ما هم برای امام زمانمان قدمی برداریم.

حجت‌الاسلام ابوالقاسمی با بیان مطلب فوق گفت: زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز اربعین در این سه چهار سال اخیر با توجه به رغبت بیشتر مسلمانان، خود نشان از افزایش معرفت نسبت به امام حسین علیه‌السلام است، این معرفت عامل حرکت تمام زائران است. اگر خودمان را به دست نور حسینی بسپاریم، این نور ما را رشد می‌دهد، لذا باید پیش از ظهور، امام حسین علیه‌السلام به اهل عالم معرفی شود و این مهم با حضور شیعیان در روز اربعین گره خورده است. اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌فرمایند برای ما زینت باشید، یکی از معانی زینت، وسیلهٔ جلب توجه است، در واقع شیعیان با زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز اربعین دارند توجه عالم را به امام حسین علیه‌السلام جلب می‌کنند و این به‌عنوان یکی از نشانه‌های محکم فضای آخرالزمان، در حال وقوع است. حرکت ایجاد شده در روز اربعین برای زیارت امام حسین علیه‌السلام، برنامه‌ای توسط خود اهل‌بیت علیهم‌السلام از جانب خدا است و این حرکت مقدمه‌ای از مقدمات ظهور است.

مصاحبه بیست و دوم ـ محمدحسین رجبی‌دوانی، محقق تاریخ اسلام:

راهپیمایی اربعین، آیه و موهبتی الهی است

محمدحسین رجبی‌دوانی استاد تاریخ اسلام و عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین علیه‌السلام با بیان اینکه امام حسن عسکری علیه‌السلام زیارت اربعین را یکی از نشانه‌های مؤمنان دانسته‌اند، گفت: بحث راهپیمایی اربعین حسینی در گذشته‌های دور هم وجود داشته، اما نه به این شکل که در سال‌های اخیر اتفاق افتاده است.

وی افزود: اربعین در سال‌های گذشته به این شکل عمومیت نداشته است، در حالی که امروزه می‌بینیم از بسیاری از کشورهای جهان در راهپیمایی اربعین حضور پیدا می‌کنند و این نشان از جهانی شدن مسألهٔ راهپیمایی اربعین حسینی علیه‌السلام است.

این محقق تاریخ اسلام جریان اربعین حسینی علیه‌السلام را آیه و موهبتی الهی دانست و گفت: راهپیمایی اربعین حسینی به‌عنوان بزرگ‌ترین اجتماع بشری، حرکتی بی‌سابقه را در جهان وجود آورده است.

رجبی‌دوانی با اشاره به نحوهٔ رفتار دشمنان در قبال جریان اربعین اظهار کرد: اگر چه دست‌های خبیث و ناپاک رسانه‌ای استعمار و استکبار سعی می‌کنند این پدیدهٔ عظیم را پوشش چندانی ندهند، اما به لطف الهی هر ساله جهانی‌تر می‌شود و افراد بیشتری را به سرزمین می‌کشاند و بیش از پیش مورد توجه همگان قرار می‌گیرد.

«من راهپیمایی اربعین را جز یک عنایت الهی نمی‌بینم» وی با بیان این جمله گفت: گروهک داعش بارها اعلام کرده که دست به کارهای انفجاری و ... می‌زند، اما از آنجایی که خدا خودش بالای سر این ماجراست، هیچگاه نتوانستند کاری انجام دهد.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین علیه‌السلام افزود: جالب است که هر وقت داعشی‌ها رجزخوانی می‌کنند، مردم نه‌تنها ترسی به دلشان راه نمی‌دهند، بلکه هر ساله جمعیت بیشتری در اربعین شرکت می‌کنند، این با کدام منطق سازگار است؟

مصاحبه بیست و سوم ـ حجت‌الاسلام علی سعیدیان، محقق علوم قرآن و حدیث:

جاذبه نور اربعین پاک‌طینتان عالم را به تشیع می‌کشاند/ اربعین، فضل عظیم خداوند به انسان‌هاست

حجت‌الاسلام علی سعیدیان محقق علوم قرآن و حدیث با اشاره به برکات پیاده‌روی اربعین گفت: خداوند در یک بازه زمانی کوتاه‌مدت نوری قرار می‌دهد که قلوب مردم دنیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا جایی که طی سال‌های گذشته بیش از ۸۰ کشور در این مراسم باشکوه حضور پیدا کردند. این شکل از پیاده‌روی اربعینی که طی ۵ سال اخیر رخ می‌دهد، گویای آن است که سنخیتش با اربعین‌های گذشته کاملاً متفاوت است.

وی با بیان اینکه جنس رفتار مردم در ایام منتهی به پیاده‌روی اربعین ارتقاء می‌یابد، افزود: نور اربعین به قدری جاذبه دارد که افراد تمام سختی‌های راه را تحمل می‌کنند، اما در عین حال با شادی و لذت به‌سمت حرم امام حسین علیه‌السلام یا منبع نور حرکت می‌کنند. جالب است امام حسین علیه‌السلام وقت حرکتشان از مکه بسوی کربلا بذل جان و مال را از شروط همراهی قرار دادند و فرمود «**مَنْ کانَ باذِلا فینا مُهْجَتَهُ، وَ مُوَطِّناً عَلی لقاء اللّه نَفْسَهُ فَلْیَرْحَلْ مَعَنا**؛ هرکس می‌خواهد جانش را در راه ما بدهد و در لقای خداوند وطن گزیند، با ما همراه شود». در ماجرای اربعین هم مردم واقعاً از جان‌شان می‌گذرند تا در معیت امام حسین علیه‌السلام و به تبعیت از آن نور بی‌مثال، به لقای الهی برسند.

حجت‌الاسلام سعیدیان مهم‌ترین عامل حضور مردم در پیاده‌روی اربعین را افزایش انوار پرجاذبه اهل‌بیت علیهم‌السلام معرفی کرد و دراین‌باره گفت: ما یک سلوک داریم و یک جذبه. سلوک آن چیزی است که در قواعد عالم برنامه‌ریزی شده است و انسان برنامه‌ریزی می‌کند تا به آن برسد، اما گاهی خداوند در مقاطعی خاص با انوار مقدس

خود یعنی اهل‌بیت علیهم‌السلام جذبه ایجاد می‌کند و قلوب را به‌سمت مسیر و برنامه‌ای خاص سوق می‌دهد، یعنی دیگر دست انسان‌ها نیست که همراهی نکنند؛ زیرا این نور چون سازگار با فطرت بشری است و قلوب را تحت تأثیر قرار می‌دهد، انسان را به حرکت وا می‌دارد. ازاین‌رو رهبر معظم انقلاب تأکید روی جاذبه و مغناطیس حسینی دارند. این جذبهٔ الهی که در مقاطعی خاص مثل ایام اربعین حسینی ایجاد می‌شود، هم جبر است و هم اختیار.

وی افزود: هرچه قلوب انسان‌ها پاک‌تر و زلال‌تر باشد، بیشتر همراهی صورت می‌گیرد، بنابراین یک وقت نگوییم شما بحث «اختیار» را سلب کردید بلکه باید گفت مردم با اختیار خودشان از این نور اثر می‌گیرند و زمینه تزکیه را خودشان برای بهره از این انوار مقدس فراهم می‌کنند. در واقع می‌توان گفت پاک‌طینتان عالم در جریان پیاده‌روی حضور پیدا می‌کنند. پاک طینتی هم به مسلمان بودن ربط ندارد بلکه ممکن است یک پاک‌طینتی در کشور دیگری باشد، اما به لحاظ محیطش، تربیت خاصی را پیش گرفته باشد.

مصاحبه بیست و چهارم ـ حامد ضیافر، محقق و کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث:
اربعین مژدهٔ پایان دوران ضعف شیعه و حرکت به‌سمت ظهور را نوید می‌دهد

*** خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْءٍ» (۸۹/ نحل)؛ بر همین اساس آیا می‌توان ماجرای اربعین حسینی را که در چند سال اخیر رنگ و بوی خاصی گرفته است، در قرآن کریم جست‌وجو کرد؟**

بله، به نکته مهمی اشاره کردید، قرآن کریم علاوه بر این که در بردارنده تمام حقایق عالَم و شامل قوانین و برنامه‌های الهی است که خداوند بر اساس آن، عالَم را اداره می‌کند؛ یعنی نه‌تنها قرآن بلکه تمام آنچه را که در عالَم هست و واقع خواهد شد، در بردارد و هر چه در عالَم واقع می‌شود بر اساس قرآن کریم است. به عبارت دیگر، آیات قرآن، قوانینی هستند که در شرایط و ظرف‌های مناسب در عالَم واقع می‌شوند.

یکی از استنادات قرآنی برای این مطلب آیات ۶۸ تا ۷۱ سوره مؤمنون است. خداوند در این آیات ابتدا برخی را سرزنش می‌کند که چرا در قرآن تدبر نمی‌کنند: **«أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جاءَهُمْ ما لَمْ يَأْتِ آباءَهُمُ الْأَوَّلِينَ»**. سپس تهمت ناروایی را که این کفّار به رسول‌الله ﷺ زده‌اند مطرح می‌کند. این افراد می‌گویند رسول خدا ﷺ نعوذ بالله جنون دارند یا به عبارت دیگر، کلامشان را از اجنّه گرفته‌اند، اما در ادامه آیه خداوند پاسخ این تهمت ناروا را می‌دهد و می‌فرماید رسول الله ﷺ «الحق» را برایشان آورده است. در آیه بعد پاسخی که قرآن به این نسبت ناروا می‌دهد بسیار جالب است. خدا می‌فرماید اگر «الحق» از هواهای آنها تبعیت کند، تمام آسمانها و زمین و هر کسی که در آنها است تباه خواهد شد؛ اگر قرآن فقط کتاب هدایت باشد

تحریف آن باعث انحراف و گمراهی می‌شود، اما باعث نابودی آسمان‌ها و زمین نخواهد شد، پس چنین چیزی فقط در صورتی قابل تصور است که بپذیریم تمام آسمانها و زمین بر اساس قرآن ایجاد شده و بر اساس قرآن اداره می‌شوند.

*** بر چه اساسی می‌گویید منظور از «الحق» قرآن است؟**

وقتی خداوند می‌فرماید: «بَلْ جاءَهُمْ بِالْحَقِّ» (مؤمنون، آیه ۷۰) در واقع دارد به قرآن اشاره می‌کند و مقابل کفار که قرآن را کلام اجنه می‌داند، می‌گوید قرآن «الحق» است. حالا در ادامه و در آیه ۷۱ وقتی در مورد «الحق» جملهٔ دیگری مطرح می‌شود، قاعدتاً این جمله توضیح الحق در آیه قبل است که معلوم شد همان قرآن است.

با این توصیف واضح است که باید ماجرای عظیمی مانند اربعین، تبیینی قرآنی داشته باشد، بلکه اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم باید بگوییم اربعین نتیجه اِعمال برخی از آیات قرآن در عالَم است، اما مهم این است که بتوانیم ماهیت اصلی اربعین را در قرآن جست‌وجو کنیم، نه اینکه برخی اجزای اربعین را جدا از پیکرهٔ اربعین مورد مطالعه قرار دهیم. این نگاه پیکره‌ای در مطالعهٔ آیات یک سورهٔ قرآن هم ضروری است. به این معنا که اگر هر آیه از یک سوره را به تنهایی و جدا از پیکرهٔ سوره، به‌عنوان قانونی که در عالم إعمال می‌شود، مورد بررسی قرار دهیم، در دنیا صدها مصداق برای آن، به‌عنوان صحنه‌ای که آن قانون در آن اعمال شده است، قابل تصور است؛ در حالی‌که اگر آن آیه درون پیکرهٔ سوره مطالعه شود، چه بسا نتواند بیش از یک مصداق پیدا کند. در این راستا سورهٔ صف سوره‌ای است که به نظر می‌رسد ماجرای انقلاب اسلامی ایران و همچنین اربعین، تنها مصداق پیکره تمام آیات این سوره هستند که در دنیا واقع شده‌اند.

خداوند در آیات ۲ تا ۷ سوره «صف» از سه گروه سخن می‌گوید، سه گروه که دشمنان خدا هستند (گروهی از بین مسلمانان، فاسقان یهود و ظالمان نصاری) و در آیه هشتم این سوره از دشمنی این سه گروه در حد ارادهٔ خاموش کردن نور خدا سخن گفته می‌شود. این سه گروه که همیشه دوست داشتند نور خدا را خاموش کنند، در مقطعی از زمان ارادهٔ جدّی برای چنین کاری را می‌کنند. در چنین شرایطی که این سه گروه از دشمنان واقعاً اراده خاموش کردن نور خدا را می‌کنند، خدا نورش را طی مراحلی تامّ می‌کند. در حقیقت خداوند، این ارادهٔ ضعیف را بهانه‌ای برای پیش بردن

برنامهٔ عظیم خود در زمین قرار می‌دهد و متناسب با مراحل تامّ کردن نورش، به تدریج «دینِ حقّ» را بر تمام ادیانِ آسمانی و غیر آسمانی غلبه می‌دهد.

*** لطفاً درباره این نور توضیح بیشتری دهید. منظور از این نور چیست؟**

این نور بنا بر روایات، نور ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام است که البته بنا بر ظاهر آیات نیز می‌توان این مطلب را نتیجه گرفت. در چند روایت معتبر در توضیح آیه ۸ سورهٔ صف، جملهٔ «**يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُا نُورَ اللّهِ بِأَفْواهِهِم**» به «يريدون ليطفئوا ولاية أميرالمؤمنين بأفواههم» معنا شده است، بنابراین ادامه سوره به جامعه‌ای از شیعیان مربوط می‌شود. آیه ۸ سوره صف یک مصداق بارز برای مطلبی است که در ابتدا مطرح شد. این آیه یک قانون است که خداوند در شرایط مناسب خود در دنیا إعمال می‌کند؛ یعنی در هر زمان که این سه گروه دشمنان واقعاً اراده خاموش کردن نور ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام را در یک جامعه شیعی کنند، خدا این نور ولایت را طی مراحلی در آن جامعه تامّ می‌کند.

یعنی باید جامعهٔ شیعه‌ای را تصور کرد که به‌طور همزمان مورد هجوم دشمنانی از مسلمانان، مسیحیان و یهودیان قرار گرفته، با این قصد که نور ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام را به کلی خاموش کنند. در این شرایط خداوند به‌یک‌باره بر خلاف جریان مورد نظر دشمنان، یک مرحله نور ولایت را در آن جامعه زیاد می‌کند که حاکی از مرحله اول تام شدن نورالله است و طبق آیه ۹ سوره صف یک مرحله از غلبه دین الحق را جلو آورده است. نورافشانی خداوند در عمق ظلمانی دنیا، رفتارهای جدیدی را از سوی مؤمنان طلب می‌کند. در آیات ۱۰ و ۱۱ سورهٔ صف نیز خداوند مؤمنان را دعوت به انجام رفتارهایی می‌کند که حاکی از مرحله‌ای از تام شدن نورالله صورت گرفته است. خداوند در این آیات نسخه‌ای را مقابل مؤمنان قرار می‌دهد تا از «عذاب الیم» نجات پیدا کنند.

*** این «عذاب أليم» مربوط به چه دوره‌ای است و آیا راهی برای نجات از آنها وجود دارد؟**

این عذاب الیم را می‌توان به حسب جایگاه‌شناسی در سورهٔ صف، عذابی در مقطع آخرالزمان است. خداوند در آیات قرآن نسخه رهایی از عذاب‌های آخرالزمانی را در سه بخش اینچنین معرفی می‌کند: ۱ـ ایمانتان به الله را تقویت کنید. ۲ـ ایمانتان به رسول او را تقویت کنید. ۳ـ با اموال و جان‌ها در مسیر [ولایتِ] خدا مجاهده کنید. سپس برای این قوم که این مراحل را پشت سر گذاشته‌اند، در آیه ۱۲ سه پاداش

اخروی مطرح شده و بعد از آن در آیه ۱۳ صف به ترتیب سه پاداش دنیایی را مطرح می‌فرماید: اول نصرت خدایی که قاعدتاً مقابل همان دشمنان مطرح شده در سوره است، دوم فتح سرزمین‌هایی در نزدیکی خودشان، و سوم بشارتی که باز بر اساس جایگاه‌شناسی آیات باید بشارت به مرحله دیگری از ازدیاد نور باشد.

انقلاب اسلامی ایران اولین مرحله از تام کردن نور الله است

*** آیا این توالی ماجراها در سوره صف را می‌توان با وقایع انقلاب اسلامی ایران انطباق داد؟**

بله همینطور است، حکومت منحوس پهلوی که دست‌نشانده انگلیس خبیث و آمریکای جهانخوار و عناصر داخلی‌شان فرقه ضاله بهائیت و صهیونیست‌هاست ـ قصد ریشه‌کن کردن باورهای ولایی در ایران را داشت، اما خداوند در اوج سیطرهٔ دشمنان اسلام بر ایران، نور خود را به شکل معجزه‌آسایی در این کشور زیاد کرد. بعد از آن با ولیّ از جانب خدا موضوعات اعتقادی جدیدی را که در رأس آنها لزوم تشکیل حکومت اسلامی و نیز مقولهٔ ولایت فقیه بود، مطرح کرد و جامعه شیعه ایران آن باورها را پذیرفتند. در گام بعدی این ملت با همان الگوی ذکر شده در آیهٔ۱۱ سورهٔ صف، وارد جنگی ولایی شدند و در آن از بذل اموال و جان‌هایشان هیچ مضایقه نکردند؛ بنابراین مطابق پیکره آیات سوره صف انقلاب اسلامی ایران را باید اولین مرحله از تام کردن نور الله دانست.

*** یعنی آنچه در آیات سوره صف به آن پرداخته شده با همان نظم و چینش در انقلاب اسلامی واقع شده است؟**

کاملاً درست اشاره کردید. بعد از انقلاب شاهد آن بودیم که در مقاطع گوناگون شیعیان انقلابی ایران مورد نصرت خداوند قرار گرفتند که از جملهٔ آن می‌توان به طوفان طبس، بر ملا شدن کودتای نوژه، نصرت‌های متعدد در دوران جنگ تحمیلی و پیروزی‌های خارج از مرزهای ایران مانند پیروزی حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه اشاره کرد. سپس خداوند برای ملت ایران فتح در سرزمین‌هایی نزدیکی آنان را قرار داد که البته این فتح از جنس کشورگشایی نبود، بلکه کشورهای عراق و سوریه علیرغم هزینه‌های سنگینی که آمریکا برای تصاحب آنها پرداخت، به‌صورتی قابل تامل با ایران همسو و هماهنگ شدند. این حد از تناسب بین پیکرهٔ سورهٔ صف و وقایع جمهوری اسلامی نمی‌تواند تصادفی باشد.

*** با این ترتیبی که مطرح کردید، در زمان حاضر باید بشارت بر مؤمنان تحقق یافته باشد؟، اما چگونه؟**

بله، اما پس از تمام این مراحل، بر اساس پیکرهٔ سورهٔ صف باید شیعیان منتظر بشارتی از جانب خداوند باشند. این بشارت از آنجا که دیگر نبّی و رسولی میان مردم نیست، به نظر می‌رسد باید از طریق یک «صحنه» منتقل شود، صحنه‌ای که مردم به آن وارد شوند و زیاد شدن نور را در آن صحنه نتیجه بگیرند. در چنین شرایطی که باید به شدت منتظر صحنه‌ای باشیم که در آن خداوند به شیعیان بشارت بدهد، با صحنهٔ عظیم راهپیمایی اربعین مواجه شده‌ایم، صحنه‌ای که عظمت آن از نگاه کسانی که درون صحنه قرار گرفته‌اند به حدی است که برپا کنندهٔ آن را نمی‌توان هیچ گروه یا حتی ملت و دولتی دانست.

این صحنه، با فاعلیت «نور خدا» برپا شده است و این نورالله است که بسیاری از مردم را بی‌هیچ آمادگی قبلی به کار گرفته و آنها را وارد فضایی نورانی کرده تا از درون این صحنه زندگی فضای نور را تجربه کنند. در شرایطی که سیطرهٔ شیاطین جن و انس بر رسانه‌های جهان، هر حرکت فرهنگی در جهان اسلام را مختل کرده است، چه کسی می‌تواند این جمعیت میلیونی را به راه بیاندازد، مردمانی از تمام کشورها را در زمانی خاص و مکانی خاص از دنیا جدا کند و در آنها ایمان و روحیه و اخلاق متعالی ایجاد و راهیِ مسیری کند که وقتی از ایشان بپرسی چه حس و حالی دارید، می‌گویند روی زمین نیستیم انگار بسمت ارتفاعات حرکت داده می‌شویم. چه کسی امنیت این جمعیت را خصوصاً در سالهایی که بخش بزرگی از خاک عراق در تصرف داعش بود، حفظ کرد؟ چه کسی بهداشت، خوراک و اسکان این جمعیت چند ۱۰ میلیونی را تأمین می‌کند؟

اربعین، مژدهٔ پایان دوران ضعف شیعه و حرکت به‌سمت ظهور را نوید می‌دهد

*** بله بنده هم وقتی با برخی افراد حاضر در صحنه اربعین صحبت می‌کردم دیدم که همین اعتقاد را داشتند و حس و حالشان قابل وصف نبود.**

جالب این است که حتی بعضی از احساساتی که بین جمعیت اربعینی دیده می شود، در دیگر اوقات سال چندان به چشم نمی‌خورد. حس سربازی برای حریم امام علیه‌السلام یکی از آن احساسات مرتفع و ارزشمند است که در این وسعتی که در ایام اربعین بر زبان مردم جاری است و می‌بینیم، هرگز مورد انتظار نیست. صفا و

صمیمیت، عدم دلبستگی به دنیا و بسیاری از روحیات دیگری که در این صحنه بین مردم موج می‌زند، با هیچ تعلیم و تربیت بشری در این وسعت قابل انتقال نیست. با این اوصاف اگر بپذیریم که صحنهٔ اربعین، همان بشارت خداوند در آیه ۱۳صف به مؤمنان و شیعیان است، باید از این صحنه تامّ شدن نور خدا را در زمین نتیجه بگیریم؛ یعنی پس از انقلاب اسلامی ایران، اربعین دومین مرحله تام شدن نور الله در زمین است. این تامّ شدن نور خدا با توجه به آیه آخر سورهٔ صف به عزّت شیعیان و پیروزی آنها بر دشمنان اهل‌بیت علیهم‌السلام منتهی خواهد شد، لذا بر اساس سورهٔ صف، صحنه اربعین «صحنه بشارت» به شیعیان اهل‌بیت علیهم‌السلام و مژده پایان دوران ضعف شیعه و حرکت به‌سمت ظهور مهدی(عجل الله تعالی فرجه) را می‌دهد.

مصاحبه: امیرمحسن شیخان

مصاحبه بیست و پنجم ـ غلامرضا سازگار، پیشکسوت شعر و مداحی اهل‌بیت علیهم‌السلام:

راهپیمایی اربعین نمایش عظمت لشکر شیعه است

غلامرضا سازگار پیشکسوت شعر و مداح اهل‌بیت علیهم‌السلام با اشاره به راهپیمایی اربعین حسینی گفت: شعارهایی که در راهپیمایی اربعین داده می‌شود باید دشمن‌شکن و برابر با اهداف حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام باشد.

وی با تأکید بر اینکه راهپیمایی اربعین از عظمت بسیاری برخوردار است، اظهار کرد: راهپیمایی اربعین ذاتاً نگهدارنده اسلام است. در تمام زمان‌ها و مکان‌ها راهپیمایی مانند راهپیمایی اربعین که جمعیت میلیونی را در بر بگیرد، نداشتیم و نخواهیم داشت.

این شاعر پیشکسوت آئینی افزود: در مسیر راهپیمایی اربعین اگر هیچ کسی هیچی نگوید و شعار هم ندهد ، همین سیاهی لشگر بودن در این مسیر عظمتی برای شیعه تلقی می‌شود.

سازگار بیان کرد: امام حسین علیه‌السلام از مظلوم دفاع و با ظالم مبارزه کرد. وظیفه ما مداحان فقط روضه‌خوانی نیست، بلکه باید در حد توان‌مان در افزایش بصیرت ملت تلاش کنیم و بر این نکته تأکید کنیم که این انقلاب پیروز بوده و پیروز است و خداوند خود وعده پیروزی آن را داده است.

وی افزود: در روایتی از حضرت موسی‌بن جعفر علیه‌السلام آمده که مرد بزرگی از قم قیام می‌کند و حکومت اسلامی تشکیل می‌دهد و یارانش همچون آهنی هستند که میان آتش گداخته نمی‌شوند. این چیزی بود که در جریان انقلاب اسلامی مشاهده شد.

این شاعر پیشکسوت آئینی یادآورشد: روزی امام سجاد در کنار بدن مطهر امام حسین منقلب شد، حضرت زینب علیهاالسلام فرمود: غصه نخور، جدم پیامبر فرموده در اینجا بارگاهی ساخته خواهد شد و مردم از راه دور و نزدیک می‌آیند و این صحن و بارگاه را زیارت خواهند کرد. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در آن روز جمعیت میلیونی راهپیمایی اربعین حسینی را دیده بود.

مصاحبه بیست و ششم ـ غلامعلی رنجبر، گل‌محمدی مداح و شاعر آیینی:
کوتاهی در کمک به زوّار اربعین، مصداق «صدّ عن سبیل‌الله» است/ اربعین موسمی برای تطهیر قلوب

غلامعلی رنجبر گل‌محمدی متولد سال ۱۳۲۷ است و از مداحان، شاعران و نویسندگان مطرح کشور محسوب می‌شود. وی نویسنده کتاب‌هایی از جمله کتاب «تذکره عشاق» است و در این کتاب به بیان زندگی بیش از ۱۰۰۰ نفر از مداحان و شاعراندر ۳۱ استان ایران پرداخته است. «مدح آفتاب» مجموعه اشعار سروده شده او در دوران جنگ است، همچنین مجموعه اشعار چهارصد ترانه عاشقانه شامل چهارصد دوبیتی با موضوع امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) دیگر اثر اوست.

*** به نظر شما چرا میان تمام ائمه علیهم‌السلام، این‌قدر به زیارت امام حسین علیه‌السلام تأکید و تشویق شده است؟**

زیارت قدسی عاشورای امام حسین علیه‌السلام، نوشته شدن چراغ هدایت و کشتی نجات بودن ایشان آن هم در وسعت بیش از سایر ائمه علیهم‌السلام در سمت عرش الهی، حضور انبیا علیهم‌السلام قبل از خلقت جسمی امام حسین علیه‌السلام در سرزمین کربلا و گریه بر مصائب آن حضرت، مستحب بودن خوردن تربت کربلا و شفا بودن آن مقابل حرام بودن خوردن تمام خاک‌ها، ثواب بسیار زیاد اشک بر مصائب آن حضرت و لعن بر دشمنان و ...، همگی نشان از فضائل والای حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام دارد.

با مشاهده این فضائل از امام حسین علیه‌السلام و بسیاری دیگر که اکنون مجال بیان تمام آنها نیست، در می‌یابیم که چرا تمام ائمه معصومین:، محبان و شیعیانشان را

اینقدر تشویق و ترغیب به زیارت آن بزرگوار کرده‌اند، به‌عنوان مثال، در روایتی محمدبن مسلم از امام باقر علیه‌السلام چنین روایت کرده است: «اگر مردم می‌دانستند، زیارت امام حسین علیه‌السلام چقدر فضیلت و ثواب دارد، به درستی که از شوق می‌مردند و نفسهایشان از روی حسرت بند می‌آمد. گفتم: چقدر فضیلت دارد، حضرت فرمود هر کس امام حسین علیه‌السلام را زیارت کند از روی اشتیاقی که به او دارد، خدا برایش هزار حج مقبول و ... (**لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقاً وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسَرَاتٍ قُلْتُ وَ مَا فِيهِ قَالَ مَنْ زَارَهُ شَوْقاً إِلَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَجْرَ أَلْفِ صَائِمٍ وَ ثَوَابَ أَلْفِ صَدَقَةٍ مَقْبُولَةٍ وَ ثَوَابَ أَلْفِ نَسَمَةٍ أُرِيدَ بِهَا وَجْهُ اللَّهِ**). (وسائل‌الشیعه، ج۱۴، ص۴۵۳). همچنین امام رضا علیه‌السلام در حدیثی می‌فرماید: (**مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي‌عَبْدِ اللَّهِ ع بِشَطِّ الْفُرَاتِ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ**)؛ هر کس اباعبدالله علیه‌السلام را کنار شط فرات زیارت کند، مانند کسی است که خداوند را در بالای عرش زیارت کرده است. (تهذیب الأحکام، ج ۶، ص۴۶)

در واقع برای اینکه بدانیم چرا اینقدر اهل‌بیت علیهم‌السلام ما را به زیارت امام حسین علیه‌السلام تشویق کرده‌اند، بهترین کار این است که علت را میان بیانات خود اهل‌بیت علیهم‌السلام جویا شویم و وقتی می‌بینیم اینقدر فضیلت برای امام حسین علیه‌السلام بیان شده است، آن موقع کمی این موضوع برایمان قابل فهم‌تر می‌شود. امام حسین علیه‌السلام تجلی‌گر رحمت، فضل و ذات الهی در دنیا بود، امام حسین علیه‌السلام به قدری نزد خداوند از جایگاه والایی برخوردار است که خداوند خودش خون‌بهای او شد. در همین راستا در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «**السَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللَّهِ وَ ابن‌ثارِه**» امام حسین علیه‌السلام با فعلشان در کربلا بشریت را از ظلمت دنیا خارج کرد و نه‌تنها در آن دوران بلکه امروزه نیز این امر به‌وضوح نمایان است و در آینده نیز بسیاری با نام و یاد حضرت امام حسین علیه‌السلام رشد داده می‌شوند و از منجلاب گناه و ظلمت نجات پیدا خواهند کرد.

*** رهبر معظم انقلاب بارها بر لزوم معرفت‌افزا بودن مجالس اهل‌بیت تأکید کردند، طوری که با پایان مجلس، معرفتی بر مستمعین افزوده شود و با چند ساعت قبلشان تفاوت کرده باشند؟ امروزه این موضوع را در هیئات چطور ارزابی می‌کنید و چقدر توانستیم این امر را تحقق ببخشیم؟**

در طول تاریخ افراد بسیاری بودند که با حضور در مجالس ذکر اهل‌بیت علیهم‌السلام تحولاتی بزرگ در زندگیشان رخ داده است. گرچه ممکن است برخی تا قبل از ورود

به مجالس اهل‌بیت علیهم‌السلام و به‌ویژه مجلس امام حسین علیه‌السلام مشغول برخی اعمال ناپسند هم باشند، اما اینکه امروزه در پای منبرها و داخل کتاب‌ها از افرادی سخن به میان می‌آید که با یک ادب یا با یک خدمت در مجلس اهل‌بیت علیهم‌السلام، زندگیشان به کلی تغییر کرده و رو بسوی امام علیه‌السلام آورده‌اند، نشان از تأثیرگذاری فضای معنوی این مجالس است. اهل‌بیت علیهم‌السلام فرمود هر جا نام و یاد ما را زنده کنید همان جا خیمهٔ ما برپاست، مگر ممکن است کسی به خیمه اهل‌بیت علیهم‌السلام وارد شود و تأثیر نپذیرفته باشد؟ البته باید به این نکته نیز اشاره کنم که ابلیس ملعون به‌عنوان اصلی‌ترین دشمن بشریت هرجا متوجه افرادی می‌شود که درصدد قرار گرفتن در صراط مستقیم هستند، تلاشش را برای گمراهی و انحراف او از صراط بیشتر می‌کند.

همه این موضوع را تصدیق می‌کنند که بعد از حضور در مجالس اهل‌بیت: و گریه و سینه‌زنی، تا مدتی حال و هوای انسان آسمانی است، در اینجا باید گفت برای اینکه ابلیس انسان را گمراه نکند، سعی کنیم این حس و حال را با مراقبت بیشتر حفظ کنیم و آن را استمرار ببخشیم. فضای هیئت آنقدر قدرتمند است که هر کسی وارد آن شود محال است چیزی بدست نیاورد. ما منبری‌ها و مداحان باید سعی کنیم با طرح مسائل ناب قرآنی جوانان را بسوی مجالس و محافل عزاداری تشویق و ترغیب کنیم. پس از آن، دیگر خودشان با چشیدن معنویت مجالس و معارف، شیفته این محافل خواهند شد و بدین ترتیب امورات زندگیشان به تدریج اصلاح می‌شود و و روی ریل اصلی قرار می‌گیرد. اصلاح و دستگیری از جوانان کار ما نیست، چراکه ما توان چنین کاری را نداریم و این کار فقط از عهده اهل‌بیت: بر می‌آید و بس. این محافل فرصتی مغتنم برای رشد معنوی انسانهاست و نباید این فرصت را به راحتی از دست بدهیم.

شاخص‌ترین رفتارهای اصحاب امام حسین علیه‌السلام

*** به نظر شما اگر امروزه بخواهیم حسینی باشیم، باید چکار کنیم؟**

به اهل‌بیت علیهم‌السلام دروغ نگوییم، اگر عهد می‌بندیم که دیگر بسوی گناه نرویم، خب نرویم، اگر عهد می‌بندیم که دیگر رفتار زیبایی در محیط خانه، میان دوستان و همکاران و ... داشته باشیم، به عهدمان وفا کنیم و از آن اهل‌بیت: حرف‌شنوی داشته باشیم، این چیزی است که یاران امام حسین علیه‌السلام واجد آن بودند. اصحاب امام حسین علیه‌السلام طوری در قبال امامشان رفتار کردند که در روز عاشورا به «منا الحسین» تبدیل شده بودند. شاخص‌ترین رفتارهای اصحاب امام حسین علیه‌السلام در کاروانِ بسوی

کربلا در اطاعت و تبعیت محض از امام زمانشان خلاصه می‌شود که در پرتو این موضوع، سایر ارزشهای دینی در وجود آنها نهادینه شد تا جایی که امام حسین علیه‌السلام در حق آنها فرمود «**أمرهم أمری و رأیهم رأیی**؛ امر شما امر من و رأی شما رأی من است». به عبارت دیگر، امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا یکبار به شهادت نرسید، بلکه هر تیری به اصحاب می‌خورد در واقع به امام حسین علیه‌السلام برخورد می‌کرد و هر یک از اصحاب که به شهادت می‌رسیدند در واقع امام حسین علیه‌السلام شهید می‌شد و این یعنی اصحاب از جنس امامشان شده بودند.

انبیا علیهم‌السلام به‌واسطه آشنایی با ماجرای شهادت امام حسین علیه‌السلام رشد داده شدند

بر اساس گزارشات روایی، خداوند به‌صورت‌های مختلف انبیا علیهم‌السلام را به سرزمین کربلا برد تا آنان بدین نحو با ماجرای شهادت امام حسین علیه‌السلام آشنا شوند. شاید بتوان درباره علت این موضوع چنین گفت که خداوند از این طریق، درصدد رشد انبیا:بوده است. همانطور که امروزه بسیاری با نام و یاد امام حسین علیه‌السلام و با آمدن به کربلا تحول قلوب در وجودشان رخ می‌دهد و احساس می‌کنند به خدا نزدیک‌تر شده‌اند. در آن زمان‌ها نیز انبیا علیهم‌السلام از طریق آشنایی با ماجرای شهادت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و گریه بر مصائب آن حضرت و همچنین لعن بر قاتلان آن حضرت، رشد داده شدند.

*** به سراغ ماجرای اربعین بیاییم. نظرت شما درباره پدیده راهپیمایی اربعین حسینی که چند سالی است به نظر می‌رسد رنگ و بوی دیگری به خود گرفته چیست؟**

این سالها در جریان راهپیمایی اربعین حسینی شاهد حضور میلیونی زائران از سراسر دنیا با نژادها و سلیقه‌های مختلف بوده‌ایم، طوری که سال گذشته حدود بیست میلیون نفر زائر امام حسین علیه‌السلام در ایام اربعین بودند.، اما سؤالی که ممکن است برای برخی به وجود بیاید این است که به راستی زمین کربلا چگونه این همه جمعیت را در خود جای می‌دهد؟ در همین رابطه به حدیثی از امام صادق علیه‌السلام اشاره می‌کنم که بر اساس آن، حضرت فرمود: روزی فرا خواهد رسید که مسلمانان عالم به کربلا می‌آیند. فردی از حضرت سؤال کرد که چگونه این همه جمعیت در آن سرزمین جا می‌شود؟ حضرت پاسخ داد: کربلا وسعت پیدا می‌کند و هرقدر وارد آنجا می‌شوند، بیشتر جا باز می‌کند.

کوتاهی در کمک به زوّار اربعین، مصداق «صد عن سبیل الله» است

دولت موظف است در اعزام مردم در ایام اربعین به کربلا تسهیلات ویژه‌ای ارائه دهد؛ اگر کوتاهی صورت گیرد و مردم نتوانند به اربعین بروند، این مصداقی از «یَصُدُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّه» است. اربعین جایی است که مردم در آن تطهیر می‌شوند، پس اربعین را باید موسمی برای تطهیر شدن و در نتیجه رشد و حرکت بسوی ارزش‌ها دانست. نوری که در اربعین وجود دارد هدایتگر انسان‌هاست «یَهْدِی اللَّه لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ»، بنابراین می‌توان این امید را داشت که اربعینی‌ها می‌توانند در زمینه‌سازی ظهور نقش ایفا کنند و حتی جزو یاران حضرت نیز باشند، چراکه با حضور در اربعین از نور الهی بهره‌مند و رشد داده شدند.

نوری که خداوند متعال در ایام اربعین قرار داده است، انسان‌های بسیاری از با خود همراه و وارد این فضای الهی می‌کند، اما نکته جالب اینجاست که در عصر روز اربعین انگار فضا تغییر می‌کند و انسان‌ها احساس می‌کنند کربلا تاریک شده است، این در حالی است که خیابان‌ها همچون شب‌های گذشته پرنور و چراغانی است، اما نه، انسان‌ها نوری را که در روزهای گذشته حس می‌کردند، در عصر روز اربعین دیگر حس نمی‌کنند، آنان با خود چنین می‌گویند: چرا خیابان‌ها تاریک است؟ من شب‌های گذشته در همین خیابان‌ها رفت و آمد می‌کردم، اما اینچنین نبود، امشب هم همان نورها هست، اما چرا اینقدر تاریک است، انگار نور کم شده، اما می‌بینیم تمام چراغ‌ها روشن است.

مصاحبه بیست و هفتم ـ حجت‌الاسلام شیخ مازن، استاد حوزه نجف و عضو اتحادیه اربعین عراق:
زائران اربعین، مدافعان فرهنگی مقابل فتنه رسانه‌ای دشمن هستند

حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ مازن استاد حوزه نجف و عضو اتحادیه اربعین عراق، راهپیمایی اربعین حسینی را به درختی تشبیه کرد که بذر آن در دوران امام حسین علیه‌السلام کاشته شده است و گفت: جریان اربعین حسینی در طول تاریخ در یک فرایند سه‌گانه رشد کرده تا به اربعین امروزی رسیده است.

عضو ستاد معرفتی و علمی اربعین با اشاره به اثرگذاری انقلاب اسلامی ایران در راهپیمایی اربعینی حسینی، به تبیین فرایند سه‌گانه رشد جریان اربعینی اشاره کرد و افزود: نخستین مرحله مربوط به دوران حیات ظاهری امام حسین و بذرافشانی این رویداد توسط آن حضرت و آبیاری آن بذر از سوی شهدای کربلا و حضرت زینب است.

این استاد حوزه علمیه نجف با بیان اینکه دومین مرحله از رشد جریان اربعین به بعد از عاشورا و ریشه دواندن آن تا ۴۰ سال قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران باز می‌گردد، از سومین مرحله آن با عنوان انفجار جمعیت نام برد و اظهار کرد: امروزه جریان اربعین حسینی به درختی تنومند با ریشه‌هایی در زمین و شاخه‌های بسیاری در آسمان و از جنس آسمان، تبدیل شده است.

وی با اشاره به رشد جریان اربعین در امتداد انقلاب اسلامی و نقش متفکرانی همچون امام خمینی(ره) و شهید صدر در این مسیر خاطرنشان کرد: مرحله سوم رشد جریان اربعینی را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد که نخستین مرحله آن،

مربوط به زمان سقوط صدام تا داعش است که شاهد رشد جمعیت زائران تا مرز ۲۷ میلیون بودیم. شاخص قسمت اول، رشد کمّی زائران بوده است.

به گفته حجت‌الاسلام والمسلمین مازن، در مرحله دوم که از ورود داعش به موصل آغاز می‌شود ظرفیت زائر در قالب حشد الشعبی و دیگر گروه‌های جهادی به مدافع حرم و رزمنده تبدیل شدند؛ یعنی یک تغییر کیفی از زائر به رزمنده رخ داد، اما در اربعین امروزی باید زائران به مدافعان فرهنگی تغییر کیفیت دهند و این مورد، از اهمیت ویژه‌تری نسبت به مراحل قبلی برخوردار است.

«امروز با تفکر داعش آمریکایی و اروپایی که با فتنه رسانه‌ای به میدان جنگ آمده‌اند مواجهیم»، وی با بیان این جمله گفت: برای مقابله این فتنه رسانه‌ای باید زائران اربعینی امام حسین علیه‌السلام به مدافعان فرهنگی تبدیل شوند تا بتوانند مقابل حرکت فرهنگی دشمن دفاع کنند.

مصاحبه بیست و هشتم ـ مجتبی فراورده، کارگردان فیلم سینمایی «ثارلله»:

آیا «اربعین» فعلی، در امتداد اربعین‌های گذشته است؟/ در قاموس الهَی تلاش برای خاموشی نور خدا بیهوده است

مجتبی فرآورده، کارگردان و تهیه‌کننده سینما مدتی است در تدارک فیلمی سینمایی با محوریت امام حسین علیه‌السلام و با عنوان «ثارالله» است. مبدأ قصه‌ای که در این فیلم قرار است نقل شود از مکه تا عاشوراست، با کلام امام حسین علیه‌السلام هم آغاز می‌شود؛ «آنانی که خون قلب خویش را پیوسته در راه ما می‌بخشند و خود را آماده لقاءالله کرده‌اند آماده باشند که صبحگاهان حرکت می‌کنم ان‌شاءالله این آخرین فراز از خطبه‌ای است که امام حسین علیه‌السلام در موسم حج در مسجدالحرام بیان کردند و مردمان را به همراهی با خود فراخواندند. وی سال گذشته نیز از هفتم ذی‌الحجه تا ایام اربعین متن‌هایی را با عنوان «همراه با کاروان امام حسین علیه‌السلام تا اربعین» نوشت و منتشر کرد.

*** آیا شما راهپیمایی اربعین حسینی علیه‌السلام را در امتداد راهپیمای‌های اربعین در سال‌های گذشته می‌دانید یا اینکه آن را مقوله‌ای متفاوت از اربعین‌های گذشته تصور می‌کنید؟**

ما به ماجرای اربعین به‌عنوان یک واقعهٔ عظیم در این سال‌ها می‌توانیم از دو منظر نگاه کنیم؛ یکی از منظر تاریخی، و دیگری از منظر الهی. نه‌تنها واقعه عظیم اربعین بلکه هر پدیده‌ای را که ریشه در تاریخ دارد می‌توان از این دو منظر تجزیه و تحلیل کرد؛ نگاه اول، ما را به جسد و کالبد پدیده تاریخی نزدیک می‌کند، اما نگاه دوم ما را بسوی روح و ماهیت آن پدیده تاریخی سوق می‌دهد. به قرآن کریم و نزول آن نیز می‌توان نگاه تاریخی داشت، قرآن چه‌زمانی نازل شده است؟

در پاسخ می‌گوییم که قرآن حدود هزار و چهار صد سال قبل به سیدمان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شد، حالا اگر نگاه صرفاً تاریخی به نزول قرآن داشته باشیم، نتیجه‌اش این می‌شود که هزار و چهار صد سال پیش در جامعه‌ای با یک الگوی زندگی جاهلی، کتابی بر پیامبر نازل شده و ما صدها سال از آن فاصله گرفته‌ایم و اکنون در دنیایی زندگی می‌کنیم، با ده‌ها نظریه زیستی و الگوهای متنوع زندگی و مهم‌تر از همه، در عصر تکنولوژی مدرن، پس این کتاب چه نسبت و ارتباطی با ما دارد؟ اگرچه آن چیزی که در گذشته رخ داده رنگ و شکل تاریخی به خود گرفته است، اما نگاه صرفاً

تاریخی انسان را به کالبد و جسد آن پدیده می‌رساند. از سوی دیگر، جریان اربعین دارای یک سیر و امتداد تاریخی است؛ یعنی از اولین اربعین سیدالشهدا تا به امروز، اما ماهیت آنچه امروز در شرف وقوع است ارتباطی با سیر و امتداد تاریخی آن ندارد، جز در کالبد و جسد آن، اما در ماهیت تفاوتی ماهوی دارد و یک اتفاق جدید و بسیار عجیبی است.

*** پس شما ماهیت راهپیمایی اربعین در زمان کنونی را نسبت به گذشته متفاوت می‌دانید؟**

بله؛ همین‌طور است، برای روشن شدن بهتر موضوع از انقلاب اسلامی مثال می‌زنم، مبارزات ده‌ها ساله مردم ایران علیه استبداد و استکبار ــ چه در دوران قاجار و چه دوران پهلوی ــ در تاریخ ثبت شده و دارای یک سیر تاریخی است، اما از سر ناآگاهی و عدم شناخت است اگر بگوییم انقلاب اسلامی مردم ایران در سال ۵۷ در راستای مبارزات ده‌ها ساله این مردم است. اگرچه در یک نگاه تاریخی، انقلاب اسلامی در امتداد مبارزات مردم ایران واقع شده، اما دارای هویت و ماهیتی منحصر به فرد و مستقل است که وابستگی تام به شخص امام خمینی(ره) دارد و لا غیر. امام خمینی(ره)، انقلاب اسلامی را چگونه ایجاد کرد؟ در پاسخ می‌گوییم با بهره‌گیری از نور الهی، تعبیر خود ایشان بسیار زیباست که می‌فرماید انقلاب ما انفجاری از نور بود. این نوری که امام(ره) از آن یاد می‌کند، چیزی نیست جز نور الهی، به همین خاطر است که می‌بینیم پرتوی نور این انقلاب عالم را فرا گرفته است، اگر نور الهی نبود انقلاب اسلامی با این‌همه توطئه و هجمه که نمی‌توانست پایدار بماند.

در قاموس الهی تلاش برای خاموشی نور خدا بیهوده است

کودتا، کوبیدن بر طبل تجزیه‌طلبی، حمایت تمامی قدرت‌ها در جنگ هشت‌ساله، ایجاد انواع و اقسام گروه‌های تروریستی، محاصره اقتصادی و گونه‌هایی مختلف از حیله و نیرنگ برای ریشه‌کنی انقلاب اسلامی چرا با شکست مواجه شد؟ جریان اربعین را هم باید در همین راستا دید، چراکه استکبار تلاش می‌کند نور خدا را با وِرد و دهان خاموش کند و در قاموس الهی این تلاشی بیهوده است، اگر این‌گونه نبود، هر کدام از این توطئه‌ها می‌توانست انقلاب را ساقط کند، به همین جهت است که قدرت‌های جهانی و استکبار از بی‌کفایتی خودشان در مبارزه با انقلاب اسلامی حیران مانده‌اند.

تحول قلوب انسان‌ها به‌وسیلهٔ نور امام حسین علیه‌السلام

اربعین هم از همین جنس است، یعنی از جنس نور، اما متعالی‌تر، پرفروغ‌تر و دربرگیرنده‌تر، بله این درست است که در سال‌های گذشته هم راهپیمایی اربعین انجام می‌شده، اما همین چهار، پنج سال گذشته را به‌خاطر بیاورید، خبری نبود، این سیل خروشان از سال ۹۱ و ۹۲ ایجاد شده است. چرا راه دور برویم! در روز شهادت امام رضا علیه‌السلام مگر سال‌ها نیست که مردم از صدها کیلومتر دورتر به‌سمت مشهدالرضا به‌پای پیاده حرکت می‌کنند، چرا این راهپیمایی جلوه و بروز راهپیمایی اربعین حسینی را ندارد؟ چون کس دیگری است که باید تحول ایجاد کند، چون مُقلّب القُلوب وَ الأبصار و مُحوّل الحَول و الأحوال کس دیگری است. خداوند عالم است که با نور حسین‌بن علی در حال منقلب کردن قلوب آدمیان و دگرگون کردن احوال آنان است و این پدیده بسیار عجیبی است که توفیق پیدا کرده‌ایم در این زمان شاهد آن باشیم.

جمعیت شرکت‌کننده در راهپیمایی اربعین که در مدت زمانی ۵ سال، از ۳ میلیون به ۷ میلیون و سال بعد از ۷ میلیون یکباره به بیش از ۲۰ میلیون می‌رسد بیانگر این است که ماهیت و هویت آن بسیار متفاوت است با اربعین‌های گذشته، چرا که جنس آن از نور است، نور امام حسین با همان پیام سال ۶۰ هجری که از کنار کعبه ندا سر داد « مَنْ کانَ باذلاً فینا مُهْجَتَهُ، وَ مُوَطِّناً عَلی لقاءاللّه نَفْسَهُ فَلْیَرْحَلْ مَعَنا فَاِنَّنی راحِلٌ مُصْبِحاً اِنْ‌شاءَاللّهُ تَعالی»، دوباره در عصر ما فوران کرده و همگان را بسوی خود می‌خواند، اما نه در پهنه سرزمین حجاز و عراق و نه‌تنها میان شیعیان و مسلمانان، بلکه در پهنهٔ گستره عالم و برای نجات تمامی انسان‌ها با هر دین و مسلک و عقیده‌ای.

خداوند شخصیتی چون حسین‌بن علی علیهماالسلام را که می‌تواند بشریت را به صلاح و رستگاری برساند خلق نکرده که طاغوت و طاغوتیان به او هجوم ببرند و ناجوانمردانه او را به خاک و خون کشند و خالق او تماشاگر باشد، بلکه خلق کرده تا تمام ابنای بشر را به سرمنزل مقصود هدایت کند، به همین جهت است که کشتی امام حسین وسیع‌تر و نور ایشان پرفروغ‌تر است و به همین دلیل است که در راهپیمایی اربعین حسینی از تمامی ادیان و تمامی فرق از هشتاد کشور دنیا حضور دارند و همگی یک‌دل و یک‌صدا مرادی ندارند جز طِی طریق بسوی منبع نور.

*** به‌نظر شما چرا این جریان در این مقطع زمانی به این شدت جلوه کرده و قبلاً به این وسعت نبوده است؟**

گمان می‌کنم به‌جهت یک دلیل عقلی باشد، بدیهی است که ما هر چه از مبدأ فاصله می‌گیریم به مقصد نزدیک‌تر می‌شویم. شرایط حاکم بر عالم و تلاش طاغوت و طاغوتیان برای ترسیم جبهه‌ای جدید و پیوند علنی وهابیت و اسلام ابوسفیان با صهیونیست و نوادگان سامری مؤید این مطلب است که ما به آخرالزمان نزدیک می‌شویم، علاوه بر آن، در طول ۸، ۹ هزار سالی که از خلقت آدم می‌گذرد تمام نحله‌های فکری، سیاسی و دینی تلاش کردند تا حاکمیت خود را بر جهان اعمال کنند، اما نتوانستند و هرچه بیشتر تلاش کردند، آدمیان را بیشتر در منجلاب فرو بردند. دیگر نظام فکری نمانده که بتواند مدعی برقراری قسط و عدل و هدایت بشر به آتیه‌ای سعادتمند شود، لذا امید داریم راهپیمایی اربعین طلیعهٔ ظهور منتقم سرور و مقتدایمان باشد.

از طرفی دیگر در کجای تاریخ بشر سراغ دارید که پاک‌طینتان با عقاید و ادیان گوناگون سرسپرده و مجذوب و مشتاق سراسیمه و به‌پای پیاده رهسپار دیدار یک نفر باشند؟ یاد کلام آن کشیش مسیحی افتادم، وقتی که در راهپیمایی اربعین از او سؤال شد که "شما پیروان مسیح در این مسیر راهپیمایی به‌دنبال چه هستید و اینجا چه می‌کنید؟"، با درایت تمام پاسخ داد؛ "این درست است که پیامبرمان دو نفر است، اما امام‌مان یکی است و آن هم حسین‌بن علی علیهما السلام است".

اربعین را باید جزء برنامه‌های الهی و یکی از آیات و نشانه‌های خداوند بدانیم که در این زمان ظهور و بروز کرده و در همین راستا به مطالعه آن فضای نورانی بپردازیم، نه با این تصور که این ما بودیم که با تبلیغات و تلاشمان اربعین امروز را به‌پا کردیم، به‌جای فلسفه‌بافی برای راهپیمایی اربعین باید خود را به اقیانوس ژرف و عمیق این اجتماع عظیم الهی که خداوند بر پا کرده بسپاریم تا اهداف آن را دریابیم و خود را با آن همراه کنیم، نه اینکه چون ابن‌عباس و محمد حنفیه و دیگران که لب به نصیحت گشودند و امام عالم را نصیحت کردند رفتار کنیم. اگر قدرِ این نعمت بزرگ الهی را ندانیم خداوند هبوط‌مان می‌دهد، همان‌گونه که حضرت آدم علیه السلام را از بهشت هبوط داد.

مصاحبه: امیرحسین مکاریانی و امیرمحسن شیخان

مصاحبه بیست و نهم ـ حجت‌الاسلام حمید احمدی رئیس کمیته فرهنگی آموزشی ستاد مرکزی اربعین: اربعین، پدیده‌ای فرا قومی و فرا ملّی است

*** نظر شما راجع به جریان راهپیمایی اربعین که در سال‌های اخیر شکل خاصی پیدا کرده و مردم با شور و شوق بسیاری به اربعین می‌روند، چیست؟**

راهپیمایی عظیم اربعین حسینی از جمله پدیده‌هایی است که قطعاً اراده الهی به آن تعلق گرفته است. درست است که در سال‌های اخیر جریان اربعین حسینی شکل خاصی به خود گرفته، اما نقطه آغاز این جریان با حضور ایرانی‌ها بسیار هوشمندانه بوده است. ما در آن دوران در شرایطی بودیم که جهان اسلام به‌ویژه منطقه و کشورهای عضو مقاومت بسیار تحت فشار و تهدید جریانات ارهابی بودند و تهدیداتی بسیار جدی متوجه کیان اسلام و موجودیت آن بود و در یک کلام، مقدس‌ترین سرزمین‌های ما مورد تهدید قرار گرفته بود. در همین حال، غرب گروه و جریانی را به راه انداخت و متأستفانه با همراهی برخی از کشورهای عربی، اساس انقلاب اسلامی ایران و جریان مقاوت را هدف خود قرار دادند و در تلاش برای وارونه کردن اسلام ناب محمدی و جبهه مقاومت بودند، این ماجرا شبیه قضیه‌ای بود که بنی‌امیه علیه اسلام در زمان حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام انجام داد.

سال گذشته گروهک تروریستی داعش در ایام اربعین و حتی قبل‌تر از آن بارها و بارها زائران امام حسین علیه‌السلام را تهدید به انفجار بمب‌هایی در مسیر پیاده‌روی کرد، اما همه دیدیدم که نه‌تنها مردم و عاشقان و دلدادگان امام حسین علیه‌السلام از تعدادشان کاسته نشد بلکه بر تعدادشان نیز افزوده شد؛ این نشان از اوج عشق و محبت امام در دل مردم است که هیچ چیز حتی تهدید دشمنان آنان را از این زیارت با ارزش و

محبوب خدا باز نمی‌دارد. **خداوند با برپایی راهپیمایی اربعین تمام سناریوهای دشمنان را بر هم زد، جریان اربعین یک پدیده فرا قومی، فرا ملّی و حماسی است.**

*** این تهدیداتی که از سوی دشمنان اهل‌بیت شکل می‌گیرد، صرفاً متوجه این برهه از زمان نیست، بلکه در گذشته‌ها نیز وجود داشته است.**

بله همینطور است. وقتی تاریخ را مورد بررسی قرار می‌دهیم می‌بینیم که در گذشته‌ها نیز چنین جریاناتی وجود داشته است؛ به‌عنوان مثال در دوران متوکل عباسی سختگیری‌های بسیاری نسبت به محبان و شیعیان اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌شد. از یک طرف عشق مردم به اهل‌بیت:بسیار زیاد بود و از طرف دیگر شاهد افزایش سختگیری‌های دشمنان بودیم، طوری که متوکل تصمیم گرفت زیارت امام حسین علیه‌السلام را با صدور احکامی از جمله بریده شدن دست راست در مرتبه اول و دست چپ در مرتبه دوم تحریم کند، اما این تصمیم او کارساز نبود و شیعیان گروه گروه به زیارت اباعبدالله علیه‌السلام می‌رفتند. آنان برای این زیارت حتی دست راست و چپ خود را نیز فدا می‌کردند.

اربعین نقطه عطفی در انقلاب اسلامی است

یکی از مورخان مشهور به نام «مسعودی» در کتاب «مروّج الذهب» چنین نوشته است: «خانمی به قصد زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام به مأمور ثبت‌نام مراجعه کرد. به وی تذکر دادند آیا می‌دانی که شرط رفتن به زیارت قطع دست است؟ آن زن پاسخ داد: از شرایط آگاهم. متصدی ثبت‌نام اسم این خانم را می‌نویسد. آنگاه به وی می‌گوید دستش را برای قطع کردن بیرون بیاورد. آن زن دست چپ خود را بیرون می‌آورد. مأمور می‌گوید: خانم، بخشنامه می‌گوید باید دست راست داوطلبِ زیارت قطع شود. آن زن دست راست خود را از زیر حجاب بیرون آورده و می‌گوید: این دست را که سال گذشته قطع کرده‌اید». این روایات و بسیاری دیگر نشان از عشق بی‌پایان مردم به اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌ویژه حضرت امام حسین علیه‌السلام است و اینجاست که فرمایش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره شهادت امام حسین علیه‌السلام بیشتر فهم می‌شود «إنّ لِقَتلِ الحُسینِ حَرارَةً فی قُلوبِ المُؤمِنینَ لاتَبرُدُ اَبَداً؛ به راستی که در قتل امام حسین علیه‌السلام داغ سوزانی در دل مؤمنین است که هرگز سرد نخواهد شد.» رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانی می‌فرمود انقلاب اسلامی نقاط عطفی داشت که آن را از فرسودگی نجات

داد، ایشان یکی از آن نقاط عطف انقلاب را راهپیمایی اربعین خوانده‌اند. منظورم از جریان انقلاب، تمام جریان مقاوت و فرهنگ اهل‌بیت: است و اینکه در آن یک نشاط و پویایی و حیات تازه وجود داشت. علاوه بر این، رهبر معظم انقلاب اربعین را یک اعجاز و یک اقدام بزرگ فرهنگی دانسته‌اند.

*** لطفاً دربارهٔ تجربیاتی که از برنامه‌های سال گذشته در راهپیمایی اربعین بدست آوردید و همچنین برنامه‌های امسال کمیته فرهنگی آموزشی ستاد مرکزی اربعین در راهپیمایی اربعین توضیح دهید.**

در ابتدا باید بگویم ستاد مرکزی اربعین به دستور مقام معظم رهبری تشکیل شد و نهادهای مختلف مردمی و عمومی در آن حضور داشته که ۱۳ کمیته تخصصی دارد. در کمیته فرهنگی و آموزشی این ستاد، ۱۸ دستگاه مختلف از سپاه و سازمان حج و سازمان تبلیغات و گروه‌های مردمی آن عضو هستند و تولیت آن با بعثه مقام معظم رهبری است. ما در سال‌های قبل تجربیات خیلی خوبی را بدست آوردیم. جهت‌گیری ما از ابتدا اینطور بود که میان دستگاهای مردمی و دولتی مختلف کشور هم‌افزایی ایجاد کنیم تا در برنامه‌های مختلف اربعینی بهترین عملکرد را داشته باشیم و امسال گام‌های خیلی جدّی‌تری در این زمینه برداشته شد. امسال همچون سال‌های قبل موضوع اعزام برادران و خواهران مبلّغ و قاریان بین‌المللی به اربعین را در دستور کار خود دادیم که البته تعدادشان بیش از سال گذشته شده است.

اعزام بیش از ۷۰ قاری و ۳۵۰۰ هزار مبلّغ به اربعین

در اربعین امسال بیش از ۳۵۰۰ مبلّغ و بیش از ۷۰ قاری به کربلا اعزام خواهند شد. در همین راستا، اجرای نمایش‌های مذهبی، نقالّی و پرده‌خوانی و تئاتر نیز داریم که تاکنون بیش از ۲۵ گروه ثبت‌نام کردند تا در موقعیت‌های مختلف راهپیمایی اربعین به اجرای نمایش بپردازند. علاوه بر اجرای این نمایش‌ها در عراق، در ایران نیز روز هشت آبان‌ماه یعنی روز اربعین تمام مراکز استان‌ها در زمینه تئاتر و پرده‌خوانی و... نمایش‌هایی را اجرا خواهند کرد. توصیه رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در این زمینه بدین صورت است در عین اینکه باید جهت‌گیری‌ها مردمی باشد، باید از تمام ظرفیت‌های نظام نیز جهت حمایت و پشتیبانی برنامه‌ها استفاده شود.

اندیشمندان در عرصهٔ تولید محتوای علمی اربعین وارد شوند

امسال به کمک برخی دانشگاه‌ها مانند دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، دانشگاه علامه طباطبایی و همچنین برخی مراکز علمی و حوزوی دیگر، شورایی علمی راه‌اندازی شد تا در آن برنامه‌ها و راهبردهایی را برای تولید محتوای صحیح طرح‌ریزی کنیم. یکی از مباحث مهم در این شورا بررسی جریان اربعین در قرآن کریم با عنوان «رهیافت قرآنی و زیارت اربعین» بود، البته باید اعتراف کرد که در این زمینه ضعیف کار شده است. مجموعه‌هایی هم تولید شده که یکی از آن «ویکی اربعین» است. «ویکی اربعین» نخستین ویکی جامع و مستند برای استفاده عموم مردم است که به تبیین توضیح و تفسیر مدخل‌ها و اصطلاحات مرتبط با اربعین می‌پردازد. هدف اصلی این اثر، ارائه جستارهای علمی فرهنگی و آموزشی در موضوعات مرتبط با اربعین حسینی با کیفیت و اتقان علمی مناسب و افزایش مشارکت نخبگان در تولید، گسترش و اعتلای علمی و ایجاد گفتمان دینی حول فرهنگ و نهضت امام حسین علیه‌السلام است. باید در عرصهٔ علمی اربعین و تولید محتوای صحیح قرآنی، اندیشمندان و علما و حوزویان وارد این عرصه شوند و به تولید آثار فاخر جهت تبیین بیشتر این جریان عظیم بپردازند.

*** در زمینه تولیدات هنری و تصویری در حوزه اربعین هم اقداماتی داشته‌اید؟**

در بحث هنری ابتدا باید ادبیات مورد نیازش شکل بگیرد چراکه پرداختن به این موضوع علاوه بر اینکه اهمیت زیادی دارد، دارای ابعاد زیباشناختی و هنری بسیاری زیادی است. یکی از کارهای انجام شده، وقایع‌نگری توسط برخی ادبا و نویسندگان بود که بخشی از آنها منتشر شده و بخشی دیگر نیز در دست انتشار است. باید از این دست کارها زیاد صورت گیرد، اما هنوز به آن غنای لازم نرسیده‌ایم. امسال در حوزه تولید مستندهای اربعین شنیدم که دوستان همکار ۶۰ مستند تولید کرده‌اند که تقریباً نیمی از آنها جدید بوده است. ضمن اینکه ما کار خیلی قوی و غنی نداریم، شاید حجم آنها زیاد باشد، اما کیفیت آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است که نیازمند شکل‌گیری ادبیات و تولید محتوای صحیح برای رساندن به دست هنرمندان است.

*** یکی از موضوعاتی که امسال بسیار مورد بحث قرار گرفت، بحث تکریم مردم عراق به جهت میزبانی از زوّار امام حسین علیه‌السلام به‌ویژه ایرانی‌ها در ایام اربعین است. کمیته فرهنگی آموزشی ستاد اربعین در این زمینه برنامه‌ای درنظر دارد؟**

امسال در زمینه تکریم مردم عراق نیز برنامه داریم، موضوعی که بسیار مورد تأکید رهبر معظم انقلاب هم است. کمیته فرهنگی آموزشی ستاد اربعین علاوه بر تولید آثاری در قالب مداحی، مستند و ... در زمینه تکریم مردم عراق بسته‌هایی را تولید کرده که در اربعین به موکب‌داران عراقی به‌عنوان تشکر جمهوری اسلامی از مردم عراق به‌خاطر میزبانی اهدا می‌شود. این موضوع اخیراً به یک فرهنگ تبدیل شده و بسیاری از مردم خودشان هدایایی را به موکب‌داران و حتی کسانی که خانه‌های خود را در اختیار زوّار می‌گذارند تقدیم می‌کنند. در طول سال برنامه‌های مختلفی برای حضور برخی موکب‌داران عراقی به کشور داریم تا بتوانیم از تجارب یکدیگر استفاده کنیم. خیلی وقت بود که به آنان توصیه می‌کردیم از شمایل اهل‌بیت علیهم‌السلام در موکب‌ها استفاده نکنند، اما وقتی به ایران آمدند و از تجربیات ایرانی‌ها در این زمینه آگاهی پیدا کردند و موکب‌های ایرانی را دیدند متوجه شدند که بدون استفاده از شمایل و با استفاده از پارچه‌ها و نوشتارهای زیبا نیز می‌توانند موکب‌های خودشان را تزئین و آماده کنند.

مصاحبه: امیرمحسن شیخان

مصاحبه سی‌ام ـ حجت‌الاسلام حبیب‌رضا ارزانی مشاور وزیر ارشاد و دبیر ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور:

اربعین، خط استکبار را شکسته و عزّت حسینی را به جهانیان نشان می‌دهد

*** به‌نظر شما چرا میان زیارت تمام ائمه: این‌قدر به زیارت امام حسین علیه‌السلام تأکید و تشویق شده است؟**

در مکتب شیعه شخصیت و زیارت امام حسین علیه‌السلام از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع تعظیم نام امام حسین علیه‌السلام، تکریم همه ائمه اطهار علیهم‌السلام و خوبی‌ها و فضایل است. روایات بسیاری در مورد زیارت ایشان ذکر شده است و از میان اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام نیز فقط برای اباعبدالله الحسین علیه‌السلام مراسم اربعین گرفته می‌شود. چرایی سفارشات و تأکیدات معصومین: بر زنده نگاه داشتن یاد امام حسین علیه‌السلام و زیارت ایشان را می‌توان در اهداف و فلسفه قیام عاشورا یافت. نهضت حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام مقابل دستگاه فاسد و ظالم اموی، صراط مستقیمی بود که راه درست را از نادرست مشخص می‌کرد، لذا زیارت امام حسین علیه‌السلام یکی از راه‌های زنده داشت اهداف امام حسین علیه‌السلام و الگو قرار دادن تفکرات ناب و سیره علمی و عملی ایشان است که می‌توان آن را به معنای حرکت در صراط مستقیم و گم نکردن این شاهراه هدایت و سعادت تعبیر کرد.

*** رهبر معظم انقلاب بارها بر لزوم معرفت‌افزا بودن مجالس اهل‌بیت علیهم‌السلام تأکید کردند، طوری که با پایان مجلس، معرفتی بر مستمعین افزوده شود و با چند ساعت قبلشان تفاوت کرده باشند؟ امروزه این موضوع را در هیئات چطور ارزیابی می‌کنید و چقدر توانستیم این امر را تحقق ببخشیم؟**

مجالس سوگواری امام حسین علیه‌السلام به لحاظ ارزش معنوی، انسان‌ساز و اصلاح‌گر است و کارکردهای فراوانی دارد، اما در طول زمان، دشمن به‌دنبال آسیب زدن و بی محتوا کردن آن بوده و به لحاظ محتوایی، ماهیتی و شکلی بر عزاداری‌ها هجمه وارد کرده‌اند تا از این طریق از اثرگذاری آن کاسته شود که از جمله این آسیب‌ها می‌توان به ترسیم ناقص و یک بعدی از سیمای معصومین علیهم‌السلام غلوآمیز شدن عزاداری‌ها همراه با خرافات، بیان مطالب ذلت‌بار و خارج از شأن معصومین علیهم‌السلام گسترش دروغ در روضه و مداحی، بیان سست معارف اسلام، جدایی دین از سیاست، اظهار مطالب موهن، بیان مطالب خلاف قانون الهی و تشدید اختلافات فرقه‌ای بین مسلمانان اشاره کرد.

باید تأثیر معارف مطرح شده در هیئات در جامعه دیده شود

امام خمینی(ره) در بیان ارزش پاسداشت مراسم سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، محرم و صفر را عامل بقای اسلام می‌داند. مقام معظم رهبری نیز با تأکید بر روشنگری و آگاهی بخشی آسیب‌های وارد شده بر مجالس و آئین‌های عزاداری، بُعد معرفت افزا بودن آن را مورد تأکید قرار داده‌اند به گونه‌ای که شور حسینی با شعور حسینی عجین شود. خوشبختانه طی سال‌های اخیر اقدامات و فعالیت‌های خوبی از سوی متولیان امر صورت گرفته است، اما اینها کافی نیست. اگر مجالس محتوا داشته و در مسیر درست قرار داشته باشد باید تأثیر آن و به تبع تغییر در وضعیت جامعه را ببینیم، به‌عنوان مثال، اگر در فریضه امر به معروف و نهی از منکر که از اهداف اصلی قیام امام حسین علیه‌السلام است، وارد شویم و این امر در جامعه به خوبی تبیین و نهادینه شود، قطعاً شاهد اصلاح امور در سطوح مختلف جامعه اسلامی و شئونات زندگی فردی و اجتماعی خود خواهیم بود. در این میان نقش سخنرانان، مداحان و مسئولین هیئت‌های مذهبی و تشکل‌های دینی بسیار کلیدی و اثرگذار است، چراکه غالب آسیب‌های عزاداری به این سه طیف باز می‌شود.

*** شما چه راهکاری را پیشنهاد می‌کنید؟**

بیان فلسفهٔ عاشورا و اهداف قیام امام حسین علیه‌السلام تبیین جنبه‌های سیاسی و اجتماعی این واقعه عظیم، شناساندن عمیق شخصیت‌های عاشورا با بهره‌مندی از روایات معتبر و متقن و پرهیز از پرداختن صرف به روایاتی که با تأکید بر گریاندن و اشک ریختن عزاداران بر جنبه فردی عزاداری تأکید دارد؛ علاوه بر تبیین ابعاد

مختلف نهضت حسینی، شناخت و درک درست عزاداران از فرهنگ عاشورا، شهادت طلبی و ظلم ستیزی امام حسین علیه‌السلام را به‌دنبال خواهد داشت که این رسالت خطیر برعهده وعاظ و روحانیون معزز است که در سخنرانی‌ها باید توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند. پاسداشت عزاداری‌ها در چارچوب سنتی و اصیل آن با بهره‌گیری از اشعار ناب آئینی، ارتقای معلومات عمومی مداحان و وعاظ، استفاده از منابع و مطالب معتبر دینی، ساماندهی و شناسنامه‌دار کردن هیئات مذهبی از جمله راهکارهایی است که می‌توان برای کاهش این آسیب‌ها به کار گرفت.

راهپیمایی اربعین، نمایش اتحاد و اقتدار شیعیان است

*** نظر شما درباره پدیده راهپیمایی اربعین که چند سالی است رنگ و بوی دیگری به خود گرفته است و مردم با شور و شوقی وصف‌ناپذیر ـ در مقایسه با گذشته ـ خود را آماده این سفر معنوی می‌کنند، چیست؟**

راهپیمایی اربعین پدیده تازه‌ای نیست بلکه مبنای تاریخی چنین بزرگداشتی، به اولین اربعین حسینی (سال ۶۱ هجری) مصادف با ورود کاروان اهل‌بیت علیهم‌السلام به کربلا و دفن سرهای مطهر شهیدان به‌ویژه سر مقدس امام حسین علیه‌السلام در کنار پیکر مطهر ایشان باز می‌گردد و تا به امروز با حضور عاشقان و شیفتگان سالار شهیدان ادامه داشته است، اما تجلی آن با کیفیت، شکوه و اقتدار امروزی بی سابقه بوده است. این پیاده‌روی عظیم، در واقع نمایش اتحاد شیعیان و اقتدار آنان و پابرجا ماندنشان بر اعتقادی راسخ است که دو بال آن شهادت‌طلبی و ظلم‌ستیزی است و نگاه به پرچم سرخ سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام دارد. اعلام حضوری باشکوه، عمیق و پرمعنا که هر سال بر انبوه جمعیت آن افزوده می‌شود و درست در زمانی شکل گرفت که میلیون‌ها مؤمن شیعی احساس خطر کرده و مقابل داعش قد علم کردند. هرچه شرایط امنیتی بدتر می‌شد افراد بیشتری در این همایش عظیم شرکت می‌کردند تا به تکفیری‌ها و اربابان غربی آنها ثابت کنند که نمی‌توانند سد راه زائران شوند. این به معنای همان فرهنگ ایستادگی، استکبارستیزی و مقاومت است که جهان تشیع در مکتب عاشورا فراگرفته است.

راهپیمایی اربعین حسینی برخاسته از اراده خداست

*** به نظر شما چرا در این برهه از زمان جریان اربعین حسینی این خیل از جمعیت را بسوی کربلا سوق می‌دهد؟ آیا خدا برنامه‌ای درنظر دارد که در این برهه از زمان چنین ماجرای عظیمی را رقم زده است؟**

رهبر معظم انقلاب دربارهٔ اهمیت پاسداشت و بزرگداشت روز اربعین حسینی چنین بیان کرده‌اند: «شروع جاذبه مغناطیسی حسینی در روز اربعین است، جابربن عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشاند، این همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن‌های متمادی در دل من و شما هست». حضور بیش از ۲۰ میلیون زائر از سراسر جهان با قومیت‌ها و ملیت‌های مختلف در یک نقطه و با یک نگاه که معطوف بر ادامه راه حسین علیه‌السلام که عدم سازش با یزیدیان و زیر بار ذلت نرفتن است، آن هم در این برهه از زمان که دشمن با مولود شوم خود (داعش) و فضای مسمومی که ایجاد کرده بود در ادامهٔ پروسهٔ اسلام هراسی، سعی در وارونه جلوه دادن واقعیت و اهداف زندگی مؤمنانه مسلمانان به‌ویژه شیعیان داشت و به تخریب اماکن مقدسه و حرمین شریف می‌پرداخت، همان‌گونه که در قرآن کریم آمده است: «دست خداوند بالای همه دستهاست»، وعده الهی تحقق یافت. بی‌شک، جز اراده خداوند کسی نمی‌تواند قدرت شیعه را با این عظمت به رخ جهانیان بکشد.

*** به نظر شما جریان راهپیمایی اربعین چه آینده‌ای می‌تواند داشته باشد؟ این در حالی است که بسیاری از علما معتقدند این ماجرا به ظهور امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) ختم می‌شود. آیا می‌توان گفت سمت و سوی اربعین حسینی به‌سمت جامعه مهدوی است؟**

امروز اربعین به یک ابر رسانه و در واقع به یک رویداد فرا شیعی و فرا دینی مبدل شده است و با وجود تلاش رسانه‌های بیگانه برای کوچک نشان دادن و یا محدود کردن این همایش بی‌نظیر انسانی در حد یک مراسم مذهبی، در قلب جهان غرب نفوذ یافته است، چنانچه شاهد حضور بسیاری از زائران غیرمسلمان در این دریای خروشان هستیم و این همان حقیقت اتصال قیام عاشورا به قیام امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) و برقراری صلح وعدالت در جهان است. گام نخست برای این انقلاب جهانی، معرفی امام حسین علیه‌السلام و شناخت اهداف و فلسفه قیام ایشان است که همایش پیاده‌روی اربعین حسینی این مهم را فراهم آورده است.

چراییِ سیاست بایکوت رسانه‌های غربی را ـ به‌استثنای رسانه‌هایی معدود که به ابعاد مختلف این اجتماع عظیم و جلوه‌های معنوی و انقلابی آن پرداختند ـ نیز

می‌توان در مواجهه با اولین سؤالی دانست که باید به مخاطب خود پاسخ دهند و بگویند: «حسین کیست؟» بی‌شک سمت و سوی اربعین حسینی به‌سمت جامعهٔ مهدوی است. پاسداشت اربعین حسینی و حضور مثال‌زدنی شیعیان در این اجتماع میلیونی، علاوه بر تقویت وحدت و انسجام آنان، خط استکبار را شکسته و عزت حسینی را به جهانیان نشان می‌دهد که می‌توان پیام روشن آن را در تداوم پرچم سرخ شهادت طلبی امام حسین علیه‌السلام و پرچم سبز مهدویت دانست. پیاده‌روی اربعین حسینی علاوه بر اینکه سرمایه بزرگی برای جامعه شیعی است به مثابه تجدید میثاق با آرمان‌های امام حسین علیه‌السلام است تا خود را برای جبران این اشتباه تاریخی آماده ساخته و با تجربه گرفتن از این واقعه تلخ، خود را برای ساختن جامعه مهدوی مهیا کنیم.

*** آیا اربعین یک حرکت خودجوش اجتماعی است یا یک حرکت جدید الهی؟ کدام منظر صحیح‌تر است؟ ما باید در قبال این پدیده چگونه رفتار کنیم؟**

اربعین حرکتی کاملاً خودجوش و مردمی است، اما دست اراده خداوند در کار است که این مراسم را با این مجد و اقتدار و عظمت به پیش می‌برد چنانچه می‌بینیم با گسترش روز افزون حضور شیعیان و حتی زائران غیر مسلمانان در حال مبدّل شدن به یک فرهنگ مقدس عمومی است و حتی می‌تواند مظهر وحدت برای بشریت باشد. بهترین زمان برای انتشار پیام عاشورا در این اجتماع عظیم بشری است، چراکه توجه همه قلبها به‌سمت مضجع شریف امام حسین علیه‌السلام است که می‌طلبد این نگاه به سطح مطلوب و مدنظر ائمه اطهار علیهم‌السلام رسیده و نگاهی جهانی یابد به گونه‌ای که زمینه را برای اصلاح جهان و ایجاد تمدنی جدید فراهم کند که به معنای زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) و نجات بشریت است، لذا هر یک از ما مسئول و موظف هستیم که در صورت توان، در این اجتماع عظیم شرکت کرده و با شکوه بخشیدن هرچه بیشتر به آن مسیر رسیدن به این هدف والا را هموار کرده و آن را به مطالبه‌ای جهانی تبدیل کنیم.

مصاحبه: امیرمحسن شیخان

مصاحبه سی‌ویکم ـ حجت‌الاسلام احمد پناهیان، پژوهشگر و کارشناس مسائلی دینی:
چرا دشمن از زیارت امام حسین علیه‌السلام می‌ترسد؟/ اربعین عرصه نصرت الهی شیعیان برای آینده است

حجت‌الاسلام احمد پناهیان پژوهشگر و کارشناس مسائلی دینی با اشاره به راهپیمایی اربعین گفت: رهبر معظم انقلاب بارها به این نکته اشاره کردند که جریان اربعین "آیه و عنایت ویژه الهی" در این عصر به بشریت است. وقتی چنین اقبالی آن هم در این حد و وسعت در أقصی نقاط جهان صورت می‌گیرد باید فاعل اصلی آن را خداوند دانست نه فرد، دولت و ملت دیگری. برقراری پیوند قلبی و عاطفی میان انسان‌ها به‌وسیله نعمت ولایت فقط کار خداست.

«وقتی دانستیم فاعل اصلی این ماجرا خداست باید به‌دنبال این باشیم که خدا از ما چه انتظار و توقعی دارد و اصلاً ما چه وظیفه‌ای در قبال این موهبت عظیم خداوندی داریم؟ آیا اینکه صرفاً به زیارت و تفرجی معنوی برویم و برگردیم کافی است؟ آیا تاکنون به مفهوم زیارت دقت کرده‌ایم».

وی با بیان مطلب فوق گفت: رهبر انقلاب در دیدار اخیر با موکب‌داران بر این نکته تأکید کردند که باید منطق امام حسین علیه‌السلام برای جوانان دنیا تبیین شود، این یعنی باید معارف و فرهنگی عاشورا را به‌صورت عمیق مورد بررسی و مطالعه قرار داد. رهبر انقلاب منطق امام حسین علیه‌السلام را در دو حوزه بیان کردند؛ یکی در حوزه "استقامت پای حق" و دیگری "مبارزه و مقابله با ظلم و زورگویی"؛ این امر به زیبایی در عاشورا و نحوه رفتار کاروانیان حسینی نمایان بود و یک لحظه هم از مقابله در برابر دشمن کوتاه نیامدند.

حجت‌الاسلام پناهیان با اشاره به اهمیت زیارت در فرهنگ شیعه گفت: یکی از اهداف زیارت «**لِیَغیظَ بِهِمُ الکُفّارَ**» یعنی به خشم در آوردن مستکبران عالم است. دشمن دشمنی می‌کند و این رفتار طبیعی اوست، آنها بارها به قبر مطهر حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام جسارت کردند، اینها این دشمنی‌ها را کردند و می‌کنند تا زیارت صورت نگیرد، چراکه در مسئله زیارت، ثمرات و برکات بسیاری برای جبهه حق وجود دارد.

وی تصریح کرد: دشمن می‌داند که زیارت استعداد تمدن‌سازی دارد، لذا از سال‌های پیش تمام تلاششان را به کار گرفتند تا این زیارت صورت نگیرد، آنها در اندیشکده‌های مختلفی که تأسیس کردند به‌دنبال ایجاد راهکارهای گوناگون جهت جلوگیری زیارت اهل‌بیت علیهم‌السلام از سوی محبان و شیعیان عالم بودند، اما در مقابل می‌بینیم که چقدر ائمه اطهار علیهم‌السلام ما را به زیارت به‌خصوص زیارت امام حسین علیه‌السلام تشویق و ترغیب کرده‌اند.

این پژوهشگر گفت: آنها به خوبی آگاهند که اگر منطق حسینی برای بشریت تبیین شود، دیگری چیزی از فرهنگ غرب باقی نمی‌ماند. امروز زیارت در ایام اربعین لبیک به دعوت خداوند و ائمه هدی علیهم‌السلام است، زیارت در اربعین مقوله‌ای است که امروز بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز داریم. یک نکته جالب این است که خدا با برپایی جریان اربعین حسینی در حال یاری و نصرت مؤمنان و شیعیان برای آماده شدن در عرصه‌های پیش روست.

مصاحبه سی‌و دوم ـ محمدهادی همایون، عضو هیئت امنای دانشگاه امام صادق علیه‌السلام:

پیوندی بین انقلاب اسلامی، اربعین حسینی و ظهور وجود دارد/ لزوم تدوین نظریات علمی حکومت اسلامی

دکتر همایون از جمله کارشناس‌های حوزه مطالعات دینی ـ تمدنی کشورمان است که با تألیف کتاب «تاریخ تمدن و ملک مهدوی» در سال‌های اخیر بیش از گذشته وارد عرصه مطالعات تمدنی و بین‌الادیانی شد. وی از جمله اندیشمندانی است که در آثارش ماجرای انقلاب اسلامی را در راستای اهداف پیامبران الهی و امامان معصوم علیهم‌السلام برای تحقق حکومت عظیم الهی در آخرالزمان می‌داند، ازاین‌رو انقلاب اسلامی ایران را برنامه‌ای از جانب خداوند می‌داند که روز به روز بر اثرگذاری‌اش افزوده می‌شود.

خداوند به واسطه امام معصوم علیه‌السلام عالم را اداره می‌کند

*** شما در کتاب «تاریخ تمدن و ملک مهدوی» ماجرای انقلاب اسلامی را یک برنامه خداوندی معرفی کردید که قرار است تا ظهور امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) ادامه یابد. در ماجرای انقلاب اسلامی ایران و کلاً انقلاب‌های دینی جایگاه نصرت خداوند و جایگاه امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه به‌عنوان امام عالم و آدم و به‌عنوان وجود مقدسی که به اعتقاد شیعه مقدرات عالم را در شب قدر از جانب خداوند رقم می‌زند، چیست؟**

ساز و کاری بر خلقت حاکم است ـ همان چیزی که ما به‌عنوان برهان نظم می‌شناسیم ـ که آن ساز و کار چیزی مبتنی بر حق است و در نهایت جریان خلقت را به‌سمت حق هدایت می‌کند. به میزانی که خودتان را با این ساز و کار منطبق می‌کنید، یعنی درست عمل می‌کنید بنابراین نصرت الهی شامل حال شما خواهد بود، یعنی جهان همراه شما خواهد بود. حتی کوچک‌ترین مسائلی که ما تصور می‌کنیم

به‌صورت اتفاقی رخ می‌دهد شامل چنین نصرتی هستند. فرشتگان الهی و تمام عواملی که در زندگی دنیایی پیرامون ما وجود دارند و برای ما خلق شده‌اند و به‌تعبیر قرآن مسخر ما هستند، تا زمانی که مسیرمان را درست و بر مدار حق حرکت کنیم، در جهت همراهیِ با ما حرکت می‌کنند و زمانی که درست و بجا حرکت نکنیم، عکس‌العمل مثبتی از نظام هستی نخواهیم دید؛ مثلاً وقتی اهل جهاد هستیم، عزیز هم هستیم، اما وقتی به جهاد پشت می‌کنیم و امر به معروف و نهی از منکر را فراموش می‌کنیم، عواقب آن را خواهیم دید. این ساز و کاری است که در خلقت وجود دارد و آن برخاسته از وجود امام معصوم علیه‌السلام است. در واقع ما درون نظامی هستیم که خداوند به واسطه امام علیه‌السلام پیرامون ما قرار داده است و ما خود نیز جزوی از آن و در حال حرکت هستیم و هیچ چیز خارج از این چارچوب وجود ندارد، بنابراین تا زمانی که در صراط‌المستقیم خداوند قرار بگیریم که مصداق عینی آن امام معصوم علیه‌السلام است، شامل محبت‌ها و نصرت‌های الهی می‌شویم و تا زمانی که در این صراط قرار نگیریم، مخالف سنت خداوند عمل کرده‌ایم و مدام در معرض خطر شیاطین انسی و جنی هستیم.

*** اینکه گفته می‌شود انقلاب اسلامی ایران باید الگوی سایر جوامع مسلمان و حتی مستضعفان جهان باشد، به نظر شما این الگو بودن از چه منظری مدنظر است؟**

این سؤال بسیار مهمی است تا جایی که معمولاً در تحلیل و رفتارهای خودمان به آن دقت نمی‌کنیم. ما در برابر الگوهای متعددی که برای پیشبرد انقلاب‌مان به واسطه حضرت امام(ره) تا به امروز وجود داشته است، الگوی برخورداری از حکومت یعنی تشکیل حکومت را انتخاب کردیم؛ شما می‌بینید حزب‌الله لبنان این الگو را ندارد؛ نه اینکه اشتباه است بلکه به وقتش تحلیل خودش را دارد. ما در واقع ادعا کردیم اسلام می‌تواند تشکیل حکومت بدهد و می‌تواند در این زمینه موفق باشد؛ ما گاهی اوقات وقتی فکر می‌کنیم بعضی از امورمان در قالب حکومتی پیش نمی‌رود، بنابراین آن را رها می‌کنیم و تصور می‌کنیم رفتار درستی انجام می‌دهیم؛ یعنی از قالب‌های حکومتی فاصله می‌گیریم و کار خودمان را انجام دهیم. این در حالی است که ما ادعا کردیم با حکومت می‌خواهیم آن نمونهٔ عالی باشیم، آن چیزی می‌خواهیم باشیم که مردم جهان به آن توجه کنند و بدانند که انقلاب اسلامی در کشور ایران موفق بود و الگویی قابل تبعیت است. اگر موضوع حکومت را بخواهیم کنار بگذاریم، به نظر

می‌رسد وظیفه و شعار اصلی‌مان را کاملاً از دست داده‌ایم. ما باید بتوانیم در حکومت‌داری موفق باشیم و این همان جنبه الگوییِ بسیار مهمی است. ما از اینکه حکومت و دولت‌مان اسلامی باشد، نباید دست برداریم و حتماً باید به این سمت حرکت کنیم و موفقیت ما در همین موضوع است.

نظریات علمی طرح حکومت اسلامی مطرح نشده است

*** آیا شما قائل به این موضوع هستید که طرح و اصول حکومت اسلامی پایه‌ریزی شده است یا در حد شعار باقی مانده است؟**

واقعیت این است که طراحی دولت و حکومت اسلامی بخشی از ماجراست که متأسفانه حتی نظریات علمی آن مطرح نشده است. اینکه دولت و حکومت اسلامی آن هم در این مقطع زمانی چه کارکردی باید داشته باشد، به دست نیامده است. ممکن است شما مدل حکومتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام را مدنظر قرار دهید که البته از ابتدای انقلاب اسلامی هم نصب‌العین ما بوده است و ما این موضوع را دیدیم و بر اساس همان هم حرکت کردیم، اما حقیقت این است که این موضوع در تاریخ شکل گرفته است و ما باید به این نتیجه برسیم که یک دولت اسلامی در این زمانه باید به چه شیوه‌ای شکل بگیرد و مبنای آن بر چه اساسی باشد، بنابراین جا دارد که حوزه و دانشگاه به هر طریقی شده به مباحث نظری حکومت و دولت اسلامی دست یابند. گرچه کارهای زیادی صورت گرفته است، اما نیاز انقلاب اسلامی خیلی بیش از این است.

از نظر امام(ره)، انقلاب اسلامی سه مرحله دارد

*** در خاطره‌ای از مرحوم آقای عسگر اولادی خواندم که به امام خمینی(ره) گفت: مردم بعد از انقلاب همچنان در فقر هستند، اما امام(ره) فرمود ما برای شکم مردم انقلاب نکردیم بلکه برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) قیام کردیم. و بعد فرمود مبارزه ما برای تغییر یک قانون، تغییر یک وزیر حتی یک دولت نیست، ما برای فراهم کردن مقدمات ظهور ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه) مبارزه می‌کنیم؛ تحلیل شما دراین‌باره چیست؟**

استراتژی کلانی بر نحوه پیشبرد انقلاب اسلامی ما حاکم است که از روزهای اولیهٔ مبارزه علیه باطل توسط امام خمینی(ره) پایه‌ریزی شده است، یعنی اولاً استقرار حاکمیت اسلامی در کشور ایران، بعد صدور این نوع ایده و رفتار و الگو به کشورهای

اسلامی و در مرحله سوم به سایر کشورهای جهان. در ادامه همین خاطره‌ای که اشاره کردید، امام ادامه دادند: «انقلاب اسلامی ما سه مرحله دارد: مرحله اول اینکه کشور ایران را اسلامی کنید، مرحله دوم اینکه کشورهای مسلمان به طرف حاکمیت اسلام برده شوند و مرحله سوم اسلام را در سراسر دنیا گسترش دهید وجهانیان را با اسلام آشنا کنید، آنگاه در محضر امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) عرضه بداریم که مولا، جهان برای تشریف‌فرمایی شما آمادگی دارد.» به نظر می‌رسد ما در این همین خط سیر در حال حرکت هستیم. تقریباً ۳۰ سال که از انقلاب اسلامی گذشت، جریان بیداری اسلامی یعنی مرحله دوم ورود ما به عرصه کشورهای اسلامی آغاز شد و اربعین را باید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره دوم در نظر گرفت.

انقلاب اسلامی، اربعین حسینی علیه‌السلام و ظهور پیوند مشترکی دارند

*** چرا جریان اربعین حسینی را در راستای انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و در راستای ظهور امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) معرفی می‌کنید؟**

واقعش این است که ماجرای پیاده‌روی حسینی اتفاق بسیار مهمی است. اساساً موضوع ظهور، پیوند خیلی جدی با امام حسین علیه‌السلام و جریان عاشورا دارد؛ یعنی اینطور باید فرض کنیم که عاشورا یک نمونه بسیار عالی از آن اتفاقی بود که قرار است در آخرالزمان رخ دهد. از پیوند بین امام و اصحابش و پیوند امام با امت. در واقع ماجرای قیام امام حسین علیه‌السلام و پیوند عمیق و معنوی حضرت با اصحاب بزرگوارشان که در یک مقطع محدودی از جهت زمانی و مکانی رخ داد، الگویی از آن چیزی است که قرار است در آخرالزمان اتفاق بیفتد؛ همچنین جنبهٔ مربوط به تقابل حق و باطل ماجرای عاشورا در این مقطع زمانی در اوج بروز و ظهور خودش قرار می‌گیرد. اگر اینطور ببینیم، جریان ظهور به عاشورا پیوند می‌خورد. حال نیاز است ماهیت ماجرای عاشورا و درس‌های معرفتی نهفته در آن مجدداً شناخته شود تا ما را قدم به قدم به ظهور نزدیک کند؛ شواهد حاکی از این است که این جریان بر عهدهٔ پدیده دیگری به نام پیاده‌روی اربعین است. تقریباً در این چند سال اخیر این ماجرا طوری ایجاد شد که با هیچ کدام از معیارهای عقلانی ما همخوانی ندارد. این ظهور و بروز درست در راستای همان مسئله‌ای است که عرض کردیم، یعنی مسئلهٔ زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه و نابودی کفر و ظلم که مقدمات آن با وقوع انقلاب اسلامی ایران آغاز شد.

جریان اربعینی نمونه جامعه وحدت‌زاست

*** چه شواهدی در ماجرای پیاده‌روی اربعین حسینی علیه‌السلام وجود دارد که آن را در راستای برپایی ظهور امام زمان معرفی می‌کنیم؟**

شما در ماجرای پیاده‌روی اربعین، ویژگی‌هایی که در دوران ظهور امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) در آیات قرآن و روایات عترت علیهم‌السلام بیان شده است را می‌بینید. از تجمع انسان‌ها، حرکت جمعی به‌سمت امام معصوم علیه‌السلام، مواسات بین مردم و از آن مهم‌تر اینکه تمام ادیان دارند ذیل امام معصوم علیه‌السلام جمع می‌شوند و در واقع همان طلیعه‌های «**وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجاً**» است، بنابراین بسیار شبیه به جریانی است که بناست در آخرالزمان اتفاق بیفتد. شما می‌بینید در این جریان مرز بین شیعه و سنی و حتی مسلمان و مسیحی برداشته شده است تا جایی که پیاده‌روی اربعین امروزه موضوع بین‌المللی تلقی می‌شود. در واقع جریان اربعین حسینی که در راستای جریان انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی و در وسعت بیشتری قرار داده شده است، به‌عنوان مقدمه واقعیتی است که در آخرالزمان بناست رخ دهد. ما در این مسیر در حال حرکت به‌سمت جلو هستیم. شاید در سال ۵۷ یک لایه رقیق‌تری از ماجرای پیاده‌روی اربعین را مشاهده کردیم و حالا در سطح جهانِ اسلام خودش را نشان می‌دهد، به‌ویژه در وحدت بین دو ملت ایران و عراق که به نظر من یکی از راهبردی‌ترین موضوعات برای رساندن ما به شرایط نزدیک به ظهور است. ما و ملت عراق از ابتدا با نام تمدن بین‌النهرین یک تمدن را تشکیل می‌دادیم که این ماجرا در زمان حضرت نوح علیه‌السلام و پس از طوفان نوح شکل می‌گیرد و به بقیه جهان گسترش می‌یابد. جریان اربعینی، اتحادی است که با تمام مبانی اسلامی ذیل بحث وحدت کاملاً هماهنگ است.

مصاحبه: سعید شیری

مصاحبه سی‌و سوم ـ غلامعلی دولابی و عبدالله فرّهی، هیئت علمی دانشگاه مذاهب اسلامی: تمدن اسلامی ناشی از فرهنگ عاشورا و اربعین مایه تحقق آن است

ایام اربعین حسینی با تمام گستره‌ای که دارد، حاوی عالی‌ترین ارزش‌های ایمانی، اخلاقی و رفتاری است. این میزان از ارزش‌های دینی با چنین گستره جغرافیایی به شکل معجزه‌وار در معرض همگان قرار گرفته است؛ متأسفانه با وجود گذشت مدت‌های متمادی از برگزاری این همایش جهانی، آن‌طور که بایسته است وارد عرصه گفتمان علمی و دانشگاهی نشده، از این جهت ابعاد معرفتی و راهبردی آن مورد تحلیل اندیشمندان ما قرار نگرفته است تا تصویر روشنی از آینده اربعین داشته باشیم.

در میزگردی که با حضور دو تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه مذاهب اسلامی، حجت‌الاسلام غلامعلی دولابی و عبدالله فرّهی شکل دادیم، به تحلیل ابعاد معرفتی و تمدنی این جریان پرداختیم.

در بخش‌هایی از این میزگرد می‌خوانیم:

جمع شدن حول امام و لبیک به کسی که در رأس جامعه قرار دارد و سرسپردگی به ولایت او و آمادگی برای مبارزه به ظالم و ستم، از گزاره‌هایی‌اند که برای ساختن تمدن نوین اسلام بسیار مورد نیازند؛ از این جهت این گزاره‌ها می‌تواند به ساخت تمدن نوین اسلامی کمک کنند.

مقابل جریان اربعین، عده‌ای به بهانه گسترش صنعت توریسم، در صددند زنان خارجی را به شکل بی‌بندوبار در جامعه رها کنند. اربعین کجا و صنعت توریسم ما کجا ! فرهنگ خدا کجا و فرهنگ غرب‌گرایان کجا !

*** تحلیل‌های متفاوتی از جنبش‌های دینی از جمله انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و اربعین حسینی از سوی اندیشمندان مشاهده می‌کنیم. عده‌ای صرفاً با تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی به این رویدادهای می‌پردازند و عده‌ای نیز نگاه توحیدی را محور تحلیل‌های خود قرار می‌دهند. نگاه شما نسبت به این رویدادها چیست؟**

دولابی: تحلیل‌هایی که درباره انقلاب اسلامی و کلاً جنبش‌های دینی از سوی اندیشمندان غربی همچون ساموئل هانتیگتون و برنارد لوییس صورت می‌گیرد، نمی‌توان گفت دارای اشکال است. نکته اصلی اینجاست که این نوع نگرش‌ها، تحلیل حقیقی را انعکاس نمی‌دهد. اگر بخواهیم تمام واقعیت را بررسی کنیم، باید زمینه‌های درونی و فطری را مدنظر داشته باشیم.

تحلیل جریاناتی مثل انقلاب اسلامی و اربعین حسینی صرفاً با رویکردهای سیاسی، تاریخی و اجتماعی نتیجه‌ای در بر ندارد بلکه باید محور اصلی را بر تحلیل‌های دینی قرار داد.

اندیشمندان غربی انقلاب‌های دینی را جنبش توده‌ای نامیدند

فرّهی: به باور من این نهضت عظیم که هرساله تکرار می‌شود و به گونه‌ای باعث دوام اسلام و ترویج آموزه‌های آن است، حرکتی همراه با عقلانیت است و بر اساس احساسات نیست. تفاوت نگاهی که در تفکر منِ مسلمان با فرد غربی وجود دارد، این است که آن فرد غربی از بیرون به تحلیل رویداد می‌پردازد. **آنها سعی دارند هر جنبش دینی را با تعبیر جنبش توده‌ای یاد کنند همچنان که به انقلاب اسلامی ایران، انقلاب توده‌ای اطلاق می‌کردند تا به این ترتیب این نکته را القاء کنند که مردم این انقلاب‌ها، از عقلانیت تهی‌اند** و از این طریق سبب بدبینی ملت اروپا نسبت به اصل انقلاب و اربعین شوند و نشان دهند این جنبش‌های مردمی بر اساس عقلانیت شکل نگرفت بلکه حرکت‌هایی احساسی در واکنش به رویدادهای سیاسی و اجتماعی است.

تمدن اسلامی ناشی از فرهنگ عاشوراست و اربعین مایه تحقق آن

اتفاقاً ما عقلانیت را در جنبش‌های دینی همچون نهضت امام‌حسین علیه‌السلام در روز عاشورا و نهضت انقلاب اسلامی **به‌وضوح** مشاهده می‌کنیم، چرا که هر دو جریان حرکتی بسوی ایجاد جامعه اسلامی است، جامعه‌ای که بناست بر اساس سنت رسول

خدا شکل بگیرد. به باور من امام‌حسین در قیام خویش به یکایک مسلمانان نشان می‌دهد که نباید صرفاً به خود و احساسات و خواسته‌های نفسانی‌مان توجه کنیم بلکه باید نسبت به محیط خود تفاوت قائل باشیم. نیت اصلی در این نوع نگرش، ایجاد جامعه ایمانی است، مسئله‌ای که به نظرم یکی از نکات مهم فرهنگ عاشورایی است. ما باید بتوانیم این نوع فرهنگ را در جامعه تسری دهیم و به آن عینیت ببخشیم. **وقتی حرف از تمدن اسلامی می‌زنیم، تمدنی است که ناشی از فرهنگ حیات‌بخش عاشوراست و ماجرای اربعین در راستای تحقق این هدف است.** ما طی سفر اربعین ضمن خودسازی، سعی می‌کنیم دیگرسازی هم کنیم؛ یعنی وقتی زائران در پیاده‌روی اربعین حضور می‌یابند، با سایر مسلمانان، تعامل سازنده و تربیت‌ساز برقرار و نسبت به آداب و رسوم یکدیگر شناخت پیدا می‌کنند. این نکته، مسئله‌ای بسیار حائز اهمیت است.

با پای پیاده طی طریق کردن، نشان می‌دهد خود مسیر هم برایمان موضوعیت دارد. اینها نکات مهمی در اربعین است که حقیقتاً بی‌نظیر است. نمی‌توان با نگاه‌های دنیوی و با تحلیل‌های اجتماعی و تاریخی صرف به فلسفه این حرکت پرداخت؛ در چنین نگاهی به هیچ وجه معنویت وجود ندارد گرچه اساس حرکت اربعینی بر اساس معنویت و الهیات است. آنها سعی دارند با تحلیل‌های اجتماعی، معنویت این جنبش‌ها را بگیرند.

* به نظرم می‌توان نتیجه گرفته که اربعین، جلوه آسمانی عاشوراست که در آن زمان در قالب کاروان کوچک شکل گرفت و اکنون در اربعین به‌صورت گسترده جلوه‌گر می‌شود. نظر شما چیست؟ آیا گزاره های عاشورایی و تمدنی در این رویداد دیده می‌شود؟

دولابی: اربعین می‌تواند نمادی برای آمادگی ظهور باشد. بر اساس روایات، یکی از پیش‌نیازهای ظهور، آمادگی معرفتی جامعه است که این مسئله در بستر معرفت به امام و جایگاه امام شکل می‌گیرد. این یاوران باید از کسانی باشند که تعلق به امور مادی و زندگی دنیوی نداشته باشند بلکه تعلق خاطرشان ارزش‌های الهی باشد؛ البته تعلق به امور دنیوی در اینجا به معنای نادیده گرفتن امور معنوی و اُخروی است و با بی‌توجهی نسبت به خانواده و امور زندگی تفاوت دارد.

در ایام اربعین مشاهده می‌کنیم فرد، تمام خانه و زندگی و شغل خود را رها می‌کند و با خانواده خود آن هم در شرایط دشوار، بسوی زیارت اباعبدالله حرکت

می‌کنند؛ این مسئله به‌تنهایی یکی از درس‌های ظهور است، زیرا تمام افراد داشته‌های خود را کنار می‌گذارند و به‌سمت امام خود حرکت می‌کنند؛ حرکت بسوی امام، آرمان شیعه است که در اربعین به‌صورت دسته‌جمعی اتفاق می‌افتد. این همان، پیام انتظار است.

*** با توجه به پیوستگی معارف حسینی با مهدویت، چه پیام‌های مشترکی بین این دو جریان وجود دارد؟**

دولابی: حرکت امام‌حسین و امام عصر پیام‌های مشترکی در بر دارد که از جمله آنها مبارزه با ظلم و ستم و احیای عدل و قسط است. «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ.» فاعلِ اقامه قسط، مردمند، یعنی آنها باید بانی این مسئله باشند. این اقامهٔ قسط نیاز به حرکت دسته‌جمعی و عزم گروهی برای تمام انسان‌ها دارد که طلیعه آن را در اربعین می‌بینیم.

همچنین مبارزه با ظلم و ستم بخش اصلی قیام اباعبدالله است؛ ظلم به معنای عدم قرارگیری امور در جای خود است؛ یعنی ظلمی که بر اثر تغییر سنت رسول خدا پیاده می‌شد، رو به اصلاح رفت.این مقدار از درس‌های عاشورا همواره در طول سالیان متمادی، زمینه‌های جذب حق‌طلبان عالم به دین مبین اسلام را فراهم آورده است و در جریان اربعین به‌صورت جمعی اتفاق می‌افتد تا حدی که در این مراسم، غیر از حضور تمام مسلمانان با مذاهب مختلف، مسیحیان، یهودیان و بوداییان و زرتشتی‌ها نیز حضور یافتند.

جمع شدن حول امام و لبیک به کسی که در رأس جامعه قرار دارد و سرسپردگی به ولایت او و آمادگی برای مبارزه با ظلم و ستم، از گزاره‌های نهفته در این مراسمند، گزاره‌هایی که برای ساختن تمدن نوین اسلام بسیار مورد نیازند؛ از این جهت این گزاره‌ها می‌توانند به ساخت تمدن نوین اسلامی کمک کنند.

اوج بذل جان و مال را در ایام اربعین شاهدیم

*** جناب دولابی، "حرکت بسوی امام" را یکی از شاخصه‌های بارز حرکت اربعینی معرفی کردند؛ چه شاخصه‌ها و درس‌های دیگری در جریان اربعین نهفته است؟**

فرّهی: ما برنامهٔ خودسازی را از ماه رجب آغاز می‌کنیم تا به قله ماه رمضان برسیم و در عید فطر به فطرت اصلی خود باز می‌گردیم؛ لذا هر کدام از اعیاد، زمینه‌ساز لقاءالله است.

اربعین نیز برای مسلمانان عید است؛ در حرکت اربعین از یک قومیت و مذهب خاص حضور ندارند بلکه از قومیت‌های مختلفی حضور می‌یابند. کاری که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در صدد تحقق آن است، ایجاد امت واحد اسلامی است. تجمع مسلمانان با هدف و مقصود واحد، همان امت واحده‌ای است که در بشریت در انتظار آن است؛ این امت چگونه شکل می‌گیرد؟ در وهله اول با گذشتن از نفسانیات؛ یعنی انسان از نفس خود عبور کند تا به خداوند برسد، نشان به اینکه او دیگر به فکر خودش نیست و مدام توجهش رسیدگی به اطرافیانش است. اوج بذل جان و مال را در ایام اربعین شاهدیم.

ما در مسیر اربعین این ویژگی را به وفور می‌بینیم؛ زائران در مسیر پیاده‌روی اربعین سعی دارند مدام ایثار و به دیگران کمک کنند، خداوند است که بین این قلوب پیوند می‌زند.

اربعین، حماسه‌ای برای بیداری است

کاری که امام حسین علیه‌السلام انجام داد، در تاریخ بی‌نظیر بود. ایشان از خود گذشت برای اینکه در طول تاریخ به ما مسیر را نشان دهد. در عین حال، عاشورا برای ما فقط مصیبت نیست بلکه حماسه هم است، حماسه‌ای برای بیداری. یکی از چیزهایی که در این دوره جدید برایمان هدف شده، بیداری اسلامی است. بیداری اسلامی هنوز تحقق نیافته بلکه گام‌هایی بسوی آن برداشته شده است.

یکی از درس‌های مهم اربعین این است که قومیت‌گرایی و نژادپرستی را باید کنار زد و مانند برادر با یکدیگر برخورد کرد؛ یعنی این برادری تجلی می‌یابد. اربعین، عرصه‌ای است که به واسطه آن، مرزهای قومیتی و مذهبی و حتی در آینده، مرزهای جغرافیایی از میان برداشته می‌شود و ارزش‌های دینی جایگزین آن می‌شود؛ همان مرزهایی که ساخته‌های بشری است که بخشی از آن بر اساس قرارداد «سایسپیکو» شکل گرفت و جالب اینجاست که خود آنها متوجه خطای‌شان شدند و بسوی اندیشه‌های جدیدی مثل آنترناسیونالیسم و ... روی آوردند. به نظرم یکی از درس‌های بزرگ اربعین، کنار زدن ساخته‌های نفسانی و نیز شکستن واحدهای سیاسی و اجتماعی است که برای خود و جوامع شکل دادیم و همچنین روی آوردن به الگوهایی که خداوند در این آیه عُظمای الهی نهفته است.

جریان اربعین حجاب تعصبات قومیتی را از بین می‌برد

به فرموده امیرالمؤمنین مردم دو دسته‌اند: «إِمَّا أَخٌ لَکَ فِی الدِّینِ وَ، اما نَظِیرٌ لَکَ فِی الْخَلْقِ؛ یا به دین با تو بردارند و یا به آفرینش با تو برابرند.» ما برای تشکیل جامعه اسلامی باید به این باور برسیم و حجاب‌های تعصبات مرزی و قومیتی را کنار بزنیم همچنان که در جامعه اربعینی این اتفاق رخ می‌دهد.

*** به نظر می‌رسد در مباحث تمدنی، قرآن مهجور مانده است همچنان که مشاهده می‌کنیم رویدادهای اجتماعی و سیاسی از هر منظری جز منظر قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ حال اگر اربعین را به مثابه جریانی الهی بدانیم، آیا می‌توان این رویداد را از منظر قرآن مطالعه کرد؟**

دولابی: قرآن کتابی است که در آن، تمام گزاره‌های سعادت انسان بیان شده است؛ بنابراین هر اندازه از نیکی‌ها و خوبی‌هایی که در این همایش شاهدیم، ریشه در آیات قرآن دارد. داستان اربعین در بردارنده تمام گزاره‌های اخلاقی و رفتاری است که برای اهل ایمان در قرآن ذکر شده است. ایام پیاده‌روی اربعین را جامعه آرمانی کوچک تلقی می‌کنیم. شخصی خدمت امام صادق علیه‌السلام رسید و گفت چرا قیام نمی‌کنید؟ فرمود مواسات شما به حد کامل نرسیده است. گفت مواسات یعنی چه؟ حضرت فرمود آیا به حدی رسیدید که یکی از شما دست در جیب دیگری کند و از اموال او بردارد بدون اینکه دیگری اعتراض کند. در مسیر اربعین همگان در اموال یکدیگر شریکند و از این اموال به‌صورت گسترده برای زائران هزینه می‌کنند. خیلی از آنها، درآمد سالیانه خود را جمع‌آوری می‌کنند تا از دیگر زائران استقبال کنند. این مسئله یکی از جلوه‌های مواسات است.

یا برخی آیات قرآن گویای رسیدگی به احوال یکدیگر و مهرورزی نسبت به همنوعان و مراوده مسالمت‌آمیز است. در آیه ۲۹ سوره فتح می‌خوانیم: «مُحَمَّدٌ رَسولُ اللَّهِ وَالَّذینَ مَعَهُ أَشِدّاءُ عَلَی الْکُفّارِ رُحَماءُ بَینَهُم... محمد، فرستاده خداست و کسانی که با اَویند بر کافران سرسخت و میان خودشان با یکدیگر مهربانند». دراین‌باره امام صادق(ع) فرمود «بر مسلمانان لازم است که برای پیوستن به یکدیگر تلاش کنند و با مهربانی به یکدیگر یاری رسانند و نیازمندان را همیاری و به یکدیگر محبت کنند تا همانگونه باشید که خداوند فرموده است رُحَماءَ بَینَهُم»

اربعین، جلوه تَعاوَنُوا عَلَی الْبرِّ وَ التَّقوی است

یا در مراسم پیاده‌روی اربعینی، افرادی را می‌بینیم که به دیگر زائران یاری می‌رسانند و در عین حال توقعی از آنها ندارند؛ یعنی نه انتظار جبران و نه حتی انتظار تشکر؛ به‌گونه‌ای که طبق آیه ۹ سوره انسان، فقط برای خدا کار می‌کنند «إِنَّما نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لانُريدُ مِنْكُمْ جَزاءً وَ لا شُكُوراً؛ ما شما را فقط برای خشنودی خدا اطعام می‌کنیم و انتظار هیچ پاداش و سپاسی را از شما نداریم.»

زائران در ایام اربعین، هدف خاصی را در نظر گرفتند و همگی در راستای تحقق این هدف حرکت می‌کنند، اما در عین حال به کسانی که در همان مسیر حضور دارند، یاری می‌رسانند؛ یعنی مصداق « تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى.»

کسانی که در مسیر پیاده‌روی اربعین به دیگران خدمت می‌کنند، یکدیگر را رقیب هم نمی‌بینند بلکه سایرین را برای ارتقای کارشان یاری می‌رسانند؛ بین زائران این حس وجود دارد؛ احساس نمی‌کنیم وبال یکدیگریم و جای همدیگر را تنگ کردیم بلکه کمک می‌کنیم تا دیگران در راحتی باشند.

جریان اربعین، بیداری فطرت‌ها را رقم زد

*** با تمام انبوه ارزش‌هایی که در جریان اربعین وجود دارد، به‌طور قطع می‌توان از آنها در راستای اصلاح و ارتقای سبک زندگی بهره برد؛ نظرتان دراین‌باره چیست؟**

فرّهی: در مسئله سبک زندگی باید به‌دنبال این باشیم که چه مقدار اسلامی و چه مقدار سکولار زندگی می‌کنیم. باید بررسی کنیم تا چه حد از اسلام ناب فاصله گرفته‌ایم و چه گزاره‌های ایمانی در جامعه و خانواده ما تضعیف شده است. باید اتفاقی رخ دهد تا بیداری شکل بگیرد و انسان‌ها به فطرتشان بازگردند. جریان اربعین این بیداری را در فطرت پاک‌طینتان عالم ایجاد کرده است.

اربعین، عرصه سبقت در ارزش‌های الهی است

مستضعفان در سفر اربعین حضور می‌یابند؛ همان کسانی که از لحاظ مادی ضعیفند و از دیگر سو احساس می‌کنند از جهت معنوی نیاز به رشد دارند. اربعین و کربلا میدان مسابقه است، مسابقه‌ای در جهت سبقت در ارزش‌های دینی و معنوی. در هر صورت شرکت در مراسم اربعین انسان را یک گام بسوی بالا و بسوی معنویت می‌کشاند.

خیلی از ارزش‌هایی که در سفر اربعین مشاهده می‌کنیم، مسائلی است که دین مبین اسلام دعوت به آن کرده است. حال، بروز این ارزش‌ها را در سطح وسیعی در مراسم اربعین مشاهده می‌کنیم؛ در سبک زندگی اسلامی ما در صدد تشکیل چنین جامعه‌ایم.

مقابل جریان اربعین، عده‌ای به بهانه گسترش صنعت توریسم، در صددند زنان خارجی را به شکل بی‌بندوبار در جامعه رها کنند. اربعین کجا و صنعت توریسم ما کجا ! فرهنگ خدا کجا و فرهنگ غرب‌گرایان کجا !

خداوند با برپایی جریان اربعین، الگوی سبک زندگی اسلامی را در معرض همگان قرار داد و نشان داد راه افزایش برکت و مسیر سعادت دنیوی و اُخروی از گذرگاه ارزش‌های دینی می‌گذرد.

فرّهی: در جریان اربعین، سبکی از زندگی متعالی را مشاهده می‌کنیم که تا قبل از آن، صرفاً به‌صورت نظری مورد بحث قرار می‌گرفت. شما وقتی در موکب یا منزلی قرار می‌گیرید، صاحبان آن، مکان آسوده‌تر و بهترین غذاها را در اختیارتان قرار می‌دهند و صاحبخانه یا صاحب موکب در مکانی ساده‌تر و با امکاناتی کمتر زندگی می‌کند. این نوع ایثار برآمده از معنویت این مسیر است.

مصاحبه سی‌و چهارم ـ سعید اوحدی، رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران:
تأثیرگذاری جریان اربعین در پیروزی‌های محور مقاومت

سعید اوحدی رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران و رئیس سابق سازمان حج و زیارت با اشاره به راهپیمایی اربعین حسینی گفت: رهبر معظم انقلاب اسلامی سال‌ها قبل در بیانی زیبا درباره راهپیمایی اربعین فرمودند: «شط جاری زیارت از اربعین سیدالشهداء سرچشمه گرفت و در طول تاریخ این مغناطیسم عظیم جاذبه حسینی ادامه پیدا کرد»، بنابراین باید اربعین را معجزه‌ای الهی دانست.

وی افزود: در سال ۹۲ وقتی برای اولین بار به بازدید مرزها رفتم، آمار زائرانی که از ایران به کربلا مشرف شده بودند، کمتر از دویست هزار نفر بود. زائران با سختی‌های زیادی مواجه بودند، به‌عنوان مثال، در مرز چزابه باران گرفته بود و زائر امام حسین چند سانتی در باران و گل، آن هم با کمترین امکانات گرفتار شده بودند. این عظمت امام حسین است که هیچ چیز مردم را از مولایشان جدا نمی‌کند.

رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران بیان کرد: شاید ما در همان سال‌ها فکر نمی‌کردیم که این عظمت را امروز در این همایش جهانی و مذهبی عالم خلقت شاهد باشیم، اما چنین اتفاقی افتاد.

اوحدی با اشاره به پیروزی‌های محور مقاوت در ماه‌ها و سال‌های اخیر گفت: امسال نخستین سالی است که راهپیمایی اربعین حسینی با پیروزی کامل و قاطع محور مقاوت بر داعش برگزار خواهد شد.

وی با تأکید بر اینکه اگر اربعین امام حسین نبود، ما اکنون به این پیروزی بزرگ در محور مقاوت نرسیده بودیم، گفت: بنده به‌خاطر دارم که روزی دشمنان تهدید می‌کردند و با خمپاره مسیر زائران امام حسین را منفجر می‌کردند.

رئیس سابق سازمان حج و زیارت یادآور شد: امسال راهپیمایی اربعین مصادف با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی است، آیا این امر حکمتی دارد؟ امام خمینی(ره) فرمود: راه قدس از کربلا می‌گذرد، آیا بستر ظهور در اربعین سیدالشهداء است؟ نمی‌دانیم اربعین به کجا کشیده می‌شود، اما آنچه مهم است این است که ما از این موهبت بزرگ الهی محروم نشویم.

اوحدی خاطرنشان کرد: مبادا ما جزو جاماندگان اربعین امام حسین باشیم. جاماندگان اربعین کسانی نیستند که به دلایل مختلف مانند عدم تمکّن مالی و ... قادر به شرکت در این راهپیمایی بزرگ نیستند، بلکه جاماندگان اربعین کسانی هستند که دلشان با زیارت اربعین نیست و نمی‌توانند ارتباط قلبی با اربعین برقرار کنند.

مصاحبه سی‌و پنجم ـ حجت‌الاسلام سید جواد بهشتی، کارشناس مذهبی:

لبیک به «هَل من ناصر» امام حسین در اربعین طنین‌انداز است/ آمریکَا و اسرَائیل از جریان اربعین می‌هراسند

*** به نظر شما چگونه می‌توان به ریشه تاریخی جریانی همچون پیاده‌روی اربعین حسینی پرداخت؟**

در اولین سال‌هایی که جریان راهپیمایی اربعین با این شدت راه افتاد (از سال ۹۱)، به‌عنوان یک محقق به ریشه‌یابی تاریخی این مسئله پرداختم و منابع مختلفی را مورد بررسی قرار دادم. محور مطالعه و تحقیقم چند شاخصه بود؛ مردمی که در قالب تجمعی بزرگ (به‌صورت پیاده و در راستای ترویج شعائر دینی) بسوی مقصدی واحد در حال حرکت هستند و در این مسیر زیباترین رفتارها را به نمایش می‌گذارند. اولین جایی که با چنین چیزی مواجه شدم، موسم حج بود؛ حرکتی جمعی برای خدا به‌سمت مقاصدی خاص (مشعر، منا، عرفات، طواف و ...). مطالعاتم را افزایش دادم و در گام بعد دریافتم که سنتی از سوی اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام پایه‌گذاری شده که نامش پیاده رفتن بسوی مکه و انجام حج بیت الله الحرام است. اهل‌بیت علیهم‌السلام در آن زمان‌ها با وجود اینکه مرکب و سایر امکانات برای تسهیل در رفتن به زیارت خانه خدا را داشتند، اما این مسیر را پیاده می‌پیمودند.

جالب است که اهل‌بیت علیهم‌السلام یکبار اقدام به این کاری نمی‌کردند، بلکه در روایت داریم که امام حسن مجتبی بیش از بیست مرتبه پیاده به سفر حج مشرّف شدند؛ امام حسین و امام سجاد و دیگر ائمه نیز همینطور بوده است. این سیره و سنت تمام ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده است. کلمه زیارت اولین بار برای خانه خدا بکار رفته است.

حرکت جمعی آن هم در قالب پیاده‌روی بسوی مقصدی واحد از قرن‌ها پیش و حتی از صدر اسلام مورد توجه اهل‌بیت علیهم‌السلام بوده و از آنجایی که آن بزرگواران کار بیهوده‌ای انجام نمی‌دهند، قطعاً در این اقدامشان علّت و حکمتی نهفته است.

* آیا می‌تواند ارزشی همچون «خودسازی و تزکیه نفس و روح» یکی از عوامل انجام این شکل از زیارات باشد؟

بله همینطور است، پیاده‌روی به قصد زیارت یک ریشه عرفانی و یک ریشه اجتماعی دارد که ریشه عرفانی آن بیانگر عشق به محبوب است. ذکر خدا و توجه به محضریت اهل‌بیت علیهم‌السلام از جمله نکات مهمی است که باید در اینگونه تجمعات مورد توجه قرار گیرد. اهل‌بیت علیهم‌السلام این شیوه زیارت را به ما آموختند، شیوه‌ای که در آن نوعی خودسازی در حال حرکت هست و هیچگونه ایستایی در آن دیده نمی‌شود. این شیوه زیارت یک جنبه اجتماعی هم دارد؛ وقتی عده‌ای این تجمع مردمی را از بیرون مشاهده می‌کنند، این سؤال برایشان ایجاد می‌شود که اینها چه کسانی هستند و به کجا می‌روند. به یاد دارم وقتی در همان سال‌های اول که جریان اربعین در این وسعت شکل گرفت در رسانه‌ها خواندم که جوانان عربستانی از والدین خود می‌پرسیدند: این حسین کیست که چنین جمعیتی در یک بازه زمانی خاص بسوی حرم و مرقد او کشیده می‌شوند؟ جالب است که والدین آنان نیز از پاسخ به این سؤال عاجز و سرگردان بودند.

زیارت اربعین پدیده‌ای برای جلب توجه جهانیان به امام حسین علیه‌السلام است

امروز اگر کسانی بخواهند دنیا را متوجه خود کنند پیاده مقصدی واحد حرکت می‌کنند، به‌عنوان مثال، در أقصی نقاط جهان وقتی قشری بخواهند نسبت به موضوعی اعتراض کنند، در قالب یک اجتماع، به‌صورت پیاده و با هدفی مشخص بسوی مقصدی واحد حرکت می‌کنند؛ وسیله و امکانات دارند، اما پیاده این کار را انجام می‌دهند، چون باعث جلب توجه جهانیان می‌شود و این سؤال مطرح می‌شود که اولاً اینها چه کسانی هستند و دوماً اینها برای چه پیاده هستند و با چه هدفی و به کجا می‌روند؟ این خود یک رسانه است و آن هم رسانه‌ای اثرگذار. یکی از کارهایی که رسانه انجام می‌دهد متوجه کردن اذهان جهانیان به خود است، تجمع مردم به‌صورت پیاده و با هدفی مشخص، رسانه‌ای اثرگذار در عرصه جهانی است، بنابراین باید گفت امروز جریان راهپیمایی اربعین بزرگ‌ترین رسانه برای جلب توجه جهانیان

به موضوعی خاص است. در روایت داریم که در غروب روز عاشورا وقتی بدن مطهر تمام شهدا روی زمین افتاده بود، حضرت زینب این جمله را به امام سجاد علیه‌السلام عرض کردند: در این سرزمین پرچمی بلند خواهد شد که اثرش پیوسته باقی خواهد ماند گرچه هزاران هزار روز و شب هم بگذرد.

لبیک به «هَل من ناصر» امام حسین علیه‌السلام در راهپیمایی اربعین طنین‌انداز است

مرحوم شوشتری در کتاب خصائص الحسینیه آورده که امام حسین در روز عاشورا هشت مرتبه استغاثه و طلب نصرت کردند، مرحوم شوشتری چنین نقل می‌کند که در آن روز این بانوان بودند که از خیمه‌ها به ندای مولایشان لبیک گفتند. موج این صدا امروز از هزار و چهارصد سال پیش عبور کرده و دارد در جریان اربعین حسینی بار دیگر طنین‌انداز می‌شود و انسان‌های آزاده و حق‌جو را از شرق و غرب عالم بسوی خود می‌کشاند.

فردی در مدینه از امام سجاد علیه‌السلام پرسید پیروز میدان در روز عاشورا که بود؟ مؤذن در حال اذان گفتن بود، حضرت فرمود: گوش کن تا بشنوی پیروز میدان که بود. تا موذن گفت «أَشْهَدُ ان محمداً رسول الله» حضرت فرمود: پدرم و اهل‌بیت ایشان قیام کرد تا این نام (محمد) باقی بماند، این ندا امروز بعد از مدت‌ها شنیده می‌شود و عشق و محبت جدّ ما را در سینه دارند، پس پیروز میدان مشخص است. صدای "لبیک یا حسین" در راهپیمایی اربعین نشان می‌دهد که چراغ امام حسین پرنور از گذشته شده است.

وقتی امام زمان (عج) از کنار خانه کعبه ظهور می‌کند، خود را با نام جدّشان امام حسین معرفی می‌کند « **أَلا يَا أَهلَ الْعالَم إِنَّ جَدِّيَ الْحُسَين قتل عَطشاناً أَلا يَا أَهلَ الْعالَم إِنَّ جَدِّيَ الْحُسَين سَحَقوهُ عُدواناً**»، طوری که تمام جهانیان صدا او را می‌شناسند، پس باید نام امام حسین به‌طور کامل شناخته شده باشد. امروز در اربعین نام امام حسین دارد بیش از گذشته به جهانیان معرفی می‌شود، همین امر سبب می‌شود مشتاقان به فضای اربعین ورود پیدا کنند و به مطالعه شخصیت، سیره و سنّت آن حضرت بپردازند. رهبر معظم انقلاب در این زمینه فرمودند: «امروز احتیاج داریم که حسین‌بن‌علی را به دنیا بشناسانیم. منطق حسین منطق دفاع از حق، ایستادگی در برابر ظلم و طغیان مقابل گمراهی و استکبار است. پیام امام حسین، پیام نجات دنیا است. حرکت عظیم اربعین، دارد این پیام را منتشر می‌کند و روزبه‌روز این حرکت باید تقویت شود. اربعین جهانی شد و جهانی‌تر هم خواهد شد و این خون حسین‌بن‌علی است که بعد از ۱۴۰۰سال دارد می‌جوشد و روزبه‌روز زنده‌تر می‌شود.»

در گذشته‌ها اینطور نبود که به یکباره خیل عظیمی از مردم با تشیع، امام حسین و آئین اسلام آشنا شوند، اما امروز در راهپیمایی اربعین آنچنان ندا و پیام امام حسین به جهانیان انتقال داده می‌شود که به یکباره موجی از مردم بسوی حرم و بارگاه مطهر حضرت سیدالشهدا حرکت می‌کنند.

گسترش نور اربعین در دنیا موجب بیداری و تحول قلوب مردم شد

*** جالب است که به راهپیمایی اربعین به‌عنوان یک "جریان" نگاه کنیم؛ پدیده‌ای که نور آن در سال‌های اخیر به سراسر تابیده و موجب بیداری اسلامی و تحول قلوب مردم آن کشورها شده است.**

بله، به یاد دارم وقتی امام خمینی(ره) به فرانسه رفتند، شیخ ابراهیم زکزاکی دانشجو بود، در آن زمان‌ها حدود هزار نفر شیعه در نیجریه حضور داشت، اما امروز بیست میلیون شیعه در نیجریه حضور دارد، ۲۵ سال پیش، او پس تحصیل در مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام به قصد تبلیغ و ترویج عملی اسلام ناب وارد میدان شد و پا در زادگاه خویش، نیجریه گذاشت. شیخ زکزاکی با این نیت الهی و نورانی توانست علاوه بر خانوادهٔ خویش، بسیاری از اطرافیان و هموطنان خود را به فضای ناب اسلامی دعوت کند و در پی همین دعوت و استقامت بر آن، اینک شاهد جمعیت بیست میلیونی شیعه‌ای هستیم که بر مدار این شیخ بزرگوار اسلام آورده‌اند. این ماجرا اتفاقی مبارک و از ابعادی یک اتفاق کم‌نظیر در عالم است و عقلانی است در نظر بگیریم مقابل چنین جریان عظیم و خدایی، شیاطین و ایادی او نیز با تمام قوا وارد میدان شوند و دشمنی می‌ورزند که چنین هم کردند. اصلاً دستگیری شیخ زکزاکی در اربعین اتفاق افتاد، در آن سالی که او دستگیر شد بیش از ۱۰ میلیون نیجریه‌ای در راهپیمایی اربعین حضور داشتند، اربعین در سال‌های اخیر به پدیده‌ای برای گرایش جهانیان به امام حسین و اسلام ناب محمدی تبدیل شده است.

استکبار جهانی از زیارت اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌هراسد

*** در نگاه شما مسئله "زیارت" از چه جایگاهی در دین اسلام برخوردار است؟**

تا زمان امام صادق علیه‌السلام حکومت‌های جابر به شدت جلوی عزاداری امام حسین را می‌گرفتند و مانع به زیارت رفتن مردم می‌شدند. در زمان امام صادق زیارت حضرت سیدالشهدا کمی توسعه پیدا مرد، اما باز هم محدویت‌هایی وجود داشت، در زمان امام

نهم و دهم زیارت آن حضرت رونق بسیار زیادی گرفت، طوری که متوکل عباسی ملعون احساس خطر کرد، امروز استکباری جهانی اعم از انگلیس، آمریکا و اسرائیل از زیارت ائمه اطهار علیهم‌السلام و به‌خصوص زیارت امام حسین در جریان اربعین می‌هراسند.

در دستگاه فکری مستکبران، زیارت یک اقدام استراتژیک است

در دستگاه فکری مستکبران، زیارت یک اقدام ساده محسوب نمی‌شود، بلکه یک کار استراتژیک بوده است. امام هادی در زیارت جامعه کبیره به ما آموختند که در کنار این شور حسینی باید شعور حسینی را نیز تقویت کرد. اگر این موضوع محقق نشود دشمن با قدرت وارد میدان خواهد و ضربات سنگین‌تری به تشیع وارد خواهد کرد. اهمیت این موضوع به قدری است که رهبر معظم انقلاب در دیدار موکب‌داران عراقی بر لزوم کار فکری و فرهنگی دقیق و عمیق در حوزه راهپیمایی اربعین تأکید کردند و فرمودند: «اهل فکر و فرهنگ برای عظمت این مراسم برنامه‌ریزی کنند. هدف هر مسلمان باید امروز ایجاد تمدن نوین اسلامی باشد.» تولید محتوای صحیح و متقن یکی از نیازهای اربعین است.

یکی از اختلافات ما با وهابیت به مسئله زیارت بر می‌گردد؛ آنان با این رفتار مخالفند. طرّاح مسئله زیارت شخص پیغمبر اکرم است و اسناد آن در منابع شیعه و سنّی نیز موجود است. پیامبر اکرم بارها و بارها در دوران حیاتشان می‌فرمود که به زیارت من (دیدارم) بیایید، وقتی از میان شما رفتم به زیارت قبرم بیایید، وهابی‌ها بر این باورند که در قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام بدنی وجود ندارد و اصلاً آمدن بر سر قبور اهل‌بیت علیهم‌السلام را شرک می‌دانند و اشک شیعیان بر اهل‌بیت علیهم‌السلام را نیز به استهزا می‌گیرند. پیغمبر فرمود: پس از من، به زیارت امیرالمؤمنین و حسنین علیهم‌السلام و ... بروید و بعد از آنها به زیارت قبرشان بروید، جالب است حتی گفته شده اگر نمی‌توانید به محل قبور ما بیاید زیارت از راه دور انجام دهید. این اصرار بیانگر بُعد تربیتی و تأثیرات سیاسی و اجتماعی برای جبهه حق است. در روایت داریم فردی نزد امام صادق رسید و عرضه داشت: خانه من بسیار از کربلا دور است، حضرت به او نهیب زد و فرمود: آیا سالی یکبار هم نمی‌خواهی به کربلا و امام حسین را زیارت کنی؟ این نشان از اهمیت زیارت اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌خصوص زیارت سید و سالار شهیدان امام حسین است.

مصاحبه: امیرمحسن شیخان

مصاحبه سی و ششم ـ حجت‌الاسلام مصطفی کرمی، پژوهشگر و کارشناس دینی:
جامعه باید از فرهنگ اربعینی الگوگیری کند

*** نظر شما راجع به جریان راهپیمایی اربعین که در سال‌های اخیر شکل خاصی پیدا کرده و مردم با شور و شوق بسیاری به اربعین می‌روند، چیست؟**

امروز راهپیمایی اربعین حسینی به بزرگ‌ترین ظرفیت جهان اسلام تبدیل شده است، این ظرفیت فراتر از موسم حج است که منشأ آن عشق و محبت حضرت اباعبدالله الحسین است. رهبر معظم انقلاب سال گذشته در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی فرمودند: «این کسانی که این راه را طی کردند و این حرکت عاشقانه را و مؤمنانه را دارند انجام می‌دهند، واقعاً دارند حسنه‌ای را انجام می‌دهند. این یک شعار بزرگ است (لا تُحِلّوا شَعائِرَ الله) این بدون شک جزو شعائرالله است. جا دارد که امثال بنده که محرومیم از این‌جور حرکت‌ها عرض کنیم که « **یا لیتنا کنّا معکم فنفوز فوزاً عظیماً**». همانطور که عرض کردیم، این حرکت حرکت عشق و ایمان است؛ هم در آن ایمان و اعتقاد قلبی و باورهای راستین، تحریک‌کننده و عمل‌کننده است؛ هم عشق و محبّت. تفکّر اهل‌بیت و تفکّر شیعی همین‌جور است؛ ترکیبی است از عقل و عاطفه، ترکیبی است از ایمان و عشق؛ ترکیب این دو» (۹۳/۱۰/۱۹)

* حدود ۸ سال است که راهپیمایی اربعین در گسرده‌ای وسیع با حضور نژادها و سلایق مختلف برگزار می‌شود، اما چرا همچنان شاهد برنامه‌ریزی دقیق و متقنی

برای مطالعه علمی این پدیده طوری که منجر به تحولی چشمگیر در کشور بشود دیده نمی‌شود؟

این جنبش و حرکت مردمی در ایام اربعین در راستای نزدیکی هرچه بیشتر به آرمان‌ها و سیره امام حسین است تا جهان را متوجه خود کند. همانطور که اشاره کردید باید راهپیمایی اربعین را مورد بررسی دقیق علمی قرار داد، اینکه چرا در این برهه از زمان آن هم در این وسعت عاشقان و دلدادگان از أقصی نقاط جهان بسوی کربلا کشانده می‌شوند و ...، این مولفه‌ها باید از سوی جامعه نخبگانی کشور و فرهیختگان که رهبر معظم انقلاب نیز چندی پیش بر آن تأکید کردند، مورد مطالعه و پژوهش جدّی قرار گیرد. کارهایی تاکنون صورت گرفته، اما با توجه به اهمیت و ظرفیت اربعین بسیار کم است. واقعیت این است که اگر جمهوری اسلامی و حتی سایر کشورهای جهان میلیاردها دلار هزینه می‌کردند تا چنین جریانی به این شکل در هر نقطه‌ای از عالم ایجاد شود، به هدف نمی‌رسیدند، اما خدا عشق حضرت سیدالشهداء را در قلوب انسان‌ها بیشتر و بیشتر کرد و از این طریق سرمایه و ظرفیت بسیار ارزشمندی را در اختیار جهان اسلام قرار داده است.

الگوی جامعه اربعینی باید کشور منتقل شود

ما باید برای راهپیمایی اربعین برنامه‌ریزی کنیم آن هم نه از یکی دو ماه پیش از اربعین، بلکه باید از یک سال قبل از جریان اربعین تمام آحاد از مسئولان سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... الگوی جامعه اربعینی را مورد بررسی قرار دهند، این الگو باید در جامعه پیاده شود، نیاز امروز کشور ما شاخصه‌ها و ارزش‌های نهفته در جریان اربعین است، با این صفات اربعینی است که جامعه به حیات مجدد می‌رسد و در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و ... شاهد تحولی چشمگیر خواهیم بود. این در حالی است که ما از ظرفیت‌های بالای اربعین برای رشد خود و جامعه بهره‌برداری درستی نمی‌کنیم، اربعین چند سالی است که بسیار باشکوه در حال برگزاری هست و هر سال هم به شکوه و عظمت آن اضافه می‌شود بدون اینکه ما و یا سایر کشورها دخالتی در آن داشته باشیم، ما نباید منفعل عمل کنیم بلکه باید سعی کنیم ارزش‌های حسینی و زیبایی‌های اربعین را با خود به شهر و دیارمان بیاوریم و با انتقال روحیات و صفات اربعینی، مبلّغ اربعین باشیم.

در این برهه زمانی هیچ ظرفیتی به اندازه راهپیمایی اربعین قابلیت بهره‌برداری جهت تقویت جبهه حق مقابل مستکبران را ندارد. اربعین یک جریان است، پس باید در طول سال حال و هوای اربعین در کشور جریان داشته باشد نه اینکه دو سه ماه مانده به راهپیمایی اربعین به‌یک‌باره شاهد موجی از برنامه‌ها، همایش‌ها و سمینارهای با موضوع راهپیمایی اربعین باشیم، گرچه این اقدامات خوب و ارزشمند است، اما باید بدانیم که کافی نیست و باید به پدیده اربعین به‌عنوان یک جریان نگریست، اینگونه اربعین در زندگی‌های فردی و اجتماعی هر یک ما جریان پیدا می‌کند.

تابش نور اربعینی به سایر کشورهای جهان

امروز وحدت مسلمین در جهان به‌برکت راهپیمایی اربعین ایجاد شده است، در سال‌های اخیر تشعشعات نور اربعین به سایر کشورهای آسیای میانه، آفریقا و ... رسیده است و آنها را بسوی اربعین کشانده تا در این ظرفیت بالا فرصت حضور جمعی، تبادل‌نظر و ... فراهم شود، نباید پدیده اربعین را در حد یک سفر عادی و پیاده‌روی بنگریم بلکه باید فراتر از اینها به آن نگریست و پیام‌های راهپیمایی اربعین که وحدت امت اسلام، صفا و صمیمیت، محبت و ایثار میان اقشار مختلف مردم و ... است، در طول سال در زندگیمان وجود داشته باشد.

کربلا پایگاه تجهیز شیعیان برای حوادث آخرالزمان است

*** بر اساس آنچه گفته شد اینطور بر می‌آید که شما جریان اربعین حسینی را حاصل برنامه‌ریزی دولت‌ها و کشورها نمی‌دانید بلکه پدیده‌ای برآمده از دست اراده و قدرت الهی می‌دانید، درست است؟**

بله قطعاً همینطور است. هیچ کشور و دولتی (دست انسان‌ها در این دنیای مادی) توان ایجاد چنین ظرفیتی را ندارد و این دست قدرت الهی است که چنین ماجراهایی را مثل انقلاب اسلامی برپا کرده که قطعاً هدف خاصی هم در پس آنان است. خداوند همیشه در طول تاریخ دست قدرت خودش را از آستین کربلا به نمایش گذاشته است، همیشه نقطه عطف تحرکات مهم در تاریخ بشریت از کربلا و امام حسین بوده است. در رخدادهای آخرالزمانی و پدیده‌هایی که یادآور نزدیکی به دوران ظهور است، اربعین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و حتی می‌توان کربلا را مقرّ آماده‌سازی شیعیان در آخرالزمان دانست. در حوادث آخرالزمان، عاشورا و فرهنگی حسینی نقش‌آفرین است،

حرکت امام حسین بسوی کربلا نقطه عزیمت تمام حرکت‌های الهی و انقلابی تاریخ بوده و هست.

در سال‌های اخیر که راهپیمایی اربعین وسعت بیشتری پیدا کرده شاهد تنش‌های زیادی در کشور بودیم که برخی آنها به علت اتفاقاتی است که در منطقه رخ داد. دشمنان در سال‌های اخیر تلاش‌ها و هزینه‌های زیادی کردند تا میان ایران و عراق فاصله، تفرقه و پراکندگی ایجاد کنند، اما مکر آنان را خدا خنثی، اربعین را تقویت کرد و محبت و عشق میان زائران و عراقی‌ها با عنوان میزبانان اصلی مراسم اربعین را افزایش داد و اینچنین مکر خدا بر مکر آنان غلبه پیدا کرد. امروز مردم ایران و عراق در کنار هم و در کمال صلح و محبت با محوریت امام حسین، تلاش‌های نافرجام دشمنان را پاسخ دادند که این تحول قلوب جز از طریق دست غیب الهی و نوری از ملکوت آسمان‌ها ممکن نبود. از همان حوالی سال ۹۱ بود که دشمنان اجماع جهانی علیه تشیع را راه انداختند، اما خدا در راهپیمایی اربعین تمام حیله‌ها و نیرنگ‌های دشمنان را بر باد داد، به‌تعبیر دیگر هر قدر فشارهای دشمنان علیه شیعیان بیشتر می‌شود خدا نیز با برپایی صحنه‌های عظیم، به تقویت جبهه حق می‌پردازد که راهپیمایی اربعین یکی از آن صحنه‌هاست. ما باید به این درک برسیم که سه پدیده "انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و اربعین" سه حلقه به هم پیوسته‌اند. نور انقلاب اسلامی که امروز به أقصی نقاط جهان ساطع شده در منطقه موجب بیداری اسلامی و طلیعه دیگر از آن موجب شکل‌گیری راهپیمایی اربعین حسینی در کشور عراق شده و اتفاقات مبارک و خجسته دیگری هم در پیش روست.

*** به نظر شما آیا می‌توان اربعین یکی از معجزات این عصر دانست؟**

با توجه به آنچه در سال‌های اخیر شاهد هستیم باید به این نکته تأکید کرد که اربعین آیه و نشانه‌ای الهی است. امروز اربعین بزرگ‌ترین معجزه این برهه زمانی جهان اسلام است، سال‌ها قبل دشمنان جمهوری اسلامی تمام تدابیرشان را بکار گرفتند تا انقلاب اسلامی را در نطفه خفه کنند، اما چرا این انقلاب مثل یک انبار باروت که جرقه خورده باشد امروز در جهان پیچیده است؟ آنان فکر کردند با دست می‌توانند جلوی نور خورشید را بگیرند، ما باید ایمان خود را در این زمینه تقویت کنیم و تسلیم امر خدا باشیم و با جریانات الهی مثل انقلاب اسلامی و اربعین همراهی کنیم.

مصاحبه: امیرمحسن شیخان

مصاحبه سی و هفتم ـ آیت‌الله کعبی، عضو مجلس خبرگان رهبری:
راهپیمایی اربعین طاغوت برانداز است

آیت‌الله عباس کعبی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و عضو مجلس خبرگان رهبری گفت: راهپیمایی اربعین تجدید بیعت با امام حسین و آمادگی برای ظهور و تبلور روحیه مقاومت، ایستادگی و جانفشانی در راه احیای باورها و ارزش‌های اسلامی و انسانی است که حضرت سیدالشهدا برای آن شهید شد.

عضو مجلس خبرگان رهبری، راهپیمایی اربعین را نماد انسجام، امت‌سازی و تمدن‌سازی دانست و افزود: این راهپیمایی مقاومت‌ساز، طاغوت‌برانداز و تبلور استکبارستیزی است.

آیت‌الله کعبی گفت: بسیج ظرفیت‌های نهفته امت اسلامی، بیداری اسلامی و انسانی، الگوگیری از نهضت حسینی و احیای ارزش‌های حسینی در پهنه زمان و مکان، پیروزی و اقتدار جبهه مقاومت مقابل جبهه استکبار و دشمنان اسلام، در اربعین و عشق به حضرت اباعبدالله الحسین متجلی شده است.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اضافه کرد: راهپیمایی جهانی اربعین که سال به سال بر عزّت و عظمت آن افزوده می‌شود، دستاوردهای و برکات بسیاری برای امت اسلامی داشته و خواهد داشت، این جریان قطعاً موجب وحشت استکبار جهانی است و به زودی بساط کفر و دشمنان اسلام و مسلمین به این وسیله برچیده خواهد شد.

«اقتدار حسینی، احیای فطرت انسانی، آمادگی بیشتر برای امر ظهور امام زمان (عج) با بیعت حسینی و بیداری اسلامی، انسجام و مدت امت اسلامی، تلاش برای پیشرفت عدالت میان امت اسلامی و حرکت بسوی تمدن نوین اسلامی» از جمله پیام‌های راهپیمایی اربعین است.»

وی با بیان مطلب فوق گفت: امروز حوزه‌های علمیه کشور وظیفه سنگینی برعهده دارند و نباید از ظرفیت جهانی اربعین برای ترویج دین مبین اسلام و جبهه مقاومت بر اساس پیام‌های عاشورای حسینی و همچنین مطالعه همه‌جانبه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مردمی زیارت اربعین غافل شوند.

آیت‌الله کعبی خاطرنشان کرد: امروز حوزه‌های علمیه با توجه به شکل‌گیری جریان اربعین به‌عنوان ظرفیت انسانی بزرگ جهان اسلام، نقش مهمی جهت ترویج معارف حسینی و رشد و ارتقای فکری و فرهنگی فردی و اجتماعی کشور دارند، اربعین استعداد پاسخگویی همه‌جانبه و پژوهش علمی دقیق را دارد؛ لذا باید نخبگان و فرهیختگان دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور از این فرصت مناسب نهایت بهره را ببرند.

مصاحبه سی و هشتم ـ آیت‌الله حسینی بوشهری، عضو مجلس خبرگان رهبری:
راهپیمایی اربعین، اقتدار جبهه مقاومت را به رخ دشمنان کشیده است

آیت‌الله سید هاشم حسینی بوشهری عضو مجلس خبرگان رهبری و دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه با اشاره به راهپیمایی اربعین گفت: در سال‌های اخیر به واسطه برپایی راهپیمایی اربعین بر شکوه و عظمت جریان حسینی در عالم افزوده شده است، طوری که اگر بگوییم این راهپیمایی در دنیا کم‌نظیر و بلکه بی‌نظیر است، سخن گزافی نگفته‌ایم.

وی افزود: همانگونه که حرکت امام حسین حرکتی الهی، برای خدا و برای مبارزه با ظلم و ستم بود، باید همه کسانی که در راهپیمایی اربعین و به‌طور کلی در مسیر اهداف و آرمان‌های حضرت سیدالشهداء گام بر می‌دارند، علاوه بر برگزاری باشکوه سوگوار امام حسین، با برنامه‌ریزی حساب‌شده بیشترین بهره‌برداری را جهت تقویت جبهه حق کنند.

آیت‌الله حسینی بوشهری خاطرنشان کرد: امروز نه‌تنها شیعیان و جبهه انقلاب اسلامی بلکه جبهه موحدان و هر آن کسی که شیفته حرکت حسینی است، به برگزاری چنین راهپیمایی عظیمی در کربلا افتخار می‌کند؛ چراکه به واسطه این جریان عظیم الهی، توجه جهانیان به تفکر و فرهنگ حسینی جلب می‌شود.

«راهپیمایی اربعین مقابل اقدامات دشمنان و ظلم و ستم‌هایی مستکبران در کشورهای مظلوم جهان، پاسخ محکمی از سوی جبهه حق به آنان است که هیچگاه مقابل ظلم و بیداد همچون مولایشان امام حسین کوتاه نخواهند آمد؛ البته باید به این

نکته نیز توجه داشت که برخی به‌دنبال ایجاد تفرقه میان دولت‌های ایران و عراق هستند لذا باید برای خنثی کردن این دسیسه دشمن از انجام هر اقدامی که هدف آنان را محقق کند پرهیز کرد و در مقابل، وحدت، یکپارچگی و همدلی را در وسعتی بیش از گذشته به منصه ظهور برسانیم».

اربعین، امیدبخش حرکت تمدن‌ساز امت اسلامی است

وی با بیان مطلب فوق گفت: راهپیمایی اربعین امیدبخش حرکت تمدن‌ساز امت اسلامی است، هر قدر جبهه مقاومت بیشتر تقویت شود ـ که موسم اربعین یکی از عرصه‌های تحقق این امر است ـ جبهه کفر و استکبار نیز ضعیف‌تر خواهد شد.

دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه تصریح کرد: امروز در منطقه شاهد همدلی میان حماس، حزب‌الله و جمهوری اسلامی هستیم، دشمن تا مدتی اخیر هیچگاه تصور نمی‌کرد چنین وحدت و یکپارچگی میان اینها وجود داشته باشد، اما خدا مسیر را به گونه‌ای که جبهه حق تقویت شود پیش برد و امروز راهپیمایی اربعین اقتدار جبهه مقاومت را به رخ دشمنان کشیده است. اگر روزی این تجمع متحد بر محور حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام اراده‌ای داشته باشد، این اراده نقش‌آفرین و تأثیرگذار خواهد بود و جبهه کفر را از میان خواهد برد.

مصاحبه سی و نهم ـ آیت‌الله سید محمد قائم‌مقامی پژوهشگر و استاد حوزه:
الگوی نظام آینده جهان در راهپیمایی اربعین تصویر شده است

آیت‌الله سیدمحمد قائم‌مقامی پژوهشگر و استاد حوزه گفت: راهپیمایی اربعین بدون تردید یکی از وقایع مهم آخرالزمانی است، چون اتفاقاتی که در ایام اربعین رخ می‌دهد عجیب و شگفت‌انگیز است.

«اینکه امام حسن عسکری فرمود «اربعین یکی از علائم مؤمنان است» باید رمزگشایی می‌شد. امروز مؤمنان عالم با برخورداری از ویژگی "ایمان" در موقعیتی به نام کربلا گرد هم می‌آیند، تجمعی که مقابل شیطنت‌های کفر و استکبار جهانی است.»

این استاد حوزه با بیان مطلب فوق خاطرنشان کرد: جریان اربعین به‌عنوان یک واقعه آخرالزمانی متصل به جریان بزرگ‌تری در آینده است، بدون اینکه بخواهیم زمانی را برای آن مشخص کنیم، اما شواهد و قرائن نشان از این دارد که راهپیمایی اربعین یک دعوت جهانی برای آینده پیش روست.

آیت‌الله قائم‌مقامی گفت: زائران امام حسین علیه‌السلام در قالب راهپیمایی اربعین به دیدار خدا می‌روند، چراکه امام صادق علیه‌السلام فرمود: **«مَن زارَ قَبرَ أبي‌عَبدِاللّه بِشَطِّ الفُراتِ كَمَن زارَ اللّهَ فَوقَ عَرشِه»**. انسان‌ها با زیارت سیدالشهداء علیه‌السلام، وجه‌الله را زیارت و توحید و ایمان را به معنای واقعی در این مسیر تجربه می‌کنند.

وی یادآور شد: بشر هیچگاه در حد وسیع، دین و توحید خالص را تجربه نکرده است. جریان عاشورا و کربلا در حقیقت دعوت‌کننده انسان‌ها به تجربه دین حقیقی ـ همانطور که هست ـ است.

الگوی نظام آینده جهان در راهپیمایی اربعین تصویر شده است

این استاد حوزه تصریح کرد: امروز درب شیشه عطر حقیقت حسینی باز شده است، این عطر به مشام جان انسان‌ها در پهنه عالم رسیده، عطری که هیچگاه قابل مقایسه با چیزی دیگری نیست. این موضوع جنبه جهانی هم پیدا کرده و پدیده‌ای است که جبهه کفر هرگز فکر آن را نمی‌کرد. این جریان با وجود شیطنت‌های دشمنان همچنان مسیر پیش روی خود را ادامه می‌دهد و سرد و خاموش نخواهد شد.

آیت‌الله قائم‌مقامی گفت: در راهپیمایی اربعین حسینی الگوی نظام آینده جهان اعلام شده است، در واقع خدا با برپایی صحنه اربعین دارد با بندگان خود به زبان صحنه سخن می‌گوید که ای انسان‌ها اگر می‌خواهید بدانید نظام آینده چگونه است، باید در اربعین جست‌وجو کنید. نظام حاکمیت جهان در آینده نظام حاکمیت خدا و مردم خواهد بود؛ همانطور که در راهپیمایی اربعین به‌صورت دقیق حاکمیت خداوند و مدیریت مردم بر خود دیده می‌شود.

ب) گفت وگو با تازه مسلمانان

وقوع انقلاب اسلامی ایران آغاز تحولی عظیم در پهنه عالم در مسیر رشد ارزش‌های دینی بود؛ زیرا این انقلاب زمانی به پیروزی دست یافت که مکاتب الحادی دنیا سایه بر نظامات سیاسی و اجتماعی دنیا افکنده و از این طریق جوامع بشری را تحت سلطه ظالمانه خود در آورده بودند. از دیگر سو این مکاتب به هیچ وجه نتوانسته بودند نیازهای فطری بشر را که همان رشد و تعالی معنوی است فراهم آورند بلکه با طلیعه‌های مدرنیسم که با زمینه‌های فلسفی خاص خود در غرب آغاز شد، زمینه مکاتب الحادی همچون انسان‌باوری (اُمانیسم) در مقابل خداباوری و نیز ماتریالیسم (مادی‌گرایی) در مقابل (آخرت‌گرایی) فراهم شد.

از این رو به‌اذعان برخی از اندیشکده‌های آمریکایی ـ غربی رشد و گسترش رویکرد افکار عمومی جهان به دین اسلام پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران انکارناپذیر است به‌گونه‌ای که دین اسلام در دهه‌های آینده دین اول مردم جهان خواهد بود؛ زیرا انقلاب اسلامی احیاءگر اندیشه‌های ناب اسلام بود؛ اندیشه‌هایی که مبتنی بر فطرت انسانی است. آموزه‌های انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن هرچند توسط برخی شبه‌روشنفکران لیبرال مورد تحریف قرار گرفت و آن را همچون دین اسلام در نظرها ناخرسند نشان داد، اما با پشتوانه معنوی خود همچنان مسیرش را به سوی آرمان‌های اسلام ادامه داده است که این مسأله را در عمل مشاهده کرده‌ایم.

در دهه‌های اخیر نه‌تنها موج انقلاب اسلامی متوقف نشده بلکه شاهد نفوذ اندیشه‌های دینی در سایر بلاد اسلامی بودیم که از آن با تعبیر «بیداری اسلامی» یاد می‌شود. همچنین در ۵ سال اخیر شاهد سومین موج بیداری ملت‌ها این بار در سطح جهانی بودیم که از آن به‌عنوان پدیده "پیاده‌روی اربعین حسینی(ع)" یاد می‌شود. حضور گسترده مردم دنیا با هر دین و مذهبی و بدون توجه به اختلافات مذهبی و قومیتی و با یک هدف و مقصد واحد که همان زیارت سید و سالار شهیدان است، طلیعه‌های یک رویداد بسیار بزرگ در پهنه عالم است که تاکنون نظیر نداشته است. شنیدن و خواندن خاطرات مسلمانان یا تازه‌مسلمانانی که از کشورهای اروپایی و آمریکایی در این همایش بین‌المللی حضور یافته‌اند و یا در آرزوی این سفر سپری می کنند، درس‌آموز و عبرت‌انگیز و برای ما جالب توجه خواهد بود.

مصاحبه چهلم ـ دیوید فیلیپ آمریکایی:
اربعین تنها دلیل امیدواری به آینده انسان و جهان است/ بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر مسلمان شدم

دیوید فیلیپ از کشور آمریکا از جمله افرادی است که حدود ۱۵ سال قبل به دین اسلام گرایش یافت. وی درباره روند مسلمان شدن خود و حس حضورش در راهپیمایی اربعین سخن گفت. دیوید در بخشی از این مصاحبه می‌گوید:

بزرگ‌ترین تغییری که پس از پذیرش اسلام در زندگی‌ام احساس کردم، تغییر نگرش نسبت به دنیا بود، یعنی دریافتم ارتباطی بین انسان، دنیا و آخرت وجود دارد.

*** لطفاً خودتان را معرفی کنید.**

دیوید فیلیپ اهل آمریکا و از ایالت نیویورک هستم. قبل از اسلام مسیحی کاتولیک بودم. اکنون همسر دارم و والدینم از دنیا رفته‌اند.

*** در آمریکا دانشجوی چه رشته‌ای بودید؟**

در آن زمان من دانشجوی مهندسی نرم‌افزار بودم. پس از اینکه اسلام را پذیرفتم، درسهایم در دانشگاه به اتمام رسید و بیست سال درباره اسلام تحقیق کردم، دریافتم که باید علوم اسلامی را یاد بگیرم، از این جهت تصمیم گرفتم به یکی از کشورهای اسلامی بروم و در یکی از مدارس حوزوی درس بخوانم. پس درباره حوزه تحقیق کردم. بین نجف و قم تصمیم گرفتم به قم بیایم.

*** چگونه به دین اسلام گرایش پیدا کردید؟**

در دورانی از زندگی‌ام از ادیان الهی تحقیق کردم و در این تحقیق دریافتم دین اسلام نسبت به سایر ادیان درست‌ترین و خالص‌ترین دین است. بعد از آن مذهب شیعه را برای خود برگزیدم. سپس دروس دینی و اهل‌بیتی بر قلبم نفوذ کرد. تصور کردم این مذهب معقول‌ترین مذهب نسبت به سایر مذاهب اسلامی است.

*** چند سال است که به دین اسلام مشرف شدید؟**

تقریباً ۱۵ سال.

*** زمینه‌های مسلمان شدن خودتان را توضیح بدهید.**

رفیقی داشتم که به من قرآن داد. وقتی یک بار آن را خواندم، تصور کردم برداشت اشتباهی داشتم، بنابراین تا هفت مرتبه خواندم. در این مطالعاتم هیچ مشکلی در قرآن نیافتم. تصور کردم اگر خدا کتاب دارد، این قرآن صد در صد کتاب خداست و در آن لحظه که این را متوجه شدم، اسلام را قبول کردم.

لذت‌بخش‌ترین مسئله در دین اسلام برایم رحمت خداست

*** بیشترین جذابیت در دین اسلام را در چه موضوعاتی مشاهده کردید؟**

برای من لذت‌بخش‌ترین چیز در اسلام رحمت خداست. ما نمی‌توانیم بفهمیم رحمت خدا چه‌مقدار بزرگ است؛ یعنی رحمت خدا بزرگ‌تر از ذهن ماست. هر زمان که شما فکر می‌کردید به اندازه رحمت خدا پی بردید، می‌بینید باز هم جا دارد و بزرگ‌تر از تصورات است. روایاتی که درباره رحمت خدا می‌خوانم تعجب می‌کنم. خداوند در قرآن می‌گوید "رحمت من همه چیز را در بر گرفته است". هر کسی بیشتر به رحمت خدا بها دهد، بهره بیشتری می‌برد. من احساس می‌کنم شدیداً در رحمت خدا هستم که اسلام را پذیرفتم.

*** واکنش دوستان شما پس از پذیرش اسلام از جانب شما چه بود؟**

سعی می‌کنم از افرادی که به انتخاب من احترام قائل نیستند، فاصله بگیرم و با آنها رفاقت نکنم.، اما کسانی که انتخاب مرا پذیرفتند و به این انتخاب احترام گزاردند، هرچند مسلمان نباشند، اما دوستان من هستند. من دربارهٔ دین اسلام تحقیق کردم و به‌تحقیق آن را پذیرفتم، اما کسانی که ایراد می‌گیرند به‌طور قطع اهل مطالعه نیستند و سعی در ایراد گرفتن از انتخاب افراد دارند و این رویهٔ رفتارشان مختص به تمام اطرافیانشان است. کسی که اهل اشکال گرفتن باشد، به همه چیز گیر می‌دهد. از چنین افرادی که اهل پذیرش حرف حق نیستند باید دوری کرد.

*** تا قبل از اینکه مسلمان شوید، چه فعالیت‌هایی داشتید؟**

در آمریکا علاقه زیادی به تفریح و سرگرمی داشتم، اما در عین حال اهل درس و تحقیق بودم و نسبت به مسائل بی‌تفاوت نبودم. شاید آنچه مرا به دین اسلام رساند، همین روحیهٔ تحقیقم بود و از این بابت از خداوند شاکر هستم. در زمان حاضر هرچند با سختی در اینجا زندگی می‌کنم، اما در نهایت راضی هستم که بیشتر با دین اسلام آشنا شدم.

پس از مسلمانی‌ام نگرشم نسبت به دنیا تغییر کرد

*** وقتی مسلمان شدید، چه تغییراتی در زندگی خودتان احساس کردید؟**

بزرگ‌ترین تغییری که پس از پذیرش اسلام در زندگی‌ام احساس کردم، تغییر نگرش نسبت به دنیا بود، یعنی دریافتم ارتباطی بین انسان، دنیا و آخرت وجود دارد. از خود پرسیدم؛ آیا دنیا بهتر است یا آخرت؟ قبل از اینکه مسلمان شوم، خیلی کمتر درباره این مسائل فکر می‌کردم، اما الآن هر روز بیشتر و بیشتر دراین‌باره فکر می‌کنم که پس از اینکه از دنیا بروم، کجا خواهم رفت؟

*** آیا ۱۱ سپتامبر در اینکه شما بیشتر درباره اسلام تحقیق کنید، تأثیری داشت؟**

بله؛ من پس از این واقعه به اسلام گرویدم. قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر هیچ شناختی از اسلام نداشتم، اما پس از آن، به تعدادی مسلمان معرفی شدم و متوجه شدم تمام مسلمانان بد نیستند. تصور کردم این‌که می‌گویند تمام مسلمانان تروریست هستند، غیرعقلانی است در حالی که ۲۵ درصد مردم دنیا مسلمان هستند، یعنی یک در چهار نفر تروریست هستند؟ این برایم غیرعقلانی بود.

*** چرا ایران را برای زندگی انتخاب کردید؟**

حدود سه سال و نیم قبل به ایران آمدم تا برای آموختن بهتر علوم اسلامی وارد حوزه علمیه شوم. همان طور که قبلاً اشاره کردم، بین نجف و قم مردد بودم، اما در نهایت خدا خواست به اینجا بیایم.

*** با ائمه علیهم‌السلام چطور آشنا شدید و به کدام علاقه بیشتری دارید؟**

قبلاً تحقیقاتی درباره ایشان انجام داده بودم. پس از آنکه به ایران آمدم شناختم بیشتر شد. این‌که گفتید به کدام امام بیشتر علاقهٔ دارم باید عرض کنم به تمام امامان علاقه دارم، چون از لحاظ مقام بزرگ‌تر از ما هستند. نمی‌توانم بگویم یک امام را بیشتر از بقیه دوست دارم.

*** وقتی تنها می‌شوید با کدام یک از ایشان خلوت می‌کنید؟**

برای من امام علی علیه‌السلام یا امیرالمؤمنین یکی از بهترین مثال‌های یک فرد کامل است. او در تمام زمینه‌ها کار می‌کرد، هم در حکومت‌داری، هم در جنگیدن با دشمنان و هم در تعامل با دیگران نمونه بود. برای امام حسین علیه‌السلام هم هیچ مثالی وجود ندارد. نمی‌توانم بگویم یکی را بیش از دیگری دوست دارم، اما این دو امام برای انسان‌ها خیلی مهم است. همیشه فکر می‌کنم کسی یافت نمی‌شود که در عین حکومت‌داری

عدالت داشته باشد، اما وقتی به مثال امیرالمؤمنین توجه می‌کنم، می‌گویم چنین چیزی ممکن است.

جاذبهٔ حبّ امام حسین علیه‌السلام برای من یک معجزه است

*** اگر بخواهید امام حسین علیه‌السلام را توصیف کنید، چگونه وصف می‌کنید؟**

مهم‌ترین نکته از امام حسین علیه‌السلام عنصر حب است. حبی که مسلمانان برای امام حسین علیه‌السلام دارند، یک چیز خیلی عجیب و زیبایی است؛ یعنی مثل یک معجزه است. اگر برادرت از دنیا می‌رود، به‌مدت یک سال یا دو سال دلتان تنگ است و به‌مرور زمان کمتر و کمتر می‌شود، با این حال حس دلتنگی داری، اما کمتر گریه می‌کنی. اگر پدر و مادر انسان از دنیا بروند نیز همین طور است، اما از زمانی که متوجه داستان امام حسین علیه‌السلام شوید تا زمانی که از دنیا بروید، همیشه گریه می‌کنید. این حب برای من یک معجزه خدایی است. در هیچ جای دیگری این نوع حب و عشق را پیدا نمی‌کنید.

امام حسین علیه‌السلام را در حالی کشتند که به سربازان دشمن آب می‌داد

*** کدام قسمت از ماجرای امام حسین علیه‌السلام برای شما دردناک‌تر است؟**

هر قسمت از این ماجرا برای ما دردناک است.، اما وقتی درباره علی اکبر می‌شنوم برایم دردناک است. یک عالمی می‌گفت پدرش علی علیه‌السلام کسی بود که قدرت کندن در خیبر را داشت و برایش سخت نبود، اما برای امام حسین علیه‌السلام خارج کردن نیزه از سینه فرزندش بسیار سخت و دشوار است. همین که به این موضوع فکر می‌کنم برایم سنگین است و قابل تحمل نیست. یا زمانی که درباره علی اصغر علیه‌السلام می‌خوانم برایم سخت است و مرا رنج می‌دهد. در هر صورت تمام قسمت از ماجرای کربلا برای انسان دشوار است. او را در حالی کشتند که به سربازان دشمن آب می‌داد، اما هیچ گاه از آنان آب نگرفت. به‌روی او آب را بستند، اما زمانی که نهر را اشغال کرد، آب را به‌روی دشمنان باز کرد.

*** تا به حال به زیارت قبور ائمه علیهم‌السلام رفتید؟**

در ایران به زیارت امام رضا علیه‌السلام رفتم. سه سال قبل از آن برای زیارت اربعین به نجف سفر کردم و تا کربلا پیاده رفتم. سپس کاظمین را زیارت کردم.

بهترین نوع از انسانیت را در زیارت اربعین دیدم

*** شما گفتید زیارت اربعین رفتید، حس خودتان را توصیف کنید.**

زیارت اربعین یکی از عجیب‌ترین چیزهای جهان است. میلیون‌ها نفر از نجف تا کربلا یا بیشتر پیاده می‌روند. همه به یکدیگر کمک می‌کنند. هیچ جای دیگر این رفتار را ندیدم. هر کسی فقط به‌فکر این است که به دیگران کمک کند. این بهترین نوع از انسانیت است. **هر زمان فکر می‌کنم دیگر امیدی به انسان‌ها و اوضاع جهان نیست و جهان در پایین‌ترین مرحله انسانیت سپری می‌کند، وقتی اربعین را یاد می‌کنم، امیدوار می‌شوم. در حب و عشق امام حسین علیه‌السلام برای انسان امید وجود دارد.**

*** چه عاملی باعث می‌شود که در ایام اربعین مردم از تمام ادیان و مذاهب و نژادها در کربلا حضور می‌یابند؟**

هر زمان فکر می‌کنم دیگر امیدی به انسان‌ها و اوضاع جهان نیست و جهان در پایین‌ترین مرحله انسانیت سپری می‌کند، وقتی اربعین را یاد می‌کنم، امیدوار می‌شوم، چرا که در ماجرای اربعین انسان‌هایی را مشاهده می‌کنید که از تمام ادیان و مذاهب و با هر رنگ و نژادی حضور دارند و گرد هم جمع می‌شوند. این نشان می‌دهد به انسانیت امید است. هستند افرادی که در سراسر دنیا طرفدار حق و حق‌مداری‌اند منتها چون پراکنده هستند، به‌خوبی دیده نمی‌شود. اربعین بهترین فرصت برای گرد آمدن حق‌مداران عالم است و قطعاً این جریان به سرانجام خوبی خواهد رسید و کفر و ظلم را از بین خواهد برد. کلاً باید گفت در حب و عشق امام حسین علیه‌السلام برای انسانها امید وجود دارد. چون که خود امام وجودشان سرتاسر از امید و رضایت خدا بود. او قطعاً این مسائل را می‌دید و خدا را شکر می‌کرد.

*** بهترین خاطره‌ای که از زیارت اربعین دارید چیست؟**

زمانی که بین‌الحرمین بودم، میلیون‌ها نفر رفت و آمد می‌کردند. جا به‌قدری تنگ بود که نمی‌توانستیم به‌راحتی حرکت کنیم، با این حال احساس می‌کنید هیچ مشکلی نیست. شما در آنجا با گروه بزرگی برخورد می‌کنید که تمامشان برای امام حسین علیه‌السلام جمع شدند.

مصاحبه: سعید شیری

مصاحبه چهل و یکم ـ زهرا سلطانی:
آرزویم ساخت مدرسه‌ای برای شیعیان هلند است/ راهپیمایی اربعین معجزه است

زهرا سلطانی او که با لهجه‌ای غلیظ به زبان فارسی صحبت می‌کند، در قسمتی از این مصاحبه می‌گوید: بیست سال قبل با اسلام آشنا شده، اما سیزده سال است که مسلمان شده است. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

*** چگونه به دین اسلام گرایش پیدا کردید؟**

من هرشب قبل از استراحت با خداوند صحبت کردم. از خداوند پرسیدم آیا تو واقعاً اینطور که مسلمانان می‌گویند هستی؟ مادربزرگم کجاست؟ بهشت است یا جهنم؟ بعد از آن آرزوهایی کردم. از آن پس با خداوند مدام صحبت می‌کردم. من فکر کردم اسلام برای آسیا یا عربستان و یا ایران بود. به این دلیل بود که تا آن زمان درباره اسلام مطالعه نکردم. تصورم این بود که این دین برای اروپا یا آمریکا نیست. همواره دوست داشتم مسلمان شوم. چند سال بعد **روزی اخبار مربوط به جنگ‌های افغانستان و عراق را دیدم و این بعد از ماجرای ۱۱ سپتامبر بود. پس از آن به دین اسلام خیلی فکر کردیم که آیا خوب است یا خیر. در هر صورت من خیلی علاقه داشتم درباره اسلام بیشتر بدانم. من وقتی این اخبار را می‌دیدم، گریه می‌کردم و به خداوند می‌گفتم چرا اینگونه باید باشد؟ خیلی ناراحت بودم. این در حالی بود که علاقه داشتم مسلمان باشم.**

یک شب در ماه رمضان خوابی دیدم. در خواب یک آقای سیدی دست چپ خودم دیدم که نشسته است. ایشان به من گفت شما دیشب با خدا صحبت کردی. شما می‌خواستی مسلمان باشی و شما تصور می‌کنی اسلام برای شما نیست. شما اشتباه گفتی. ان‌شاءالله شما مسلمان می‌شوی و خداوند گناهان شما را پاک می‌کند. او یک کتاب قرآن در دست داشت و آن را به دست من داد. به من گفت بیا بیرون برویم. رو به فرزندم کرد و گفت او را تربیت کن. از او مواظبت کن و او را مسلمان تربیت کن. یک باره دیدم آن آقا رفت.

بیدار شدم و با قرآن نزد همسایه مسلمان‌مان که از ترکیه بود رفتم و خوابم را به او تعریف کردم. آنها گفتند امشب «لیلةالقدر» است. خیلی تعجب کردند. یک ماه بعد یک خانم اندونزیایی را در دانشگاه ملاقات کردم. خوابم را به او تعریف کردم و یک قرآن به من هدیه داد که به زبان هلندی بود. وقتی آن را خواندم، به آرامش دست یافتم و همه ناراحتی‌هایم از بین رفت. واقعاً به این نکته رسیدم که اسلام راه راست و

صحیحی است. وقتی مسلمان شدم با خانواده‌ام به مشکلاتی خوردم. پدرم گفت اگر مسلمان شدی نباید حجاب داشته باشی، اما من متوجه بودم که اگر مسلمان باشم حجاب برایم واجب است و باید بپوشم.

هر روز لباسم را بلندتر می‌پوشیدم. یک بار به مادرم گفتم می‌خواهم حجاب(چادر) بپوشم. او خیلی گریه کرد و گفت چرا می‌خواهی این کار را انجام دهی؟ مادرم خیلی قلب خوبی دارد، اما لباس ما یک باره می‌خواست تغییر کند و او تعجب می‌کرد. روز بعد به من گفت اگر میل داری حجاب داشته باشی، من قبول می‌کنم. من تو را دوست دارم، اشکالی ندارد.، اما پدرم خیلی با مادرم تفاوت داشت. ایشان بیشتر در این فکر بود که مردم درباره من چه تصوری خواهند داشت. به این دلیل برایش خیلی سخت بود.من نزد همسایه مسلمان خودمان رفتم و به آنها گفتم به من کمک کنید. من می‌خواهم حجاب بپوشم. آنها به من حجاب (چادر) هدیه دادند. من با پدرم تماس گرفتم و گفتم من الان حجاب می‌پوشم. پدرم خیلی تعجب کرد و گفت نپوش، آن وقت من با شما بیرون نمی‌روم. دو هفته همین طور رفتار می‌کرد. دو هفته بعد به من تماس گرفت و گفت می‌خواهم منزل شما مهمانی بیایم تا درباره حجاب شما صحبت کنم. او گفت شما دختر من هستی و زندگی شما را دیدم. شما خیلی سختی‌ها دیدی. پدر و مادرم دیدند که چقدر ناراحتم. به من گفت اگر شما خوشحال باشی من هم خوشحال هستم. از آن روز دیگر ناراحت نبود و الان با من خوب است. الان با چادر در هلند با پدرم بیرون می‌روم و مشکلی با این مسئله ندارم (با خنده).

*** چه انگیزه‌ای برای ورود به ایران داشتید و چه زمانی آمدید؟**

سه سال قبل با دوستم درباره تربیت فرزند صحبت کردیم که کجا بهتر است برویم. در هلند، آزادی بی‌حد و حصر است. این وضعیت برای فرزندانم سخت بود. از سوی دیگر یک مدرسه برای شیعیان هم نداریم. مسجد و حسینیه هم به‌ندرت وجود دارد. در حسینیه گاهی مجلس برپا می‌کنیم. کتاب هم به‌ندرت یافت می‌شد. از این جهت به این فکر افتادم یک زبان یاد بگیریم تا به یکی از کشورهای مسلمان برویم. بین نجف و ایران خواستیم یکی را انتخاب کنیم تا آنجا درس بخوانیم. ابتدا به کربلا رفتیم. همسرم که اهل افغانستان است، به من گفت با یکدیگر درس می‌خوانیم و برای تبلیغ به هلند و افغانستان می‌رویم. سپس در هلند یک مدرسه برای شیعیان درست می‌کنیم. این آرزوی ما بود. همسرم سپس به قم آمد. یک آقایی در قم خیلی علاقه داشت به ما کمک کند. الحمدلله کارمان درست شد و دو سال قبل وارد قم شدیم.

*** تحصیلات شما در هلند چگونه بود.**

من در آنجا رشته‌ای را انتخاب کرده بودم که در نهایت دستیار پزشک می‌شدیم، اما نه پرستار. همسرم نیز در افغانستان درس می‌خواند. به مدت ۳ سال درس خواندم و با حجاب من مشکلی نداشتند و الحمدلله خیلی کارم راحت شد. وقتی دختر دیگرم به دنیا آمد، تصمیم گرفتم کار نکنم. در آنجا به‌خاطر اینکه زنان با مردان با هم کار می‌کردند، برای خودم صحیح ندانستم کار را ادامه دهم. ما قصد داشتیم برای نیازمندان بیمارستانی بسازیم، اما نشد.

رأفت و رحمت خدا مرا به اسلام جذب کرد

*** چه مفهومی از اسلام برای شما بیشتر لذت‌بخش است یا به کدام از مقوله از اسلام علاقه دارید؟**

من ابتدا درباره اسلام خیلی تحقیق کردم، اما چیزی که برایم جذاب و آرام‌بخش بود، ماجرای خوابی بود که قبلاً دیدم. آن مرد در خواب به من گفت خداوند گناهان تو را پاک می‌کند، بنابراین ابتدا بخشش و رأفتی که در اسلام بود برایم جلب توجه کرد. من در آموزه‌های اسلام عشق و محبت و آسانی دیدم. از طرفی دیگر این دین را به مسیحیت نزدیک‌تر دیدم. اسلام دین سختی نیست؛ اگر واقعاً به خداوند عشق داریم، او ما را کمک می‌کند.

با همسرم که آشنا شدم، او به من گفت من شیعه و سید هستم. از او پرسیدم شیعه چیست؟ او از امام حسین علیه‌السلام به من گفت. وقتی درباره امام حسین در اینترنت جست‌وجو کردم، به امام محبت پیدا کردم و گفتم این همان حسی است که در خواب تجربه کردم. از این جهت دین اسلام را دین راستین و مذهبم را مذهبی حقیقی یافتم. تا قبل از مسلمانی، من از آنجایی که در زندگی خیلی بدی دیده بودم، زیاد تمایل نداشتم با دیگران صحبت کنم، اما به‌خاطر مطالعه زندگی امام حسین علیه‌السلام تصورم تغییر کرد.

یزید با وجود داعش الان هم زنده است

*** چه ویژگی ای از امام حسین بیشتر برایتان جذاب بود؟**

امام حسین برای ما با تشنگی از دنیا رفت و شهید شد. او با میل خود رفت. ما هر روز آب می‌خوریم و «السلام علیک یا اباعبدالله الحسین» می‌گوییم و تمام زندگانی امام حسین علیه‌السلام را می‌دانیم، اما از این ناراحتم چرا عمل نمی‌کنیم؟ امام حسین علیه‌السلام واقعاً سختی زیادی در عاشورا دید. ان‌شاءالله ما از آنها یاد بگیریم. **امام حسین برای جنگ نرفت بلکه برای کمک به مردم دنیا رفت.** داعش مثل یزید است. یزید با وجود داعش الان هم زنده است. زینب دو فرزند خود را به‌خاطر اسلام و در راه امام

حسین فدا کرد. ام‌البنین چهار فرزند خود را همراه امام حسین فرستاد و شهید شدند. او از این مصیبت ناراحت نشد، اما برای امام حسین بسیار گریه کرد.

فضای زیارت اربعین مثل بهشت است

*** گفتید به زیارت امام حسین علیه‌السلام رفتید. درباره سفر کربلا بگویید.**

سه سال قبل در ایام اربعین از هلند با کاروان به زیارت امام حسین علیه‌السلام رفتیم. در آنجا بیشتر از ایران و افغانستان بودند، اما از آلمان، هلند و بلژیک هم بودند. ابتدا به ایران آمدیم. سپس قم و جمکران را زیارت کردیم. پس از زیارت امام رضا به نجف رفتیم و بعد ۳۰ روز تا حرم امام حسین علیه‌السلام پیاده راه را طی کردیم.

من چند سال قصد داشتم کربلا بروم، اما قسمت نبود. وقتی به کربلا رفتم، واقعاً معجزه دیدم. اگر ۲۰ میلیون زائر به‌خاطر عشق امام حسین علیه‌السلام با یکدیگر از هر نژادی و یا فقیر و ثروتمند آنجا می‌روند، نقطه مشترکشان عشق امام حسین علیه‌السلام است. همه تمایل دارند مانند سیده زینب پیاده‌روی کنند. در هلند مردم به یکدیگر کمک می‌کنند، اما در زیارت اربعین طور دیگری بود و مثل بهشت بود. یک عده ضعیف بودند، عده‌ای دیگر با فرزند کوچک خود حضور داشتند؛ با وجود سختی و مشقتی که داشتند، ناراحت نبودند. افرادی هم بودند که پا نداشتند، اما با این حال به عشق امام حسین علیه‌السلام به کربلا رفتند.

حجاب انسان را از خطرات حفظ می‌کند/ حجاب در تمام ادیان است

***صحبتی با دختران مسلمان هم سن و سال خود دارید؟**

من حجابم را خیلی دوست دارم و خیلی علاقه دارم مثل فاطمه زهرا حجاب داشته باشم. حجاب تنها در اسلام نیست بلکه در هر دینی زنان باید حجاب را رعایت کنند. اگر ما در دین مسیحیت نگاه کنیم، مریم هم حجاب داشت و او واقعاً خانمی پاک بود. منظورم این نیست بانوانی که حجاب نمی‌پوشند پاکیزه نیستند، اما حجاب ما را پاک‌تر و مسلمانی ما را کامل‌تر می‌کند؛ مثلاً وقتی با ماشین می‌رویم و کمربند می‌بندیم، زمانی که تصادف می‌کنیم، کمربند به ما کمک می‌کند کمتر آسیب ببندیم. تصور می‌کنم حجاب همین طور است. انسان را از خطرات حفظ می‌کند. حجاب تنها به مقنعه نیست بلکه مفهومی بالاتر از اینهاست. وقتی مشهد بودم، تعدادی دختر را دیدم که فقط حجاب پوشیدند، اما آرایش زیادی داشتند. مردان به راحتی با آنها صحبت می‌کردند. اگر شما زیبا یا زشت هستی، فقط عبادت خداوند و عمل به اسلام مهم است.

مصاحبه: سعید شیری

مصاحبه چهل و دوم ـ زینب ثانی:
ماجرای مسلمان‌شدن بانوی اسکاتلندی/هرکجا می‌روم از اربعین می‌گویم

زینب ثانی یکی از تازه‌مسلمانانی است که به‌تازگی وارد ایران شده است. او می‌گوید تا قبل از مسلمان شدن پیرو هیچ دینی نبوده است، اما بر حسب یک اتفاق خوشایند مسیر زندگی او بسوی مطالعه بر ادیان تغییر می‌کند تا اینکه با دین مبین اسلام آشنا می‌شود. زینب ثانی از عشق و ارادتش نسبت به ساحت مقدس اهل‌بیت علیهم‌السلام سخن می‌گوید و آرزو دارد در پیاده‌روی اربعین حسینی شرکت کند. او اربعین را تجدید میثاق با راه امام حسین و تجدید پیمان با منجی عالم معرفی کرد. متن کامل گفت‌وگو با این بانوی اسکاتلندی را در ادامه بخوانید.

***لطفاً خودتان را معرفی کنید.**

من زینب ثانی هستم، در اسکاتلند به دنیا آمدم، اما در آلمان بزرگ شدم و همین اواخر در استرالیا زندگی می‌کردم. در زمان حاضر دانشجوی حوزه علمیه قم هستم.

*** تحصیلات شما در چه وضعیتی قرار داشت؟**

در بریتانیا همان طور که در ایران مدرک گفته می‌شود، در مقطع لیسانس مدرک **فلسفه و زبان‌ها** را گرفتم و در مقطع فوق‌لیسانس **ادبیات مدرن اروپا** خواندم. دیپلم حقوق دارم و همچنین مدرک تدریس دوره راهنمایی هم دارم.

*** فرآیند مسلمان شدن شما چگونه بود؟**

من رسماً دینی نداشتم. هنگامی که به آلمان رفتم، در مورد دین مسیحیت اطلاعاتی یافتم. پس از ورود به دانشگاه در مورد دین یهود آگاهی پیدا کردم چرا که تعدادی دوست یهودی داشتم. چند سال پیش دختر بزرگم که اکنون سیزده‌ساله است و آن موقع ۱۰ساله بود، شروع کرد به سؤال پرسیدن در مورد مرگ و این‌که

به‌چه‌معناست و این‌که پس از آن چه اتفاقی می‌افتد و من فهمیدم که اگر بخواهم آن را توضیح دهم از طریق مسیحیت نمی‌توانم جواب او را بدهم چرا که مسیحی نبودم. آخرین تجربه‌ای که داشتم، اطلاعاتی بود که از دین یهود کسب کرده بودم برای همین او را چند ماهی به استرالیا بردم و این کار این امکان را برای من فراهم کرد تا بنشینم و گوش کنم و مشاهده کنم که این کار خیلی برای من خوشایند نبود. به چیزهایی توجه می‌کردم که خیلی عجیب به‌نظر می‌آمد. بعد در یکی از جشن‌های یهودیان بود که متوجه شدم رابطه من با خدا رابطه‌ای مستقیم است که شاید همان عبادت کردن است. پس آن اولین بار من بود که به‌طور خصوصی عملاً به وجود الله شهادت دادم. خیلی زود پس از آن شهادت به خداوند دادم.

در آن زمان در حال انجام دادن تحقیقات دکترا بودم و به‌نوعی از مشغولیت‌های آن‌لاین سیاسی من گرفته شده بود. همه افرادی که با آنها در ارتباط بودم مسلمانان شیعه بودند. در نتیجه لیست‌ها و لینک‌های زیادی به من داده شد و من شروع به یادگیریِ هرآنچه باید یاد بگیرم شدم و پس از آن مسلمان شدم.

پس از زیارت امام رضا علیه‌السلام به حوزه قم رفتم

*** چه انگیزه‌ای باعث شد به ایران بیایید و دروس حوزوی را بخوانید؟**

از آنجایی که قبلاً به‌صورت رسمی در مسجد شهادت داده بودم، حدوداً ۱۸ ماه قبل یکی از دوستانم در استرالیا به من پیشنهاد داد که چرا به دورهٔ آموزشی در ایران ملحق نشوم که در قم و در مورد رسالت است. بعد مرجعی برای من پیدا کرد و من درخواست دادم و آنها پذیرفتند، اما هیچ وقت نتوانستم به آن دورهٔ آموزشی بروم، چرا که ویزای من خیلی طول کشید تا حاضر شود و در نتیجه من آن دوره را از دست دادم.، اما وقتی ویزای من رسید، سریع به تهران آمدم و بعد مستقیم به مشهد رفتم و امام رضا را زیارت کردم و به چند مؤسسه در ایران رفتم و برایشان مقاله نوشتم و با افرادی که مطالب آن‌لاین و کمک‌های آن‌لاین می‌کردند ملاقات داشتم. در ابتدای سال، برای بار دوم به ایران آمدم که کمی طولانی‌تر بود؛ چرا که به من پیشنهاد دادند در حوزه درس بخوانم. سپس اولین مصاحبه‌ام در ابتدای سال صورت گرفت و بعد دوباره کارهای بیشتری برای مؤسسات انجام دادم و بعد دوباره، دو ماه قبل آمدم که تحصیل کنم و مصاحبه‌های بیشتری داشته باشم.

فرزند ۱۱ساله‌ام شهادتین را جلویم خواند و مسلمان شد

*** آیا خانواده‌تان همراه شما در ایران هستند؟**

من در اینجا تنها هستم، سه فرزند دارم که ۶، ۱۱ و ۱۳ ساله هستند. آنها در استرالیا زندگی می‌کنند و سعی می‌کنم خیلی سریع آنها را ملاقات کنم. فرزند وسطی من که اکنون یازده‌ساله است چند ماه قبل یعنی حدوداً ماه ژوئن جلوی من شهادتین را گفت و مسلمان شد. ما قبلاً در مورد عبادت کردن و خدا صحبت کرده بودیم؛ یک روز بعد از ظهر پس از مدرسه او به من گفت که مسلمان است و من فقط با او صحبت کردم که اگر می‌خواهد می‌تواند شهادت رسمی را جلوی من بگوید. من با او تمرین کردم که چطور آن را به‌عربی بگوید. در واقع تلفظ عربی او خیلی هم بد نبود. خلاصه ما یک روز با هم این کار را در خانه انجام دادیم.

تا قبل از مسلمانی پیرو هیچ دینی نبودم

*** تا قبل از اینکه مسلمان شوید، پیرو چه دینی بودید؟**

من مسیحی نبودم، یهودی هم نبودم پس هیچ وقت غسل تعمید داده نشدم. پدر و مادرم افراد بدون مذهبی هستند. از وقتی کودک بودم همیشه خودم به‌نوعی با خدا صحبت می‌کردم. قبل از اینکه من رسماً شهادت دهم، زندگی‌نامه حضرت محمد ﷺ را خوانده بودم.

*** رعایت حجاب یکی از آداب مسلمانی است؛ به مشکلی برنخوردید؟**

در غرب من با حجاب کامل و لباس معمولی می‌دوم. من نزدیک پارک زندگی می‌کنم؛ به طبیعت می‌روم، قدم می‌زنم، می‌دوم و زمانی هم برای تفکر و دانش می‌گذارم.

خداوند مسیرمان را با نورش روشن می‌کند

*** با توجه به فرهنگی که در غرب وجود دارد، آیا دینداری به‌سبک اسلامی برای مسلمانان سخت نیست؟**

حتی اگر مردم خود را مسلمان یا مسیحی یا هر چیز دیگری ندانند، همیشه آن ارتباط یا نوری که خداوند روشن برایمان روشن کرده جاری بوده است.، اما من فکر می‌کنم وقتی به‌صورت مستقیم به خداوند می‌گویید که تنها به الله ایمان دارید و وقتی خودتان را تسلیم الله می‌کنید و می‌فهمید که الله همه تصمیم‌ها را می‌گیرد، آرامش می‌یابید. پس ما با وجود اینکه تلاش می‌کنیم، کار می‌کنیم و خواسته‌هایی داریم، قرار نیست این‌طور فرض کنیم که هرچه بخواهیم به ما می‌دهند. یک برنامه‌ای وجود دارد. آن نور است، مسیری است که با نور روشن می‌شود.

علاقه زیادی به مناجات‌های امام سجاد(ع) دارم

*** تاکنون به زیارت ائمه رفتید؟**

فقط در ایران زیارت رفته‌ام. نه‌تنها به زیارتگاه‌های بزرگ می‌روم بلکه به امامزاده‌های زیادی هم می‌روم. من هنوز کسی را ندارم که با او به حج بروم. ان‌شاءالله وقتی خانواده مسلمان بیشتری داشته باشم، به حج می‌روم.

این خیلی سخت است، می‌دانم که به اربعین نزدیک می‌شویم، در این مورد خیلی صحبت کردیم، دیروز هم گفت‌وگویی داشتم و در مورد کربلا و امام حسین(ع) خیلی صحبت کردم. در مورد امام علی(ع) و حضرت فاطمه زهرا(س) و حضرت زینب(س) صحبت کردم. من همیشه وقتی برمی‌گردم، در مورد امام سجاد هم صحبت می‌کنم؛ چرا که یک فرد معتقد فوق‌العاده دیگری در ایران هست که به من در طول اولین ماه رمضان کمک کرد و دعاهای آن‌لاین زیادی برای من می‌فرستاد. من سخنان امام سجاد را می‌خواندم و برایم عجیب بود. هرگاه به امامزاده‌هایی که از فرزندان یا نوادگان امام سجاد هستند می‌روم، به‌شدت احساساتی می‌شوم. داستان‌های زیبای زیادی در مورد امام سجاد وجود دارد، یکی از آنها این است که شب‌ها، ایشان از خانه خارج می‌شدند و به ۱۰۰ خانواده غذا می‌دادند. البته کسی نمی‌دانست و ایشان هم به مردم چیزی نمی‌گفتند و بعدها مردم متوجه شدند. در مورد امام سجاد می‌گویند که قبل از اینکه غذا میل کنند، اول مطمئن می‌شدند که دیگر مردم یا افراد فقیر غذا برای خوردن دارند و پس از آن ایشان آنچه را باقی مانده بود میل می‌کردند.

من به تمام امامان معصوم علاقه دارم. من فکر می‌کنم همهٔ ما یا اکثر ما یک رابطه احساسی خاصی با یکی از امامان برقرار می‌کنیم، این تنها چیزی است که می‌توانم توضیح دهم.

هر کجا می‌روم درباره اربعین و امام حسین(ع) سخن می‌گویم

*** زیارت اربعین امام حسین(ع) در این سال‌ها بسیار باشکوه برگزار می‌شود و مردم از سراسر دنیا می‌آیند. درباره زیارت اربعین حسینی بگویید.**

من هیچ وقت در اربعین حضور نداشتم و دیدم اربعین سال گذشته خیلی پرشکوه بود. من قبلاً به زیارت اربعین فکر کردم، اما امسال تغییر عقیده دادم و گفتم هر وقت دعوت بشوم می‌روم؛ البته امسال از طرف یک مؤسسه برای پیاده‌روی اربعین به‌مدت دو هفته دعوت شدم؛ متأسفانه اگر می‌خواستم با گذرنامه‌ام بروم و ایران را ترک کنم،

باید برای بازگشت مجدد به ایران و برای گرفتن ویزای جدید اقدام می‌کردم که کار سختی است، به همین دلیل نمی‌توانم برای اربعین به عراق بروم.، اما به هر دلیلی امسال درگیر ویراستاری متن یک مستند در مورد اربعین شدم. به‌تازگی هم دو مقاله در مورد اربعین نوشتم. هر جا که می‌روم همیشه در مورد اربعین و امام حسین از من سؤال می‌شود. امسال نتوانستم بروم ولی من به تلاشم ادامه می‌دهم.

بدون شهادت امام حسین علیه‌السلام دین اسلام نجات نمی‌یافت

*** چه حسی از زیارت اربعین دارید؟**

وقتی من در مورد اربعین فکر می‌کنم، چند فکر به‌ذهنم می‌آید که به‌دنبال آن طبیعتاً یاد کربلا می‌افتم و زمانی که در مورد کربلا فکر می‌کنم یاد فداکاری و شهادت می‌افتم. من این را به‌عنوان تصمیمی می‌بینم که توسط یکی از امامان گرفته شد تا مطمئن شود که اسلام نجات می‌یابد. حرکت امام حسین علیه‌السلام یک تصمیم حساب‌شده بود. امام حسین می‌دانست که چه اتفاقی قرار است بیفتد. ایشان می‌دانستند که قرار است کشته شوند، ایشان می‌دانستند که خانواده‌ها، زن‌ها و بچه‌ها به‌اسارت گرفته می‌شوند و در صحرا می‌روند و بیش از پیش زجر می‌کشند.، اما نقشه همین بود، چرا که بدون آن اسلامی که ما می‌شناسیم نجات پیدا نمی‌کرد، پس این یک تفکر بود.

اربعین باید فراخوانی برای تفکر بیشتر درباره وظیفهٔ منتظران باشد

با وجود اینکه قبل از واقعه کربلا هزاران نفر در کوفه با امام حسین پیمان بسته بودند و یزید که حاکمی نفرت‌انگیز و دهشتناک‌ترین شخصیتی که می‌توان تصور کرد، بود، آیا ما واقعاً حاضریم برای امام حسین آنجا باشیم؟ پس وقتی امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) ظهور کند، آیا ما یاران واقعی حضرت هستیم؟ آیا ما واقعاً آن طور که باید سر پیمانمان می‌مانیم؟ اربعین باید فراخوانی برای عمل کردن باشد، فراخوانی برای تفکر کردن درباره اینکه آیا ما به‌اندازه کافی وظیفه‌مان را انجام می‌دهیم؟

وقتی به کربلا فکر می‌کنم گریه می‌کنم و به این‌که چه اتفاقی برای آنها افتاد و چه رفتاری با آنها کردند. نمی‌دانم آیا به‌خاطر اینکه نام من زینب است این‌طور هستم یا خیر. من فکر می‌کنم به این‌که سر آنها را بریدند و آنها را دفن نکردند. گفته شده چهل روز پس از شهادت امام حسین باران آمد و گویا همه جا پر از خون شده بود.

اربعین تجدید میثاق با راه امام حسین است

از این جهت همه ما می‌خواهیم به پیاده‌روی اربعین برویم و همه ما خودمان را جزو یاران امام محسوب می‌کنیم و می‌گوییم اگر این اتفاق دوباره بیفتد، ما آنجا خواهیم بود و نزد امام حسین خواهیم ماند.، اما من یک سؤال دیگر دارم: با وجود اینکه قبل از واقعهٔ کربلا هزاران نفر در کوفه با امام حسین پیمان بسته بودند و یزید که حاکمی نفرت‌انگیز و دِهشتناک‌ترین شخصیتی که می‌توان تصور کرد، بود، آیا ما واقعاً حاضریم برای امام حسین آنجا باشیم؟ پس وقتی امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) ظهور کند، آیا ما یاران واقعی حضرت هستیم؟ آیا ما واقعاً آن طور که باید سر پیمانمان می‌مانیم؟ پس این یک وظیفه خطیر برای ماست.

من دوستی در استرالیا دارم که پیش من آمد و به‌شدت گریه می‌کرد. او یک معتقد فوق‌العاده است و قلبش خیلی پاک است. او به من گفت: «من چه‌کاری می‌توانم انجام دهم، می‌خواهم کارهای بیشتری انجام دهم تا امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) ظهور کند».

همان‌طور که معلوم است اربعین یک واقعه مشهور است و مثل یک دریای خیلی بزرگ برای مسلمانان شیعه می‌ماند و حتی فراتر از آن است، چرا که برای همه مسلمانان جهان است، داستان افراد مشهور جهان، اندیشمندان در غرب، نمی‌دانم افرادی مثل گاندی احتمالاً افرادی مانند گاندی، سیاست‌مداران مشهور دیگر در مورد امام حسین اظهار نظر کردند. پس اربعین و امام حسین به یک زیارتگاه برای انسانیت تبدیل شدند و وقتی واقعاً فکر می‌کنیم که "اسلام چیست؟"، همان چیزی است که باید باشد، باید چیزی باشد که همه انسانیت را شامل شود. پس اگر ما مردم را به‌درستی تشویق کنیم، چه‌کسی می‌داند ان‌شاءالله همه افرادی که مسلمان نیستند و برای اربعین به کربلا می‌روند تا امام حسین علیه‌السلام را ببینند، مسلمان شوند.

صبر، می‌دانم خیلی ساده به‌نظر می‌آید. فکر می‌کنم یکی از پسندیده‌ترین کارها در اسلام است. همه چیز با صبر امکان‌پذیر است؛ شجاعت، قدرت، مهربانی.

مصاحبه: سعید شیری

مصاحبه چهل و سوم ـ حسن رضا:
برپایی موکب امام حسین علیه‌السلام در نروژ و حیرت مردم از راهپیمایی ۲۰ میلیونی اربعین

حسن رضا یکی از زائران خارجی اربعینی است که سه سال قبل از کشور نروژ برای اولین بار در راهپیمایی اربعین حسینی حضور یافت. او که اصالتاً پاکستانی است از زندگی خود و نحوه آشنایی‌اش با آموزه‌های حسینی و داستان حضورش در پیاده‌روی اربعین می‌گوید. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

*** خودتان را معرفی می‌کنید.**

حسن رضا هستم و از کشور نروژ به ایران آمدم، اما اصالتم پاکستانی است. چهار سال قبل پس از گذراندن دوران پیش‌دانشگاهی برای آشنایی بیشتر با علوم اسلامی وارد ایران شدم.

مادرمان در خانه صوت مداحی امام حسین علیه‌السلام می‌گذاشت

*** آیا خانواده‌ات در نروژ هستند؟**

بله آنجا ساکنند. برخی از آنها در حال تحصیل در دانشگاه و مدرسه هستند. پدر و مادرم هر دو اصالتاً پاکستانی هستند. مادرم بزرگ‌شده انگلستان است، اما پدرم در سن ۱۲ سالگی به نروژ رفت و همان جا ساکن شد. پدرم قبلاً سنی‌مذهب بود. ایشان وقتی دوازده سیزده ساله بودم شیعه شدند. تا قبل از آن، ما زیاد حسینیه و مجالس امام حسین علیه‌السلام نمی‌رفتیم منتها مادرمان فضایی ایجاد کرده بود که هیچ گاه از یاد امام حسین علیه‌السلام غافل نمی‌شدیم. ما در خانه همراه با چهار برادر دیگرمان جمع می‌شدیم. مادرمان یک کاست مداحی برای ما می‌گذاشت و گوش می‌دادیم و عزدارای و سینه‌زنی می‌کردیم. از این جهت اگر با امام حسین علیه‌السلام آشنا شدم به توفیق

خداوند بود که مادری را بالا سرمان قرار داد تا ما را با این امام بزرگوار و مکتب ایشان آشنا کند.

*** چطور شد که از خانواده دل بریدی و سختی راه به تن خریدی و وارد ایران شدی؟**

خیلی‌ها تصور می‌کنند ما در ایران تنها هستیم، اما به قول رهبر خودمان حقیقتش این است که صاحبخانه هستیم. رهبر انقلاب می‌فرمایند طلاب خارجی صاحبخانه هستند. ضمن اینکه با وجود حضرت معصومه احساس تنهایی نمی‌کنیم. همچنین باید افزود ما در یک کشور اسلامی به‌خصوص بین مردم ایران هستیم که خیلی لطف دارند و ما نیز به آنان ارادت داریم.

مهم‌ترین خصلت ایرانیان عشق به امام حسین علیه‌السلام است

*** چه خصلتی از ایرانیان برای شما بیشتر جلب توجه کرد و نسبت به مردم نروژ چه تفاوتی دیدید؟**

هر قوم و تمدنی خصلت‌های خوب و بدی دارند. ایرانیان مهربان و مهمان‌پذیرند. شاید از تمام خصلت‌ها مهمتر در ایرانیان عشق بی‌حد به امام حسین باشد.

پایتخت نروژ موکب زدیم و امام حسین علیه‌السلام را به آنها معرفی کردیم

*** زمانی که در نروژ بودی چه فعالیت‌هایی داشتی؟**

بنده در نروژ فعالیت‌های چندانی نداشتیم، اما با این حال فعالیت‌های دینی انجام می‌دادم. در آنجا با برخی از دوستان نروژی که اکنون اینجا حضور دارند، گروهی تشکیل داده بودیم و امام حسین را برای غیر مسلمانان معرفی می‌کردیم. ما همانند موکب‌هایی که شما در ایام پیاده‌روی اربعین می‌بینید، موکبی در وسط پایتخت نروژ زدیم و چای و شکلات پخش می‌کردیم و به این بهانه امام حسین و ماجرای ایشان را به مردم توضیح می‌دادیم.

*** این رفتارتان چه تأثیری در مردم و اطرافیان شما در نروژ داشت؟**

مردم نروژ خیلی استقبال می‌کردند؛ زیرا تا به حال کسی به آنها دربارهٔ امام حسین علیه‌السلام و ماجرای ایشان چیزی نگفته بود. کسانی که متوجه می‌شدند، خیلی تعجب می‌کردند و می‌گفتند چگونه ممکن است با یک مردی که از نواده مؤسس دین اسلام است، چنین رفتاری انجام دهند؟ سؤال می‌کردند حسین چرا این نهضت را شروع کرد؟ بنده هم مشاهده کردم مردم خیلی خیلی شخصیت امام حسین علیه‌السلام

برایشان جالب است. تعجب می‌کردند از تأثیری که امام حسین بر مردم گذاشته است. مردمی که اصلاً در آن زمان حضور ندارند و الان امام حسین علیه‌السلام بین آنان نیست. تعجب می‌کردند که حدود ۲۰ میلیون نفر از مردم دنیا در ایام پیاده‌روی اربعین بسوی کربلا می‌روند. برایشان قابل فهم نبود. متأسفانه اصلاً نمی‌دانستند چنین نهضتی و چنین همایشی وجود دارد.

" تا به حال کسی به مردم نروژ درباره امام حسین علیه‌السلام و ماجرای ایشان چیزی نگفته بود. سؤال می‌کردند امام حسین علیه‌السلام چرا این نهضت را شروع کرد؟ بنده هم مشاهده کردم مردم خیلی خیلی شخصیت امام حسین علیه‌السلام برایشان جالب است. تعجب می‌کردند که حدود ۲۰ میلیون نفر از مردم دنیا در ایام پیاده‌روی اربعین بسوی کربلا می‌روند. می‌گفتند یک عنصری در این فرد (امام حسین علیه‌السلام) هست که شما یافتید، اما ما هنوز آن را پیدا نکردیم. "

یکی از مردم آنجا می‌گفت برایم خیلی جالب است که در بیابانی سفر می‌کنید که در عین حال پر از امکانات است و مردم عاشق یکدیگرند. می‌گفتند یک عنصری در این فرد (امام حسین) هست که شما یافتید، اما ما هنوز آن را پیدا نکردیم. می‌گفت برایم تعریف کن. مگر می‌شود سی میلیون نفر در یک بیابان جمع شوند و بسوی کربلا بروند؟ وقتی ما به مردم چنین شخصیتی را برای آنان معرفی می‌کردیم، تعجب می‌کردند.

ماجرای سفرمان به اربعین برای ما نشانه‌ای الهی بود

*** اولین باری که به زیارت اربعین مشرف شدید، چه زمانی بود؟**

اولین باری که به زیارت امام حسین علیه‌السلام رفتم، چهار سال قبل و در قالب پیاده‌روی اربعین بود. در آن زمان فارسی و عربی نمی‌دانستم، اما توانایی صحبت به زبان انگلیسی داشتم. زمانی که وارد ایران شدیم، به ما گفتند برای سفر به عراق ویزا نمی‌گیرند. از این جهت من و بردارم به فرودگاه رفتیم، گذرنامه خود را نشان دادیم، اما جلویمان را گرفتند و به ما گفتند شما نمی‌توانید بدون ویزا بروید. ما در آنجا ابراز ناراحتی کردیم و اصرار بر رفتن کردیم. دیگر وقتی ناامید شدیم، به خداوند گفتیم اگر ما را دعوت کردند پس کسی نمی‌تواند جلوی ما را بگیرد؛ هرچه قسمت باشد.

بعد از مدتی مردی نزد ما آمد و گفت مشکل شما چیست؟ گفتیم اینها اجازه نمی‌دهند به عراق و زیارت امام حسین علیه‌السلام برویم. آن مرد که می‌توانست انگلیسی

صحبت کند، به ما گفت من مشکلتان را حل می‌کنم. او یک انسان متدین و مقیدی بود. نزد یکی از متصدیان کار رفت و یک جمله‌ای به آنها گفت و پس از آن به ما اجازه ورود دادند. وقتی جویا شدیم آن مرد متدین چه کسی است، گفتند او مالک شرکت هواپیمایی است. یک نفر دیگری که در آنجا بود به ما گفت وقتی آنجا رسیدید، باید جریمه پرداخت کنید،، اما وقتی عراق رفتیم، هیچ جریمه‌ای نگرفتند. آن قدر صحنه برایمان شگفت‌انگیز بود که برای ما همانند یک حجت و نشانه الهی بود. این ماجرا همواره در ذهنمان به‌صورت خاطره باقی ماند.

امام حسین علیه‌السلام به انسان‌ها روح حیات می‌دمد / ملت‌ها در اربعین حیات مجدد را تجربه می‌کنند

*** درباره حسّ حضورتان در پیاده‌روی اربعین و اولین زیارتی که به کربلا مشرف شدید توضیح بدید.**

کلاً محرم، اربعین و مجالس امام حسین علیه‌السلام زمان و مکانی است که انسان احساس می‌کند زنده است. وقتی محرم نزدیک می‌شود، انسان احساساتی می‌شود و بیش از گذشته به دینیات توجه دارد. وقتی به پیاده‌روی اربعین می‌رود، بیشتر به دینیات توجه دارد. چرا اینطور است؟ برداشت من این است: امام حسین علیه‌السلام کسی است که انسان را زنده می‌کند. خداوند می‌فرماید: « **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ**...؛ (انفال، بخشی از آیه ۲۴) ای اهل ایمان، چون خدا و رسول شما را به آنچه مایه حیات شماست، دعوت کنند اجابت کنید»؛ جالب است خطاب خداوند به اهل ایمان است نه اهل شرک و کفر. وقتی کسی وارد مجلس عزای امام حسین علیه‌السلام می‌شود و یا به زیارت اربعین می‌رود، به آنها حس زندگی و حیات مجدد دست می‌دهد. این یک آیه‌ای است که ما تجربه کردیم.

همان طور که قبلاً گفتم وقتی در دوران طفولیت بودیم، نوار مداحی امام حسین علیه‌السلام را گوش می‌دادیم و گریه می‌کردیم. مادرمان از کتب قدیمی برایمان روضه می‌خواند. قصه عون و محمد (فرزندان زینب علیهاالسلام) و حضرت عباس علیه‌السلام و علی اصغر علیه‌السلام را تعریف می‌کرد. روز بعد ما همان داستان را به همکلاسی‌های خودمان که "بودیسم" و یا بی‌دین بودند تعریف می‌کردیم، برایشان خیلی جالب بود. جالب‌تر اینکه روز بعدش خودشان جویا می‌شدند و می‌گفتند دیشب چه داستان جدیدی شنیدی، برایمان تعریف کن. ما دوست داریم بشنویم. منظور اینکه ماجرای امام

حسین علیه‌السلام نه‌تنها اهل ایمان بلکه افراد دیگر را زنده می‌کند. در اربعین تنها شیعیان نمی‌روند بلکه سنی‌ها و تمام ادیان می‌روند، زیرا امام حسین علیه‌السلام متعلق به تمام پاک‌طینتان عالم و برای انسانیت است. من با چشم خودم این مسئله را دیدم و تجربه کردم. واقعاً به این باور هم رسیدم.

*** چه خاطره‌ای از اربعین دارید؟**

زمانی که به عراق رفتیم، از آنجایی که از اروپا آمده بودیم، به امکانات عادت کرده بودیم. در عین حال پولمان هم کم بود. این موضوع برایمان جلب توجه می‌کرد که در آنجا می‌دیدیم انسان‌ها از کشورهای مختلف با یک هدف واحد در کنار یکدیگر جمع شده‌اند که همان عشق به امام حسین علیه‌السلام است.

"مَارَأَیْتُ إلا جَمیلاً" تفسیری از اربعین است

*** توصیه شما به کسانی که به زیارت اربعین نرفتند چیست؟ چون برخی از سختی راه و وضعیت بد اقتصادی هراس دارند.**

هرچند سفر اربعین یکسری سختی‌های ظاهری دارد، اما معنویت آن بیشتر است و بر سختی‌ها غلبه می‌کند. دیگر اینکه ما باید تصور کنیم حضرت زینب چه سختی‌هایی را در این سفر متحمل شده بودند. ما می‌توانیم با حس حضرت زینب سفر را طی کنیم. به نظرم شیرینی اربعین به سختی مسیر است. هر اندازه سخت‌تر شود، برایمان بهتر است.

وقتی بخواهیم زیارت اربعین را از منظر زینب تفسیر کنیم، باید بگوییم «**ما رأیتُ إلا جمیلاً**». این یعنی ایمان، یعنی ما باید ببینیم زیارت اربعین سفری است که می‌خواهد ما را به‌سمت خدا بکشاند، یعنی باید بدانیم اگرچه سفر اربعین با سختی‌های زیادی همراه است، اما هیچ چیز نیست مگر «جمیلاً»، لذا بخشی از زیبایی سفر اربعین وابسته به سختی مسیر آن است. مسیر خدا همین طور است؛ کسی که می‌خواهد به خدا برسد، باید از آزمون‌های سخت عبور کند تا به درجات بالا دست یابد. اربعین سفری است که ما را به خدا متصل می‌کند، از این جهت سختی آن را باید به تن خرید. هرچند به نظرم آنچنان هم سختی ندارد. زیبایی را باید در این سفر تعریف کنیم.

مصاحبه: سعید شیری

مصاحبه چهل و چهارم ـ عفت زهرا:
اربعین، جلوه کشتی نجات امام حسین است

عفت زهرا از مسلمانان خارج‌نشین و پاکستانی‌الاصل است که از تجربه حضورش در غرب می‌گوید. او می‌گوید «در سن یازده سالگی به انگلیس رفتم. در کشوری که از اسلام چیزی نمی‌دانستند، برایم کمی سخت بود از اسلام دور نمانم. در آنجا مسلمانان هم هستند، اما با کسانی که با اسلام آشنا نیستند، خیلی دشوار است که این دین را معرفی کنیم و بگوییم اسلام دین مهربانی است».

عفت زهرا درباره حس خود نسبت به امام حسین علیه‌السلام می‌گوید: امام حسین علیه‌السلام مانند کشتی نجاتی هستند که انسان را نجات می‌دهد. اگر کسانی در حال غرق شدن هستند، به‌وسیله امام حسین نجات می‌یابند.

*** خودتان را معرفی می‌کنید و بگویید از کدام کشور آمدید؟**

نام من عفت زهراست؛ اصلیتم پاکستانی، اما ساکن انگلیس هستم. من از ابتدا مسلمان بودم و در قم به دنیا آمدم. پدر و مادرم از پاکستان به ایران آمدند، اما پس از مدتی به‌خاطر تبلیغ به انگلستان رفتم. تقریباً ۱۵ سال در آنجا زندگی کردیم و من همیشه تمایل داشتم به ایران بازگردم. همیشه قلبم در ایران بود بالاخره این اتفاق رخ داد و مدتی قبل به قم آمدم تا تحصیلاتم را ادامه دهم.

*** درباره تجربه حضورتان در انگلیس توضیح بدید.**

در سن یازده سالگی به انگلیس رفتم. در کشوری که از اسلام چیزی نمی‌دانستند برایم کمی سخت بود از اسلام دور نمانم. در آنجا مسلمانان هم هستند، اما با کسانی که با اسلام آشنا نیستند، خیلی دشوار است که این دین را معرفی کنیم و بگوییم اسلام دین مهربانی است. پدر و مادرم مرا در انگلیس کلاس زبان ثبت نام کردند و

انگلیسی یاد گرفتم تا به راحتی تبلیغ کنم. من از همان سن که شروع به تبلیغ کردم، اما با این حال برایم سخت بود. چون به مردم آنجا آیات جنگ و جهاد را می‌خواندند و مردم تصور می‌کردند اسلام دین جنگ و خشونت است.

*** چرا به ایران بازگشتید؟ چرا فعالیت‌های تبلیغی خودتان را ادامه ندادید؟**

همان طور که قبلاً گفتم شرایط در آنجا دشوار بود. در انگلیس حوزه برای تحصیل داریم، اما چون در ایران حرم‌های مطهر داریم و در قم حضرت معصومه و مسجد مقدس جمکران وجود دارد، احساس بهتری دارم. در ایران وقتی ناراحت می‌شویم به زیارت می‌رویم و آرامش می‌یابیم. این جذبه و کشش باعث شد به ایران بازگردم.

*** شما مستقیم وارد حوزه علمیه شدید؟**

من ۵ ـ ۶ سال قبل به ایران آمده بودم و کمی با شرایط تحصیلات اینجا آشنا شده بودم. من علاقهٔ زیادی به آشنایی بیشتر با آموزه‌های اسلام داشتم و بهترین جا را همین حوزه‌های علمیه یافتم. مسلمان هستم، اما اینطور نیست که تمام مسائل آن را می‌دانم. علم مثل دریاست، انسان هرچه وارد آن شود همچنان تداوم دارد و عمق آن زیاد است.

پیوندی میان رشته دانشگاهی خود با علوم اسلامی برقرار می‌کنم

*** در انگلستان چه تحصیلاتی داشتید؟**

در انگلستان جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی خوانده بودم، سپس در همان رشته شاغل شدم. وقتی درسم تمام شد در محیطی که بچه‌های مریض بودند یا توانایی صحبت نداشتند، کار کردم. با کسانی که جرمی مرتکب شده بودند مصاحبه می‌کردم، اما زمانی رسید که تصمیم گرفتم درس دین را بخوانم؛ از این جهت وارد ایران شدم. هدف نهایی‌ام اینطور است که پیوندی میان دین و رشته دانشگاهی‌ام برقرار کنم.

*** آیا شما به زیارت معصومین علیهم‌السلام مشرف شدید؟**

من تمام زیارت‌ها و مناسک را انجام دادم و فقط حج و عمره‌ام باقی مانده است. سال قبل اولین بار در ایام اربعین به زیارت امام حسین علیه‌السلام رفتم. همیشه دوست داشتم از حرم پدر امام حسین علیه‌السلام در نجف بسوی کربلا راهپیمایی کنم. در اربعین مسائل خیلی جالبی دیدم. هرچند در انگلیس و ایران زیاد پیاده‌روی انجام می‌دهیم، اما راهپیمایی اربعین تفاوت دارد. در زیارت اربعین افرادی هستند که بضاعتی ندارند. شاید در طول یک سال برای خوراک و پوشاک و مسکن خودشان با مشکل مواجه شوند، اما در اربعین همان افراد هرچه دارند به زائران بذل و بخشش می‌کنند. اصلاً

توجه نمی‌کنند شما از چه کشوری هستید. همه در آنجا یک امت هستند. این برایم خیلی جالب بود.

*** چه عاملی باعث می‌شود انسان‌ها از سراسر دنیا را در یک بازه زمانی خاص یعنی در ایام پیاده‌روی اربعین انسان‌ها را بسوی یک نقطه آن هم با یک هدف و مقصد واحد می‌کشاند؟**

نام امام حسین علیه‌السلام به خودی خود جاذبه دارد. وقتی در ایام اربعین به کربلا رسیدم، همان جا باور کردم که من رسیدم. از همان جا تا رسیدن به صحن مقدس امام حسین علیه‌السلام شبیه یک دریایی بود که همه مردم دارند نجات می‌یابند. همه آنها با یک هدف آمدند. همه امام علیه‌السلام را دوست دارند. در راه دیدم، افرادی که پا نداشتند، قدم سوی زیارت امام حسین علیه‌السلام نهاده بودند. افرادی که سالم بودند، گاهاً ناله می‌زدند چه زمانی به حرم می‌رسیم، اما کسانی که پا نداشتند، زودتر از همه می‌دویدند و با شوق بیشتری پیش می‌رفتند. به خودم گفتم اینها که نقص عضو هستند اینچنین مشتاقانه سوی حرم شتاب می‌کنند، اما من که سالم هستم باز هم می‌گویم هیچ چیز ندارم. هیچ وقت نمی‌گوییم خدا را شکر که ما دست و پا داریم. هر دو سه ساعت یک بار می‌ایستادیم و می‌گفتیم چه زمانی می‌رسیم. در آنجا روی صبرم خیلی کار کردم.

*** وقتی به ضریح امام حسین علیه‌السلام رسیدید چه حسی داشتید؟**

حس عجیبی داشتم که در بیان نمی‌گنجد. من توانستم از نجف تا کربلا پیاده بروم و وارد حرم امام حسین علیه‌السلام شدم و زیارت کردم، اما وقتی به کاظمین رفتم، یک حس دیگری داشتم یعنی آرامش روحی یافتم.

در اربعین کشتی نجات حسین را درک می‌کنیم

*** اگر بخواهید اربعین را به مردم دنیا معرفی کنید چه تعریفی دارید؟**

تصور کنید یک سیلابی می‌آید. امام حسین علیه‌السلام مانند کشتی نجاتی هستند که شما را نجات می‌دهد و در اربعین مصداق بارز آن را می‌بینیم. اگر کسانی در حال غرق شدن هستند، به‌وسیله امام حسین علیه‌السلام نجات می‌یابند. از دیگر سو امام حسین علیه‌السلام به ما درس صبر آموخت. تمام خانواده خود را به کربلا برد و همراه فرزند و برادر و اصحابش شهید شدند. حتی زمانی که شهید شدند، کفن نداشتند. آنچه که مرا به امام حسین علیه‌السلام نزدیک کرده است، صبر اوست.

ج) یادداشت‌ها

یادداشت (۱)
حجت‌الاسلام حسین انصاریان مفسر و مترجم قرآن کریم:
زوّار اربعین حسینی، مبلّغان دین الهی

امام حسین علیه‌السلام عظیم العُظَمای عالم.

نوشته‌ای را درباره حضرت سیدالشهدا از فیلسوف، حکیم و عارف بزرگ خواندم که در این نوشته از آن حضرت به «عظیم‌العظما» تعبیر کرده بود؛ بدین معنا که وجود مبارک حضرت سیدالشهدا در شأنیت و هویت خودش از هرچه انسان و شخصیت بزرگ در این عالم است، بزرگ‌تر و والاتر هست. از زیارت وارث نیز همین معنا استفاده می‌شود و می‌توان تمام ارزش‌های حضرت آدم علیه‌السلام و انبیای اولوا العزم را در وجود مبارک امام حسین علیه‌السلام مشاهده کرد. همانا ایشان بنده‌ای خاص در درگاه الهی است که نه‌تنها جایگاه ویژه‌ای در این عالم دارد، بلکه در عالمِ بعد نیز از جایگاه ارزشمندی برخوردار است.

گریه انبیای الهی بر مصائب کربلا

در روایات رسیده از اهل‌بیت علیهم‌السلام آمده که جبرئیل امین از همان زمان حضرت آدم علیه‌السلام از سوی پروردگار مأموریت یافت که حضرت سیدالشهدا را به حضرت آدم علیه‌السلام و همه انبیای الهی بشناساند و ماجرای کربلا را به‌صورت مختصر برای آنها بازگو کند. امین وحی نیز تمام پیامبران را از این واقعه آگاه کرد و همه آنها بر مصائب این امام مظلوم گریستند.

گریه ارض و سماء بر امام حسین علیه‌السلام

البته تنها پیامبران الهی بر مصائب جانسوز کربلا نگریستند، بلکه اهل‌بیت علیهم‌السلام هم در زمان ولادت امام حسین علیه‌السلام اشک ریختند و اندوهگین بودند. گریه بر آن حضرت هیچ‌گاه و در گذر زمان رنگ نباخته و کمرنگ نشده است و همواره دل‌های عاشق و مؤمن در رثای او گریه کرده و به سوگ نشسته‌اند. وقایع کربلا و شهادت این امام و یاران ایشان به‌قدری سخت، غم‌انگیز و جان‌گداز بوده و هست که به فرموده امام زین‌العابدین، تمام موجودات ارضی و سماوی بعد از جریان عاشورا برای آن حضرت گریستند؛ از همین امر نیز واضح و مُبرهن است که گریه بر ایشان و حوادث جانسوز کربلا موضوعیت و قطعیت دارد و لذا از فرمایشات حضرت امام رضا و بعضی از ائمه علیهم‌السلام می‌توان دریافت که گریه بر حضرت واجب است و نه مستحب. روایات بسیار مهمی دراین‌باره بیان شده که معتبرترین کتاب‌های ما ــ شیعه و غیرشیعه ــ نقل کرده‌اند.

سفارش ائمه علیهم‌السلام به زیارت کربلا

آنچه پس از گریه بر مصائب آن حضرت حائز اهمیت است و اولویت دارد، زیارت حضرت حسین علیه‌السلام است. امامان معصوم علیهم‌السلام نسبت به زیارت امام حسین علیه‌السلام و یاران ایشان دستور اکید داده‌اند و سفارشاتی را به مؤمنان و عاشقان مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام داشته‌اند. در این سفارشات آمده است: آنان که توان زیارت حضرت را دارند، فرقی نمی‌کند که در کدام نقطه از این کره خاکی زندگی می‌کنند، حتی اگر یک بار در طول عمرشان باشد، به زیارت این امام شهید بروند؛ و چنانچه برای آنها میسّر است، در سال به دفعات بروند و ایشان را زیارت کنند.

همچنین در این روایات به ثواب عظیم زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام و یاران آن حضرت به‌تناسب مکلّفین اشاره شده است. در برخی روایات چنین ذکر شده است؛ ثواب هر قدمی که زائر امام حسین علیه‌السلام از منزل خود تا حرم ابی‌عبدالله برمی‌دارد، حال هرمقدار فاصله که بین منزل و حرم باشد، با ثواب یک حج و عمره قبول‌شده برابری می‌کند؛ البته در برخی روایات نیز نود حج و عمره قبول‌شده و یا هزار حج و عمره قبول‌شده آمده و این اختلاف روایات به تفاوت معرفت و ظرفیت زائر بستگی دارد. گاهی زائر حرم آن حضرت از امامان معصوم علیهم‌السلام است و گاهی مؤمنی با درجهٔ والای معرفتی و گاهی نیز مؤمنی با درجه پایین‌تر ایمانی؛ لیکن نکته مهم و درخور توجه، سفارش و تأکید نسبت به سفر به کربلا و زیارت قبر ایشان است، نه اینکه امام را در منزل خود و با خواندن زیارت‌نامهٔ آن حضرت زیارت کنیم، در حقیقت، مقصودِ

ائمه علیهم‌السلام زیارتی است که موجب زنده نگه داشته شدن این ماجرای جانسوز و دلخراش در ظرف جهان باشد. این سفارشی نیست که تنها به زمینیان شده باشد و انسان‌ها به آن فرمان یافته باشند، بلکه در کتاب «**کامل الزیارات**» آمده است که هر شب هفتاد هزار فرشته به امر خداوند متعال، در اول غروب به زیارت حرم حضرت می‌آیند و در اول فجر به عرش بازمی‌گردند، تعداد فرشتگان عرش الهی به‌قدری زیاد است که تا روز قیامت، فقط یک بار توفیق زیارت حرم ابی‌عبدالله نصیب آنان می‌شود.

زیارت اربعین در روایات

اما آن زیارتی که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیهم‌السلام به آن مکرراً و مؤکداً سفارش کرده‌اند، زیارت امام حسین علیه‌السلام در چهلمین روز شهادت آن حضرت و یاران باوفای ایشان است، زیارتی که سال‌هاست مردم با شور و حرارت بسیار در اربعین انجام می‌دهند. به‌راستی که این شور و حال زیارت در این روز و جمعیت گسترده مردم به‌خواست و هدایت پروردگار متعال صورت گرفته و چنین گردهمایی در تاریخ بشر و به‌روی کرهٔ زمین بی‌سابقه است، اجتماعی خاص و منحصر به فرد با هدفی معنوی و الهی که نظیری را برای آن در هیچ نقطه‌ای از دنیا نمی‌توان یافت.

این جمعیت میلیونی هرساله از سراسر جهان در کربلا گردهم آمده و مردمان این سرزمین چه مهمان‌نوازانی هستند و چه‌زیبا از زائران امام حسین علیه‌السلام پذیرایی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که هیچ زائری بدون پذیرایی نخواهد ماند و در این خصوص نگرانی ندارد. بسیاری از ساکنان این سرزمین مقدس، خودشان تمکّن مالی چندانی ندارند و در زندگی خویش با مشکلاتی مواجه هستند، اما اینها در طول سال، مقداری از پولشان را برای زائران اربعین ذخیره کرده و در این روزها از مهمانان ویژه اباعبدالله پذیرایی می‌کنند.

زوّار اربعین حسینی، مبلّغان دین الهی

حقیقتاً افرادی که به این شکل به پیاده‌روی اربعین می‌روند و آنان که به این گروه‌ها خدمت می‌کنند، دین الهی را در پرتو وجود ابی‌عبدالله تبلیغ می‌کنند. شور و اشتیاق مردم در زیارت اربعین به جایی رسیده که چند سالی است ادیان گوناگونی مانند مسیحیان، زرتشتیان و حتی گروهی از اهل‌تسنن نیز بدان جذب شده‌اند و هرساله خود را در روز اربعین حسینی به کربلا می‌رسانند. یقیناً اینها از ثواب زیارت امام حسین علیه‌السلام بی‌بهره نخواهند بود و چه‌بسا همین آمدن‌ها موجب آشنایی با دین

حقیقی خدا باشد و امید است که روزی در پرتو حضورشان در اربعین حسینی در زمره پیروان مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام قرار گیرند.

قتلگاه امام حسین علیه‌السلام، محل معراج ملکوتیان

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «سُبْحانَ الَّذی أَسْری بِعَبْدِه لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی الَّذی بارَکْنا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیاتِنا إِنَّهُ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ؛ منزّه و پاک است آن [خدایی] که شبی بنده‌اش [محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله] را از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر [و حرکت] داد تا [بخشی] از نشانه‌هایِ [عظمت و قدرت] خود را به او نشان دهیم؛ یقیناً او شنوا و داناست» (اسراء، آیه۱).

طبق این آیه و نیز سوره مبارکه نجم، همانا معراج عوالم بالا برای انسان کامل و خلیفةالله الاعظم رخ داده که بین زمینیان می‌زیسته، اما روایتی از امام صادق علیه‌السلام در «کامل الزیارات» نقل شده که این کتاب از معتبرترین کتب در ۱۲۰۰ سال گذشته است، ایشان در این روایت فرموده‌اند: همانا حسین ما قتلگاه خود را به معراجی برای ملکوتیان مبدّل کرد. تنها یک نفر از اهل زمین به معراج رفت که رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله بود، اما هزاران هزار فرشته و ملک مقرب الهی از عالم ملکوت برای معراج به زیارت حرم ابی‌عبدالله می‌آیند.

پس شما ای زائران اربعین حضرت امام حسین علیه‌السلام، بدانید که چه کار عظیمی توسط شما انجام می‌شود و این را نیز بدانید که با دست به دست هم دادن و ساختن جمعیتی چند میلیونی از زائران اربعین، چه آثار پربرکتی را از خود به‌جا می‌گذارید. بی‌گمان، این آغاز راه است و جهان در آینده تحت تأثیر منش و رسالت سیدالشهدا علیه‌السلام و زائران آن حضرت قرار خواهد گرفت و به‌زودی چراغ دروغین ادیان و مکتب‌های غیرخدایی به‌وسیله طوفان ایمان به ابی‌عبدالله به خاموشی خواهد گرایید و چه‌بسا در همین اربعین، جهان آماده ظهور امام عصر (عجل‌الله تعالی فرجه) برپایی عدل جهانی و پذیرش مکتب حسینی شود.

باش تا صبح دولتت بدمد
کین هنوز از نتایج سحر است

یادداشت (۲)
«وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» در اربعین در حال وقوع است

حدود ۱۴۰۰ سال است که از ماجرای کربلای امام حسین علیه‌السلام می‌گذرد، حدود ۱۴۰۰ سال است که نام و یاد امام حسین علیه‌السلام و اصحاب با وفای ایشان در قلوب مؤمنین و شیعیان جاری و ساری است، انگار خدا حیات و مماتمان را متصل به حیات و ممات اهل‌بیت علیهم‌السلام قرار داده است، بی‌جهت نیست که می‌گوییم: «**اللّهم اجعل مَحیای مَحیا محمد و آل محمد**». به راستی با شهادت امام حسین علیه‌السلام خاکی که روی اذهان عمومی بود، برداشته و بیداری و بصیرت در عالم به تدریج آغاز شد و امروزه نیز شاهد اوج‌گیری آن هستیم.

در این سالیان گذشته، «حبّ» امام حسین علیه‌السلام موجب شد تا نه‌تنها در ایام خاصی چون محرم، صفر و اربعین، بلکه در لحظه لحظه زندگیمان با یاد و نام امام علیه‌السلام زندگی کنیم. مجالس و هیئت‌های بسیاری که امروزه در سراسر ایران و حتی در دیگر کشورها شکل گرفته است، بی‌تردید برخاسته از «حبّ» امام حسین علیه‌السلام است، به عبارت دیگر، کشش و جاذبه‌ای وجود دارد که آدمی را به این سو می‌کشاند و امروزه راهپیمایی اربعین حسینی مصداق این کشش و جاذبه الهی است.

بسیاری از محبان از مدت‌ها قبل از اربعین، وارد فضای حسینی می‌شوند، آنان در شهر و دیار خودشان هستند، اما انگار خیلی زودتر از جسمشان، قلب‌هایشان را روانه کرده‌اند و چقدر این حس و حال با آیهٔ «يَهْدِي اللَّهُ نُورِهِ مَنْ يَشاءُ» سازگار است.

این تعداد از انسان‌ها که هر ساله در کربلا حضور پیدا می‌کنند، تنها قسمت کوچکی از عاشقان و محبان امام حسین علیه‌السلام هستند که با قلب و جسمشان توفیق حضور در این سرزمین نور را پیدا کرده‌اند، این در حالی است که صدها برابر این جمعیت که نتوانستند به دلایل مختلف در راهپیمایی اربعین حضور پیدا کنند، قلب‌هایشان را بسوی حریم امام عالم روانه کردند و زیر لب اینگونه ندا می‌دهند که:

گرچه دوریم به یاد تو سخن می‌گوییم

بُعد منزل نبود در سفر روحانی

این همان تعبیری است که رهبر معظم انقلاب در وصف دورماندگان از راهپیمایی اربعین حسینی علیه‌السلام بیان فرموده‌اند.

افرادی که توفیق حضور در کاروان راهپیمایی اربعین را به دست می‌آوردند، این فضای بهشتی را از درون لمس و با آن ارتباط برقرار می‌کنند، اما عده‌ای که از بیرون شاهد چنین صحنه‌ای هستند، ممکن است سؤالاتی برایشان ایجاد شود؛ از جمله اینکه به راستی چه سرّی است که انسان را از فواصل بسیار دور به حرکت و تکاپو وا می‌دارد تا در این روز آن هم با پای پیاده، در سرما و گرما به آنجا برود؟ این چه جاذبه‌ای است که کاملاً آدمی را مجذوب کرده و دیگر هیچ چیزی جز رسیدن به حریم امام علیه‌السلام برایشان مهم نیست؟ این چه چیزی است که به موجب آن انسان در طول سال برنامه‌هایش را به گونه‌ای سامان می‌دهد که در این روز بتواند زائر امام حسین علیه‌السلام باشد؟ چه چیزی باعث می‌شود مادران، فرزندان و حتی شیرخوارگانشان در این سفر با خود همراه کنند؟ چه چیزی است که حتی افراد ناتوان (پیرمرد، پیرزن، ناتوان جسمی) را با وجود سختی‌های این مسیر، به این سرزمین می‌کشاند؟

حبّی که هیچگاه سرد نخواهد شد

به نظر می‌رسد همه باید در این ماجرای عظیم حضور داشته باشند و کوچک و بزرگی مطرح نیست، حتی در زمان متوکل عباسی به رغم خشونت‌های زیاد نسبت به زوّار قبر امام حسین علیه‌السلام، هرگز این زیارت تعطیل نشد و از رونق نیافتاد و مردم به‌صورت‌های مختلف به زیارت امام حسین علیه‌السلام می‌آمدند.

سرانجام متوکل مجبور شد طی بخشنامه‌ای زیارت امام حسین را به شرط اینکه دست راست زائران را قطع کند، آزاد کند. اندکی بعد صف مشتاقان زیارت با وجود این شرط نیز طولانی شد، این همان «حبّ» امام حسین علیه‌السلام است که خدا در قلوب مؤمنان جاری کرده که هیچگاه سرد نخواهد شد، این همان وعدهٔ الهی است که بر زبان معصوم جاری شده: (**إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدا**)، به عبارت دیگر، امام حسین علیه‌السلام همچون طنابی که برای نجات آدمی انداخته می‌شود، حبّشان را در عالم انداختند و عالمیان را از عمق به‌سمت بالا می‌کشانند و اوج این مهم را در ایام اربعین می‌بینیم که دست همه را گرفته و به این سرزمین نور می‌کشانند و آنان را بهشتی می‌کنند.

وقتی با زائران در مسیر راهپیمایی گفت‌وگو می‌کنیم، همه بر فضای بهشت‌گونهٔ آن صِحه می‌گذارند و می‌گویند همین درست است و باید تمام زندگیمان اینگونه باشد، همه احساس می‌کنند به آسمان‌ها کشیده شدند و در آنجا ساکن هستند، ای‌کاش همیشه به اینجا بیاییم و اصلاً ای‌کاش بشود خانه‌ای در اینجا تهیه کنیم، آنان احساس می‌کنند سال‌هاست که در این سرزمین سکونت داشته‌اند. برای همه ممکن است این سؤال ایجاد شود که چرا تاکنون اینچنین نبودیم؟ لذا در همه این دغدغه ایجاد می‌شود که آیا می‌شود وقتی به شهر و دیارمان برگشتیم، دوباره همین گونه باشیم؟، اما معمولاً اینگونه نیست.

چرا زائران امام حسین، عصر روز اربعین حس می‌کنند نور کم شده است؟

به‌عنوان مثال، در عصر روز اربعین انگار فضا تغییر می‌کند و انسان‌ها احساس می‌کنند کربلا تاریک شده است، این در حالی است که خیابان‌ها چون شب‌های گذشته پر نور و چراغانی است، اما نه، انسان‌ها نوری را که در روزهای گذشته حس می‌کردند، در عصر روز اربعین دیگر حس نمی‌کنند، آنان با خود چنین می‌گویند: چرا خیابان‌ها تاریک است؟ من شب‌های گذشته در همین خیابان‌ها رفت و آمد می‌کردم، اما اینچنین نبود، امشب هم همان نورها هست، اما چرا اینقدر تاریک است، انگار نور کم شده است، اما می‌بینیم تمام چراغ‌ها روشن است. رفتار اعراب به تدریج تغییر می‌کند، آنان تا دو سه هفته به اربعین رفتاری آسمانی و در نهایت ایثار و خدمتگزاری از خود نشان می‌دهند، اما پس از ایام اربعین دیگر آن رفتارها دیده نمی‌شود؟ علت چیست؟

علت آن را می‌توان از میان کلام محبان حضرت دریافت کرد، آنان در اربعین با نور مولایشان حسین علیه‌السلام بالا برده شدند، نوری که در این ایام به نظر وسعت پیدا کرده است، بر همین اساس وقتی از آن فضای بهشت‌گونه خارج می‌شوند، چون نور رها شده است، نمی‌توانند خودشان را در آن فضای آسمانی اربعین نگه دارند، لذا می‌بینیم بسیاری بعد از این ایام از آسمان‌ها فاصله می‌گیرند و به سطح نزدیک می‌شوند، این نکته را در ماه رمضان بعد از یک ماه روزه‌داری نیز شاهدیم. پس نور حسینی در ایام اربعین، چیزی است که آنان با تمام وجود حس می‌کنند، البته چشم امید داریم که خداوند هر سال این نور را از چشمهٔ اربعین به تمام سال تسری دهد و همیشگی باشد، هرچند عده‌ای می‌خواهند مانع نور خدا شوند.

خدا می‌فرماید: «**يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ**»، (صف، آیه ۸) عده‌ای می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند، در ادامه می‌فرماید: «**وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ**»، بر اساس این آیه درمی‌یابیم که راهبرد خداوند مقابل این رفتار آنان که می‌خواهند نور خدا را با دهان خاموش کنند، به تصویر کشید «**وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ**» است.

در اربعین، بسیاری از تربیت‌ها بر آدمی جاری می‌شود

باید قیمت موسم اربعین را که خداوند در این برهه از زمان در حدی وسیع در معرض جهانیان قرار داده است، بدانیم و برای بهره از آن خودمان را در معرض بیشتری از نور امام عالم قرار دهیم، چراکه به صرف قرار گرفتن در راهپیمایی اربعین، بسیاری از تربیت‌ها بر آدمی جاری و در نتیجه رشد زیادی برای افراد حاصل می‌شود.

شایسته است اندیشمندان اسلامی روی این واقعهٔ بزرگ تاریخ مطالعه کرده و تبیین روشن و دقیقی از آن ارائه کنند. این صحنه به حدی بزرگ است که حتی اصحاب رسانه‌های غرب را به تحرک واداشته است و انتظار بر این است که نتوانند جز عظمت آن چیز دیگری منعکس کنند، چون با موجی از انسان‌های پرانگیزه و تأثیرپذیرفته از نور حسینی مواجه‌اند. امید که به شکرانهٔ این محبت خداوندی در این زمانه، تلاشمان را بیشتر کنیم و تبیین و رفتار قرآنی در این صحنه پیشه کنیم.

یادداشت: امیرمحسن شیخان

یادداشت (۳)
تجلّی «مارأیتُ إلا جَمیلاً» در جریان اربعین حسینی علیه‌السلام

یکی از زیباترین و قوی‌ترین تعابیری که توسط زینب در ماجرای کربلای امام حسین بیان شد، «ما رأیت الا جمیلا» است. به راستی این تعبیری است که امروزه پس از گذشت هزار و اندی سال، هیچ کسی نتوانسته است تبیین و مفهوم صحیحی از آن ارائه دهد و صرفاً نظرات شخصی و ذوقی دراین‌باره مطرح شده است. این در حالی است که تبیین و مفهوم‌یابی این تعبیر حضرت از بزرگان دین که سال‌ها به مطالعه در این عرصه پرداخته‌اند، توقع زیادی نیست. به عبارت دیگر، نه‌تنها مردم آن زمان نفهمیدند که حضرت زینب چه کلامی فرمودند، بلکه امروزه نیز به اوج قله کلام ایشان کسی دست نیافته است.

اینکه حضرت زینب در کاخ دشمن و در آن فضای خاص که برادر و فرزندانشان را کشته شده دیدند، فرمود «ما رأیت الا جمیلا»، با هیچ منطق و استدلالی قابل فهم نیست، جز با منطق نور و نگاه آسمانی به ابعاد مختلف ماجرای امام حسین. نگاهی که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است و بیشتر به جنبه‌های دیگری چون کشتار، خون و شمشیر ... توجه شده است. ایشان با کلامی نورانی دشمن را در کاخ خود تحقیر کردند و چنان داغی بر دل بر آنان گذاشتند که بعد از گذشت هزار و اندی سال از گذشت آن ماجرا، همه از مجاهدت عزت‌مندانه آن حضرت می‌گویند و افتخار می‌کنند.

کلام حضرت زینب علیهاالسلام در حقیقت توصیف نحوهٔ حرکت دادن کاروانیان امام حسین علیه‌السلام است و این همان چیزی است که امروزه شیعه به آن نیاز دارد. شیعه باید می‌دانست که برای حسینی شدن باید چون کاروانیان حسینی روحیه اطاعت و تبعیت یعنی جا پای جای امام گذاشتن را یاد بگیرد، شیعه باید آنقدر رشد کند که در اندک زمان به عالی‌ترین جایگاه‌ها رسانده شود، همچنان که اصحاب امام حسین در ۳۲ به اعلی‌علّیّین رسانده شدند. شیعیان و مؤمنان باید طوری رشد کنند که مصداق این جمله امام حسین علیه‌السلام یعنی **«رأیهُم رأیی و أمرَهُم أمری»** قرار گیرند. به راستی چه توفیقی بالاتر از این وجود دارد؟

حضرت زینب چه چیز دیدند که چنین فرمودند؟ ایشان دیدند که چگونه اصحاب در کاروانی با قافله‌سالاری امام حسین رشد کردند، ایشان هنرنمایی امام علیه‌السلام را در تعلیم و تربیت اصحاب دیدند، ایشان نمود و ثمره تربیت اصحاب را در صحنه آزمون در عصر عاشورا دیدند که چگونه نزد امامشان درس پس دادند، اینجاست که باید گفت حضرت زینب علیهاالسلام زیبایی را در بُعد مادی و دنیایی آن حادثه ندیدند و یقیناً زیبایی مدنظر ایشان متعلق به آسمان‌هاست.

به نظر می‌رسد این کلام حضرت زینب علیهاالسلام باید به‌عنوان یک رمز و راز باقی می‌ماند و اصلاً شاید نباید این راز در طول تاریخ آشکار می‌شد، چراکه با گشایش این رمز، بسیاری از معارف شیعیان تبیین می‌شود. امروزه با گذشت زمان و با برپایی انقلاب اسلامی گویا راه آسمان به زمین بازتر از گذشته شده است و نور آسمان دارد تأثیر بر زمینیان می‌گذارد و به مرور این رمز را آشکار می‌سازد.

شاهدمان برای این کلام جریان «اربعین حسینی» است که چند سالی است رنگ و بوی دیگری نسبت به گذشته پیدا کرده است. در اربعین حسینی فضایی سرشار از نور، محبت، ایثار و عشق وجود دارد و به تبع همین مسئله، زیباترین رفتارها را از مردم شاهدیم، وقتی آدمی در راهپیمایی اربعین حسینی توفیق حضور پیدا می‌کند، نمی‌تواند کلامی به غیر از «ما رأیت الا جمیلا» بر لب براند. به عبارت دیگر، در فضای اربعین است که باید این جمله حضرت زینب علیهاالسلام را به‌عنوان رمز فهم عاشورا مورد توجه قرار دهیم.

وقتی با چنین نگاهی یعنی از پنجره «مارأیت الا جمیلاً» به ماجرای عاشورا می‌نگریم، برکات و ثمرات زیادی نصیبمان می‌شود و این هنر حضرت زینب علیهاالسلام است که کلید مرجع ورود مؤمنان و شیعیان به تفکر و درک ماجرای عاشورا را بیان فرمودند.

یادداشت: امیرمحسن شیخان

یادداشت (۴)
الگوبرداری از جامعه اربعین در اصلاح سبک زندگی

ایام پیاده‌روی اربعین امام حسین علیه‌السلام مقطعی است که می‌توان از آن به‌عنوان فرصتی جهت رشد و ارتقای صفات اخلاقی و رفتاری در ابعاد فردی و اجتماعی در پرتو انوار مقدس اباعبدالله علیه‌السلام استفاده کرد. در واقع می‌توان گفت خداوند متعال صحنه‌ای به‌صورت عملی پیش روی بشریت قرار داده است طوری که بشریت در پرتو آن می‌تواند به بهترین الگوها و سبک‌های زندگی در راستای تعاملات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دست یابد. در ادامه به برخی از این شاخصه‌های فردی و اجتماعی اشاره می‌کنیم.

اربعین، فرصتی برای تزکیه روح

در بُعد فردی، پیاده‌روی اربعین را میتوان فرصتی برای «تزکیه و پالایش روح» در نظر گرفت. در واقع در ماجرای پیاده‌روی اربعین وقتی شخص دور از دغدغه‌ها و آشوب‌های دنیا و با هدف زیارت نورانی امام حسین علیه‌السلام قرار می‌گیرد، ناخداگاه احساس سبکی به او دست می‌دهد و این یکی از نشانه‌های زدوده شدن گناهان از صفحه قلب است. به فراخور این فرآیند، شاهدیم که شخص از جهت اخلاقی و رفتاری ارتقاء پیدا می‌کند و نوع تعاملاتش با سایرین بسیار مناسب می‌شود.

اما زمانی که یکایک افراد در این گردهمایی عظیم و معنوی تاریخ بشریت شرکت می‌کنند و مشمول این فرآیند رشد می‌شوند، جامعه‌ای تشکیل می‌دهند که در آن جامعه شاهد عالی‌ترین نوع تعاملات از جهت اخلاقی و رفتاری هستیم طوری که در جامعه اربعینی شاهد همدلی و همبستگی زیاد بدون در نظر گرفتن رنگ و نژاد و مذهب هستیم و همه با یکدیگر در نهایت صفا و صمیمیت و محبت در یک مسیر و با یک مقصد مشخص که همان لقای امام حسین علیه‌السلام است، حرکت می‌کنند.

شاخص‌های جامعه اربعین باید مورد مطالعه قرار گیرد

این نوع تعامل حداکثری آن هم با رعایت ارزشهای ایمانی، اخلاقی و رفتاری را جز در پیاده‌روی اربعین هیچ کجا شاهد نیستیم. آیا می‌توان چنین ماجرایی را صرفاً خیزش مردمی حساب کرد، اما دست غیب الهی را نادیده گرفت؟ اصلاح ایمانیات،

اخلاقیات و رفتار فردی به خودی خود نیاز به فرصتی چندین ساله دارد، اما در این مقطع شاهد اصلاح حداکثری تعداد کثیری از مردم هستیم، بنابراین ابعاد مختلف مقطع اربعین حسینی علیه‌السلام باید به‌عنوان بهترین الگوی اصلاح جامعه شیعی مورد مطالعه مراکز فرهنگی و علوم انسانی و نیز مراکز علمی و حتی حوزه‌های علمیه کشور قرار گیرد و این حاصل نمی‌شود جز اینکه مسئولین امر خود را در معرض این جریان نورانی قرار دهند و طعم شیرین آن را بچشند.

از سوی دیگر قشر هنرمند جامعه مهم‌ترین نقش را می‌توانند در ارائه فرهنگ جامعه اربعین در قالب‌های مختلف هنری ایفا کنند. ارائه تصویری دقیق و مبتنی بر آموزه‌های اصیل اربعین مردم و فرهیختگان جامعه را با این ماجرای عظیم آشنا میکند تا جایی به کسانی که توفیق حضور در این گردهمایی نورانی را ندارند حس حضور بدهد، بنابراین لازم است قشر هنرمند جامعه ابتدا این تجربه را با حضور در این گردهمایی درک کند تا بتوانند تصویری صحیح ارائه دهند.

ایده هنرمند در پیاده‌روی اربعین ارتقاء می‌یابد

از جهتی همان طور که مطرح شد، اربعین فرصتی برای تزکیه است و هنرمند وقتی در این صحنه تزکیه قرار بگیرد، موجب ارتقای ایمانی و صفاتی‌اش می‌شود و این موضوع باعث می‌شود هنر او در قلم و کار او جلوه‌گر شود. ما در ماجرای انقلاب اسلامی شاهد بودیم به فراخور این امر الهی، هنرمندان وقتی در فضای انقلاب قرار گرفتند، آثاری که تولید می‌کردند، اکثراً آثاری ارزشی و مبتنی بر آموزه‌های دینی بود، حال اربعین چه‌بسا تأثیری فراتر از ماجرای انقلاب اسلامی داشته باشد؛ بنابراین از تمام جهات باید اربعین را به عنوان فرصتی ناب در نظر گرفت که خداوند متعال برای تمام ملت‌های دنیا قرار داده است.

یادداشت: سعید شیری

یادداشت (۵)
جریان اربعین؛ ظرفیتی برای تحقق آرمان‌های انقلاب

رشد و گسترش رویکرد افکار عمومی جهان به دین اسلام انکارناپذیر است همچنان که برخی از اندیشکده‌های آمریکایی ـ غربی اذعان داشته‌اند که دین اسلام در دهه‌های آینده دین اول مردم جهان خواهد بود. حضور گسترده مردم سراسر دنیا از هر دین و آیینی در ایام منتهی به پیاده‌روی اربعین حسینی مصداقی بر این واقعیت است. از دیگر سو، این همایش عظیم مردمی ظرفیت بسیار عظیمی را برای ترویج فرهنگ معرفتی اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام فرا روی جهان اسلام قرار می‌دهد.

نظام سلطه با اعتراف و اذعان به گسترش دین اسلام در اقصی نقاط جهان به انحای مختلف درصدد بایکوت این واقعه بی‌مثال اعصار گذشته است. مروری بر محتوای رسانه‌های غربی ـ آمریکایی نشان می‌دهد که در طول برگزاری پیاده‌روی اربعین حسینی این گروه از رسانه‌ها کمترین اشاره‌ای به آن نداشته و بلکه با انتشار گزارشات و اخبار مجعول و مغرضانه درصدد انحراف توجهات افکار عمومی برآمده‌اند.

از سوی دیگر پدیده تاثیرگذار انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نخستین نظام حکومتی مردم بر مردم یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران انکارناپذیر است. پدیده انقلاب اسلامی در آستانه چهل سالگی خود قرار دارد. مردم و مسئولان کشورمان، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را برآمده از متن فرهنگ انسان ساز عاشورا می دانند.

همایش بزرگ پیاده‌روی اربعین حسینی فرصتی را فراروی مسئولان و متولیان امور قرار داده تا در پرتو آن بتوانند از فرصت‌های نهفته در آن در راستای تحقق آرمان‌های تشیع و اهداف انقلاب اسلامی استفاده کنند.

عدم تسهیل‌سازی شایسته مسئولان ذی‌ربط درباره حضور مردم در ایام پیاده‌روی اربعین حسینی ما را بر آن واداشت تا ضمن مقدمه‌ای، به برخی گزاره‌ها و مصادیق فرصت‌های اربعینی از منظر رهبر معظم انقلاب بپردازیم.

جریان اربعینی ظرفیتی برای تحقق آرمان‌های انقلاب

ایام پیاده‌روی اربعین امام حسین علیه‌السلام مقطعی است که می‌توان از آن به‌عنوان فرصتی برای رشد و ارتقای صفات اخلاقی و رفتاری در ابعاد فردی و اجتماعی، در

پرتو انوار مقدس ائمه اطهار علیهم‌السلام یاد کرد. در نگاهی دیگر این همایش عظیم الهی ظرفیتی است که به‌مرور زمان باعث پیوند و اتحاد ملت‌های دنیا با هر نژاد و مذهب و قومیتی می‌شود. حضور مردم از حدود ۸۰ کشور از سراسر دنیا در سال گذشته مصداقی بر این واقعیت است.

وحدت، همدلی، محبت، مودت، ازخودگذشتگی، ایثار و بسیاری از مقولات اخلاقی و صفاتی از مفاهیمی هستند که در ایام پیاده‌روی اربعین بین مردم مسلمان و غیرمسلمان نمود می‌یابد. از منظر دیگر می‌توان گفت تحقق این آیه از قرآن است که خداوند فرمود: « **إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا**؛ کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح کرده‌اند، به‌زودی [خدای] رحمان برای آنان محبت آرمانی) [در دل‌ها] قرار می‌دهد.» بنابراین خداوند در ایام پیاده‌روی اربعین فرصتی ایجاد کرده است که می‌توان از آن با عنوان الگوی تمدن عظیم الهی یاد کرد، همان تمدنی که مقصد اصلی انقلاب اسلامی ایران است؛ لذا هراندازه حضور مردم برای زیارت امام حسین علیه‌السلام در ایام اربعین تسهیل شود، به‌نفع اهداف عالی انقلاب اسلامی و تشیع است.

تأکید رهبر انقلاب درباره استفاده از فرصت اربعین

اما فرصت پیاده‌روی اربعین در این چند سال اخیر از نگاه ژرف‌انگیز رهبر معظم انقلاب دور نماند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در یکی از جلسات درس خارج فقه، پدیده بی‌نظیر و حرکت عظیم و پر معنای راهپیمایی اربعین حسینی را حسنه‌ای ماندگار خواندند و گفتند: ترکیب «عشق و ایمان» و «عقل و عاطفه» از ویژگی‌های منحصر به‌فرد مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام است و حرکت عاشقانه و مؤمنانه مردم از کشورهای مختلف جهان در این پدیده بی‌سابقه، بدون تردید از جمله **شعائر الهی** است.

آیت الله خامنه‌ای با اشاره به بزرگواری و محبت مردم عراق در پذیرایی از زائران اربعین، به کسانی که توفیق حضور در این حرکت پر معنا و پر مغز را پیدا کرده‌اند توصیه کردند این فرصت را مغتنم بشمارند و افزودند: ما نیز از دور به حال زائران اربعین غبطه می‌خوریم و آرزو می‌کنیم ای‌کاش همراه شما بودیم.

انقلاب، فرصت ارتباط معنوی و عاشقانه با خاندان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و زیارت این عناصر ممتاز، برجسته، نورانی و ملکوتی را از امتیازات تفکر شیعی میان فرق اسلامی

دانستند و فرمود «حرکت عظیم مردم از ایران و سایر کشورهای جهان برای حضور در راهپیمایی اربعین، جلوه‌ای از ویژگی‌های برجسته مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام است که در آن، هم «ایمان، اعتقاد قلبی و باورهای راستین» موج می‌زند هم «عشق و محبت.»

حضور مردم، عنصر اصلی تداوم جریان اربعینی

با تمام توصیفاتی که تا بدین‌جا درباره گوشه‌ای از فرصت‌های پیاده‌روی اربعین ارائه شد، می‌توان نتیجه گرفت حضور مردم عنصر اصلی تحقق فرصت‌های اربعینی است، اما این سؤال باقی می‌ماند که چرا مسئولان ذی‌ربط اقدامات شایسته و بایسته‌ای برای تسهیل‌سازی آن تاکنون انجام نداند؟ **حال که خداوند بستری بسیار مناسب** در قالب پیاده‌روی اربعین حسینی در راستای تحقق هدف اصلی انقلاب اسلامی ایران یعنی تشکیل تمدن نوین اسلامی و نیز ظرفیتی برای وحدت ادیان و مذاهب ایجاد کرده است، باید به قدری هزینه و بودجه برای تسهیل زیارت امام حسین علیه‌السلام تدارک دید که مردم با کم‌ترین هزینه به این زیارت معنوی سفر کنند. اکنون که شاهدیم به‌دلیل توطئه‌های دشمنان اسلام خون هزاران هزار مسلمان به‌دلیل اختلافات فرقه‌ای روی زمین ریخته می‌شود، آیا نباید به جریان اربعین حداقل از بُعد «تقریب مذاهبی» توجه کرد؟ بنابراین هرگونه کوتاهی در این امر بسیار مهم و ضروری عواقب ناخرسندی را به‌همراه خواهد داشت و مصداق بارز کفران نعمت و رویگردانی از آیات عظیم الهی محسوب می‌شود.

رهبر معظم انقلاب نیز در بخش دیگری از فرمایشات خود ضمن اینکه اربعین حسینی علیه‌السلام را از نعمات خداوند معرفی کردند، با تأکید بر آسان کردن حضور زائران اربعینی اشاره داشتند: «ازجمله‌ی شاخه‌های شکر، یکی این است که این کار را برای کسانی که عاشق این کارند، آسان کنیم که مسئولیّت این به‌عهده‌ی مسئولان بخش‌های مختلف کشور است. گاهی حوادثی پیش می‌آید؛ نگذارند این حوادث [تکرار شود]، پیشگیری کنند؛ این هم جزو شکر است. به هرحال این نعمت را قدر بدانیم، نعمت بزرگی است. و این ان‌شاءالله یک نعمت پایدار خواهد بود و برای ملّت ایران و ملّت عراق، مایه‌ی عزّت و سربلندی و افتخار خواهد بود.» (بیانات در دیدار بسیجیان ۹۵/۰۹/۰۳)

هزینه‌کرد دشمنان برای تخریب جریان اربعینی

به‌طور قطع دشمنان اسلام در سایه غفلت برخی مسئولان برای فرصتی که اربعین حسینی برای ایجاد امت واحده الهی ایجاد کرده است، برنامه‌ریزی‌های کلانی انجام داده‌اند؛ ورود هالیوود برای ساخت فیلم **«اربعین بزرگ»** توسط «کاترین بیِگلو» کارگردان زن آمریکایی با هزینه‌ای بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار و نیز حضور صهیونیست‌ها در مسیر زائران حسینی می‌تواند زنگ خطری برای تهدیدات اربعینی باشد؛ ازاین‌رو می‌توان به‌راحتی نتیجه گرفت هزینه‌ای که دشمنان برای تخریب و تحریف جریان اربعینی تدارک دیدند، به‌مراتب بیشتر از آن مقداری است که ما برای استفاده از فرصت اربعینی انجام دادیم.

تداوم حضور در اربعین و ناکام‌ماندن توطئه دشمنان

اما رهبر معظم انقلاب نیز با اشاره به تهدیدات اربعین حسینی شرط ناکام ماندن توطئه دشمنان را تداوم این حرکت دانستند و فرمود «حالا در دنیا سعی می‌کنند که نگذارند این نورافکن قوی دیده بشود، لکن نمی‌توانند؛ دیده خواهد شد؛ سعی می‌کنند دیده نشود یا تحریفش کنند، [امّا] هیچ کدام به جایی نمی‌رسد؛ وقتی ادامه دادید حرکت را، ناچار، حقیقت خود را آشکار خواهد کرد». امیدواریم که مسئولان مربوطه موانع و سدّ پیشِ‌روی ملت ایران برای حضور در پیاده‌روی اربعین را هموار کنند.

یادداشت: سعید شیری

یادداشت (۶)
جستاری در حدیث اِنَّ الْحُسین مِصباحُ الْهُدی وَ سَفینَهُ النِّجاة و ارتباطش با اربعین

مقطع حرکت امام حسین علیه‌السلام از مدینه بسوی مکه و از آنجا به‌سمت کوفه مقطع بروز و ظهور عالی‌ترین مفاهیم و تربیتهای جاری شده بر بشریت و برترین خلایق بود. ماجرای قیام امام حسین علیه‌السلام نقطه عطف آغاز جلوه‌گری عالی‌ترین مفاهیم عالم از جمله فضل، حب، هدایت، شفاعت، رشد و رفعت توسط معلمی الهی بود، شاهد بر اینکه پس از شهادت حضرت شاهد تحرکات شیعیان و محبان عترت علیهم‌السلام در قالب قیامهای متعدد بودیم که عموماً تحت تأثیر حب و شفاعت امام حسین علیه‌السلام بر قلوب شیعیان صورت گرفت، هرچند که این قیامها ممکن است به‌صورت خودجوش و بی‌اذن امام سجاد علیه‌السلام صورت گرفته باشد.

شرط قرار گرفتن در صراط مستقیم، بهره از چراغ هدایت امام حسین علیه‌السلام

اما در این بین اندک افرادی توانستند از وجه هدایتی امام حسین علیه‌السلام بهره ببرند که مصداقش در آن دوران، یاران و اصحاب امام حسین علیه‌السلام بودند که توسط مربی الهی و امام عالم طوری رشد داده شدند که تا اعلی علیین رسیدند، بنابراین اینکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود « **انَّ الْحُسین مِصباحُ الْهُدی وَ سَفینَهُ النِّجاة**» ناظر بر این موضوع است. امام حسین علیه‌السلام از ازل همان چراغ هدایتی است که مسیر هدایت به صراط مستقیم را روشن کردند و بر اساس این حدیث هر کس در هر زمان و مکانی توفیق هدایت بسوی صراط مستقیم را یافت، مدیون امام حسین علیه‌السلام و وجه مصباح هدایتی حضرت است. چقدر زیباست که از این وجه به آیه « **إهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**» نگاه شود که در این صورت نماز خودمان را با امام حسین گره زده‌ایم، به این صورت که شرط هدایت به صراط‌المستقیم، بهره از وجه مصباح الهدایی امام حسین علیه‌السلام است.

حضرت ابوالفضل بیشترین بهره را از مصباح الهدی برد

حال از این منظر خواهیم دانست که تمام اصحاب امام حسین علیه‌السلام در واقع ذیل مصباح الهدایی حضرت رشد یافتند و هر کدام از ایشان در این میدان مسابقه به‌میزان بهره‌ای که از نور اباعبدالله علیه‌السلام بردند، هدایت بیشتری بر آنها جاری شد و زودتر در

صراط قرار گرفتند و خداوند بیشترین رشد را در آنها جاری کرد که در اوج اصحاب حضرت ابوالفضل علیه‌السلام بودند و پس از ایشان افرادی مانند زینب علیهاالسلام، علی‌اکبر علیه‌السلام، حبیب‌بن مظاهر و ... شاخص‌ترین افراد بین سایر اصحاب بودند که می‌توانیم بروز آن را در رفتار و کلام آنها در قبال امام حسین علیه‌السلام مشاهده کنیم.

همراه با کشتی نجات امام حسین علیه‌السلام تا ظهور

اما طبق حدیث رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وجه دیگری که خداوند برای امام حسین علیه‌السلام قرار داده است، وجه کشتی نجاتی حضرت است. در بزرگ‌ترین آزمون و فتنه بشری یعنی ماجرای قیام امام حسین علیه‌السلام و ماجرای عاشورا کسانی که سوار بر کشتی نجات امام حسین علیه‌السلام شدند، از طوفان بلایا در امان ماندند که این ماجرا تا آینده و رسیدن به دوران ظهور امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه) ادامه دارد. در واقع می‌توان گفت مردم همچنان که نیازمند چراغ هدایتی امام حسین علیه‌السلام هستند، در این مسیر باید دستگیری شوند تا با اندک فتنه‌ای از مسیر دور نشوند تا اینکه به ساحل نجات و آن سرزمین آرمانی یعنی سرزمین ظهور برسند.

اما خداوند برای اینکه وجه مصباح هدایتی و کشتی نجاتی حضرت را بیشتر نمایان کند، مقاطعی را در دنیا قرار داد تا نور امام حسین علیه‌السلام بیشتر بر عالم جاری شود تا کسانی که به دلیل ارتکاب گناهان و خطاها توسط اغوای شیاطین، حجابهایی مقابل نور هدایت الهی ایجاد کرده‌اند، بتوانند تحت تأثیر نور اباعبدالله همچنان که حجاب گناهان را می‌زدایند، از نور هدایتی امام علیه‌السلام بهره ببرند. در واقع وجه مصباح هدایتی امام حسین علیه‌السلام و کشتی نجاتی حضرت همیشه باید در کنار یکدیگر قرار داشته باشند، به این صورت که ابتدا توسط خداوند در کشتی نجات امام حسین علیه‌السلام قرار می‌گیرند سپس با چراغ هدایت امام مسیر هدایت بسوی صراط مستقیم را طی می‌کنند که در حدیث هم به زیبایی در کنار هم قرار داده شده‌اند.

می‌توان گفت ایام ماه محرم مقطع ظهور و بروز نور امام حسین علیه‌السلام است که شدت این بروز و ظهور را در ماجرای اربعین مشاهده می‌کنیم. خداوند شدت اثرگذاری نور امام حسین در دنیا و قلوب مردم را تا حدی زیاد می‌کند که حتی آن فرد مشرک یا کافر را از آن سوی دنیا تحت تأثیر قرار می‌دهد و به کاروان کربلا ملحق می‌کند.

اصحاب در کشتی نجات حسین علیه‌السلام به عالی‌ترین درجات رسیدند

ماجرای پیاده‌روی اربعین از این وجه بیشترین شباهت را به کاروان امام حسین علیه‌السلام در ماجرای قیام حضرت در سال ۶۱ هجری دارد. در اصل مصباح الهدا و سفینةالنجات لازم و ملزوم یکدیگر هستند، یعنی کسانی که می‌خواهند همواره از نور امام حسین علیه‌السلام بهره ببرند باید سوار بر کشتی نجات حضرت باشند و آن کسانی که می‌خواهند سوار بر کشتی نجات حضرت شوند، باید از وجه مصباح الهدایی امام علیه‌السلام بهره‌مند شوند. نمود و مصداق عینی آن را می‌توان در کاروان امام حسین علیه‌السلام و حتی پیاده‌روی اربعین یافت؛ مثلاً شخصی مانند حرّبن یزید ریاحی و زهیربن قین از جمله افرادی بودند که برای قرار گرفتن در کشتی نجات امام حسین علیه‌السلام تحت تأثیر نور حضرت قرار گرفتند و مسیر خود را یافتند. ایشان پاک طینتانی بودند که بیرون از کشتی نجات امام حسین علیه‌السلام بودند و هرچه زودتر باید در این کشتی قرار می‌گرفتند تا در معیت امام علیه‌السلام به عالی‌ترین درجات رشد برسند.

بشریت محتاج مصباح الهدا و کشتی نجات امام حسین علیه‌السلام هستند

از سوی دیگر حضرت ابواالفضل علیه‌السلام و علی‌اکبر علیه‌السلام که در کشتی نجات امام حسین علیه‌السلام قرار داشتند، برای تداوم ماندگاری در این کشتی نیاز بود همواره مورد نورافشانی مربی الهی یعنی امام علیه‌السلام قرار گیرند. در واقع در صحنه کربلا هر کدام از اصحاب به نحوی محتاج وجه مصباح هدایتی و کشتی نجاتی امام حسین علیه‌السلام بودند تا بتوانند درجات رشد را طی کنند و چقدر زیبا خداوند این دو وجه را در ماجرای کربلا تصویر کرد. حال خداوند متعال پس از هزار و چهارصد سال در این مقطع زمانی ماجرای اربعین را فرصتی برای تصویر وجه مصباح هدایتی و کشتی نجاتی امام حسین علیه‌السلام قرار داد، زیرا بسیاری از رفتارهایی که در ماجرای کربلا می‌خوانیم به نوعی در پیاده‌روی اربعین شاهدیم به این صورت که عده‌ای از اهل کتاب، کفار و حتی مشرکین از سراسر دنیا وارد کاروان امام حسین علیه‌السلام می‌شوند و همه در یک مسیر و با یک هدف مشترک مسیرشان را طی می‌کنند. خداوند متعال در ماجرای اربعین همچنان که نور هدایت حسینی را بیشتر می‌کند، اثرگذاری حب در قلوب مردم را نیز افزایش می‌دهد، زیرا تنها نور هدایت کفایت نمی‌کند و باید عامل تحرک مضاعفی باشد تا مردم بتوانند این مسیر را با توان بیشتری حرکت کنند که حبّ، بهترین محرک رفتن بسوی صراط است.

بنابراین ما جهت رفتن به صراط ظهور ـ که ماجرای پیاده‌روی اربعین طلیعه آن است ـ محتاج به امام حسین علیه‌السلام و نورافشانی و دستگیری حضرت برای قرار گرفتن در کشتی نجات هستیم و در این ایام باید از خداوند متعال عاجزانه درخواست کنیم بیشترین بهره را از دو وجه مصباح هدایتی و کشتی نجاتی امام حسین علیه‌السلام به شیعیان بدهد تا در پرتو آنها بتوانند زمینه‌ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه باشند. به این دلیل می‌بینیم که امام حسین علیه‌السلام بیشترین نقش را در برپایی امر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه داشتند و اصلاً خداوند به‌خاطر این موضوع بود که اینگونه خاصیتها را برای اباعبدالله علیه‌السلام قرار داد، شاهد بر اینکه ضمن حدیثی از امام محمد باقر علیه‌السلام در شرح خطبه‌امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا خطاب به اصحاب می‌خوانیم:
« فَأَخْرُجُ خَرْجَةً يُوَافِقُ ذَلِكَ خَرْجَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ قِيَامَ قَائِمِنَا وَ حَيَاةَ رَسُولِ اللَّهِ ص؛ من با حضرت امیر علیه‌السلام و قیام حضرت قائم[عج] و حیات پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خارج خواهم شد». (الخرائج و الجرائح، ج۲، ص۸۴۸ ـ مختصر البصائر، ص۱۳۹).

یادداشت (۷)

خون حسین می‌جوشد؛ نورحسین می‌تابد؛ پورحسین می‌آید

قیام اباعبدالله علیه‌السلام، قیامی منحصر در تاریخ نیست، بلکه ماجَرایی جاری در بستر آیندهٔ تاریخ است؛ به این معنا که قیام امام حسین و ماجرای کربلا یک پایان نبود، بلکه آغاز نهضتی بود که امتداد آن منجر به پیروزی کامل جبهه حق علیه جبهه کفر تا استقرار حکومت حقه الهی به‌فرماندهی امام عصر عجّل الله تعالی فرجه الشریف می‌شود؛ به این صورت که پس از شهادت امام حسین، نهضت‌های متعددی علیه حکومت وقت شکل گرفت تا حدی که پایه‌های حکومت بنی‌امیه را متزلزل کرد؛ همان بنی‌امیه‌ای که تا قبل از جریان عاشورا، جامعه اسلامی را تا حد اَمویّت و دشمنی با اهل‌بیت علیهم‌السلام تنزل داده بود.

در یک نگاه منطقی به تاریخِ پس از شهادت امام‌حسین به این نکته دست می‌یابیم که «به‌قدری بیداری در قلوب مردم شکل گرفت که جامعه اسلامی در کوتاه‌مدت بسوی محبت عترت گرایش یافت؛ این گرایش به‌قدری گسترده بود که عباسیان یا همان بنی‌العباس، با سوءاستفاده از آن، شعار خویش را «الرّضا مِن آل‌محمد» قرار داد و به این ترتیب، بنی‌امیه را کنار زد تا در مسند حکومت اسلامی قرار گیرد و بالاخره توانست در اوایل امامت امام صادق علیه‌السلام، مسند حکومت اسلامی را غصب کند.»

همچنین نهضت امام حسین علیه‌السلام در درازمدت، الگوی مناسبی برای بسیاری از نهضت‌های اسلامی و آزادی‌بخش شد که اوج آن را در نهضت الهیِ انقلاب اسلامی می‌بینیم؛ مواردی مثل حرکت جمعی و کاروانی، اطاعت و تبعیت، ایثار، جانبازی، وفاداری، شجاعت، استقامت و غیره، از گزاره‌های مشترک هر دو نهضت شناخته می‌شوند؛ از این جهت است که امام خمینی(ره) انقلاب را پرتوی از عاشورا معرفی کرده و فرمود «**انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است**»، در این نوع نگاهِ امام بزرگوار ما، عاشورا به‌برکت امام‌حسین، چشمه‌ای از نور است که باعث رویش انقلاب‌های الهی و با پشتوانه‌ای از نور می‌شود؛ با این نوع نگاه است که انقلاب اسلامی انفجار نور شناخته می‌شود.

از یک منظر معرفتی می‌توان گفت امام‌حسین علیه‌السلام نوری جاری در عالم است که این نور هیچگاه به خاموشی نمی‌رود و در هر بار، قلوب پاک‌طینتان عالم را مورد

تحول قرار می‌دهد و زمینه‌های رفعت معنوی آنها را فراهم می‌کند؛ همچنین این نور عظیم آسمانی و پیوسته جاری در عالم هستی، در هر بار، ظلمت‌ها را کنار زده و امت‌های حق‌طلب را به پیروزی و سرافرازی می‌رساند؛ از این جهت در زیارتنامه‌ای منسوب به اهل عترت علیهم‌السلام می‌خوانیم (**السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا نُورَ اللَّهِ الَّذِی لَایُطْفَی**؛ سلام بر تو ای نور خدا که خاموش نشود)؛ این فراز از زیارتنامه می‌تواند اشاره‌ای به این آیه از قرآن باشد که خداوند فرمود « **یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ**؛ می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند، در حالی که خداوند کامل‌کننده نور خود است، گرچه کافران خوش نداشته باشند»، همچنان که امام کاظم در تفسیر این آیه فرمود: مقصود این است که می‌خواهند ولایت امیرالمؤمنین را با دهان‌های خود خاموش کنند؛ «**یُرِیدُونَ لِیُطْفِئُوا وَلَایَةَ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ بِأَفْوَاهِهِم**» سپس راوی می‌گوید درباره ادامه آیه یعنی «و خدا تمام‌کننده نور خویش است، **وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ**» از ایشان پرسیدم و امام فرمود «**خدا کامل‌کننده امامت است و امامت همان نور است؛ وَ اللَّهُ مُتِمُّ الْإِمَامَةِ وَ الْإِمَامَةُ هِیَ النُّورُ**»؛ این گفته خدای عز و جل است که « **فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنا**؛ به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستادیم، ایمان بیاورید.»، فرمود: نور، همان امام است.

با این تعریف:

اگر کربلا برترین مکان عالم شناخته شد و اگر خداوند به این زمین مبارک عظمت بخشید و آن را رفعت داد، به‌برکت تابش انوار مقدس امام‌حسین بر این سرزمین مبارک است و اگر اصحاب امام‌حسین در اندک مدتی به بالاترین درجات معنوی دست یافتند تا اعلی علّیین اوج گرفتند، تحت تربیت‌های نورانی آن حضرت صورت گرفت.

از این جهت هم کربلا چشمه ارزش‌ها شد و هم اصحاب امام‌حسین سرچشمه تمام نیکی‌ها و الگویی برای حق‌طلبان عالم شناخته شدند، الگوهایی که نور امام‌حسین از باب ایشان به عالم ساطع می‌شود که در اوج ایشان قمرالحسین یعنی ابوالفضل العباس قرار دارد.

بنابراین، نوع نگاه ما به امام حسین و ماجرای عاشورا باید فرازمانی و فرامکانی باشد تا بتوانیم همواره از ارزش‌ها و هدایت‌های آن بهره ببریم؛ کسانی که از منظر «نور» به اهل‌بیت و امام‌حسین می‌نگرند، افرادی‌اند که زمینه بهره از هدایت‌های حسینی را برای خویش فراهم می‌کنند؛ برای چنین افراد مؤمنی، این روایت نبوی

به‌صورت ملموس نمود دارد که فرمود: «**إنَّ الحُسین مِصباحُ الهُدَی و سَفینةُ النَّجاة**» و این نور نه‌فقط منحصر در سال ۶۱ هجری، بلکه نوری پیوسته جاری در تمام تاریخ گذشته و آینده است. برای چنین افرادی ایام اربعین، تداوم نور الهی در عالم است که آغاز آن به جریان عاشورا و کربلا بازمی‌گردد؛ نوری که پاک‌طینتان عالم را از سراسر دنیا و با هر دین و آیین و نژادی جذب خویش می‌کند و بسوی نابودی بدان و بدی‌ها و پس از آن بسوی بسترسازی ظهور امام عصر(عجل الله تعالی فرجه) هدایت می‌کند.

یادداشت: سعید شیری

یادداشت (۸)
سبک زندگی اربعینی: جاذبه تکریم درافق پیش روی جوامع اسلامی

ایام پیاده‌روی اربعینی مقطعی است که می‌توان از آن به‌عنوان فرصتی جهت رشد و ارتقای صفات اخلاقی و رفتاری در ابعاد فردی و اجتماعی, در پرتو انوار مقدس الهی یاد کرد؛ در واقع می‌توان گفت خداوند متعال صحنه‌ای عملی پیش روی بشریت قرار داده است، طوری که انسان‌ها در پرتو آن می‌توانند به بهترین الگوها و سبک زندگی در راستای تقویت ایمان و باورهای دینی و نیز اصلاح و ارتقای صفات اخلاقی و رفتاری دست یابند.

از اولین گزاره‌هایی که در جامعه اربعینی برای زائران نمود دارد، تکریم است؛ واژه تکریم در لغت به معنای گرامی داشتن، احترام کردن و نیکویی رساندن به انسان است و در اصطلاح، برخوردها، رفتارها و روابط مبتنی بر ارج نهادن انسان‌ها به یکدیگر را تکریم گویند؛ این خصلت، همان گزاره‌ای است که خداوند انسان را به آن آراست، آنجا که فرمود « **وَ لَقَدْ کَرَّمْنا بَنی آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلی کَثیرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضیلاً**؛ به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا نشاندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خویش برتری دادیم.» (اسراء۷۰)

این مسئله ما را به این موضوع رهنمون می‌کند که اساس رفتار خداوند با انسان‌ها مبتنی بر تکریم آنها است، مسئله‌ای که عمده افراد در تعاملات اجتماعی خویش به آن توجهی ندارند و در برخی قوانینمان نادیده گرفته شده است. باید دید چه حجمی از اخلاقیات خانوادگی و نیز قوانین جامعه اسلامی ما مبتنی بر تکریم است؟! به‌عنوان نمونه رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در روایتی، انسان‌ها را دعوت به تکریم نسبت به فرزندان می‌کند و می‌فرماید «**فرزندان خود را گرامی بدارید و با آداب نیکو با آنها معاشرت کنید تا خداوند شما را بیامرزد؛ أکْرِمُوا أولادَکُم وَ أحسِنُوا آدابَهُمْ یُغْفَرْلَکُم.**» (مکارم الأخلاق، ص۲۲۲) یا درباره اهمیت کرامت مهمان فرمود «**هر کس به خدا و روز قیامت ایمان آورده است، باید میهمانش را اکرام کند؛ مَن کانَ یُؤمنُ بِاللّهِ وَالیَومِ الآخِرِ فَلیُکْرِمْ ضَیْفَهُ**» (الکافی (ط ـ الإسلامیة)، ج۲، ص۶۶۷).

حال، در جامعه اربعینی شاهدیم که زائران، هر کدام به اندازه وُسع خویش سعی در تکریم یکدیگر دارند و در این مسیر می‌کوشند گوی سبقت را از یکدیگر بربایند. تجربه جامعه اربعینی نشان می‌دهد هرکجا انسان‌ها مورد تکریم قرار گرفتند، سریع‌تر بسوی ارزش‌های دینی و اخلاقی سوق یافتند؛ بنابراین مناسب است که از این الگوی عملی و تجربه‌شده، در راستای اصلاح سبک زندگی در بستر خانوادگی و اجتماعی و نیز قوانین مدنی بهره گرفت تا قوانینی مبتنی بر کرامت انسان‌ها اِعمال شود.

یادداشت(۹)

سبک زندگی اربعینی: منش «زهراوار» میزبانان و زائران اربعین

یکی از زیباترین ارزش‌های دینی، مسئله ایثار و از خودگذشتگی در قبال مردم است؛ این خصلت که همواره ملازم شهادت است، گستره‌ای به وسعت همین مفهوم دارد؛ ایثار به قدری اهمیت دارد که خداوند در آیاتی از قرآن به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به آن اشاره داشته است، به‌عنوان مثال خداوند در آیات ۸ و ۹ سوره "حَشْر" از گروهی صحبت می‌کند که اهل ایثار و بذل و بخشش به دیگرانند و آنها را در بهره‌برداری از غنائم بر خود مقدم می‌کنند.

در این آیات می‌خوانیم:

« **لِلْفُقَراءِ الْمُهاجِرينَ الَّذينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ وَ أَمْوالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَ رِضْواناً وَ يَنْصُرُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولئِكَ هُمُ الصَّادِقُون**؛ [بخشی از غنایم] برای فقیران مهاجری است که آنان را از دیار و اموالشان بیرون کردند، در حالی که آنان فضل و خشنودی خدا را می‌جویند و خدا و پیامبرش را یاری می‌کنند؛ اینان در ادعای ایمان داشتن راستگویند.»

«**وَالَّذينَ تَبَوَّؤُا الدَّارَ وَ الإيمانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لايَجِدُونَ فى صُدُورِهِمْ حاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُؤْثِرُونَ عَلى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ**؛ و [نیز برای] کسانی [از انصار است] که پیش از مهاجران در سرای هجرت و ایمان [یعنی مدینه] جای گرفتند، [و] کسانی را که به‌سوی آنان هجرت کرده‌اند دوست دارند و در سینه‌های خود نیاز و چشم‌داشتی به آنچه به مهاجران داده شده است نمی‌یابند و آنان را بر خود ترجیح می‌دهند، گرچه خودشان را نیاز شدیدی [به مال و متاع] باشد و کسانی را که از بخل و حرصشان بازداشته‌اند [بر همه موانع و مشکلات دنیا و آخرت] پیروزند.

درباره این آیه نقل است: گرسنه‌ای در مسجد مدینه به‌پا خاست و گفت، ای مسلمانان از گرسنگی به تنگ آمده‌ام مرا مهمان کنید. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: چه کسی این مرد را امشب مهمان می‌کند؟ امام علی علیه‌السلام فرمود: من یا رسول‌الله کمی بعد وارد منزل شد و از فاطمهٔ زهرا علیهاالسلام پرسید: آیا غذایی در منزل داریم؟ مهمان گرسنه آورده‌ام. حضرت زهرا علیهاالسلام ایثارگرانه فرمود: در خانه ما غذایی نیست، مگر به اندازه خوراک دختربچه، اما امشب ایثار می‌کنیم و گرسنگی را تحمل می‌کنیم و

همین مقدار غذا را به مهمان می‌بخشیم؛ «**مَا عِنْدَنَا إِلَّا قُوتُ الصِّبْيَةِ لَكِنَّا نُؤْثِرُ ضَيْفَنَا.**» علی علیه‌السلام گفت: بچه‌ها را بخوابان و من چراغ را برای مهمان خاموش می‌کنم. فاطمه علیهاالسلام چنین کرد و به مهمان غذا دادند، چون صبح شد، خداوند درباره آنان این آیه را نازل کرد «**وَ يُؤْثِرُونَ عَلى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ**؛ و آنان را بر خود ترجیح می‌دهند، گرچه خودشان را نیاز شدیدی باشد» (حشر، آیه ۹) (الامالی طوسی، ص۱۸۵؛ وسائل الشیعه، ج۹، ص۴۶۲)

پیاده‌روی اربعین حسینی، مقطعی است که می‌توان این ویژگی را **به‌وضوح** مشاهده کرد؛ زائران اربعینی هر کدام به اندازه وُسع خویش سعی دارند از داشته‌های مادی‌شان بگذرند و نثار دیگران کنند؛ در اوج این افراد، مردم عراق قرار دارند که با ایثار خویش از مدت‌ها قبل سفره کرامتشان را برای زوار اباعبدالله علیه‌السلام می‌گسترانند و صحنه‌ای پر شور و احساسی را در عالم رقم می‌زنند، بنابراین مقطع پیاده‌روی اربعین تجسم حقیقی ایثار و فداکاری است.

د) تصاویر

مجموعه آثار نقاشی عبدالحمید قدیریان (هم‌پای نور)

آن زمان که روح خدا (ره)، برایمان از نور خدا می‌گفت و اینکه نور خدا در کشور ایران، تجلی یافته، گویی بی‌تاب آن بودیم تا تأثیراتش را بیابیم؛ به دنبال آن، ماجراهای مهمی در خلال دوران گام اول انقلاب واقع شد که جز با چنین نگاهی، نمی‌توانستیم توصیف‌شان کنیم. از ماجرای طبس که دست نورانی خدا شن‌ها را بسوی دشمن روانه کرد و محاسبات و نقشه‌های آن را به هم ریخت تا امروز که بارها و بارها رهبر معظم انقلاب از دست قدرت الهی در ماجراهای مهم کشور، می‌فرمایند که اینها عموماً صحنه‌های تجلی این نور در شدائد بود.

اما حتی وقتی که به ظاهر هم ماجرایی در پیش نباشد، فکرو ذهن شیفتگان روح خدا و خلف صالحش آرام و قرار ندارد، زیرا توجهشان بسوی مقوله‌ای جلب شده که تا به آن نرسند، آرام نمی‌یابند. اینکه منبع آن نور کجاست، از کدام دریچه و در کدام زمانها بیشتر می‌تابد؟ چطور می‌توان با آن نور، آشنا شد؟ انس گرفت؟ همراه شد؟ و چه بسا به توفیق الهی، هم‌پا شد؛ "هم‌پای نور"

عبدالحمید قدیریان

در قدر

طلیعه شهادت

والفجر

در محضر

صبح ظهور

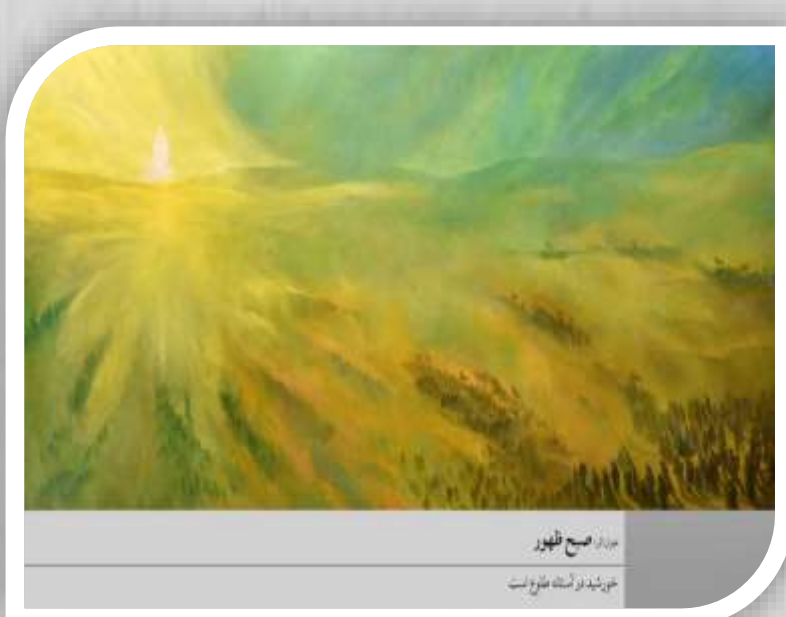

به سوی فرات

پر کن پیاله را

پر کن پیاله را

انتخاب حر

تصویر از: **انتخاب حر**

چیزی مرا به سوی خود می‌کشد.